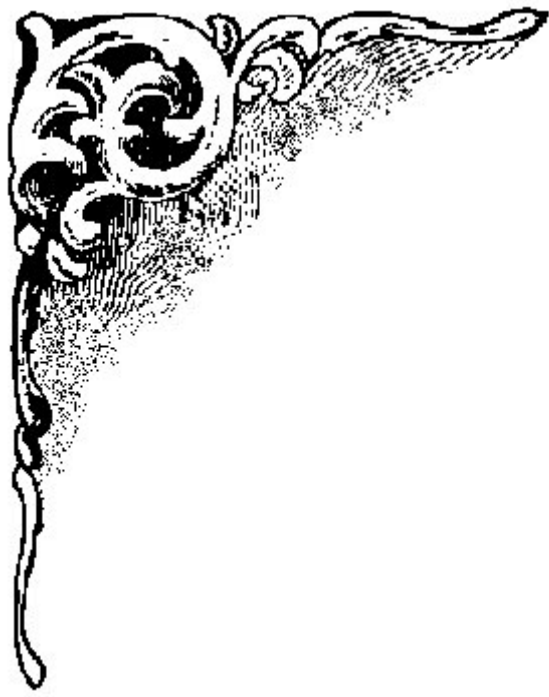
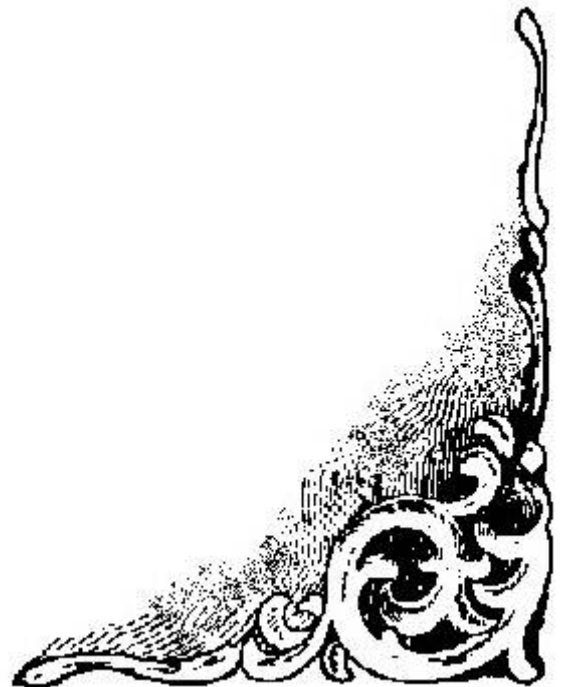




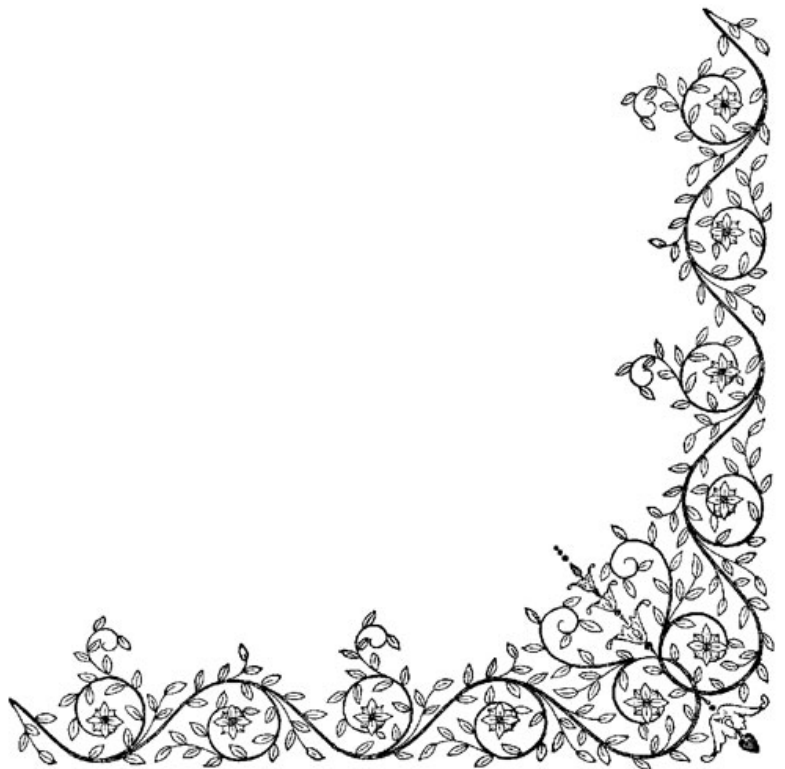
سَبِّکِ شِنَاسِی کُتُبِ حَدِیثِی

حجت الاسلام مهدی غلامعلی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



جلسه اول

کلیات و روشهای بررسی سبکها

اهداف درس

- ✓ آشنایی با اصطلاحات اولیه سبک‌شناسی؛
- ✓ شناخت جایگاه و ضرورت بحث؛
- ✓ آگاهی از پیشینه سبک‌شناسی؛
- ✓ آشنایی با گونه‌های دسته‌بندی کتابهای حدیثی.

مقدمه

دانش حدیث از اساسی‌ترین علوم اسلامی است. اندیشمندان و عالمان فرهیخته از همان صدر اسلام همت خویش را بر تعلیم و تعلم و نیز حفظ و تنظیم نوشتاری احادیث مصروف داشتند. رهاورد این تلاشها نگارش صدها عنوان کتاب حدیثی است که دسته‌ای از آنها هنوز زینده محافل علمی ما است و پاره‌ای دیگر قربانی ناملایمات روزگار گردیده‌اند.

در نگاهی گذرا به مجموعه نوشتارهای حدیثی درمی‌یابیم که مؤلفان، آنها در تدوین و ارائه حدیث روش یکسانی در پیش نگرفته‌اند و معمولاً هر کدام برای خویش شیوه‌ای ابداع کرده و یا پیروی از شیوه پیشین را برگزیده‌اند. از این رو امروزه می‌توانیم با بررسی این نگارشها و گونه‌شناسی آنها شاهد دانشی باشیم که از فرایند روشهای نگارشی حدیث پدید می‌آید، و ما آن را با عنوان «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» معرفی می‌کنیم.

در این دانش نوپدید نیز همچون علوم دیگر، باید چهار بحث را بررسی کنیم: تعریف، موضوع، اهداف و تاریخچه.

تعریف و موضوع

سبک‌شناسی در علوم حدیث به دو معنا است:

- ۱- سبک‌شناسی کتابهای حدیثی: مقصود از آن، شناخت قالبهای از پیش تعیین شده مؤلفان و مصنفین در چینه احادیث به هنگام ارائه آنها و به تعبیر دیگر شناخت شیوه نگارشی حدیث‌نگار است.
- ۲- سبک‌شناسی متون احادیث: مقصود از آن آشنایی با گویشها (اسلوب گفتاری و چگونگی بیان معصومان

– علیهم السلام –) و قرائن محیطی – تاریخی هر معصوم است؛ به گونه‌ای که بتوان با بررسی متنی و کاوش در مفردات روایت، انتساب آن را به معصوم (علیه السلام) حدس زد. حصول این آشنایی در گرو صرف عمری نه چندان کوتاه در بازخوانی متون روایی است. بیشترین بهره‌ای این شناخت در تصحیح متون روایی و شناخت احادیث جعلی است.

گفتنی است که آنچه این درس دنبال می‌کند «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» است نه «سبک‌شناسی متون احادیث»؛ بنابراین، از این پس هرگاه عبارت «سبک‌شناسی» به صورت مطلق در این نوشتار به کار رود منظور ما معنای اول است که بدان اشاره شد. توضیح دو بخش از تعریف «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» ضروری است:

قالبهای از پیش تعیین‌شده

منظور از عبارت بالا این است که گاه مؤلف قالب و پیکره‌ای را پی می‌افکند و سپس احادیث را در آن پیکره گنجانده و به خوانندگان ارائه می‌دهد و گاه مؤلف پیرو قالبی است که دیگران آن را پی نهاده‌اند. بنابراین، مؤلف نباید از آن قالب معین، عدول کند و باید از آوردن احادیث به گونه‌ای که با اسلوب و قواعد او سازگار نیست، خودداری کند.

چینش احادیث

«سبک‌شناسی» در حقیقت شناخت شیوه و روش قرار دادن و تنظیم احادیث است که مؤلف در صورت و هیئت ظاهری کتاب آن را دنبال می‌کند. ولی باید این نکته را هم در نظر داشت که این شیوه‌ها تراوشهایی برخاسته از طرز فهم، درک و تفکر شخصی نویسنده است. اینک با توجه به بیانی که در تعریف این دانش آوردیم سبک‌شناسی آشکار می‌شود؛ موضوع این دانش عبارت است از «کتابها و نگارشهای حدیثی».

اهداف

الف) روشمند شدن پژوهشها

دستیابی به روایات در تمام علوم اسلامی ضروری است. این دستیابی بدون آشنایی با کتابهای حدیثی و سبکهای نگارشی دشوار و نافرجام است. تمامیت یک پژوهش وقتی حاصل می‌شود که پژوهشگر تمامی منابع مربوط را کاویده باشد. سبک‌شناسی به پژوهشگر این امکان را می‌دهد که به صورت روشمند و آسان به منابع پژوهشی خویش دست یابد و این از مهم‌ترین هدفهایی است که این دانش دنبال می‌کند.

برای نمونه پژوهشگری که در پی احادیثی است تا عده‌ای را به یک عمل پسندیده ترغیب کند، پس از آشنایی با سبک «ترغیب و ترهیب» با مراجعه به کتابهایی نظیر: محاسن، ثواب الأعمال و یا کتاب الترهیب و الترهیب به مقصود خویش نائل می‌گردد و پژوهشگری که موضوع «فضیلت زیارت معصومان (علیهم السلام)» را کاوش می‌کند، پس از آشنایی با دو سبک «مزارنویسی» و «فضائل‌نگاری و مناقب‌نویسی» و بازشناسی کتابهای نوشته‌شده در این قالبها، احادیث این موضوع را به راحتی گردآوری می‌کند.

ب) شناخت علل ظهور و افول سبکها

اگرچه دانشهای منبع‌شناسی و تراجم^۱ خود به طور مستقل قابل عرضه‌اند، اما ناگزیر در سبک‌شناسی به این دو دانش نیز پرداخته می‌شود و خواننده را تا حدود زیادی از پیگیری مستقل این دو دانش بی‌نیاز می‌سازد. بنابراین در دامنه همین درس دانشجویان با بیش از پنجاه مؤلف و پنجاه منبع از کتابهای ارزشمند حدیثی آشنا خواهند شد.

همچنین در این مجموعه درسها، می‌توان با بررسی آثار مؤلفان به میزان توجه، دقت و نبوغ آنان در ابداع سبک یا تألیف کتاب پی برد. برکات این آشناییها در درسهای آینده آشکار خواهد شد.

ج) شناخت شیوه‌های گوناگون

دانشجو می‌تواند با شناخت گونه‌های نوشتاری کتابها و نگارشهای حدیثی در دوره‌های مختلف به این آگاهی دست یابد که کدام سبک در امتداد سبک دیگر طلوع کرده و یا چه مسائلی سبب افول سبک ویژه‌ای شده است؛ به عبارت دیگر این دانش کمک می‌کند تا کتابهای حدیثی را از منظری دیگر تحلیل کنیم.

د) احیای سبکهای پیشین

یکی دیگر از اهداف این دانش، کاربرد و احیای سبکهای پیشین است. دانشجویانی که قصد دارند به عرصه تدوین، تألیف یا نقد احادیث گام نهند باید تا با سبکهای نگارشی آشنا باشند؛ همان‌گونه که یک شاعر و ادیب در تألیفات و اشعار خویش از سبکهای شاعران و ادیبان پیشین بهره می‌برد، یک حدیث‌پژوه ماهر نیز باید خوشه‌چین محدثین و مصنفین پیشین باشد. در عصر حاضر با توجه به نیازهای زمانه بسیاری از سبکهای نگارشی پیشینان توسط حدیث‌پژوهان شیعه و سنی احیا شده است. بنابراین دانستن سبکها ما را در زمینه‌چینی و بسترسازی برای آفرینش تألیفات جدید یاری می‌رساند.

ه) آشنایی با تاریخ تدوین حدیث

بررسی سبکهای نگارشی حدیث در بستر تاریخ خوانندگان را با فراز و نشیبهای نگارش حدیث آشنا می‌سازد. این آشنایی به دانشجو کمک می‌کند تا بتواند تمام قرن‌ها را از منظر فعالیتهای نگارش حدیث ارزیابی کند. مثلاً بررسی کتابهای حدیثی قرن سوم تا پنجم نشانگر دوران شکوفایی نگارش حدیث در میان شیعیان است؛ چراکه در این دوران دهها کتاب و رساله در قالب سبکهای متعدد هویدا شده‌اند. ولی در قرنهای ششم تا نهم شاهد دوران فترت و رکود نگارشهای حدیثی شیعیان هستیم.

و) بررسی تطبیقی سبکها

تفاوت سبک فرقه‌ها (شیعه و سنی) وقتی آشکار می‌شود که مجموعه سبکهای هر گروه با یکدیگر مقایسه

۱. تراجم دانشی است که احوال و زندگانی دانشمندان و عالمان را بررسی می‌کند.

شوند. در این صورت می‌توان درستی یا نادرستی بعضی نظریه‌های کتاب‌شناختی را بررسی کرد.^۲

ز) شناخت سبک‌های منسوخ

از پاره‌ای سبک‌ها تنها نامی در میان صفحات کتابهای فهرست و رجال باقی مانده است؛ چراکه از بین رفتن نگارشها و کتابهای هر سبک دسترسی به چگونگی آن شیوه را ناممکن کرده است. در این دانش از عناوین این‌گونه سبک‌ها نیز یاد خواهد شد.

واژگان

واژگان اساسی در دانش «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» عبارت‌اند از:

الف) سبک:^۳ فرهنگ‌نامه‌نویسان این واژه را برگرفته از زبان عربی دانسته و آن را «گداختن چیزی پس از ریختن»^۴ «ذوب کردن، شکل دادن، آراستن، شیوه نیک دادن»^۵ و «شیوه، طرز، قاعده و اسلوب»^۶ معنی کرده‌اند.

در توضیح اجمالی این اصطلاح نیز گفته‌اند:

شیوه مشخصی که در انجام گرفتن کاری یا ساخته شدن چیزی به کار می‌رود.^۷
در میان ایرانیان، ادیبان معاصر، نخستین کسانی هستند که به این واژه عنایت و توجه ویژه‌ای کرده‌اند. آنان این واژه را در ادبیات فارسی به کار گرفته‌اند. ملک الشعرای بهار در توضیح این واژه چنین می‌نویسد:
سبک در لغت تازی به معنی گداختن و ریختن زر و نقره است و «سبیکه» پاره نقره گداخته را گویند. ولی ادبای قرن حاضر سبک را مجازاً به معنی «طرز خاصی از نظم یا نثر» استعمال کرده‌اند و تقریباً آن را در برابر «ستیل Style» اروپاییان نهاده‌اند.^۸
اما با گذشت زمان این واژه در خدمت تمامی دانشها قرار گرفت و معمولاً آن را همان راه و رسم و روش و اسلوب می‌دانند.^۹

در دانش سبک‌شناسی کتابهای حدیثی نیز مقصود ما از «سبک» شیوه، روش، شکل و قالبی است که مؤلفان و مصنفان برای کتابهای خویش برگزیده و احادیث را در همان پیکره و قالب ویژه ارائه می‌کرده‌اند.

۲. مثلاً بعضی بر این باورند که سبک‌های اهل سنت بیشتر شکلی و صوری است و سبک‌های شیعیان بیشتر محتوایی است.

۳. Sabk.

۴. علی اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ج ۹، ص ۱۳۴۱۲.

۵. آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر، ذیل واژه.

۶. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۰۱۶.

۷. همان.

۸. محمد تقی بهار، سبک‌شناسی، ج ۱، ص ۱۷.

۹. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۵، ص ۴۰۱۶.

گفتنی است که در دامنه‌ی درسهای سبک‌شناسی گاه واژگانی نظیر «شیوه» «روش» و «گونه» جایگزین واژه‌ی سبک خواهد شد.

(ب) حدیث: مقصود از حدیث، سخن معصوم (علیه السلام) یا گزارش گفتار، رفتار و تقریر معصوم است.^{۱۰}
(ج) کتابهای حدیثی: مقصود اصلی از کتابهای حدیثی نگارشهایی است که بیشتر متن خود را به احادیث اختصاص داده‌اند.

بنابراین بخشی از کتابهایی که مستقیماً دربردارنده‌ی حدیث نیستند ولی در خدمت حدیث‌اند در این تعریف جای نمی‌گیرند؛ مانند کتابهای رجال و درایه.

از این رو بیشتر کتابهای «علوم حدیثی» در شمار دانش «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» نمی‌گنجد و سبک این‌گونه کتابها در این مباحث، به تسامح مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تاریخچه

اگرچه نمی‌توان محدثان را نخستین مؤلفان دانست، چرا که پیش از آنها کتابهای فراوان دیگری نوشته شده و قالبها و سبکهای گوناگونی برای ارائه‌ی گفتارها و نظریات وجود داشته است، اما جمع‌آوری سخنان فردی دیگر، به ویژه سخنان مقدس و پراهمیت او، و سپس ارائه‌ی نظام‌مند آن، حداقل در دین اسلام و شبه‌جزیره‌ی عربستان، همزاد نگارشهای حدیثی است.

الف) پیشینه‌ی سبک

با توجه به تعریف «سبک‌شناسی»، که در ابتدای درس بیان شد، درمی‌یابیم که سبکهای نگارشی کتابهای حدیثی هم‌زمان با کتابت و تدوین نوشتارهای حدیثی آغاز شده‌اند؛ زیرا برخی مؤلفان و مصنفان حدیث، قالب و پیکره‌ای راه، هرچند ساده و بسیط، برای دفترچه‌ی حدیث خود برگزیده بودند.
بنابراین پیشینه و تاریخ سبک به همان سالهای آغازین کتابت حدیث باز می‌گردد و از آنجا که «اصول» و «اجزاء» در شمار نخستین نوشتارهای حدیثی مسلمانان هستند می‌توان گفت که سبکهای «اصل‌نویسی» در میان شیعیان و «جزء‌نویسی» در میان سنیان، نخستین سبکهای ابداعی برای ارائه‌ی حدیث است.

اولین گامها

در این راستا، اولین گامها با نگارشهایی ساده و بی‌نقش و نگار برداشته شد و بعدها این نوشته‌ها تنظیمهای گوناگونی را به خود دید و آهسته آهسته به شکوفایی رسید که در درسهای آینده آن را بررسی خواهیم کرد.
واقعیت آن است که وقتی سبکی ارائه و برخی مزیت‌های آن آشکار می‌شد، جمعی از نویسندگان به پیروی از آن سبک کتابهای دیگری را تدوین و عرضه می‌کردند.

۱۰. شیخ بهایی، الوحیة، ص ۴؛ مقباس‌الهدایة، ج ۱، ص ۵۷.

بررسی کتابهای فهرست، ما را به این مطلب رهنمون می‌کند که فهرست‌نویسان به سبک‌شناسی کتابهای حدیثی توجه داشته‌اند؛ از این رو گزارشهای آنان شاهد خوبی بر وجود سبکهای آغازین است. اینک چند نمونه از این شواهد را بررسی می‌کنیم:

نمونه اول: شیخ طوسی و نجاشی از شیوه کتابت «حسین بن سعید» به عنوان یک سبک یاد می‌کنند. چه اینکه او سی کتاب را در سی موضوع به شیوه‌ای بدیع تألیف کرد. شیوه او نخستین پایه‌های بنیادین کتابهای جوامع گردید. از این رو نجاشی (م ۴۵۰ هـ) و شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ) در توصیف افرادی چون یونس بن عبدالرحمن^{۱۱} (م ۲۰۸ هـ)، صفوان بن یحیی^{۱۲} (م ۲۱۰ هـ)، محمد بن سنان^{۱۳} (م ۲۲۰ هـ)، علی بن مهزیار^{۱۴} (قرن سوم هجری)، محمد بن اورمه^{۱۵} (قرن سوم هجری)، محمد بن حسن صفار^{۱۶} (م ۲۹۰ هـ) و ... گفته‌اند: له (مثلاً لصفوان بن یحیی) کتب، مثل کتب الحسین بن سعید؛ او کتابهایی همانند کتابهای حسین بن سعید دارد.

و یا نوشته‌اند:

له (مثلاً لصفوان بن یحیی) کتب الثلاثین مثل کتب الحسین بن سعید» او نویسنده کتابهای سی‌گانه‌ای همانند کتابهای حسین بن سعید است.

چنین گزارشهایی از دو فهرست‌نگار قرن پنجم، نمایانگر آن است که «سبک نگارشی حسین بن سعید» کاملاً شناخته شده و مورد توجه اندیشمندان و عالمان سترگ جامعه آن روز بوده و تبعیت دیگران از این سبک شاهی بر این مدعا است.

در رجال نجاشی و فهرست شیخ طوسی تعبیری این‌گونه، و البته محدود، به چشم می‌خورد.

نمونه دوم: «مشيخه‌نویسی» یکی از سبکهای نگارشی کتابهای علوم حدیث است. حسن بن محبوب کتابی را با همین عنوان نوشته است. نجاشی در معرفی «جعفر بن بشیر» می‌نویسد: «او نویسنده کتابی با عنوان المشيخه است که همانند کتاب حسن بن محبوب است»^{۱۷}.

نمونه سوم: «جامع‌نویسی» یکی دیگر از سبکهای نگارشی حدیث است و کتاب محاسن در زمره این‌گونه نگارشها است.

جامعیت این کتاب، در نگاه دقیق شیخ طوسی روشن و هویدا است. بنابراین او در ضمن بیان عناوین نگارشهای «ابن عقیده» به کتاب الآداب اشاره می‌کند؛ چراکه همان ویژگی جامعیت محاسن را داراست:

له کتاب الآداب، و هو کتاب کبیر یشتمل علی کتب کثیرة مثل کتاب المحاسن؛^{۱۸}

کتاب الآداب اثر او است و آن کتابی بزرگ، همانند کتاب محاسن، است که دربردارنده مجموعه‌ای از کتابها (و ابواب) است.

۱۱. همان، ص ۲۶۶.

۱۲. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۴۶.

۱۳. همان، ص ۲۱۹.

۱۴. نجاشی، الرجال، ص ۲۵۳.

۱۵. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۲۲۰.

۱۶. همان، ص ۲۲۰.

۱۷. نجاشی، الرجال، ص ۱۱۹.

۱۸. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۷۴.

همچنین ابن‌ندیم (۴۳۸ هـ)، نویسنده کتاب مشهور *الفهرست*، در تنظیم کتاب خویش به گونه‌ای ابتدایی به سبک‌شناسی محتوایی کتابها پرداخته است. این شیوه هرچند بسیار ساده و بسیط است، ولی چون از نخستین گامهایی است که به سبک‌شناختی منتهی می‌شود، قابل ستایش است. البته باید اعتراف کرد که پژوهش او را نمی‌توان کتاب سبک‌شناسی دانست.^{۱۹}

نتیجه

از نوشتارهای فهرست‌نویسان نخستین برمی‌آید که:

- ۱- سبکهای گوناگونی در میان اصحاب قلم معروف بوده است.
- ۲- فهرست‌نویسان نیز با سبکها، آشنایی لازم را داشته‌اند.
- ۳- فهرست‌نویسان کتابها را از جهت سبک نگارش نیز مورد توجه قرار می‌دادند؛ بنابراین آنان نخستین سبک‌شناسان بودند.

سبکهای «اصل‌نویسی» در میان شیعیان و «جزء‌نویسی» در میان سنیان نخستین سبکهای ابداعی برای ارائه حدیث بوده است.

ب) تاریخچه سبک‌شناسی کتابهای حدیثی

دانش سبک‌شناسی دانشی نوپدید است که با بسیاری از دانشها در حال تعامل می‌باشد. این دانش در ایران نخستین بار در زبان ادیبان قرن حاضر رواج یافت. نویسنده کتاب *سبک‌شناسی* می‌نویسد:

یکی از فنون ادبی فارسی که متأسفانه خاورشناسان و ایرانیان تا دیروز از آن بی‌خبر بودند و در قرن اخیر مَطْمَح^{۲۰} نظر ادبا قرار گرفت. این فن تا این اواخر به صورت علوم درسی بیرون نیامده بود و فقط سینه به سینه و گاهی در مقدمه بعضی از تذکرها و یا در محافل ادبی عنوان می‌شد و آن فن «سبک‌شناسی» است.^{۲۱}

با گذشت زمان فن یا دانش سبک‌شناسی در خدمت علوم دیگر قرار گرفت و گستره این بحث به علوم قرآن و حدیث نیز کشیده شد. در علوم قرآن تاکنون نگارشهای مختلفی انجام شده است که بیانگر شیوه‌ها و سبکهای مختلف در علوم قرآنی و کتابهای مربوط به آن است.

۱۹. ابن‌ندیم کتاب خویش را به ده بخش (یا مقاله) تقسیم کرده، و هر یک را، به یک موضوع نگارشی اختصاص داده است. سپس هر بخش را به چند «فن» تقسیم کرده که معمولاً آنها مربوط به مذاهب یا دوره‌های گوناگون شکوفایی نگارشی آن موضوع است.

مثلاً بخش (یا مقاله) پنجم در موضوع کتابهای علم کلام تدوین شده است و این بخش خود به پنج فن تقسیم می‌شود؛ مثلاً عنوان یکی از فنون آن چنین است:

فن دوم: در اخبار متکلمان شیعه و امامیه و زیدیه و دیگران از غلاة و اسماعیلیه و نام کتابهای آنان. (ر.ک: محمد بن اسحاق الندیم، *الفهرست*، ترجمه و تحقیق محمد رضا تجدد، ص ۳۲۶).

بدین ترتیب ابن‌ندیم کتابها را از جهت موضوعی و محتوایی سبک‌بندی کرده است.

۲۰. یعنی: نظرگاه بلند، محل نظاره، جای برافروختن نگاه. *مطمح* نظر: هر چیز که در آن به دقت بنگرند؛ *لغت‌نامه* دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۱۰۷۰.

۲۱. محمدتقی بهار، *سبک‌شناسی*، ج ۱، ص «ج».

اگرچه سبک‌شناسی در علوم قرآنی، مراحل آغازین خود را طی می‌کند ولی در علوم حدیث، نوظهور بودن این دانش بسیار محسوس‌تر است و متأسفانه تاکنون هیچ پژوهش مستقل و کاملی را در این زمینه از شیعیان نمی‌شناسیم.

نخستین تلاش‌ها

علامه محمد بن جعفر الکتانی (م ۱۳۴۵ هـ)^{۲۲} نخستین کسی بود که با نگارش کتاب *الرسالة المستطرفة* پژوهش کامل و مستقلی را در سبک‌شناسی کتابهای حدیث سنّیان ارائه کرد و پس از او دیگرانی نیز در دامنه‌های محدودتری به «منهج‌شناسی و روش‌شناسی» مؤلفان پرداختند.

طبیعی است که در مرحله اول، منهج‌شناسان به سبک‌شناسی کتابهای مهم و اصلی روی آورند و آنها را مورد ارزیابی و مطالعه قرار دهند. از این‌رو کتابهایی در این مرحله نگاشته شد که عبارت‌اند از:

- ۱- *تاریخ الحدیث و مناهج المحدثین*، اثر دکتر محمود سالم عبیدات؛^{۲۳}
 - ۲- *منهج الإمام البخاری فی تصحیح الأحادیث و تعلیلها*، اثر ابوبکر کافی؛^{۲۴}
 - ۳- *منهج الإمام مسلم فی ترتیب کتابه الصحیح*، اثر دکتر ربیع بن هادی المدخلی؛^{۲۵}
 - ۴- *الحکیم الترمذی و منهجه فی نوادر الأصول*، دکتر رجاء مصطفی جزی؛^{۲۶}
- در میان شیعیان نیز پژوهشهایی از این دست در حال شکل‌گیری است^{۲۷} که می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:
- ۱- *الشیخ الكلینی البغدادی و کتابه الکافی*، اثر سید ثامر هاشم حبیب العمیدی؛^{۲۸}
 - ۲- *الکلینی و الکافی*، اثر عبدالرسول غفار؛^{۲۹}
 - ۳- *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، اثر هاشم معروف الحسینی؛^{۳۰}
 - ۴- *آشنایی با بحار الأنوار*، اثر احمد عابدی؛^{۳۱}
 - ۵- *مشعل جاوید*، به کوشش محمد علی مهدوی راد؛^{۳۲}

۲۲. محمد بن جعفر کتانی از عالمان بزرگ اهل سنت در عصر حاضر است که در علوم تفسیر، حدیث، فقه، تصوف، عقاید، تاریخ و ادبیات زبردست بوده و در تمام این علوم کتابهای متعددی را به رشته تحریر درآورده است. شمار نگارشهای او را بیش از شصت و پنج کتاب دانسته‌اند. کتاب *الرسالة المستطرفة لبیان مشهور کتب السنة المشرفة* از جمله آثار کتاب‌شناسی او است که تاکنون در کشورهای مختلف بارها به چاپ رسیده است.

۲۳. دار المناهج، اردن - عمان، ۱۹۹۷ م، چاپ اول.

۲۴. اشراف: الدكتور حمزه عبدالله المليباری، بیروت، دار ابن حزم، ۱۴۱۲ هـ / ۲۰۰۰ م.

۲۵. مکتبة الدار بالمدينة المنورة، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م، چاپ اول.

۲۶. القاهرة، دار الآفاق العربیه، ۱۴۱۹ هـ / ۱۹۹۸ م، چاپ اول.

۲۷. بعضی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترای دانشجویان به سبک‌شناسی کتابهای حدیثی اختصاص یافته است؛ مانند: *روش تدوین کتاب من لا یحضره الفقیه* (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)، خانم نیره جاویدانی، تابستان ۱۳۷۹ هـ.ش.

۲۸. قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ هـ.

۲۹. قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ هـ.

۳۰. بخش کوچکی از کتاب؛ بیروت، دار التعارف للمطبوعات.

۳۱. دبیرخانه همایش بزرگداشت علامه مجلسی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.ش.

۳۲. بخشهایی از کتاب؛ قم، دلیل ما.

نتیجه

دانش سبک‌شناسی کتابهای حدیثی نوینان بوده و در میان شیعیان تاکنون پژوهشی مستقل به این دانش اختصاص نیافته است. البته ریشه‌های سبک‌شناسی در میان فهرست‌نویسان پیشین وجود داشته ولی هیچ‌گاه به صورت یک نگارش مستقل ظهور نکرده است.

تقدم تاریخی سبک بر سبک‌شناسی

سبکهای نگارشی با پیدایش اولین نوشتارهای حدیثی آشکار شدند؛ بنابراین از پیشینه‌ای طولانی برخوردارند. ولی در مقابل دانش سبک‌شناسی که از شاخه‌های نوین معرفتی در علوم حدیث است سالهای کودکی خود را سپری می‌کند.

سبک و مؤلف

خاستگاه سبکها نبوغ و باورهای شخصی مؤلفان است. به عبارت دیگر سبکهای نگارشی نمایانگر اندیشه‌ها، روحیات و میزان فهم و درک مؤلفان و مبدعین آنها است. سبک اگرچه شیوه‌ای ظاهری و هیئت‌آشکار در نوشتار است، اما برخاسته از طرز فکر و نوع دیدگاه مبدع آن است.

بنابراین هر سبکی که در نگارشهای حدیثی می‌بینیم تابلویی از خلاقیتها و افکار نویسنده و نگارنده آن است. به این مثال توجه کنید:

یک نقاش، یک کشاورز، یک مهندس و یک راننده اتومبیل از راهی عبور می‌کنند که از میان مزارع گذشته است. نقاش بیشتر شیفته زیباییهای طبیعت و مناظر جالب آن می‌گردد؛ کشاورز بیشتر به گندم و خاک حاصلخیز آن توجه می‌کند؛ مهندس فکرش را در ترسیم نقشه زمین و راههای شوسه و پلها و ساختمانهای اطراف تمرکز می‌دهد و راننده اتومبیل به جاده و فراز و نشیب آن چشم دوخته است. حال اگر هر یک از این چهار نفر بخواهند نتیجه مشاهدات خود را به رشته نگارش درآورند، بدیهی است که بیشتر همان «مستدرکات ذهنی» خود را خواهند نوشت.^{۳۳}

با مثال فوق رابطه دیدگاهها و اندیشه‌ها با شیوه بیان آشکار شد. در سبک‌شناسی کتابهای حدیثی نیز این گونه نگرش و دیدگاه بسیار مؤثر است. سبکی را که یک فقیه، محدث، کلامی، اخباری یا اصولی ابداع یا پیروی می‌کنند با یکدیگر تفاوت دارد. مثلاً "عنوانی" که یک فقیه برای دسته‌ای از احادیث برمی‌گزیند با عنوانی که محدث برای همان مطالب انتخاب می‌کند متفاوت است. چراکه از دید فقیه، آن عنوان به نوعی حکم الهی بوده و در واقع فتوای او است که از آن دسته روایت کشف کرده است و حال آنکه محدث سعی کرده است فقط عبارتی را برگزیند که دربردارنده جامع احادیث آن باب است.

باید توجه داشت که ارتباط با محیطهای گوناگون علمی، شرایط زمانی و مکانی، دانسته‌ها و مقدار فهم و درک مؤلفان و ... در پیدایش یا پیروی از سبکها حایز اهمیت است.

۳۳. محمد تقی بهار، سبک‌شناسی، ص «۵»، با اندکی تغییر.

درآمد

بررسی گونه‌های دسته‌بندی کتابهای حدیث

نویسندگان معاصر هر کدام برای معرفی سبکها یا کتابهای حدیثی، دسته‌بندی ویژه‌ای ارائه داده‌اند. در این میان، ما دو شیوه از دسته‌بندیها را گزارش می‌کنیم و سپس به بررسی آنها می‌پردازیم؛ در نهایت نیز با ترسیم بهترین دسته‌بندی، شالوده‌ی مباحث سبک‌شناسی را بر آن بنیان خواهیم نهاد.

الف) دسته‌بندی اول

این دسته‌بندی در کتاب مسندنویسی در تاریخ حدیث آمده است.^{۳۴} نویسنده کتاب بر این باور است که مهم‌ترین گونه‌ی تدوینهای حدیثی را به شیوه‌ای خاص دسته‌بندی کرده است:

نمودار ۱: انواع کتابهای حدیث

الف) کتابهایی که بر محور ابواب تألیف شده است: روش تألیف این کتابها بدین گونه است که تمام احادیثی که موضوع یک مربوط می‌شوند تحت عنوانی فراگیر، همچون «کتاب الحجّه»، «کتاب الصلّاة»، «کتاب الزکاة»، «کتاب النکاح» و ... در کنار هم قرار می‌گیرند. آن‌گاه این احادیث در بابها توزیع می‌شوند.

روشهای گوناگون تصنیف بر محور ابواب عبارت است از:

۱- جوامع:^{۳۵} مانند الکافی، الوافی، بحار الأنوار، الجامع الصغیر، الجامع الصحیح؛

۲- سنن؛

۳- صحاح؛

۴- مصنفها؛

۵- مستدرکها؛

۶- مستخرجها.

ب) کتابهایی که بر محور نامهای صحابه مدون شده‌اند: در این کتابها تمام احادیثی که یک صحابی روایت می‌کند در یکجا فراهم می‌آید. در این روش چنانچه پژوهنده نام صحابی ناقل حدیث مورد نظر خود را بداند، به آسانی بدان دست می‌یابد. این کتابها خود دو گونه‌اند:

۱- مسانید؛

۲- اطراف.

ج) معاجم: در این کتابها احادیث به ترتیب صحابه، استادان یا شهرها آورده می‌شود.

د) کتابهایی که بر اساس واژه‌های آغازین احادیث مرتب شده‌اند: این کتابها بر اساس نخستین واژه از متن حدیث و به ترتیب الفبا نظم یافته‌اند:

۱- کتابهایی که احادیث مجموعه‌های حدیثی گوناگون را در خود فراهم آورده‌اند.

۲- کتابهایی که احادیث مشهور را در خود فراهم ساخته‌اند.

۳۴. سید کاظم طباطبایی، مسندنویسی در تاریخ حدیث، صفحات ۴۳ - ۵۹، نمودار و توضیحات ذیل آن برگرفته از این کتاب است.

۳۵. چون تعریف کلیه سبکهای این دسته‌بندی، در ادامه سلسله درسهای سبک‌شناسی خواهد آمد فقط به یادکرد اسامی آنها بسنده می‌شود.

ه) مجامع یا کتابهای فراگیر

و) زوائد

ز) کتابهای تخریج

ح) اجزاء

ط) مشیخه

ی) علل

ک) امالی

نقد و بررسی دسته اول

۱- آموزشی نبودن دسته‌بندی: این دسته‌بندی فاقد مقسم‌های روشن و علمی است؛ از این رو دانشجویان نمی‌توانند به راحتی آن را فرا گیرند و به خاطر بسپارند. بسیاری از سبکها نیز از مقسم ویژه‌ای برخوردار نیستند.

۲- آمیختگی سبکهای فرقه‌ها: از دیگر نقدهایی که به این دسته‌بندی وارد است، این است که مخاطبان نمی‌توانند بین سبکهای فرقه‌ها تمییز دهند و تفاوت‌های آن را شناسایی کنند.

۳- کمبودها: این دسته‌بندی فاقد بخش مهمی از سبکها است؛ مانند اصول، ادعیه، سیره‌ها و مقاتل، فضایل و

....

۴- آمیختگی دو نوع سبک: سبکهای کتابهای حدیثی با کتابهای علوم حدیث در این طرح آمیخته شده‌اند. همانند سبک مشیخه و تخریج که مربوط به علوم حدیث هستند.

۵- یک‌سویه‌نگری: این دسته‌بندی بیشتر ناظر به سبکهای کتابهای اهل سنت است و به سبکهای نگارشی شیعیان کمتر توجه کرده است.

انصاف این است که این دسته‌بندی برای بیان مهم‌ترین گونه‌های کتابهای حدیث^{۳۶} تنظیم شده و نویسنده محترم در مقام تبیین روشهای تدوین حدیث و سنجش شیوه مسندنویسی با دیگر روشها بوده است؛ پس طبیعی است که ایشان به دنبال ارائه طرحی ساده و بی‌پیرایه از گونه‌های کتابهای حدیث در تعامل با مسندنویسی باشند. چه بسا اگر ایشان قصد داشتند سبکها و گونه‌ها را برای آموزش درس سبک‌شناسی تفکیک و تنظیم کنند، به گونه‌ای دیگر این نمودار را ترسیم می‌کردند.

به هر تقدیر با توجه به سمت و سوی متفاوت این دسته‌بندی با آنچه که مقصود ما است نمی‌توانیم به این‌گونه چینش در این درس ملتزم و پایبند باشیم.

دسته‌بندی دوم

مطالعه دسته‌بندیهای گوناگون و شناخت کاستیهای آنان ما را به ارائه یک دسته‌بندی جدید رهنمون می‌سازد. در این شیوه سبکهای کتابهای حدیثی بر اساس زمان و در دو بخش شیعه و اهل سنت عرضه می‌شود و سپس، بخشی جداگانه به سبک‌شناسی کتب علوم حدیث اختصاص می‌یابد. در این بخش، به دلیل اختصار، کتابهای هر دو مذهب یکجا گزارش شده است. این تقسیم، دسته‌بندی تاریخی و مذهبی است. با هم این چینش جدید به نظاره می‌نشینیم.

۳۶. سید کاظم طباطبائی، مسندنویسی در تاریخ حدیث، ص ۴۳.

بخش اول

کتابهای حدیثی شیعیان

فصل اول: نخستین گامها (قرون ۱ تا ۳)

الف) اصل نویسی، کتاب‌نویسی و مُصنّف‌نویسی

ب) مسائل نویسی

ج) رساله

د) نوادر

ه) تکنگاری

فصل دوم: عصر شکوفایی (قرون ۳ تا ۵)

الف) تفسیرهای روایی

ب) فقه مأثور

ج) جوامع

د) اُمالی

ه) ادعیه و اعمال

و) مزارنویسی

ز) سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی

فصل سوم: دوره فترت و رکود (قرون ۵ تا ۹)

الف) اربعین‌نگاری

ب) مناقب و مثالب

ج) تداوم برخی سبکهای پیشین

فصل چهارم: شکوفایی دوباره (قرون ۹ تا ۱۴)

الف) موسوعه‌نگاری

ب) مستدرک‌نویسی

فصل پنجم: پژوهشهای حدیثی معاصر (قرون ۱۴ و ۱۵)

الف) موسوعه‌ها و دانشنامه‌های گسترده

ب) احیای سبکهای پیشین

بخش دوم

سبکهای کتابهای حدیثی سنیان در گذر زمان

فصل اول: دوره تدوینهای ابتدایی

جزء‌نویسی

فصل دوم: دوره نظم‌دهی

الف) مسندنویسی

ب) مصنف‌نگاری

ج) معاجم

فصل سوم: دوره ارزش‌گذاری و گزینش

الف) صحیح‌نگاری

ب) سنن‌نویسی

ج) جوامع

فصل چهارم: دوره پردازشهای تکمیلی و جانبی

الف) مستدرک‌نویسی

ب) مستخرج‌نگاری

ج) اطراف‌نگاری

د) زوائدنویسی

ه) تخریج‌نویسی

و) کتابهای فراگیر

ز) مرتب‌سازی کتابهای پیشینیان

ح) کتابهای احادیث قدسی

ط) کتابهای احادیث مسلسل

فصل پنجم: بررسی اجمالی نگارشهای حدیثی معاصر

الف) موسوعه‌ها

ب) تکنگاری

بخش سوم

سبکهای نگارشی کتابهای علوم حدیث

۱- شرح الحدیث

۲- علل الحدیث

۳- موضوعات

۴- نقد الحدیث

۵- رجال

۶- درایه

بررسی فواید دسته‌بندی دوم

بخشی از این فواید عبارت‌اند از:

- ۱- تفکیک کامل فعالیت‌های حدیثی شیعیان و سنیان؛
 - ۲- آشنایی با سیر تدوین حدیث؛
 - ۳- آموزشی بودن دسته‌بندی به گونه‌ای که به راحتی در ذهن ماندگار است؛
 - ۴- عناوین مناسب فصلها که به ما در شناخت دوره‌های مختلف یاری می‌رساند.
- با توجه به فواید و مزایای این دسته‌بندی، برآنیم تا سلسله درسهای سبک‌شناسی را بر همین اساس ادامه دهیم.

چند نکته

- پیش از آغاز مباحث سبک‌شناختی بر پایه دسته‌بندی دوم یادآوری چند نکته ضروری است:
- ۱- معیار معرفی سبکها در دسته‌بندی یادشده بیشتر مربوط به تاریخ شکوفایی آن سبک است. به عنوان نمونه شکوفایی سبک «تفسیرهای روایی» در طول قرنهای سوم تا پنجم رخ داده است؛ هرچند پیش و پس از آن نیز چنین نگارشهایی وجود داشته است.
 - ۲- همان‌گونه که در مقدمه گذشت، در درس سبک‌شناسی تنها مهم‌ترین سبکها معرفی خواهند شد؛ بنابراین یادآور می‌شویم که دامنه سبکها فراتر از این تعداد است.

چکیده

- ✓ سبک به معنای شیوه، طرز، قاعده و اسلوب است.
- ✓ شناختن قالبهای از پیش تعیین‌شده مؤلفان و مصنفین در چینش احادیث به هنگام عرضه را «سبک‌شناسی کتابهای حدیثی» گویند.
- ✓ «روشمند شدن پژوهشها» مهم‌ترین هدفی است که سبک‌شناسی دنبال می‌کند.
- ✓ پیشینه و تاریخ سبک به سالهای آغازین کتابت حدیث باز می‌گردد.
- ✓ فهرست‌نویسان نخستین سبک‌شناسان به شمار می‌روند.
- ✓ دانش سبک‌شناسی در همه رشته‌ها نوپا و نوین است و در علوم حدیث سالهای آغازین عمر خود را سپری می‌کند.

✓ محمد بن جعفر کتانی نخستین کسی است که در دانش سبک‌شناسی کتابهای حدیث کتاب مستقلاً تدوین کرده است.

✓ محیطهای علمی و زیستی و دانسته‌ها و میزان فهم و درک مؤلفان، در پیدایش یا پیروی از سبکها، بسیار مؤثر است.

منابع مطالعاتی

- ۱- سبک‌شناسی (مقدمه)، محمد تقی بهار، انتشارات امیرکبیر، جلد اول.
- ۲- مسندنویسی در تاریخ حدیث، سید کاظم طباطبایی، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷، چاپ اول.
- ۳- منهج‌های حدیثی در کتب اهل سنت، مرتضی وفایی، مجله علوم حدیث، ش ۲۹، پاییز ۱۳۸۲.

جلسه دوم

آشنایی با سبک اصل نویسی

اهداف

- ✓ شناخت نخستین سبک نگارشی شیعیان؛
- ✓ معرفی کتاب *الأصول الستة عشر*.

بخش اول: کتابهای حدیثی شیعیان

فصل اول: نخستین گامها

با پدیدار شدن نخستین نگارشهای حدیثی، سبک نگارش آنها نیز شکل گرفت. این سبکها با گذشت زمان تکامل یافت و هر روز در جامه‌ای نو خود را به مخاطبان عرضه کرد؛ بنابراین شناخت کامل شیوه‌های کتابت حدیث وقتی میسر خواهد شد که سیر تکاملی سبکها را از همان آغاز پیدایش بررسی کنیم.

شیوه‌های نگارش حدیث در عصر حضور

راویان بزرگ و یاران سخت‌کوش معصومان (علیهم السلام) با پیروی از فرمانهای ارزشمند ایشان برای حفظ و انتقال فرهنگ حدیثی شیعه به کتابت حدیث روی آوردند و حتی در دوران ممنوعیت کتابت حدیث به این منع حکومتی واقعی ننهاده‌اند. تدوین صدها کتاب حدیث ثمره تلاش علمی نویسندگان شیعه در سه قرن نخست است و خوشبختانه نام و حتی بخشی از متون آنها نیز تاکنون باقی مانده است. اگرچه بسیاری از نگارشهای ایشان در نامهربانی‌های تاریخ از بین رفته ولی اسامی و عناوین آنها به همت بزرگان شیعه تاکنون جاویدان مانده است. از بررسی کتابهای فهرست^{۳۷} می‌توان به سبکهای مختلف نگارش حدیث در این دوران پی برد. مشهورترین و کهن‌ترین سبکی که از نوشته‌های آغازین می‌شناسیم، سبک اصل‌نویسی است.

۳۷. به کتابهایی که فهرست اسامی کتابهای پیشینیان را همراه با معرفی آنها گرد آورده‌اند فهرست می‌گویند؛ همانند *الفهرست* شیخ طوسی، *فهرست منتخب‌الدین رازی*، *فهرست ابن‌نديم* و

الف) اصل نویسی

مشتاقان به آموزه‌های دینی اهل بیت (علیهم السلام) همت خویش را بر شنیدن و سپس نگارش سخنان گهربار ایشان مصروف می‌داشتند. آنان آنچه از معصومان (علیهم السلام) می‌دیدند یا می‌شنیدند بدون هیچ تغییر یا تنظیمی در دفترچه‌های یادداشت خویش ثبت می‌کردند. با گذشت زمان این دفترچه‌ها به نام «اصل» شناخته شد و با انتساب هر اصل به نویسنده آن از دیگر اصول ممتاز گردید. مثلاً به کتابچه حدیث عاصم، اصل عاصم بن حمید می‌گفتند و به دفترچه حدیث حریر، که در موضوع نماز بود، کتاب حریر گفته می‌شد.^{۳۸} کتاب عبیدالله بن علی الحلبي نیز از شهرت ویژه‌ای برخوردار بود.

معنای لغوی واژه اصل، «بنیان، ریشه و اساس» است و در اصطلاح علمای حدیث به کتابچه‌ای از روایات گویند که گردآورنده آن به طور مستقیم یا به واسطه راوی از امام (علیه السلام)، شنیده و در کتاب خویش ثبت و ضبط کرده است.^{۳۹}

هدف نویسندگان

هدف اصلی تمامی صاحبان اصول بر این بوده است که آثار و اخبار امامان را از گزند فراموشی، از میان رفتن و ... حفظ کنند و آن را به آیندگان انتقال دهند؛ بنابراین تمامی نویسندگان بعدی، همانند صدوق، کلینی، طوسی و ...، که در راستای تدوین حدیث گام برداشته‌اند، خوشه‌چین آثار صاحبان اصول بوده‌اند.

علت نام‌گذاری «اصل»

از آنجا که این گونه نگارشها از هیچ کتاب و نوشته دیگری نقل نشده و به طور مستقیم از امام یا راوی اخذ شده است، آنها را «اصل»^{۴۰} نامیده‌اند. از سوی دیگر این گونه کتابها منبع و مرجع نویسندگان بزرگ قرنهای سوم و چهارم بوده است؛ بنابراین اساس و بنیان نگارشهای بعدی قرار گرفته است.

تعداد اصول

اصول روایی، که توسط راویان و یاران امامان تدوین می‌شد، گاه حاوی دهها حدیث و گاه دربردارنده چند حدیث کوتاه بود. مصنف این اصول نیز گاهی از یاران مشهور امام (علیه السلام) محسوب می‌شد و گاه فرد گمنامی بود که در شهرهای دوردست زندگی می‌کرد؛ بنابراین گستره توزیع این اصول در سرتاسر ممالک اسلامی بود؛ از این رو آگاهی از تعداد تمامی این اصول کاری ناممکن می‌نماید و نه تنها نمی‌توانیم از تعداد آنها اطلاع دقیقی به دست آوریم بلکه شیخ طوسی، بزرگ‌ترین کتاب‌شناس قرن پنجم، که امکان استفاده از کتابخانه‌های بزرگ بغداد را داشت، در کتاب فهرست خویش، که به کتاب‌شناخت کتب شیعه اختصاص دارد، نیز اعتراف می‌کند که از اسامی، عناوین و تعداد این اصول آگاهی کاملی ندارد^{۴۱}؛ چرا که شیعیان در اقصی نقاط این کره خاکی پراکنده‌اند.

۳۸. کتاب حریر بن عبدالله سجستانی در بین اصحاب امامان بسیار مشهور بوده است.

۳۹. فوائد الوحید، ص ۳۴؛ عدة الرجال، ج ۱، ص ۹۵؛ نه‌ایة الدرایه، ص ۵۲۹؛ معجم مصطلحات الرجال و الدرایه، ص ۲۳، تعریفهای اصطلاحی دیگر در ادامه و در بحث تفاوت اصل و کتاب می‌آید.

۴۰. در مقابل فرع که از دیگر کتابها اخذ می‌شود؛ الدرر، ج ۲، ص ۱۲۶ - ۱۲۵.

۴۱. شیخ طوسی، فهرست، ص ۲.

دلیل دیگری که احصا و گردآوری نام و نشان اصحاب اصول را بر شخصی چون شیخ طوسی مشکل نموده بود متداول نبودن فهرست‌نگاری جامع و کامل^{۴۲} از اصول و مصنفات در قرنهای دوم و سوم، به ویژه در بین شیعیان، بوده است.^{۴۳}

تفاوت اصل، کتاب و مُصنّف

در کتابهای رجال و فهارس برای معرفی شخصیت علمی افراد از عباراتی نظیر «له اصل، له کتاب، له مصنّفات» استفاده می‌شود. این تعدد عبارات سبب گردیده تا برخی از دانشمندان با بررسیهای موشکافانه تفاوتهایی را بین این واژگان قائل شوند. سه نمونه از این تفاوتها چنین است:

۱- در اصلها فقط روایات معصومان می‌آید، ولی در کتاب و نیز مُصنّف (تصنیف) علاوه بر کلام ائمه (علیهم السلام) مؤلف خود نیز بیاناتی از خود می‌آورد.^{۴۴}

۲- اصل، مجموعه روایاتی است که از امام یا راوی اخذ شده است، اما روایات کتاب و مُصنّف (تصنیف) برگرفته از اصول است.^{۴۵}

۳- اصل، نگارشی کاملاً ساده و بدون هیچ‌گونه دسته‌بندی است، ولی مُصنّف (تصنیف)، چنانچه از معانی لغوی آن به دست می‌آید، کتابچه حدیثی است که به گونه‌ای هرچند ابتدایی دسته‌بندی شده و دارای فصل و بخش است.^{۴۶}

گروهی دیگر از حدیث‌پژوهان بر این باورند که این‌گونه اظهارنظرها برخاسته از دو علت است: نخست آگاهی نداشتن از تعریف این اصطلاحات در نزد متقدمان، و سپس دسترسی نداشتن به شمار قابل توجهی از اصول و کتابهای حدیثی اصحاب معصوم (علیه السلام).

از شواهد بسیاری که از کتابهای فهارس و رجال به دست می‌آید،^{۴۷} درمی‌یابیم که واژگان «کتاب»، «اصل» و «مُصنّف» همگی مترادف یکدیگر بوده و نقل این‌گونه تفاوتها ناشی از حدسها و گمانه‌زنیهای عالمان متأخر است. دیگرسخن اینکه شاید این اصطلاحات با یکدیگر متفاوت باشند، اما به خاطر دلایلی که در بالا آمد نمی‌توانیم به هیچ یک از این احتمالات یقین پیدا کنیم.

اصول چهارصدگانه

ابن شهرآشوب سخن معروفی را به شیخ مفید (م ۳۳۶ - ۴۱۳ هـ) نسبت می‌دهد که او گفته است: امامیه از زمان امام علی تا دوران امام حسن عسکری (علیهما السلام) چهارصد کتاب نوشته‌اند که «اصول» نامیده می‌شود.^{۴۸}

۴۲. نگارش اسامی کتابهای پیشینیان همراه با معرفی نویسندگان آن را فهرست‌نگاری گویند. فهرست‌نگاریهای آن زمان معمولاً برای کتابهای کتابخانه‌های شخصی انجام می‌گرفته است.

۴۳. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، ص ۱۷۴.

۴۴. کاظم مدیرشانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۲۷ و ۲۶.

۴۵. وحید بهبهانی، فوائد الوحید، ص ۳۴.

۴۶. فوائد الرجالیه، ص ۳۴؛ عدة الرجال، ج ۱، ص ۹۵.

۴۷. ن. ک: شوشتری، قاموس الرجال، ج ۱، ص ۶۴ (في الفرق بين الأصل والتصنيف والكتاب).

۴۸. ابن شهرآشوب، معالم العلماء، ص ۳۹، که البته این مطلب شیخ مفید را در هیچ یک از کتابهایش نیافتیم.

بعضی از دانشمندان هم بر این باورند که بیشتر اصول روایی در عصر صادقین (علیهما السلام) و پس از آن نگاشته شده است.^{۴۹}

درستی و نادرستی این تعداد اصول روایی همواره مورد اختلاف نظر عالمان حدیث بوده است.^{۵۰} در حال حاضر در کتابهای فهرس تعداد آنها از یکصد اصل تجاوز نمی‌کند. این اختلاف نظر از اینجا ناشی می‌شود که بعضی فقط بر واژه اصل جمود ورزیده و آن را ملاک شمارش قرار داده‌اند و برخی دیگر واژگان کتاب، اصل و مُصنّف را مترادف یکدیگر گرفته‌اند که در این صورت اصول، بسیار بیشتر از چهارصد عدد خواهد شد.

نکته

اصطلاح اربعمئه پس از بیان ابن شهر آشوب مشهور شد و ما هیچ قرینه و اطلاعی از این اصطلاح در پنج قرن نخست نداریم. حتی کلام منسوب به شیخ مفید نیز در کتابهای او وجود ندارد. از سوی دیگر، مؤلفان جوامع و اندیشمندان عصر غیبت هیچ‌گاه به تمامی اصول اعتماد نمی‌کردند و تنها بخشی از اصول را معتبر می‌دانستند. شیخ صدوق در دیباجة کتاب من لا یحضره الفقیه، در مورد اعتبار مصادر کتابش می‌نویسد:

و جمیع ما فیہ مستخرجٌ من کتب مشہورة، علیہا المعولُ وِالیہا المرجع^{۵۱}

تمام منابع حدیثی این اثر از کتابهای مشهوری گرفته شده است که [نزد کارشناسان] تکیه‌گاه و مرجع‌اند.

از چنین بیاناتی که دیگر نویسندگان آن دوران هم بدان اشاره کرده‌اند می‌توان دریافت که علمای شیعه تنها دسته‌ای از اصول را معتّمَد و معتبر می‌دانسته‌اند. اما از تعداد اصول معتبر اطلاع دقیقی نداریم و نمی‌توانیم به کلام منسوب به شیخ مفید هم ملتزم شویم.

جایگاه ویژه اصول اولیه

کتابها و اصول روایی پس از عصر حضور بیش از پیش مورد توجه عالمان بزرگ شیعه قرار گرفت، به گونه‌ای که یکی از معیارهای اصلی احادیث صحیح، وجود آنها در اصول روایی بود؛ چنانچه حدیثی در چند اصل و با چند سند مختلف وجود داشت از مهم‌ترین نشانه‌ها برای صحیح شمرده شدن برخوردار بود. همچنین صاحب اصل بودن یک راوی نیز نشانه مدح آن راوی بود.^{۵۲}

چنانچه گذشت از کلام منسوب به شیخ مفید دانستیم که چهارصد اصل از مجموع اصول روایی در محدوده زمانی عصر امام علی تا امام عسکری نگاشته شده‌اند و این تعداد تنها شمار معدودی از مجموعه نگارشهای حدیثی شیعه است؛ چرا که برخی از راویان، خود به تنهایی دویست اثر خلق کرده‌اند و اگر ما تنها آثار روایی افرادی چون هشام کلیبی (مؤلف بیش از دویست کتاب)، فضل بن شاذان (مؤلف یکصد و هشتاد کتاب)، ابن ابی عمیر (مؤلف نود کتاب)، یونس بن عبدالرحمن (مؤلف بیش از سی کتاب) و حسین بن سعید اهوازی (مؤلف سی کتاب) را برشماریم، تعداد به دست آمده، بیش از چهارصد کتاب خواهد شد.

توجه عالمان بزرگ عصر غیبت صغری و پس از آن به پاره‌ای از اصول معتمد، نشانگر نوعی گزینش ایشان از میان صدها کتاب حدیثی است؛ به گونه‌ای که علما و فقها برای صدور فتوا و به دست آوردن حکم الهی تنها به یک سری از این کتابها اعتماد و تکیه کرده‌اند. البته می‌توان احتمال داد که این چهارصد اصل گلچینی از بهترین اصول شیعی بوده است.

۴۹. الطبرسی (امین الاسلام) در/علام‌الوری به نقل از/الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۹.

۵۰. ن. ک: حسینی جلالی، دراسة حول الأصول الأربعمئه.

۵۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۵۲. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۱۲۷. نقل از مشرق‌الشمسین اثر شیخ بهایی.

به احتمال قوی اصول معتمد و معتبر از ویژگیهای زیر برخوردار بوده‌اند:

- ۱- صاحبان آنان از راویان مشهور و مورد اطمینان معصومان بوده‌اند.
 - ۲- امامان به شاگردان خویش املا کرده بودند.
 - ۳- استنساخ گسترده این اصول آنها را از تحریف در امان نگاه داشته بود.
 - ۴- امامان بر مراجعه به برخی از این اصول تأکید کرده بودند.
 - ۵- به امامان عرضه شده بود و ایشان تأیید کرده بودند.
 - ۶- مرجع علمی فقها به هنگام صدور فتوی بود.
- البته توجه به این نکته ضروری است که شیعه هیچ‌گاه تمامی مندرجات اصول اولیه و حتی اصول معتبر و معتمد را صحیح و خالی از اشکال ندانسته است.

سرانجام اصول روایی

اصول روایی به چند سرنوشت دچار شدند:

دسته اول: ادغام در جوامع اولیه

با شروع نگارش جوامع اولیه شیعه در قرن چهارم و پنجم متن بسیاری از اصول معتبر در جوامع روایی راه یافت؛ چرا که مهم‌ترین انگیزه صاحبان جوامع این بود که روایات صحیح را گردآورند و برای این کار ناگزیر بودند بخش اصلی کتابهای خویش را از متون اصول روایی معتبری همچون اصول اربعمئه فراهم آورند. آنان معمولاً در دیباچه یا بخش پایانی کتابهای خویش به منابع خود اشاره کرده‌اند؛ بنابراین جوامع چهارگانه شیعه^{۵۳} و بخشی دیگر از کتابهای مهم قرن چهارم و پنجم دربردارنده اصول معتبر روایی یاران معصومان است. البته به علت گزینشی عمل کردن صاحبان کتب اربعه بعضی از احادیث این اصول، متروک و مهجور مانده و به علت مرجع شدن کتب اربعه عملاً به فراموشی سپرده شده است.

دسته دوم: دستخوش حوادث و گذر زمان

اگرچه اصول و کتابهای روایی اصحاب در کتب جوامع ادغام شده بودند، اما همچنان خود این اصول نیز در کتابخانه‌های عمومی و شخصی موجود بود؛ البته اقبال عمومی مردم و عالمان بیشتر به کتب جوامع معطوف شده بود^{۵۴} و کمتر به سراغ اصول روایی می‌رفتند و تنها نویسندگان و فرهیختگان حوزه‌های علمیه خوانندگان این اصول بودند. در هر صورت، بخش عمده‌ای از این اصول در ناملازمات روزگار دستخوش نابودی گردید و در شعله‌های آتش فتنه‌جویان به تلی از خاکستر تبدیل شد. علامه تهرانی می‌نویسد:

۵۳. کافی؛ من لا یحضره الفقیه؛ تهذیب الاحکام و استبصار.

۵۴. چرا که کتابهای جوامع از موضوع‌بندی و ترتیب مناسب برخوردار بودند و بیشتر اصول را نیز دربرداشتند. گذشته از این نویسندگان کتب اربعه و ... عالمانی حدیث‌شناس بودند و آنچه را از اصول اختیار کرده بودند پس از دقت در صحت و سلامت روایت بوده است.

اولین حادثه‌ای که از بین رفتن این اصول را دربرداشت، آتش‌سوزی کتابخانه شاپور در محله کرخ بغداد بود. این حادثه در سال ۴۴۸ هجری به هنگام ورود طغرل بیک، اولین پادشاه سلجوقیان، به بغداد رخ داد. البته این آتش‌سوزی سالها پس از تألیف کتابهای تهذیب و استبصار [و دیگر کتب اربعه] بوده است.^{۵۵}

در این سال بسیاری از مراکز و مؤسسات شیعی را در بغداد به آتش کشیدند.

دسته سوم

تعداد اندکی از این اصول تاکنون باقی مانده و بخشی از آنها در کتابی با عنوان *الأصول الستة عشر* به چاپ رسیده است.

معرفی کتاب *الأصول الستة عشر*

مؤلفان

مؤلفان کتب *الأصول الستة عشر* شانزده نفر از راویان و محدثان قرنهای دوم و سوم هستند. از تاریخ دقیق ولادت و وفات آنان گزارشی در دست نیست، اما از اسامی اساتید ایشان معلوم می‌شود که بیشتر آنها از اصحاب امام باقر، امام صادق و امام کاظم (علیهم السلام) بودند.

اسامی مؤلفان مجموعه اول: مؤلفان مجموعه دوم عبارت‌اند از: زید زراد، ابوسعید عبّاد عصفری، عاصم بن حمید، زید نرسی، جعفر بن محمد بن شریح خضرمی، محمد بن متنی خضرمی، محمد بن جعفر قرشی و درست بن ابی‌منصور واسطی.

اسامی مؤلفان مجموعه دوم: عبدالملک بن حکیم، مثنی بن ولید حنّاط، خالد سندی، حسین بن عثمان بن شریک، عبدالله بن یحیی کاهلی، سلام بن ابی‌عمره خراسانی، علی بن أسباط، علاء بن رزین.

اعتبار نویسندگان

بعضی از این مؤلفان در میان فهارس‌نگاران کاملاً شناخته‌شده و به وثاقت و اعلیت معروف هستند؛ مانند: عاصم بن حمید،^{۵۶} محمد بن مثنی خضرمی،^{۵۷} عبدالملک بن حکیم،^{۵۸} حسین بن عثمان بن شریک،^{۵۹} عبدالله بن یحیی،^{۶۰} سلام بن ابی‌عمره،^{۶۱} علی بن أسباط^{۶۲} و علاء بن رزین.^{۶۳}

۵۵. آقا بزرگ تهرانی، *الذریعه*، ج ۲، ص ۱۳۴؛ کتابخانه شیعه به دستور وزیر آل بویه، ابونصر شاپور بن اردشیر، ساخته شد. یاقوت حموی می‌نویسد: «کتابهای این کتابخانه در نوع خود بی‌نظیر بود و در دنیا یافت نمی‌شد. بسیاری از این کتابها به خط نویسندگان معتبر نگاشته شده بود»؛ *معجم البلدان*، ج ۱، ص ۵۳۴؛ شمار کتابهای کتابخانه بالغ بر ده‌هزار نسخه خطی نفیس بوده است.

۵۶. *بحار الأنوار*، ج ۱، ص ۴۴.

۵۷. *رجال النجاشی*، ص ۳۷۱، الرقم ۱۰۱۲.

۵۸. همان، ص ۲۳۹، الرقم ۶۳۶.

۵۹. همان، ص ۵۳، الرقم ۱۱۹.

۶۰. همان، ص ۲۲۱، الرقم ۵۸۰.

۶۱. همان، ص ۱۸۹، الرقم ۵۰۲.

۶۲. همان، ص ۲۵۳، الرقم ۶۶۳.

۶۳. همان، ص ۲۹۸، الرقم ۸۱۱؛ *الفهرست*، ص ۱۸۲، الرقم ۴۹۹.

اگرچه فهرست‌نگاران اولیه، دیگر نویسندگان این مجموعه را توثیق نکرده‌اند، ولی هیچ‌گونه ذمی نیز از ایشان گزارش نکرده‌اند. محدث نوری در توصیف این دسته از نویسندگان با بررسی روایات ایشان و استفاده از قواعد علم رجال وثاقت سایر نویسندگان کتاب/اصول سته‌عشر را اثبات کرده است. تنها مؤلفی که در این کتاب به غیر شیعی بودن متهم است عباد عصفری (م ۲۵۰ یا ۲۷۰ هـ) است. شیخ طوسی او را «عامی المذهب»^{۶۴} (سنی) دانسته است. محققان معاصر^{۶۵} با کاوشهای بسیار در روایات او، که در کتابهای شیعه و سنی موجود است، به این نتیجه رسیده‌اند که او از علمای شیعه است و حتی با فرض آنکه سنی باشد نیز مردی راستگو و مورد اطمینان بوده است. به ویژه آنکه فهرست‌نگاران سنی نیز او را شیعه‌ای بسیار راستگو^{۶۶} معرفی کرده‌اند. همچنین کتابهای تألیفی او مملو از روایات امامان شیعه است. کتابهای/اخبار المهدی (علیه السلام)، المعرفة فی معرفة الصحابه و مناقب اهل البيت از آثار او است.

نام کتاب

هیچ کدام از این شانزده کتاب نام ویژه‌ای ندارند و مانند تمامی اصول و کتابهای اولیه با اضافه شدن به نام نویسنده آن شناخته می‌شوند، اما با توجه به اینکه این شانزده کتاب همیشه در کنار هم استنساخ شده و راوی آنها نیز متعدد نیست در سالهای اخیر هم به همان صورت به چاپ رسیده و محققین ترجیح داده‌اند بدون هیچ عنوان دیگر آن را/الأصول الستة عشر بنامند؛ بنابراین نام‌گذاری این مجموعه از سوی محققان عصر حاضر صورت گرفته است.

موضوع

موضوعات متعدد و گوناگونی در هر یک از این اصول دیده می‌شود و نمی‌توان اصلی را در یک موضوع ویژه معرفی کرد.

طریقه وصول

نسخه‌های خطی موجود همگی به عصر صفویه باز می‌گردد و تا زمان علامه مجلسی کسی از این متون آگاهی نداشته است. اگرچه شیخ طوسی و نجاشی در معرفی هر کدام از این نویسندگان اصل یا کتابی را به ایشان نسبت داده‌اند، اما خود این اصول به طریق وجاده به دست علامه مجلسی رسیده است.

علامه مجلسی، که در شناختن خط و کاتبان تبحری ویژه داشته است، می‌نویسد:

ما روایات کتابهای زید زراد و زید نرسی را از یک نسخه قدیمی، که با خط شیخ منصور بن حسن آبی (۴۲۲ هـ)^{۶۷} تصحیح شده و او هم از خط شیخ جلیل محمد بن حسن قمی

۶۴. فهرست، ص ۱۹۲، الرقم ۵۴۰.

۶۵. شیخ آقا بزرگ تهرانی در الدررینه و محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل.

۶۶. ابن حجر عسقلانی از فهرست‌نگاران اهل سنت در توصیف او می‌نویسد: «صدوق رافضی، حدیثه فی البخاری مقرون، بالغ ابن حبان فقال: يستحق الترك من العاشرة»؛/التقریب، ج ۱، ص ۴۷۰ (ذهبی نیز او را شیعی و مورد اطمینان معرفی کرده است).

۶۷. نویسنده/عیان الشیعه در توصیف منصور بن حسین آبی (منسوب به شهر آوه) می‌نویسد: «الوزير السعيد ذو المعالي زين الكفاة ابوسعید منصور بن الحسين الآبی، توفي سنة ۴۲۲ فاضل، عالم، فقيه، شاعر، نحوی، لغوی، جامع لأنواع الفضل، قرأ علی الشيخ الطوسي وذكره منتجب‌الدین وصاحب أمل الأمل»؛/عیان الشیعه، ج ۱۰، ص ۱۳۸.

استنساخ نموده است، اخذ کرده‌ایم. تاریخ نگارش این نسخه به سال ۳۷۴ هجری باز می‌گردد. ... بقیه اصول موجود در این مجموعه نیز به خط شیخ بزرگوار هارون بن موسی تلکبری (م ۳۸۵ ه) است.^{۶۹}

اکنون نسخه‌هایی از این مجموعه که در دست علامه مجلسی و شیخ حرّ عاملی بوده در کتابخانه‌های معتبر ایران موجود است.

اعتبار و اهمیت کتاب

پس از آنکه علامه مجلسی نسخه خطی این کتاب را بررسی کرده و به اعتبار آن پی برد به این مجموعه اعتماد کرد و در کتاب بزرگ بحار/الأنوار اکثر روایات آن را نقل نمود؛ دیگران نیز به این مجموعه توجه کرده‌اند و در منشورات حدیثی خویش از آن روایت می‌کنند.

بهترین نسخه خطی که اکنون از کتاب/الأصول الستة عشر در اختیار ما است، به نسخه شیخ حر عاملی، نویسنده کتاب وسائل/الشیعه، بازمی‌گردد. او در کتاب وسائل/الشیعه، مجموع احادیث فقهی مورد اعتماد را از کتابهای معتبر شیعه گرد آورده و فقه مآثور شیعه را به صورت یک دائرةالمعارف بزرگ عرضه کرده است. اما نکته قابل توجه این است که او در کتاب وسائل/الشیعه حتی یک حدیث هم از کتاب/الأصول الستة عشر روایت نکرده است و این سبب شده که برخی در اعتبار کتاب حاضر خدشه کنند.

دفاع

در دفاع از کتاب مورد بحث باید گفت:

۱- احتمال دارد شیخ حر عاملی پس از اتمام تألیف وسائل/الشیعه به این کتاب دست یافته باشد. به ویژه که او در کتاب/اثبات/الهداة از کتاب حاضر روایت نقل کرده است.

۲- در حاشیه نسخه خطی موجود مطلبی به خط و امضای شیخ حر وجود دارد که نشان می‌دهد او این کتاب را قابل اعتماد دانسته است. نوشته او چنین است:

بدانید که من احادیث این مجموعه چهارده کتابی را مطالعه کردم و دیدم که بیشتر احادیث آن در کتاب کافی و دیگر کتابهای مورد اعتماد آمده است. بخشی دیگر هم اگرچه در هیچ کتاب حدیثی دیگر نیامده ولی مؤیداتی بر درستی آن در دست است؛ بنابراین به غیر از دو حدیث، که احتمال تقیه در آنها هست، هیچ حدیثی را مشکل دار و منکر نیافتم.^{۷۰}

۳- وجاده از طرق ضعیف دست‌یابی به یک اثر است؛ بنابراین احتمال دارد که شیخ حر به خاطر وجود این ضعف در اثر یاد شده از آوردن روایات آن در کتاب معتبر وسائل/الشیعه چشم‌پوشی کرده باشد.^{۷۱}

۶۸. نجاشی در توصیف وی گفته است: «كان وجهاً في أصحابنا، ثقة معتمداً لا يطعن عليه، له كتب ...» و شیخ طوسی نیز نوشته است: «هارون بن موسی التلعكبري، يكنى ابامحمد، جليل القدر، عظيم المنزله، واسع الروايه، عديم النظر، ثقة. روى جميع الأصول في المصنّفات».

۶۹. بحار/الأنوار، ج ۱، ص ۴۳.

۷۰. الأصول الستة عشر، تحقيق ضياء الدين المحمودي، ص ۲۰.

۷۱. به ویژه که احادیث فقهی معتبری که در أصول الستة عشر آمده در دیگر کتابهای مهم شیعه نیز آمده است؛ بنابراین با توجه به ضعف آن انگیزه‌ای برای نقل از این کتاب باقی نمی‌ماند.

سبک کتاب

گفته شد که این کتابها از اصول اولیه هستند؛ بنابراین مهم‌ترین هدف نویسندگان آن تنها حفظ میراث غنی شیعه بوده و بدون هیچ‌گونه دسته‌بندی یا شیوه‌ویژه‌ای احادیث امامان را گردآورده‌اند. تعداد احادیث اصول نیز متفاوت است. اصول جعفر بن محمد بن شریح با ۱۲۳ روایت طولانی‌ترین و کتاب عبدالملک بن حکیم با شش روایت کوتاه‌ترین این اصول است.

این کتاب در تحقیق جدید در دو مجموعه تنظیم شده و در هر مجموعه هشت اصل از هشت راوی گردآوری شده است. هر یک از این مجموعه‌های هشت‌گانه را یک کاتب نگاشته است.

چگونگی روایت راویان از امامان

۱- بدون واسطه: زید زراد و زید نرسی بیشتر احادیث کتابهایشان را به طور مستقیم از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده‌اند.

۲- با واسطه: بقیه راویان این مجموعه بیشتر احادیث کتابهایشان را با یک واسطه یا بیشتر نقل کرده‌اند. اینک یک اصل از اصول شانزده‌گانه فوق را بررسی می‌کنیم:

اصل عاصم بن حمید حنّاط

نجاشی در معرفی عاصم بن حمید از واژگانی نظیر «ثقة، عین» و «صدوق» استفاده کرده که جایگاه رفیع او را در صداقت و وثاقت نشان می‌دهد. او از شیعیان واقعی و عالمان فرهیخته شهر کوفه است؛ امام صادق و امام کاظم (علیهما السلام) را درک کرده و از اساتید بزرگی همچون محمد بن مسلم، ابوبصیر، ابوحمزه ثمالی و ... روایت شنیده است.

عاصم در این اصل یکصد روایت را، که بیشتر آنها از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) است، گردآورده است. با اینکه او در شمار یاران امام صادق (علیه السلام) است ولی به غیر از یک حدیث که مستقیم از آن حضرت نقل کرده (حدیث ۱) بقیه احادیث اصل حاضر را با یک یا دو واسطه از امام روایت نموده است. استادان حدیث عاصم در این اصل بیشتر ابوبصیر و محمد بن مسلم هستند. بسیاری از روایات اصل عاصم در کتابهای معتبر شیعه از خود او روایت شده و بخش دیگری از این روایات نیز از راوی دیگری در کتابهای معتبر آمده است و تنها بخش اندکی از روایات این اصل است که غیر از بحر/الأنوار، کتاب دیگری آن را روایت نکرده است. این نشانگر اعتبار اصل یاد شده در نزد مؤلفان نخستین بوده است.

اصل عاصم در دست حسین بن سعید، کلینی، شیخ مفید، شیخ صدوق، شیخ طوسی و برقی بوده است. در این اصل روایتی که با اصول شیعه سازگار نباشد وجود ندارد.^{۷۲}

نمونه‌ای از روایات این اصل

این اصل نیز مانند دیگر اصول روایات را در موضوعات گوناگون تدوین کرده است؛ مثلاً حدیث ۶۶ در موضوع زکات، حدیث ۶۷ در موضوع غضب، حدیث ۶۸ فضیلت انفاق و صبر، حدیث ۶۹ تأکید بر کتابت حدیث و ... روایت هفتاد و سوم از این اصل را می‌خوانیم:

۷۲. گفتنی است که کتاب الأصول الستة عشر که اکنون در دست است، در دو مجموعه تنظیم شده است. مجموعه اول، که شامل کتابهای زیادی تا درست بن ابی‌منصور واسطی است، را هارون بن موسی تلکبری از شیخ محمد بن همام یا ابن‌عقده روایت کرده است و مجموعه دوم، که دربردارنده کتابهای عبدالملک بن حکیم تا علی بن اسباط است، را همان هارون بن موسی از ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید همدانی روایت کرده است.

و عنه (عاصم بن حمید)، عن ابی حمزة قال: سمعت ابا جعفر (علیه السلام) یقول: «ثلاث خصال من أحب الأعمال إلى الله تعالى: «إطعام مسلم من جوع، أو فك عنه كربة، أو قضی عنه دینه»».

تلاشهای پیرامونی

کتاب *الأصول الستة عشر* نخستین بار توسط جناب آقای مصطفوی در سال ۱۳۷۱ هجری تحقیق و تصحیح شد. در سالهای اخیر (۱۳۷۱ هـ ش) این کتاب با تحقیق و تصحیح مناسبی از سوی انتشارات دار الحدیث در ۴۳۰ صفحه به چاپ رسیده است. تاکنون هیچ‌گونه ترجمه یا شرحی از این کتاب ارائه نشده است.

چکیده

- ✓ در درس سبک‌شناسی، سبکهای کتب حدیثی بر اساس زمان و در دو بخش شیعه و اهل سنت بررسی می‌شود.
- ✓ با پدیدار شدن نخستین نگارشهای حدیثی سبک نگارش آنها نیز شکل گرفته است.
- ✓ اصل به کتابچه‌ای از روایات گویند که گردآورنده آن روایاتی را مستقیم یا به واسطهٔ راوی از امام (علیه السلام) شنیده و در آن ثبت و ضبط کرده است.
- ✓ واژگان کتاب، اصل و مُصنّف همگی با یکدیگر مترادف بوده و نقل تفاوت بین آنها ناشی از حدس و گمانه‌زنی است.
- ✓ بیشتر اصول مهم روایی به کتابهای جوامع راه یافته‌اند و بخشی از این اصول نیز در گذر تاریخ از بین رفته‌اند.
- ✓ کتاب *الأصول الستة عشر* شانزده اصل از اصول اولیهٔ شیعه را گردآورده است. صاحبان این اصول همگی افرادی راستگو و مورد اطمینان‌اند.
- ✓ مهم‌ترین ویژگی اصل‌ها این است که از هیچ نظم و ویژه‌ای برخوردار نیستند و فقط به منظور ضبط کلمات معصوم (علیه السلام) تدوین شده‌اند.

پژوهش

در کتاب *الذریعة* تعداد اصول را جستجو کنید.

ضمیمه (۱)

چگونگی معرفی کتاب

در عصر غیبت معصومان دسترسی به روایات تنها از طریق کتابهای حدیثی میسر است. اعتماد به یک کتاب نیز پس از بررسی و شناخت آن حاصل خواهد شد. اینک باید بینیم که در شناسایی کتابهای حدیثی چه عواملی را باید بررسی کرد؟

برای شناخت کتابهای حدیثی عوامل متعددی را باید بررسی کرد^{۷۳} که بخشی از آنها مربوط به مؤلف و بخش دیگری مربوط به خود کتاب است:

الف) مؤلف

- دانستن دست‌کم چهار مشخصه اصلی یک نویسنده برای شناسایی کتاب او لازم است.
- ۱- **هویت:** نام، نام پدر (و در بعضی اوقات نام جد و اجداد او)، تاریخ و محل تولد و وفات از پایه‌های اصلی هویت هر فرد است و آگاهی از آن برای هرگونه شناختی لازم است.
 - ۲- **طبقه:** برای بررسی طبقه رجالی هر نویسنده باید اسامی اساتید و شاگردانش را گردآوری کنیم. بر اساس آنچه در علم طبقات رجال آمده است، فاصله معمولی استاد و شاگرد در حدود ۳۵ سال تعیین می‌شود و بر این اساس می‌توان با در دست داشتن سال وفات چند تن از مشایخ به طور تقریبی تاریخ نشو و نما و فعالیت‌های علمی نویسنده را معین کرد.^{۷۴}
 - البته اگر تاریخ زندگانی مؤلف روشن باشد، دیگر نیازی به بررسی شاگردان و اساتید وی نیست. مثلاً تاریخ وفات شیخ مفید برای ما کاملاً روشن است، اما از تاریخ وفات ابن‌شعبه حرانی، مؤلف تحف/العقول، اطلاعی در دست نیست؛ بنابراین با بررسی اساتید و شاگردان او درمی‌یابیم که حدوداً هم‌عصر شیخ صدوق بوده است.
 - ۳- **حوادث سیاسی، اجتماعی و فرهنگی دوران:** از بررسی حوادث هر دوره و مکان نشو و نمای یک مؤلف درمی‌یابیم که چه جوی بر آن دوران حاکم بوده است. مثلاً فزونی تألیفات در قرنهای سوم تا پنجم نشان می‌دهد که نویسندگان از نوعی آزادی فرهنگی و اجتماعی برخوردار بوده‌اند.
 - ۴- **شخصیت علمی:** سفرهای علمی، تألیفات، گرایشهای مختلف (رجال، فقه، حدیث و ...)، اساتید و شاگردان یک نویسنده در این مشخصه بررسی می‌شوند.
 - ۵- **گفته‌های پسینیان:** بیشتر مؤلفان کتابهای حدیث شناخته‌شده‌اند؛ بنابراین کتاب‌شناسان و تراجم‌نویسان به بررسی هر شخص پرداخته‌اند. برای آگاهی از وثاقت و جایگاه یک فرد می‌توان به گفته‌های پسینیان مراجعه

۷۳. کتاب‌شناسی به سه صورت انجام می‌پذیرد:

- ۱- **نسخه‌شناسی:** در نسخه‌شناسی فهرست‌نویسان فقط به بعضی از عناوین صوری یک نسخه می‌پردازند مثلاً نام کاتب، تاریخ کتابت، تعداد صفحات، نوع خط کاتب و جملات ابتدایی و انتهایی نسخه.
- ۲- **نسخه‌شناسی فنی:** در این شیوه فهرست‌نگار به مطالعه کل کتاب می‌پردازد و آن را به گونه‌ای تحلیل می‌کند. مرحوم آقا بزرگ تهرانی از این شیوه در *التریعه* بهره جسته است.
- ۳- **کتاب‌شناسی توصیفی:** در این شیوه کتاب‌شناس به بررسی شخصیت مؤلف و تمامی اثر می‌پردازد. او با کاوشهای بسیار ایرادات، نواقص و مزایای کتاب را شناسایی می‌کند. کتاب‌شناسی توصیفی گاهی به تفصیل و گاهی به اجمال صورت می‌پذیرد. آنچه در درسهای سبک‌شناسی بیان خواهد شد کتاب‌شناسی توصیفی به صورت اجمالی خواهد بود.
۷۴. عبدالهادی مسعودی، *مشعل جاوید*، مقاله «در محضر غیبت نعمانی»، ص ۱۹۳.

کرد. نجاشی، شیخ طوسی، شیخ منتجب‌الدین، ابن شهر آشوب، علامه مجلسی، محدث نوری، آقا بزرگ تهرانی و ... در گستره نویسندگان شیعه به معرفی افراد پرداخته‌اند.

ب) کتاب

۱- نام کتاب: نام یک کتاب در بعضی از تألیفات و در گذر تاریخ با اسامی گوناگونی شناخته می‌شود. دسته‌ای از کتابها نیز از ابتدا فاقد نام بوده‌اند؛ بنابراین کتاب‌شناس باید سعی کند به نام صحیح کتاب دست یابد.

۲- موضوع کتاب: هر کتاب از دو موضوع کلی و جزئی تشکیل شده است و شناسایی هر دو موضوع برای معرفی آن ضروری است؛ مثلاً موضوع اصلی کتاب *کمال‌الدین* روایات مربوط به غیبت و ظهور امام زمان (علیه السلام) است، ولی دهها موضوع جزئی به عنوان عناوین بابها مشخص شده‌اند. در یک کتاب فقهی نیز موضوع اصلی فقه است، ولی می‌دانیم که دانش فقه دهها موضوع جزئی دارد که باید بررسی شود که کدام یک از این موضوعات در ذیل موضوع اصلی قرار گرفته‌اند؛ مثلاً موضوعات جزئی «حج، صلاة، وضو، زکاة و ...» ریزموضوعات فقهی هستند.

۳- انگیزه و تاریخ نگارش: هر تألیفی در پی انگیزه‌ای شکل گرفته است. گاهی در دیباچه کتاب به این انگیزه‌ها اشاره می‌شود (مانند بیشتر کتابهای سید بن طاوس و بعضی از آثار شیخ صدوق) و گاهی هم نویسنده از یادکرد آن خودداری می‌کند. تاریخ نگارش نیز در بعضی از آثار، مانند *مالی شیخ طوسی*، آمده است.

۴- اهمیت و اعتبار کتاب: ارزش و اعتباری که یک نگارش نزد اندیشمندان و عالمان بزرگ دارد بسیار مهم است. بعضی از آثار آن چنان مورد توجه واقع می‌شوند که به عنوان یک اثر همیشه جاوید بر تارک علم حدیث درخشان‌اند. کتابهای چهارگانه شیعه و صحاح شش‌گانه سنیان از جهت اعتبار در رده‌های نخست قرار دارند.

۵- *طریقه وصول*: چگونگی رسیدن یک کتاب به نسلهای بعد، اعتبار هر کتاب را نشان می‌دهد. ابتدا باید بررسی نمود که آیا در کارنامه علمی یک مؤلف چنین کتابی وجود داشته است یا خیر؟ و سپس شایسته است که تا چگونگی رسیدن آن کتاب به قرن حاضر کاوش قرار شود.

۶- *نسخه‌های خطی*: تعداد نسخه‌ها، تاریخ کتابت، ویژگی کتابت یک نسخه، توجه کتاب‌شناسان به یک نسخه و ... معیار اهمیت و اعتبار یک نسخه خطی است.

۷- *سبک‌شناسی*: مؤلفان در تنظیم کتاب از سبکهای گوناگونی استفاده می‌کنند؛ مثلاً بعضی احادیث را بدون سند و بعضی دیگر همراه با سند می‌آورند و از تعلیق بهره می‌برند. دسته‌ای از نویسندگان زمان کتابت حدیث را ذکر می‌کنند و گروهی هم درباره بعضی از احادیث شرحی را بیان می‌کنند. سبکهای نویسندگان بسیار متعدد و متنوع است و بررسی این سبکها موضوع اصلی این نوشتار است.

۸- *بررسی محتوایی*: محتوای یک اثر نشانگر خلاقیت، تفکر و گرایش مؤلف است. برای به دست آوردن جایگاه علمی اثر لازم است کل کتاب مطالعه و به ریزموضوعات و ابواب آن اشاره شود. همچنین در این مرحله باید اشکالاتی که بر کتاب یا مؤلف وارد است طرح و بررسی شود.

۹- *تلاشهای پیرامونی*: پس از نگارش یک کتاب تلاشهایی پیرامون آن صورت می‌گیرد. تصحیح نسخه‌های خطی، ترجمه، شرح، چاپ و ذخیره در نرم‌افزارهای علوم اسلامی از جمله این تلاشها است. کتاب‌شناس با معرفی این فعالیتها کار خود را کامل و خواننده را در دستیابی به آنها یاری می‌کند.

بررسی تمامی موارد فوق برای کتاب‌شناسی توصیفی، که به تفصیل انجام می‌شود، ضروری است، اما آنچه در درسهای آینده خواهد آمد کتاب‌شناسی توصیفی به صورت اجمالی است.

ضمیمه (۲)

منابع مطالعاتی

- ۱- الأصول الستة عشر، چاپ دار الحديث (مقدمه).
- ۲- اصول علم الرجال، مسلم داوری.
- ۳- پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه، مجید معارف.
- ۴- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، واژه اصل.
- ۵- دراسة حول الأصول الأربعمئة، حسینی جلالی.
- ۶- الدرر، ج ۲، ص ۱۲۵ - ۱۳۵، (تعریف و بحث مفصل درباره اصل).
- ۷- معجم مصطلحات الرجال و الدرر، جدیدی نژاد.
- ۸- مقاله «الأصول الأربعمئة»، اتان کلبرگ، علوم حدیث، ش ۱۷.
- ۹- مقاله «پژوهشی در اصول اربعمئة»، سهیلا جلالی، علوم حدیث، ش ۶.
- ۱۰- مقاله «مکتوبات حدیثی اصحاب ائمه»، مهدی مهریزی، میراث حدیث شیعه، ش ۱۱.

جلسه سوم

آشنایی با سبکهای مسائل، رساله و نوادر

اهداف درس

- ✓ آشنایی با سبکهای مسائل، رساله و نوادر؛
- ✓ معرفی کتابهای مسائل علی بن جعفر و رساله الذهبیه.

ب) المسائل

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های تدوین کتاب در عصر حضور امامان (علیهم السلام) مسائل‌نویسی است. ظهور این سبک از عصر امام باقر (علیه السلام) آغاز شد و تا دوران غیبت صغری ادامه یافت^{۷۵} و در فهرست آثار بسیاری از راویان می‌توان چنین عنوانی را مشاهده کرد. تعریف مسائل: به کتابی که پرسش‌های مخاطبان و پاسخهای شفاهی امامان (علیهم السلام) را دربرداشته باشد، مسائل گفته می‌شود؛^{۷۶} مانند مسائل علی بن جعفر (علیه السلام)، مسائل علی بن یقطین و مسائل محمد بن سنان.

پیشینه کتابهای مسائل

نخستین کتاب مسائلی که در کتابهای فهرست به آن اشاره شده، کتاب *المسائل* به روایت حارث همدانی، از یاران ویژه و نزدیک امام علی (علیه السلام)، است. این اثر یک جزوه تبلیغی فرقه‌ای، و به احتمال زیاد از دوره اموی، است که در شکل دفتری مشتمل بر پاسخهای امام علی (علیه السلام) به پرسشهایی که رئیس جامعه یهود (در کوفه) از آن حضرت، در بازگشت از جنگ نهروان، نمود تدوین شده است. این اثر را عمرو بن میمون (ابی‌المقدام)^{۷۷} که از روات اوایل قرن دوم

۷۵. گفتنی است که این سبک با تغییر در مرجع سؤالات کیفیت آنها تا دوران معاصر ادامه داشته است. استفتائات فقهی از مراجع تقلید نیز نوعی مسائل به شمار می‌رود.

۷۶. مسلم داوری، *اصول علم الرجال*، ص ۳۶۵، با اندکی تغییر.

۷۷. الشیخ الطوسی، *الفهرست*، ص ۱۸۱. شیخ طوسی این اثر را در شمار آثار ابوالمقدام عمرو بن میمون یاد کرده است.

بوده است از ابواسحاق سبّعی از حارث نقل می‌کند. متن کامل این رساله در کتاب *خصال*^{۷۸} (باب السبعة) وجود دارد.^{۷۹}

دیگر کتابهای مسائل بیشتر به دوران پس از امام باقر (علیه السلام) مربوط است، چراکه فقه شیعه در این دوران گسترش یافت و فقیهان بسیاری در مکتب امامان پرورش یافتند. ایشان با پرسش از امامان درباره مسائل گوناگون فقهی و تدوین آنها، در شکل‌گیری کتابهای مسائل نقش مهمی ایفا کردند. در دوران امامان متأخر نگارش کتابهای مسائل فزونی یافت؛ به گونه‌ای که بیشتر فقهای معروف شیعه در این دوران کتابی با عنوان *المسائل* گردآوری کرده بودند. با نگاهی به عناوین زیر می‌توان به پراکندگی این نگارشها در دورانهای مختلف پی‌برد. گفتنی است که این مطالب بازگو کننده بخشی از تلاشهای حدیثی اصحاب در این زمینه است.

۱- عصر صادقین (علیهما السلام)

محمد بن قیس البجلی کتابی با عنوان *المسائل*، که حاوی مجموعه سؤالاتی از امام باقر (علیه السلام) بوده،^{۸۰} نگاشته است.

همچنین محمد بن مسلم بن رباح کتابی با عنوان *الأربعمئة مسألة في أبواب الحلال والحرام*، که حاوی مجموعه سؤالاتی از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) است، همراه با پاسخ ایشان، تألیف کرده است. ابومحمد حماد بن عیسی الجهنی و عبیدالله بن علی حلبی هر کدام کتابی با عنوان *المسائل* نوشته‌اند که مجموعه سؤالاتی از امام صادق (علیه السلام) است.

۲- دوران امام کاظم (علیه السلام)

در کارنامه علمی کسانی چون علی بن جعفر (علیه السلام)، صفوان بن یحیی، علی بن یقطین و حسن بن علی بن یقطین اثری با عنوان *مسائل عن ابي الحسن موسى بن جعفر (عليهما السلام)* به چشم می‌خورد.

۳- دوران امام رضا (علیه السلام)

کتابهای مسائل راویان این دوره دربردارنده سؤالات فقهی ایشان از امام رضا (علیه السلام) است. معروف‌ترین مسائل‌نویسان این دوره عبارت‌اند از: حسن بن علی بن زیاد الوشاء البجلی، ابراهیم بن بشر، زکریا بن آدم بن

۷۸. شیخ صدوق، *الخصال*، ص ۳۸۲ - ۳۶۴، ح ۵۸. شیخ صدوق این روایت را به دو طریق گزارش کرده است. امام علی (علیه السلام) در آغاز این مباحثه ۱۸ صفحه‌ای از رئیس جامعه یهود اقرار می‌گیرد که چنان‌که سؤالات هفت‌گانه او را پاسخ دهد او به اسلام ایمان بیاورد. مرد یهودی نیز که معتقد بود پاسخ این سؤالات را فقط نبی یا وصی او می‌داند، قبول می‌کند. در پایان این جلسه باشکوه او به دین مبارک اسلام مشرف می‌گردد.

۷۹. مدرسی طباطبایی، *میراث مکتوب شیعه*، ص ۹۰.

۸۰. بیشتر روایات برجای‌مانده از این متن در *مسند محمد بن قیس البجلی* گردآوری شده است و بسیاری از آنها با عبارت «سألته» آغاز می‌شود.

عبدالله الاشعری القمی، محمد بن ابی عمیر، احمد بن ابی نصر البزنطی، یونس بن عبدالرحمان، محمد بن خالد البرقی، ابی دلف سعد خادم و یاسر الخادم.

۴- دوران امامان متأخر

یعقوب بن اسحاق السکیت کتابی با عنوان *المسائل*، حاوی سؤالاتی از امام جواد (علیه السلام)، نگاشته است. همچنین علی بن الریان بن الصلت، محمد بن الریان بن الصلت و هارون بن مسلم بن سعدان هر کدام سؤالات خود از امام هادی (علیه السلام) را در کتابی با عنوان *المسائل* گردآورده‌اند. محمد بن الحسن الصفار و محمد بن سلیمان بن الحسن الجهم در کتابهایشان (*المسائل و الجوابات*) سؤالاتی از امام حسن عسکری (علیه السلام) پرسیده‌اند. کتاب *المسائل*، نوشته محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری القمی، حاوی سؤالاتی از امام عصر (عجل الله تعالی فرجه) است.

مسائل نویسی در عصر غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز ادامه یافت؛ با این تفاوت که سؤالات از جانشینان امامان، یعنی علمای بزرگ شیعه، پرسیده می‌شد. نخستین کتاب مسائل که از غیرمعصوم پرسش شده، اثر محمد بن عبدالله حمیری است. او سؤالات خویش را از محمد بن عثمان عمری، نایب خاص امام عصر، پرسیده و در کتابی با همین عنوان گردآورده است.^{۸۱} پس از او نیز بسیاری از دانشمندان بزرگ شیعه، چون شیخ مفید، شیخ صدوق، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه مجلسی، ملامحسن فیض کاشانی و ...، به نگارش کتابهایی با همین شیوه اقدام کردند.

ویژگیهای کتابهای مسائل

- ۱- موضوع بیشتر کتابهای مسائل، فقهی و معمولاً سؤالاتی از فروع فقه است.
- ۲- در این گونه نگارشی، راویان از عباراتی نظیر «سألت، سألته، سئل، أسأله» استفاده می‌کند.
- ۳- تدوین کنندگان دسته‌ای از کتابهای مسائل، تنها روایت کننده مجالس پرسش و پاسخ بوده و خود مخاطب اصلی امام نبوده‌اند.
- ۴- در بخشی از کتابهای مسائل، احادیث به صورت مضمّر می‌آید و نام گوینده اصلی (امام علیه السلام) ذکر نمی‌شود.
- ۵- بیشتر کتابهای مسائل به دوران امام رضا (علیه السلام) مربوط است.

۸۱. الشيخ الطوسی، *الفهرست*، ص ۱۶۷.

چند نکته

۱- بخش اندکی از مجموعه کتابهای مسائل به سؤالات کلامی و غیرفقهی اصحاب از ائمه (علیهم السلام) اختصاص دارد. کتاب *المسائل الأربع فی الإمامه* اثر فضل بن شاذان و کتاب *ما سئل عنه الصادق (علیه السلام) من الملاحم* اثر علی بن یقطين در شمار این گونه کتابها هستند.

۲- گروهی از بزرگان شیعه پس از شهادت یک امام برای شناسایی امام بعدی مدعیان امامت را می‌آزمودند. نحوه آزمایش آنها این گونه بود که مجموعه سؤالاتی که پاسخ آنها را از امام پیشین در دست داشتند دوباره مطرح می‌کردند تا دانش فرد را بیازمایند. از این رو احتمال دارد این دسته سؤالات در کتابی با عنوان مسائل گردآوری شده باشد. در گزارشی که کلینی بیان می‌کند هشام بن سالم به و حارث بن محمد بن نعمان پس از وفات امام صادق (علیه السلام) در مدینه بودند و دیدند که مردم گرداگرد عبدالله، پسر امام صادق (علیه السلام)، حلقه زده‌اند و بر این گمان‌اند که او امام بعدی است. هشام می‌گوید: من به همراه حارث بن محمد نزد او رفتیم و از او همان سؤالاتی را کردیم که پیش از آن از پدرش پرسیده بودیم. (و نسأله عما کنا نسأل عنه أباه) آنها وقتی ناهمگونی پاسخهای او را دریافتند به نزد امام کاظم رفتند و تمامی پاسخهای آن حضرت را دقیقاً مطابق بیانات پدرش، امام صادق، یافتند و این گونه به امامت ایشان پی‌بردند.^{۸۲}

۳- کتابهای مسائل اصحاب نیز به سرنوشت اصول و دیگر مصنفات ایشان دچار شده و تقریباً تمامی آنها از بین رفته است و یا در جوامع اولیه و تألیفات محدثین ادغام شده است. تنها کتابی که در دسترس داریم *مسائل علی بن جعفر (علیه السلام)* است که تاکنون باقی مانده است.

البته بخشی از این کتابها تا قرن هفتم در اختیار نویسندگان بزرگی همچون سید بن طاووس بوده است.^{۸۳} او از کتابهای *مسائل عن الرضا، المسائل علی بن یقطين، مسائل الرجال [عن] الهادی (علیه السلام)* و کتابی با عنوان *المسائل و اجوبتها من الأئمه*^{۸۴} حدیث نقل کرده است.

۴- تعریف سبک مسائل نویسی در شیعه با اهل سنت متفاوت است. سنیان این سبک را در گونه‌ای از کتابهای رجال، فقه و فقه الحدیث به کار می‌برند و مرادشان کتابهایی است که نویسنده از یک یا چند نفر از مشایخ خود درباره وثاقت راویان مختلف یا فهم احادیث سؤال می‌کند. گردآوری این گونه پرسش‌ها و پاسخها کتابهایی را با عناوین *مسائل و سؤالات* پدید آورده است؛ مانند:

۱- کتاب *مسائل الإمام احمد* (سؤالات احمد بن حنبل)؛ این کتاب در سه جلد به چاپ رسیده و تمام سؤالات آن فقهی است.

۲- کتاب *سؤالات أبي داود سليمان بن اشعث سجستانی* (م ۲۷۵)؛ این کتاب از احمد بن حنبل (م ۲۴۱) و درباره وثاقت راویان است.

۳- کتاب *سؤالات حاکم نیشابوری اللد/رقطنی*؛ این کتاب در موضوع جرح و تعدیل راویان است.

۸۲. کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۳۵۱.

۸۳. اتان کلبی، *کتابخانه ابن طاووس*، ص ۴۱۲ - ۴۰۹.

۸۴. سید بن طاووس از این کتاب در *اقبال الاعمال* (ص ۹۸) روایت نقل کرده است، ولی در کتابهای فهرس از این عنوان اثری نیامده و فقط علامه تهرانی در *الذریعه* آن را کتاب *المسائل عن الأئمة و أجوبتها* منهدم نامیده است. اتان کلبی می‌نویسد: در روایتی که سید بن طاووس در *اقبال* از این کتاب گزارش کرده است، امام هادی به پرسش‌گری می‌گوید: حضرت فاطمه در کنار رسول خدا دفن شده است؛ بنابراین، ممکن است کتاب *مسائل الرجال امام الهادی*، جزئی از این تألیف بوده باشد؛ اتان کلبی، *کتابخانه ابن طاووس*، ص ۴۱۰.

معرفی کتاب مسائل علی بن جعفر (علیه السلام)

مؤلف

هویت: علی بن جعفر، کوچک‌ترین فرزند امام صادق (علیه السلام) و از یاران باوفای امامان متأخر است. او را علی بن جعفر عریضی می‌گویند و عریضی نام محله‌ای در حاشیه مدینه است که خاندان او در آنجا زندگی می‌کردند.^{۸۵} از سال ولادت و وفات ایشان اطلاع دقیقی در دست نیست، اما بعضی از محققان معاصر با تکیه بر شواهد گوناگون مدت عمر وی را حدود ۸۵ سال دانسته‌اند و تولد او را ۱۳۵ قمری و وفاتش را سال ۲۲۰ قمری تخمین زده‌اند. مدفن وی را سه جا احتمال داده‌اند: قم، سمنان و عریض. در هر یک از این سه محل مقبره‌ای به یاد او بنا شده و محل زیارت ارادتمندان ایشان است. اما بنا به قراینی که در مورد وفات وی وجود دارد به احتمال قوی مدفن او عریض در حوالی مدینه است.

طبقه: علی بن جعفر در زمان امام صادق (علیه السلام) کودکی یا نوجوانی خویش را سپری می‌کرده و تا عصر امام هادی (علیه السلام) نیز در قید حیات بوده است. بنا بر گزارشهای رجال‌نویسان، وی از یاران امام کاظم، امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) بوده و مدت کوتاهی از حیات امام هادی (علیه السلام) را نیز درک کرده است.

حوادث سیاسی - اجتماعی: گروههای متعدد کلامی و فقهی شیعه، همچون فطحیه، اسماعیلیه، واقفیه و ...، در قرن دوم نمایان شدند. رشد این گروهها سبب شد که علی بن جعفر در رد افکار باطل ایشان روایات زیبایی را از پدر و برادر خویش گزارش کند. او، که به عنوان دانشمندی پرهیزگار شناخته شده بود، گذشته از فعالیت‌های علمی با رفتار متواضعانه خویش نسبت به برادر و برادرزادگان به اثبات امامت ایشان می‌پرداخت. علی بن جعفر با کهنوت سن به حضور برادرزاده نوجوان خویش (امام جواد علیه السلام) می‌رسد که اظهار ارادت او در آن ایام خواندنی است.^{۸۶}

شخصیت علمی و گفته‌های پسینیان: احدی از رجال‌نویسان در جلالت و بزرگی او تردید نکرده است. اگرچه او بزرگ‌شده خاندان علم و تقوا است و در خانه امام صادق (علیه السلام) پرورش یافته است، اما هیچ‌گاه خود را از خاندان عصمت مستغنی ندیده و همواره در خدمت امامان بوده است. افتخار مصاحبت دائمی با امام کاظم (علیه السلام)، حتی در مسافرتها، سبب شده تا او فقهی متقی و فرهیخته‌ای دانا گردد.

بخشی از سخنان بزرگان در رثای علی بن جعفر چنین است:

شیخ مفید:

کان راویةً للحديث، سدید الطریق، شدید الورع، کثیر الفضل و لزم أخاه موسی (علیه السلام) و روی عنه شیئاً کثیراً من الاخبار.^{۸۷}

۸۵. نسل او همچنان از چهار فرزندش (محمد، احمد، حسن و جعفر) باقی است و به سادات عریضی شهرت دارند.

۸۶. ر. ک: بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۶، ح ۲۶؛ کافی، ج ۱، ص ۳۲۲. در این گزارش علی بن جعفر هنگام ورود امام جواد (علیه السلام) به مسجدالنبی به احترام آن حضرت از مجلس درسش برمی‌خیزد و دست مبارک امام جواد را، که در سنین کودکی بود، می‌بوسد و احترامی وافر به ایشان می‌گذارد. او در پاسخ طعنه‌زندگان به شدت ایستادگی می‌کند و می‌گوید: «اسکتوا! إذا کان الله عز و جل - و قبض علی لحیته - لم یؤهل هذه الشیبة و أهل هذه الفتی و وضعه حیث وضعه اذکر فضله؟ نعوذ بالله مما تقولون. بل أنا له عبد.

۸۷/ لا رشاد، ص ۲۸۷.

شیخ طوسی درباره مؤلف گفته است: «جلیل‌القدر، ثقة».^{۸۸} علامه مجلسی هم جلالت او را مشهورتر از آن دانسته که نیاز به بیان و توصیف داشته باشد.^{۸۹} بنا بر آنچه گذشت بسیاری از بزرگان او را به بزرگی یاد کرده‌اند و اگر بعضی از ایشان^{۹۰} نیز از وثاقت او سخن نگفته‌اند بدان خاطر است که شهرت او نیازی به توثیق ندارد. نویسندگان کتابهای چهارگانه روایات بسیار زیادی از او گزارش کرده‌اند، اما در آثار نگارشی او فقط کتاب *مسائل* به چشم می‌خورد.^{۹۱}

کتاب

نام کتاب: فهرست‌نگاران کتاب او را با عناوین مختلف یاد کرده‌اند:

۱- کتاب فی الحلال و الحرام؛^{۹۲}

۲- المسائل؛^{۹۳}

۳- کتاب ما سألہ عن أخیه؛^{۹۴}

۴- کتاب علی بن جعفر.^{۹۵}

امروزه این کتاب به *مسائل علی بن جعفر* شهرت دارد.

موضوع کتاب: موضوع اصلی آن فقه است و احکام شرعی را در موضوعات مورد ابتلای افراد بیان کرده است. از آنجا که تمام احادیث آن فقهی است، نجاشی آن را *کتاب فی الحلال و الحرام* نامیده است. اعتبار: کتاب *مسائل علی بن جعفر* از کتابهای معتبر و اصول اولیه شیعه است که بزرگانی همچون شیخ صدوق، مفید، کلینی، طوسی و ... به آن اعتماد کرده و در پژوهشهای فقهی خود از آن بهره جسته‌اند. بسیاری از احادیث این کتاب در کتابهای چهارگانه شیعه و قرب الاسناد حمیری آمده است. *طریقه وصول*: اگرچه بیشتر روایات این کتاب در جوامع اولیه آمده ولی شهرت و اعتبار این کتاب سبب شده است که بسیاری از علما به استنساخ نسخه‌های این اثر ارزشمند بپردازند. قدیمی‌ترین نسخه‌ای که اکنون در دست است به سال ۶۸۶ قمری مربوط می‌شود. فهرست‌نگاران اولیه نیز از طریقه‌های متعدد (۸ طریق) به این اثر ظفر یافته‌اند. علامه مجلسی و شیخ حر عاملی هم به همین نسخه‌های موجود اطمینان کرده و در *بحار الأنوار و وسائل الشیعه* از آن روایت نقل کرده‌اند.

سبک نگارشی: کتاب *مسائل علی بن جعفر* دارای ۴۲۹ روایت است که همگی آنها سؤالات فقهی علی بن جعفر از برادرش امام کاظم (علیه السلام) است. این کتاب فاقد ابواب و موضوع‌بندی است و به همان شیوه اصول اولیه، بدون هیچ نظم و ویژه‌ای، احادیث را گرد آورده است. تمامی روایات مسائل با عبارت «و سألته» آغاز شده است. این‌گونه مضمّر آوردن سبب شده که برخی گمان کنند سؤالات علی بن جعفر از پدرش امام صادق «علیه السلام» بوده است، ولی علامه تهرانی در *الدریعه* ضمن ردّ این نظر می‌گوید:

۸۸. طوسی، *الفهرست*، ص ۸۷، الرقم ۳۶۷.

۸۹. *الکنی و الألقاب*، ج ۳، ص ۱۲۰.

۹۰. مانند نجاشی و ابن داود حلی.

۹۱. *مسائل علی بن جعفر*، تحقیق حسینی جلالی، ص ۶۷.

۹۲. *رجال النجاشی*، ص ۲۵۱، الرقم ۶۶۲.

۹۳. *رجال النجاشی*، ص ۲۹، الرقم ۶۰.

۹۴. *رجال الطوسی*، ص ۳۵۳، الرقم ۵.

۹۵. *مشيخة الفقيه*، ص ۵.

در چند موضع از کتاب آمده است: «قال أخی»، بنابراین ضمیر در «سألته» نیز به امام کاظم (علیه السلام) باز می‌گردد.^{۹۶}

البته در کتابهای دیگر نیز که این روایات را گزارش کرده‌اند نام امام کاظم (علیه السلام) را اظهار نموده‌اند.^{۹۷} گفتنی است تمام روایات این کتاب بدون واسطه آمده است.^{۹۸}

اساساً در زمان فوت پدرش کوچک (حدود ده سال) بوده است. نمونه: «و سألته عن الرجل يكون خلف الإمام يجهر بالقراءة و هو يقتدى به، هل له أن يقرأ خلفه؟ قال: لا، و لكن لينصت للقرآن».^{۹۹}

از ایشان درباره‌ی مردی پرسیدم که در نماز جماعت به امام اقتدا کرده است و حمد و سوره را بلند می‌خواند؛ آیا در این حالت او می‌تواند قرائت کند؟ [امام] فرمودند: نه، نمی‌تواند. بایسته است که سکوت کند و قرآن (حمد و سوره) را بشنود.

تلاشهای پیرامونی

این اثر توسط مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) در سال ۱۴۰۹ قمری با تحقیق، تصحیح و مقدمه‌ای کامل به چاپ رسیده است. از ویژگیهای این اثر بخش دوم آن است که با عنوان «مستدرکات علی بن جعفر» از بخش نخست جدا شده است. در این بخش محققان سعی کرده‌اند تا سؤالات دیگر علی بن جعفر را که در کتابهای معتبر آمده است گرد آورند. این بخش دارای ۴۳۵ روایت است که بیشتر آنها با همان عبارت «سألته» آغاز شده است.^{۱۰۰} محققان سعی کرده‌اند سند کامل هر روایت را ذکر کنند و همگی روایات این بخش را در موضوعات گوناگون دسته‌بندی نمایند. در مستدرکات غیر از احادیث فقهی، احادیث اخلاقی و اجتماعی نیز دیده می‌شود.

ج) الرساله

واژه رساله در فرهنگ لغات از ریشه «رَسَلَ» به معنای فرستادن است و به هر چیزی که فرستاده می‌شود، مانند نامه، محموله پستی، نامه رسمی، یادداشت و پیام، رساله می‌گویند. این واژه به کتاب کوچکی که در بر دارنده مسائل اندکی در یک موضوع باشد هم اطلاق می‌شود.^{۱۰۱}

۹۶. /الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۶۰.

۹۷. گذشته از این، در کتابهای رجال نیز آمده که کتاب وی حاوی سؤالات او از برادرش امام کاظم (علیه السلام) است.

۹۸. مانند شیخ عبدالله سماهیچی که در اجازه روایت این کتاب چنین گفته است: /الذریعه، ج ۲۰، ص ۳۶۰.

۹۹. مسائل علی بن جعفر، ص ۱۲۷، ح ۱۰۱.

۱۰۰. البته بعضی از روایات هم که با عبارت «سألته» آغاز نشده، روایاتی است که علی بن جعفر از برادرش گزارش کرده است؛ مانند: حدیث ۶۳۴ و ۶۳۵.

۱۰۱. /المعجم الوسیط، ص ۳۴۴، ماده رسل؛ آذرتاش آذرنوش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، ص ۲۳۵، ماده رسل.

در اصطلاح سبک‌شناسی، رساله به نامه مستقلی گفته می‌شود که امام (علیه السلام) در پاسخ فرد یا گروهی ارسال می‌کند.

این شیوه از عصر امام علی (علیه السلام) آغاز شده و تا پایان دوره غیبت صغری ادامه داشته است. دانشمندان و بزرگان شیعه در جای جای مملکت اسلامی با فرستادن نامه و پرسش از امامان، ارتباط خود را با ایشان حفظ و مشکلات خود را حل می‌کردند.

این ارتباط علمی سبب شد که دهها نامه از ائمه (علیهم السلام) صادر شود و امروزه در شمار میراث مکتوب حدیثی برگه‌ای از صفحات افتخارآمیز فرهنگ شیعه را رقم زند. معروف‌ترین رسائل ائمه (علیهم السلام) عبارت‌اند از:

۱- نامه‌های پیامبر: بیشتر این نامه‌ها به سران قبایل و پادشاهان نگاشته شده است. مرحوم آیت‌الله احمدی میانجی این نامه‌ها را در کتاب *مکاتیب الرسول* گرد آورده است.

۲- نامه‌های امام علی (علیه السلام): امام علی (علیه السلام) به بسیاری از دوستان، فرزندان، کارگزاران و حتی دشمنان خویش نامه‌هایی ارسال می‌کردند. *نهج البلاغه* ۷۹ نامه را از امام علی (علیه السلام) گزارش کرده است.

۳- *رسالة الحقوق*: امام سجاد (علیه السلام) در این نوشتار پنجاه حق از حقوق گوناگون فردی، اجتماعی و عبادی را به بعضی از یارانشان متذکر شده‌اند.^{۱۰۲}

۴- *رسالة الزهد*: این رساله را امام سجاد (علیه السلام) در موضوع زهد بیان کرده‌اند و شاگرد توانا و دانش‌پژوه ایشان، ابوحمزه ثمالی، آن را به دست آورده و پس از مطالعه از روی آن نسخه‌برداری کرده است؛ آن‌گاه نسخه خود را به امام سجاد (علیه السلام) عرضه داشته و آن حضرت هم تأیید کرده‌اند.^{۱۰۳}

۵- *رسالة أبي جعفر (عليه السلام) إلى سعد الاسكاف*: در این نامه پرسش‌های سعد و پاسخ‌های امام باقر (علیه السلام) مشاهده می‌شود. موضوع این رساله فضایل قرآن و اهل بیت (علیهم السلام) است.^{۱۰۴}

۶- *رسالة في الغنائم و وجوب الخمس*: در این متن، که در کتاب *تحف العقول* آمده، امام صادق (علیه السلام) مطالبی را درباره غنائم جنگی و وجوب و پیشینه خمس بیان کرده است. از مخاطب این رساله اطلاعی در دست نیست.^{۱۰۵}

۷- *الرسالة الأهوازية*: عبدالله نجاشی از سوی منصور، خلیفه عباسی، والی اهواز بود. او با ارسال نامه‌ای به امام ششم پرسش‌های گوناگونی را مطرح کرد. امام صادق (علیه السلام) نیز در رساله‌ای خطاب به او و اهالی اهواز، پاسخ پرسش‌های ایشان را بیان فرمودند.^{۱۰۶}

۸- *رسالة الامام صادق (عليه السلام) إلى جماعة شيعته وأصحابه*: امام ششم این رساله تربیتی را خطاب به شیعیان و ارادتمندان خویش نگاشته‌اند و به ایشان فرموده‌اند که به این رساله بسیار توجه کنند و در خواندن و

۱۰۲. کامل این رساله در کتاب *تحف العقول*، ص ۲۷۲ - ۲۵۵ و *خصال* شیخ صدوق، ص ۵۷۰ - ۵۶۴ آمده است.

۱۰۳. *الکافی*، ج ۸، ص ۱۴، ح ۲. ابوحمزه می‌گوید: هرگاه امام سجاد (علیه السلام) پیرامون زهد سخنرانی می‌کرد، حاضران در مجلس همگی می‌گریستند.

۱۰۴. *رجال نجاشی*، ص ۱۲۹. متن رساله در کتاب *الکافی*، ج ۲، ص ۵۹۸ - ۵۹۶.

۱۰۵. *تحف العقول*، ص ۳۳۹.

۱۰۶. *رجال نجاشی*، ص ۱۰۱ و ۲۱۳. شهید ثانی تمام این رساله را در پایان کتاب *کشف الریبه* ثبت کرده است.

عمل کردن به مفاد آن مداومت داشته باشند. شیعیان نیز این رساله را تکثیر می‌کردند و در نمازگاه‌های خویش نصب و پس از هر نماز آن را مطالعه می‌کردند.^{۱۰۷}

۹- رسالة أبي الحسن موسى (عليه السلام) إلى علي بن سويد السائي:^{۱۰۸} در این نوشتار طولانی، که متأسفانه تنها بخشی از آن به ما رسیده است، امام هفتم از درون زندان به پرسشهای علی بن سويد پاسخ می‌دهد. در بخشی از این رساله امام کاظم در پاسخ به سؤال او که پرسیده بود «از چه کسی آموزه‌های دینی را بیاموزیم؟» نوشته‌اند:

آموزه‌های دینی‌ات را از غیرشیعیان ما فرا نگیر؛ چراکه اگر دینت را از دیگران بیاموزی در حقیقت دین را از خیانت‌کاران فرا گرفته‌ای.^{۱۰۹}

۱۰- رسالة إلى أهل البصرة: عنوان دو رساله‌ای است که از امام باقر و امام جواد (علیهما السلام) به اهالی بصره صادر شده است.

رساله نخست توسط امام باقر (علیه السلام) و به درخواست جابر بن یزید جعفری نوشته شده^{۱۱۰} و رساله دوم به قلم امام جواد (علیه السلام) و در پاسخ به محمد بن سنان و دیگر اهالی بصره نگارش یافته است.^{۱۱۱}

۱۱- الرسالة الذهبية: اثری ارزشمند از امام رضا (علیه السلام) با توجه به معروفیت و ماندگاری این اثر توضیحات مختصری را در پایان همین بخش می‌خوانیم.

۱۲- رسالة في الرد على الجبر والتفويض: این رساله را امام هادی (علیه السلام) در پاسخ به مردم اهواز نگاشته‌اند. شیعیان اهواز در برخی از مسائل اصول عقاید با یکدیگر اختلاف پیدا کرده و در پیروی از فرقه‌های منحط کلامی به دو گروه قدریون و مفوضه تقسیم شده بودند. آنان عقاید خویش و اختلافات پیش‌آمده را در نامه‌ای به امام هادی (علیه السلام) گزارش کردند. امام در این رساله کلامی ضمن رد هر دو گروه، سخن و عقیده راسخ و درست را به ایشان آموختند.^{۱۱۲}

امام هادی (علیه السلام) در این رساله با ذکر دلایل عقلی و نقلی بیانات امامان پیشین را به تفصیل شرح کرده و با استناد به آیات قرآن بطلان اقوال گوناگون دو فرقه فوق را آشکار نموده‌اند.

۱۳- رسالة إلى اسحاق بن اسماعيل: امام حسن عسکری (علیه السلام) در پاسخ به نامه یار باتقوای خویش، اسحاق بن اسماعیل نیشابوری، رساله مختصری را ارسال کرده است.^{۱۱۳}

نکته

رساله تفاوت اندکی با توقیع دارد. توقیعات نیز، مانند رساله‌ها، پاسخهای کتبی امامان به پرسش‌های یاران ایشان است، ولی با این تفاوت که اولاً بسیار مختصرتر از رساله است و ثانیاً در توقیعات معمولاً امامان در

۱۰۷. تحف العقول، ص ۳۱۳؛ الکافی، ج ۸، ص ۱۴ - ۲.

۱۰۸. رجال نجاشی، ص ۲۷۶.

۱۰۹. رجال الکشی، ج ۱، ص ۷، ح ۴. بنگرید به همان کتاب، ج ۲، ص ۷۵۴، ح ۸۵۹.

۱۱۰. رجال نجاشی، ص ۱۲۹.

۱۱۱. الفهرست، شیخ طوسی، ص ۲۰۶؛ معالم العلماء، ص ۱۲۹.

۱۱۲. تحف العقول، ص ۴۷۵ - ۴۵۸.

۱۱۳. تحف العقول، ص ۴۸۶ - ۴۸۴.

حاشیه همان نامه ارسالی پاسخ را می‌نوشتند، ولی در رساله پاسخ را به صورت مستقل و جدا از نامه حاوی پرسش ارسال می‌کردند.

ویژگیهای رساله

- ۱- در ابتدای بسیاری از این رساله‌ها عباراتی است که بیانگر وصول نامه مخاطب به امام (علیه السلام) است؛ مانند عبارت «فَهَمْتُ كِتَابَكَ يَرْحَمُكَ اللَّهُ...».
- ۲- خوشبختانه متون بیشتر رساله‌های امامان در دسترس است.
- ۳- بیشتر رساله‌ها از امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) صادر شده است.
- ۴- عنوان رساله پس از عصر حضور به کتابهای کوچکی گفته می‌شد که دربردارنده مسائل اندکی پیرامون یک موضوع بود و بسیاری از نویسندگان، به ویژه فقها، از این اصطلاح برای نگارشهای خود استفاده می‌کردند.

معرفی کتاب الرسالة الذهیه (طب الرضا)

مؤلف

هویت: نویسنده این اثر ارزشمند امام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است. ایشان در یازدهم ذی‌قعدة ۱۴۸ یا ۱۵۳ هجری متولد شدند و در آخر صفر ۲۰۳ هجری به دست مأمون مسموم و به شهادت رسیدند. شیعیان خراسان ایشان را در سناباد طوس دفن کردند. در عصر امام هشتم، نهضت ترجمه شکل گرفت و مسلمانان برای آگاهی از آخرین پیشرفتهای کتابهای دانشمندان جهان را به عربی ترجمه و درباره آن مباحثات علمی گوناگونی برپا کردند. در دوران ولایت عهدی امام رضا (علیه السلام) مناظرات علمی متعددی در حضور ایشان انجام می‌شد. مأمون، که در میان خلفای عباسی به علم‌دوستی شهرت داشت، از برپایی این گونه جلسات به گرمی استقبال می‌کرد. شیخ صدوق تعدادی از این جلسات را در کتاب *عیون اخبار الرضا (علیه السلام)* گزارش کرده است.

انگیزه و تاریخ نگارش: جمعی از پزشکان و دانشمندان معروف در حضور مأمون جلسه علمی تشکیل داده بودند و درباره مسائل پزشکی، خواص خوراکیها و علت بروز بیماریها سخن می‌گفتند. امام رضا (علیه السلام) هم که در مجلس حضور داشت در طول این مباحث سکوت کرده بودند. مأمون نظر امام را پیرامون مباحث مطرح شده جویا شدند. امام رضا (علیه السلام) فرمودند:

من نیز در این باره تجربیاتی دارم که با گذشت زمان و آزمایشهای گوناگون به درستی آنها یقین پیدا کرده‌ام ... و به زودی آنها را [در نوشتاری] جمع خواهم کرد.

مدتی بعد مأمون عازم بلخ شد و در نامه‌ای از امام رضا (علیه السلام)، که در طوس بودند، خواست تا برایش تجربیاتی که در علوم پزشکی کسب کرده است را بنویسد. مأمون در نامه خود پرسش‌هایی در مورد خوردنیها و آشامیدنیها، داروهای گوناگون، رگ‌زنی، حجامت، آداب حمام، فواید مسواک و ... مطرح ساخته بود.

امام رضا (علیه السلام) نیز در پاسخ به نامه مأمون مجموعه کاملی را تدوین کردند. این مجموعه به *الرسالة الذهبية* معروف شد.

با توجه به دوران حضور امام رضا در خراسان این رساله باید در فاصله زمانی سالهای ۲۰۱ تا ۲۰۳ هجری نگاشته شده باشد.

کتاب

نام کتاب: *الرسالة الذهبية* با نامهای دیگری چون *طب الرضا* یا *الرسالة المذهبية عن الرضا في الطب* نیز معرفی شده است.

موضوع: این رساله دربردارنده مجموعه‌ای از احادیث بهداشتی و پزشکی است.

ارزش و اعتبار: این رساله را فردی به نام محمد بن حسن بن جمهور^{۱۱۴} گزارش کرده است و زندگی‌نامه‌نویسانی چون شیخ طوسی^{۱۱۵} و ابن شهر آشوب بر این مطلب تصریح کرده‌اند. بزرگانی چون محقق ثانی (کرکی) نیز در انتساب این رساله به امام رضا (علیه السلام) به خود تردیدی راه نداده‌اند.

از جمله دلایل اعتبار این رساله شرحی است که دانشمند بزرگ قرن ششم سید فضل‌الله راوندی (م ۵۷۰) بر آن نگاشته است. این پژوهش، که اولین شرح *رسالة الذهبية* است، ترجمه *العلوی للطب الرضوی* نام دارد.

آنچه سبب شده است بعضی به این کتاب توجه چندانی نکنند^{۱۱۶} این است که راوی کتاب (محمد بن حسن بن جمهور) از سوی چند نفر از رجال نویسان^{۱۱۷} تضعیف شده است. در مقابل دانشمندانی چون محدث نوری و آیت‌الله خویی در دفاع از این رساله به ایرادات رجال نویسان پاسخ گفته‌اند.^{۱۱۸} گذشته از این علامه عسکری در مقدمه این کتاب^{۱۱۹}، نوشته که نسخه‌های دیگر از این رساله در سامرا موجود است و راوی آن حسن بن محمد نوفلی است که رجال نویسان او را توثیق نموده و از یاران امام هشتم دانسته‌اند.

البته باید اعتراف کرد که دانشمندان علوم اسلامی روایات پزشکی را معتبر نمی‌دانند و در مواجهه با این‌گونه احادیث شیوه ویژه‌ای پیش می‌گیرند. نتیجه این روش آن است که درباره احادیث پزشکی باید تفصیل داد.^{۱۲۰}

مطالب و مباحث: امام رضا (علیه السلام) در آغاز این رساله بدن انسان را به کشوری تشبیه می‌کند که قلب، به عنوان پادشاه، حکومت آن را به عهده دارد، رگها کارگزاران قلب و سراسر بدن کشور و دامنه حکومت او است.

۱۱۴. گفتنی است که محمد این رساله را از پدرش روایت کرده است. پدر او از ملازمان امام رضا (علیه السلام) است که به همراه آن حضرت از مدینه به طوس آمد. سن او هنگام شهادت امام ۴۹ سال گزارش شده است. ر. ک: *الرسالة الذهبية*، ص ۵-۴.

۱۱۵. الطوسی، *الفهرست*، ج ۱، ص ۴۱۳، شماره ۶۲۷.

۱۱۶. شیخ حرّ عاملی این رساله را در زمره کتابهایی دانسته است که نمی‌توان به آن اعتماد کرد. *أمل الآمل*، ج ۲، ص ۳۶۴.

۱۱۷. نجاشی، ابن غضائری، علامه حلی و سید بن طاووس، محمد بن جمهور را به غالی بودن متهم کرده و او را در حدیث ضعیف دانسته‌اند.

۱۱۸. *خاتمة المستدرک*، ج ۱، ص ۲۲۹ - ۲۲۷؛ *معجم رجال الحديث*، ج ۱۶، ص ۱۹۱.

۱۱۹. *طب الرضا و طب الصادق*، ص ۵.

۱۲۰. ر. ک: *ضمیمه شماره ۱*.

دست، پا، چشمان، لبها، زبان و گوشها همگی به عنوان یاران پادشاه انجام وظیفه می‌کنند و خزانه این کشور در معده و شکم قرار گرفته است.

آن‌گاه امام در ادامه این رساله به وظایف اعضای بدن و رابطه آنها با یکدیگر اشاره می‌کند و بیماریهای احتمالی اعضا، علت این بیماریها و چگونگی مداوای آنها را بیان می‌فرماید. در قسمتی دیگر از این رساله امام رضا چگونگی و مقدار خوردنیها و آشامیدنیها را برای مأمون تبیین کرده‌اند و در پایان رساله نیز مطالبی پیرامون بهداشت فردی آورده‌اند که خواندن آن مفید است.

بعضی از دانشمندان به گردآوری رساله‌های امامان اقدام کرده‌اند. معروف‌ترین این کتابها رسائل/الائمہ علیهم السلام اثر شیخ کلینی (م ۳۲۹) است. این کتاب در گذر تاریخ از بین رفته است و تنها بخشی از متون آن در دیگر کتابها به چشم می‌خورد.^{۱۲۱}

د) نوادر

یکی دیگر از سبک‌هایی که در میان راویان و مؤلفان چهار قرن نخست هجری به چشم می‌خورد نوادرنویسی است. نوادر جمع نادره است و واژگانی همچون «کمیاب و بی‌مانند» برگردان فارسی «نادر» است.

تعریف اصطلاحی

در دانش سبک‌شناسی به گونه‌ای از نگارشهای حدیثی نوادر گویند که مؤلف روایات گوناگون و پراکنده‌ای را که در ذیل عنوان باب یا موضوع واحدی قرار نمی‌گیرند در مجموعه‌ای جمع‌آوری کند.^{۱۲۲} بنابراین به کتابی که احادیث پراکنده‌ای در موضوعات متعدد، گوناگون و بی‌ارتباط با یکدیگر را دربرداشته باشد، «نوادر» گویند. شیخ طوسی و نجاشی هر کدام در کتابهای فهرست خود بیش از ۲۳۰ نفر از مؤلفین شیعه را که دارای تألیفاتی به نام کتاب/النوادر هستند نام برده‌اند. البته در این معنا از عناوین دیگری همچون «نوادر الحدیث، نوادر النوادر، نوادر جمعت کتاباً، نوادر مشهور، نوادر الاخبار، نوادر کثیره، نوادر کبیر و کتاب مجمع النوادر»^{۱۲۳} نیز استفاده شده است.

از بزرگانی که نویسندۀ کتابهای نوادر هستند افراد زیر را می‌توان برشمرد: حسن بن علی و شاء، اسحاق بن عمار صیرفی، ابراهیم بن هاشم قمی، احمد بن محمد بن خالد برقی، ابوحمزه ثمالی، جابر بن یزید جعفی، حریر بن عبدالله سجستانی، سعد بن عبدالله اشعری، علی بن مهزیار، محمد بن ابی‌عمیر، محمد بن سنان، احمد بن محمد بن عیسی الأشعری، حماد بن عیسی و

۱۲۱. سید بن طاووس در دو کتاب کشف المحجّه و اللهوف از این کتاب احادیثی را گزارش کرده است. /الذریعه، ج ۱۰، ص ۲۳۹.

۱۲۲. مسلم داوری، اصول علم الرجال، ص ۲۶۵.

۱۲۳. شیخ طوسی در توصیف بیش از ۶۰ نفر در /الفهرست و شیخ نجاشی برای ۱۷۰ نفر در /الرجال کتاب نوادر ذکر کرده است.

ویژگیهای نوادر

- ۱- بیشتر کتابهای نوادر فاقد باب‌بندی است؛
- ۲- دسته‌ای از کتابهای نوادر دربردارنده احادیث غیرمشهور هستند؛
- ۳- دسته‌ای از این کتابها شامل احکام غیرمتداول و استثنایی است؛^{۱۲۴}
- ۴- به نظر می‌رسد کتابهای نوادر بیشتر شامل احادیث فقهی بوده‌اند.^{۱۲۵}

نکته

بابهایی با عنوان نوادر در کتابهایی نظیر کافی نشانگر نوعی ضعف روایت یا راویان آن است و با تعریف کتابهای نوادر متفاوت است. بنابراین گاه در این گونه از نوادر شاهد احکام و معارفی غیرمتداول و استثنایی هستیم.

معرفی کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی اشعری

مؤلف

هویت: ابوجعفر احمد بن محمد بن عیسی الاشعری القمی از دانشمندان بزرگ قرن سوم و از مشاهیر نامدار شهر مقدس قم است.

طبقه: او از یاران وفادار و راویان امامان بزرگوار، علی بن موسی الرضا، محمد بن علی الجواد و علی بن محمد الهادی (علیهم السلام) است. وی دوران امام حسن عسکری و مدتی از غیبت صغری را نیز درک کرده است.^{۱۲۶} از تاریخ وفات احمد بن محمد بن عیسی اطلاعی در دست نیست ولی مورّخین از حضور او در تشییع جنازه محدث بزرگ شیعی، احمد بن عبدالله برقی (صاحب کتاب المحاسن) خبر داده‌اند؛ بنابراین وی تا سال ۲۷۴ یا ۲۸۰ هجری (سال وفات برقی) در قید حیات بوده است.

اعتبار: خاندان بزرگ و سرشناس اشعری و اجداد احمد بن محمد همگی از یاران امامان شیعه و معتمدین مردم در شهر مقدس قم بوده‌اند. شیخ طوسی او را استاد و بزرگ قمی‌ها شمرده و گفته است: «شیخ قم و وجهها و فقیهها غیر مدافع»^{۱۲۷} و مراد شیخ از «غیر مدافع» این است که هیچ یک از علمای رجال در توصیف او حتی با اندک جمله‌ای ذم نکرده‌اند.^{۱۲۸}

پدر احمد، محمد بن عیسی است که او نیز استاد و شیخ قمی‌ها بوده و تاریخ‌نویسان از هیبت و جلالت او حتی در نزد مردم و پادشاه گزارش داده‌اند. او از یاران امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) بوده است.^{۱۲۹}

۱۲۴. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲۴، ص ۳۱۵.

۱۲۵. حتی برخی از آنها به عنوان همان باب شناخته می‌شدند؛ مثلاً نوادر الصلاة، نوادر الزکاة، نوادر الوضوء، النوادر في الفقه، نوادر الحج.

۱۲۶. رجال النجاشی، ۶۴؛ شیخ طوسی، الفهرست، ۲۵، الرقم ۶۵.

۱۲۷. فهرست شیخ طوسی، ص ۲۵.

۱۲۸. نوادر احمد بن عیسی، ص ۴.

۱۲۹. رجال النجاشی، ۲۶۱.

عیسی بن عبدالله، جدّ احمد، نیز توفیق مصاحبت با امام صادق، کاظم و رضا (علیهم السلام) را داشته است. در بزرگی و عظمت عیسی و منزلت او در نزد ائمه (علیهم السلام) داستانهای متعددی را گزارش کرده‌اند.^{۱۳۰} امام جعفر صادق (علیه السلام) به او فرموده‌اند: «تو از ما اهل بیت هستی».

شخصیت علمی: احمد بن عیسی در عصر خویش بزرگ‌ترین عالم شهر قم بود و دیگر عالمان و فقیهان این شهر در رتبه‌های پس از او به شمار می‌رفتند. حساسیت او در نقل حدیث و دقت در گزینش عالمان زبانزد همگان بود. او را یگانه عالم بصیر، فرزانه دوران، چهره سرشناس و فقیه آن دیار خوانده‌اند.

وی کتابهای بسیاری نگاشته و نامش در اسناد ۲۲۹۰ حدیث از احادیث کتابهای چهارگانه شیعه به چشم می‌خورد.^{۱۳۱} او معتقد بود که نباید از راویان ضعیف حدیث نقل کرد؛ از این رو احمد بن محمد بن خالد برقی را به همین اتهام از قم اخراج کرد، اما پس از چندی از کرده خویش پشیمان شد و او را به قم بازگرداند و از او عذرخواهی نمود. اشعری برای جبران اشتباهش در تشیع جنازه برقی با سر و پای برهنه شرکت کرد.

کتاب

نام کتاب: نام اصلی این کتاب *النوادر* است، ولی علامه مجلسی از آن با عنوان «اصل» یاد کرده است. **جایگاه کتاب:** این کتاب به سبب شهرت و جلالت مؤلف همواره مورد توجه مؤلفان بزرگ شیعه بوده است و به آن استناد کرده‌اند. نویسندگان جوامع اولیه و موسوعه‌نگاران عصر صفویه به این کتاب اعتماد و در کتابهای خویش از آن روایت نقل کرده‌اند.

اگرچه علامه مجلسی در انتساب این کتاب به اشعری یا حسین بن سعید تردید دارد، ولی معتقد است که این کتاب از آن هر کدام از این دو بزرگوار باشد در نهایت اعتبار است.^{۱۳۲} شیخ حرّ عاملی که دو نسخه از این کتاب را در دست داشته است در حاشیه آن می‌نویسد:

دو نسخه صحیح و معتبر از این کتاب به دست من رسیده است و از تحقیق و بررسی آنها به این نتیجه رسیده‌ام که دلیلی بر درنگ در این نسخه وجود ندارد و اعتبار آن اثبات شده است.^{۱۳۳}

سبک: کتاب *نواد* ۴۵۶ روایت دارد که در ۳۷ باب تنظیم شده است. این روایتهای، به سبک دیگر کتابهای نوادر، پراکنده و بدون باب‌بندی بوده، اما پس از مؤلف، شاگردش داوود بن کوره به باب‌بندی این کتاب اهتمام نموده است. ابوسلیمان داوود بن کوره یکی از پنج راوی‌ای است که کلینی در کتاب شریف کافی از آنها به «عدة من

۱۳۰. روزی امام صادق علیه السلام به یونس بن یعقوب می‌فرماید: «اذهب یا یونس، فإن بالباب رجل منا أهل البيت». یونس برمی‌خیزد و در را باز می‌کند و می‌بیند که عیسی بن عبدالله قمی بیرون در نشسته است. امام به یونس می‌گوید: «یا یونس، عیسی بن عبدالله هو منا حی، و هو منا میت». و در گزارشی دیگر آمده است که امام خطاب به عیسی فرمودند: «یا عیسی بن عبدالله إنک منا أهل البيت». ر. ک: رجال/الکشی، ص ۳۳۴ - ۳۳۲. عموی احمد، عمران و پسر عموی او مرزبان هر دو از ارادتمندان آل محمد (علیهم السلام) بوده‌اند و احادیثی در رثای ایشان صادر شده است.

۱۳۱. معجم رجال/الحدیث، ج ۲، ص ۳۰۹.

۱۳۲. بحار/الأنوار، ج ۱، ص ۱۶.

۱۳۳. اشعری، النوادر، ص ۱۱.

أصحابنا» تعبیر می‌کند به دیگر سخن داوود بن کوره نیز یکی از کسانی است که از احمد بن محمد بن عیسی روایت نقل نموده‌اند.

به هر تقدیر اکنون کتاب حاضر، بر خلاف سبک نوادر، باب‌های متعددی دارد. روایات هر باب بسیار اندک و بین ۴ تا ۱۰ روایت است. تقریباً تمام روایات مسند است و مؤلف با چند واسطه از امامان معصوم گزارش کرده است. البته گاهی نیز تنها به نام آخرین راوی بسنده کرده و از تعلیق بهره جسته است. در سند اندکی از روایات، عباراتی می‌بینیم که با دیگر احادیث همخوانی ندارد؛ مثلاً در سند حدیث ۱۵ آمده است: «و نروی عن بعض آبائنا أنه قال...». محققین این کتاب به این نتیجه رسیده‌اند که چنین عبارتهایی از کتاب فقه الرضا به نوادر ملحق شده است. گفتنی است که بیشتر روایات /نوادر از صادقین (علیهما السلام) است.

محتوا: تمامی احادیث کتاب نوادر فقهی است و در موضوعاتی چون روزه، نذر، قَسَم، حج، کفّارات، نکاح، مکاتب، دیات و حدود گرد آمده است.

برای نمونه روایتی را از «باب ما یُکره للصائم فی صومه» گلچین می‌کنیم:
۱۳- و عنه^{۱۳۴} عن القاسم بن محمد، عن علی، عن أبي بصير، قال: قال أبو عبد الله (عليه السلام): ليس الصوم من الطعام والشراب، والإنسان ينبغي له أن يحفظ لسانه و جارحته و جميع أعضائه من قول اللغو و الباطل في شهر رمضان و غيره [یعنی إذا كان صائماً فی غيره].
ظاهراً جمله داخل گروه توضیحی است که اشعری پیرامون عبارت «و غيره» داده و گفته مراد این است که حتی اگر در غیر رمضان هم روزه گرفته می‌شود رعایت این آداب شایسته است.

چکیده

- ✓ به کتابی که پرسش‌های مخاطبان و پاسخ‌های شفاهی امامان (علیهم السلام) را دربرداشته باشد مسائل گفته می‌شود.
- ✓ نخستین کتاب مسائلی که در کتابهای فهرست به آن اشاره شده، کتاب *المسائل* نوشته حارث همدانی، از یاران ویژه و نزدیک امام علی (علیه السلام)، است.
- ✓ موضوع بیشتر کتابهای مسائل، فقهی بوده و معمولاً سؤالاتی از فروعات فقهی است.
- ✓ کتاب *مسائل علی بن جعفر* از کتابهای معتبر و اصول اولیه شیعه است.
- ✓ بیشتر کتابهای مسائل به دوران امام رضا (علیه السلام) مربوط است.
- ✓ به نامه مستقلی که امام (علیه السلام) در پاسخ فرد یا گروهی ارسال می‌کند «رساله» گویند. معروف‌ترین رسائل ائمه (علیهم السلام) عبارت‌اند از: نامه‌های پیامبر خدا، نامه‌های امام علی (علیه السلام)، *رساله الحقوق*، *رساله أبي جعفر (عليه السلام) إلى سعد الاسكاف*، *رساله في الغنائم و وجوب الخمس*، *الرساله الأهوالية و الرسالة الذهبية*.
- ✓ *الرساله الذهبية* اثری ارزشمند از امام رضا (علیه السلام) در موضوع احادیث پزشکی است.

۱۳۴. ظاهراً مراد خود احمد بن محمد بن عیسی است.

- ✓ متون بیشتر رساله‌های امامان در دسترس است.
- ✓ بیشترین رساله‌ها از امام صادق و امام رضا (علیهما السلام) صادر شده است.
- ✓ نوادر گونه‌ای از نگارش‌های حدیثی است که مؤلف در آن روایات پراکنده‌ای را که ذیل عنوان یک باب یا موضوع قرار نمی‌گیرند، جمع‌آوری کند.

پژوهش

موضوعات اخلاقی، اجتماعی و فقهی رساله‌ی الامام صادق (علیه السلام) إلى جماعة شیعه وأصحابه را تدوین کنید.

ضمیمه (۱)

ارزیابی احادیث طبی از نگاه شیخ صدوق^{۱۳۵}

بزرگ‌محدثان شیعه، محمد بن علی بن بابویه قمی معروف به صدوق (رحمة الله)، احادیث طبی را به گونه‌ای ارزیابی می‌کند که جز در موارد خاص، نمی‌توان به آنها اعتماد کرد. وی می‌نویسد:

عقیده ما درباره اخبار و احادیثی که در طب رسیده آن است که این احادیث بر چند گونه‌اند:

۱- برخی از آنها با نظر به آب و هوای مکه و مدینه گفته شده‌اند و به کار بستن آنها در دیگر شرایط آب و هوایی درست نیست.

۲- در برخی از آنها معصوم (علیه السلام) بر پایه آنچه از حال و طبع سؤال‌کننده می‌دانسته پاسخ داده و از همان موضع فراتر نرفته است؛ چه اینکه امام بیش از آن شخص به طبع وی آگاهی داشته است.

۳- برخی از آنها را مخالفان با هدف زشت‌نمایدن چهره مذهب در نگاه مردم در میان احادیث گنجانده‌اند.

۴- در برخی از آنها سهوی از راوی حدیث سر زده است.

۵- در برخی از آنها، بخشی از حدیث حفظ شده و بخشی دیگر از آن فراموش شده است.

اما آنچه درباره غسل روایت شده که درمان هر دردی است، روایتی است صحیح و معنایش نیز این است که غسل شفای هر بیماری‌ای است که از برودت طبع برخیزد.

آنچه نیز درباره استنجا به آب سرد برای مبتلایان به بواسیر رسیده، در موردی است که بواسیر شخص از حرارت طبع سرچشمه گرفته باشد.

۱۳۵. محمد محمدی ری‌شهری، دانش‌نامه احادیث پزشکی، ص ۱۹ - ۱۷.

آنچه در مورد بادنجان و درمانگر بودن آن روایت شده است ناظر به هنگام رسیدن خرما و در مورد کسانی است که خرما می‌خورند، نه ناظر به دیگر اوقات. در نهایت باید گفت: آنچه در مورد درمان درست بیماری از امامان (علیهم السلام) رسیده است مضمون آیات و سوره‌های قرآن یا دعاهایی است که به حکم سندهای قوی و طُرُق صحیحی که به واسطه آنها به ما رسیده‌اند، پذیرفته خواهد شد.^{۱۳۶} بر اساس این ارزیابی تنها بخشی از احادیث طبی را می‌توان در اختیار افراد خاصی، که آن احادیث به ایشان مربوط است، قرار داد و سایر احادیث طبی را باید کنار گذاشت. تنها احادیثی که می‌تواند در اختیار عموم مردم قرار گیرد احادیث صحیحی است که مردم را به درمان از طریق دعا و استسفا به آیات قرآن دعوت کرده است.

هر چند سخن شیخ صدوق (رحمة الله) از نظر اصولی صحیح است و غالباً احادیث طبی فاقد سنداند و زمینه جعل در آنها به طور جدی وجود دارد اما حاصل این گونه ارزیابی بی‌بهره شدن مردم از بخشی از ذخایر علمی اهل بیت (علیهم السلام) است. بی‌تردید ضعف سند نشانه صادر نشدن حدیث نیست؛ چنان‌که درستی سند نمی‌تواند دلیل صدور قطعی آن باشد. از سوی دیگر قضاوت در این باره که شماری از درمانهای آمده در احادیث ویژه افراد خاصی است، نیز کار آسانی نیست.

بنابراین، نه می‌توان همه این احادیث را به عنوان رهنمودهای پیشوایان دین در امر پزشکی در اختیار عموم گذاشت و نه می‌توان به طور کلی آنها را کنار زد و از کتب حدیثی حذف کرد. پس چه باید کرد؟

اقسام احادیث طبی

برای پاسخ به این پرسش باید گفت که احادیث طبی را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد: **دسته نخست:** احادیثی که اعجاز پیشوایان دین در درمان بیماریها است؛ مانند آنچه قرآن کریم در بیان معجزه حضرت عیسی (علیه السلام) نقل کرده که می‌فرمود:

وَ اُبْرِئُ الْاَكْمَهَ وَ الْاَبْرَصَ وَ اُحْيِ الْمَوْتَى بِاِذْنِ اللّٰهِ^{۱۳۷}

به اذن خدا نابینای مادرزاد و پیرس را بهبود می‌بخشم.

دسته دوم: احادیثی که در مورد پیشگیری از بیماریها وارد شده است.

دسته سوم: احادیثی که در مورد درمان بیماریها وارد شده است. این احادیث خود به دو بخش تقسیم می‌شوند:

بخش اول: درمان از طریق شفا خواستن به وسیله قرآن و دعا.

بخش دوم: درمان از طریق دارو.

احادیثی که به اعجاز در مسائل پزشکی مربوط است در واقع از محدوده احادیث طبی مورد بحث خارج است. نکته قابل توجه اینکه طرح احادیث طب پیشگیری شکلی برای عموم نمی‌کند، زیرا این احادیث غالباً با موازین علمی منطبق‌اند و عواملی که برای پیشگیری در این احادیث مطرح شده علت تامه پیشگیری نیست. همچنین بخش اول از احادیث طبی که به وسیله آیات قرآن و دعا به درمان می‌پردازند را نیز، با توجه به شرایط اجابت دعا و مجرب بودن دعا در درمان بسیاری از بیماریها، می‌توان برای عموم مطرح کرد.

۱۳۶. صدوق، الاعتقادات، ص ۱۱۵، بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۷۴.

۱۳۷. آل عمران / ۴۹.

بنابراین تنها مبنای عمل قرار گرفتن احادیثی بدون ارزیابی کامل صحیح نیست و نمی‌توان پیش از ارزیابی دقیق آنها را به پیشوایان دین نسبت داد که درمان بیماریها را از طریق داروهای ویژه‌ای توصیه کرده‌اند. این احادیث را می‌توان از راهی که اینک بدان اشاره می‌کنیم مورد ارزیابی قرار داد.

ضمیمه (۲)

نوادیر الحکمه: اثر محمد بن احمد بن یحیی الأشعری

این کتاب در میان دانشمندان قرن چهارم کاملاً شناخته شده و مورد اعتماد بوده است. شیخ طوسی نویسنده این کتاب را «جلیل القدر و کثیر الروایه»^{۱۳۸} دانسته و نجاشی وی را در حدیث، ثقة^{۱۳۹} می‌داند. آنچه مورد تأمل است این است که کتاب نوادر/الحکمه با تعریف نوادر سازگار نیست؛ زیرا شامل بابهای متعددی است و بیشتر همانند کتابهای جوامع است. ابن شهر آشوب این کتاب را دارای ۲۲ باب دانسته است.^{۱۴۰} البته احتمال دارد کتاب نوادر/الحکمه نیز مانند نوادر اشعری توسط شاگردانش باب‌بندی شده باشد. بخشی از عناوین بابهای نوادر/الحکمه عبارت‌اند از: التوحید، الوضوء، الصلاة، الزکاة، الصوم، الحج، النکاح، الطلاق، الأنبياء، مناقب الرجال، فضل العرب، فضل العربية و العجمیه و ...

به نظر می‌رسد این کتاب اثری گران‌قدر و بزرگ بوده است؛ به گونه‌ای که شیخ طوسی در دو کتاب تهذیب و استبصار بیش از یک هزار حدیث از نوادر/الحکمه روایت کرده است.^{۱۴۱}

این کتاب در میان قمی‌های آن روزگار به «دبّه شیب» معروف بود؛^{۱۴۲} زیرا شخصی به نام شیب در میان ایشان مغازه عطاری داشت و در دبّه^{۱۴۳} مخصوصش هر چیزی یافت می‌شد^{۱۴۴} و چون نوادر/الحکمه دارای تنوع گسترده در موضوعات بود به آن تشبیه می‌شد.

بنا بر آنچه گذشت باید بگوییم کتاب نوادر/الحکمه، اثر محمد بن احمد بن یحیی، در شمار کتابهای نوادر نیست.

ضمیمه (۳)

رسالته علیه السلام إلى جماعة شيعته وأصحابه

أما بعدُ، فَسَلُّوا رَبِّكُمْ الْعَافِيَةَ، وَعَلَيْكُمْ بِالذَّعَةِ وَالْوَقَارِ، وَالسَّكِينَةِ وَالْحَيَاءِ، وَالتَّنَزُّهِ عَمَّا تَنَزَّهَ عَنْهُ الصَّالِحُونَ مِنْكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِمُجَامَلَةِ أَهْلِ الْبَاطِلِ، تَحْمَلُوا الضَّيْمَ مِنْهُمْ، وَإِيَّاكُمْ وَمِمَّا ظَنَنْتُمْ، دِينُوا فِيمَا بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ - إِذَا أَنْتُمْ

۱۳۸. طوسی، الفهرست، ص ۴۰۸.

۱۳۹. رجال النجاشی، ص ۳۴۸.

۱۴۰. مجمع البحرین، ج ۳، ص ۴۹۰.

۱۴۱. مسلم داورى، اصول علم الرجال، ص ۱۳۴.

۱۴۲. تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۷۱.

۱۴۳. دبّه: نام ظرفی است که از چرم خام سازند و در آن روغن و امثال آن کنند و مسافران با خود دارند. لغت‌نامه دهخدا.

۱۴۴. مجمع البحرین، ج ۲، ص ۶.

جَالَسْتُمُوهُمْ وَخَالَطْتُمُوهُمْ وَنَازَعْتُمُوهُمْ الْكَلَامَ، فَإِنَّهُ لَا بَدَ لَكُمْ مِنْ مَجَالَسَتِهِمْ وَمَخَالَطَتِهِمْ وَمَنَازَعَتِهِمْ - بِالتَّقِيَّةِ الَّتِي أَمَرَكُمْ اللَّهُ بِهَا، فَإِذَا ابْتَلَيْتُمْ بِذَلِكَ مِنْهُمْ فَإِنَّهُمْ سَيُؤَدُّونَكُمْ وَيَعْرِفُونَ فِي وَجْهِكُمْ الْمُنْكَرَ، وَلَوْ لَا أَنَّ اللَّهَ يَدْفَعُهُمْ عَنْكُمْ لَسَطُوا بِكُمْ، وَمَا فِي صُدُورِهِمْ مِنَ الْعَدَاوَةِ وَالْبُغْضَاءِ أَكْثَرُ مِمَّا يُدُونُ لَكُمْ، وَمَجَالِسُكُمْ وَمَجَالِسُهُمْ وَاحِدَةٌ، وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ اللَّهُ خَلَقَهُ فِي الْأَصْلِ - أَصْلُ الْخَلْقِ - مُؤْمِنًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُكْرِهَ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَيَبَاعِدَهُ مِنْهُ، وَمَنْ كَرِهَ اللَّهُ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَبَاعِدَهُ مِنْهُ عَافَاهُ اللَّهُ مِنَ الْكِبَرِ أَنْ يَدْخُلَهُ وَالْجَبَرِيَّةُ، فَلَانَتْ عَرِيكَتَهُ وَحَسَنَ خَلْقَهُ، وَطَلَّقَ وَجْهَهُ، وَصَارَ عَلَيْهِ وَقَارُ الْإِسْلَامِ وَسَكِينَتُهُ وَتَخَشُّعُهُ، وَوَرَعَ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ وَاجْتَنَبَ مَسَاسِطَهُ، وَرَزَقَهُ اللَّهُ مَوَدَّةَ النَّاسِ وَمَجَامِلَتَهُمْ وَتَرَكَ مَقَاطِعَةَ النَّاسِ وَالْخُصُومَاتِ وَلَمْ يَكُنْ مِنْهَا وَلَا مِنْ أَهْلِهَا فِي شَيْءٍ، وَإِنَّ الْعَبْدَ إِذَا كَانَ اللَّهُ خَلَقَهُ فِي الْأَصْلِ - أَصْلُ الْخَلْقِ - كَافِرًا لَمْ يَمُتْ حَتَّى يُجَبِّبَ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَيُقَرِّبَهُ مِنْهُ.

فَإِذَا حَبَّبَ إِلَيْهِ الشَّرَّ وَقَرَّبَهُ مِنْهُ ابْتُلِيَ بِالْكِبَرِ وَالْجَبَرِيَّةِ، فَقَسَا قَلْبُهُ، وَسَاءَ خَلْقُهُ، وَغَلَطَ وَجْهَهُ، وَظَهَرَ فُحْشُهُ، وَقَلَّ حَيَاؤُهُ، وَكَشَفَ اللَّهُ سِتْرَهُ، وَرَكِبَ الْمَحَارِمَ فَلَمْ يَنْزِعْ عَنْهَا، وَرَكِبَ مَعَاصِيَ اللَّهِ، وَأَبْغَضَ طَاعَتَهُ وَأَهْلَهَا. فَبَعْدَ مَا بَيَّنَّ حَالَ الْمُؤْمِنِ وَالْكَافِرِ، فَسَلُّوا اللَّهَ الْعَافِيَةَ، وَاطْلُبُوهَا إِلَيْهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

أَكْثَرُوا مِنَ الدُّعَاءِ، فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ مِنْ عِبَادِهِ الَّذِينَ يَدْعُونَهُ، وَقَدْ وَعَدَ عِبَادَهُ الْمُؤْمِنِينَ الْإِسْتِجَابَةَ، وَاللَّهُ مُصِيرٌ دُعَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لَهُمْ عَمَلًا يَزِيدُهُمْ بِهِ فِي الْجَنَّةِ، وَأَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ مَا اسْتَطَعْتُمْ فِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِكَثْرَةِ الذِّكْرِ لَهُ؛ وَاللَّهُ ذَاكِرٌ مَنْ ذَكَرَهُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَذْكُرْهُ أَحَدٌ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَّا ذَكَرَهُ بِخَيْرٍ.

وَعَلَيْكُمْ بِالْمَحَافَظَةِ عَلَى الصَّلَوَاتِ، وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ، كَمَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ فِي كِتَابِهِ مِنْ قَبْلِكُمْ، وَعَلَيْكُمْ بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ مَنْ حَقَّرَهُمْ وَتَكَبَّرَ عَلَيْهِمْ فَقَدْ زَلَّ عَنْ دِينِ اللَّهِ، وَاللَّهُ لَهُ حَاقِرٌ مَاقَتْ، وَقَدْ قَالَ أَبُوْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «أَمَرَنِي رَبِّي بِحُبِّ الْمَسَاكِينِ الْمُسْلِمِينَ مِنْهُمْ». وَاعْلَمُوا أَنَّ مَنْ حَقَّرَ أَحَدًا مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَلْقَى اللَّهُ عَلَيْهِ الْمَقْتَ مِنْهُ وَالْمَحْقَرَةَ حَتَّى يَمَقَّتَهُ النَّاسُ أَشَدَّ مَقْتًا، فَاتَّقُوا اللَّهَ فِي إِخْوَانِكُمُ الْمُسْلِمِينَ الْمَسَاكِينِ، فَإِنَّ لَهُمْ عَلَيْكُمْ حَقًّا أَنْ تُحِبُّوهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ أَمَرَ نَبِيَّهُ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) بِحُبِّهِمْ، فَمَنْ لَمْ يُحِبَّ مَنْ أَمَرَ اللَّهُ بِحُبِّهِ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ عَصَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَاتَ عَلَى ذَلِكَ مَاتَ [وَهُوَ] مِنَ الْغَاوِينَ.

إِيَّاكُمْ وَالْعِظْمَةَ وَالْكَبِيرَ، فَإِنَّ الْكِبَرَ رِذَاءُ اللَّهِ، فَمَنْ نَازَعَ اللَّهَ رِذَاءَهُ قَصَمَهُ اللَّهُ وَأَذَلَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. إِيَّاكُمْ أَنْ يَبْغِيَ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ، فَإِنَّهَا لَيْسَتْ مِنْ خِصَالِ الصَّالِحِينَ، فَإِنَّهُ مَنْ بَغَى صَيَّرَ اللَّهُ بَغْيَهُ عَلَى نَفْسِهِ، وَصَارَتْ نَصْرَةً لِلَّهِ لِمَنْ بَغَى عَلَيْهِ. وَمَنْ نَصَرَهُ اللَّهُ غَلَبَ وَأَصَابَ الظُّفْرَ مِنَ اللَّهِ. إِيَّاكُمْ أَنْ يَحْسُدَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا، فَإِنَّ الْكُفْرَ أَصْلُهُ الْحَسَدُ.

إِيَّاكُمْ أَنْ تُعِينُوا عَلَى مُسْلِمٍ مَظْلُومٍ يَدْعُوا اللَّهَ عَلَيْكُمْ وَيُسْتَجَابُ لَهُ فِيكُمْ، فَإِنَّ أَبَانَا رَسُولَ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) يَقُولُ: «إِنَّ دَعْوَةَ الْمُسْلِمِ الْمَظْلُومِ مُسْتَجَابَةٌ». إِيَّاكُمْ أَنْ تُشْرَهُ نَفُوسُكُمْ إِلَى شَيْءٍ مِمَّا حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ هَهُنَا فِي الدُّنْيَا حَالَ اللَّهِ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ؛ نَعِيمِهَا وَلَذَّتْهَا، وَكَرَامَتِهَا الْقَائِمَةُ الدَّائِمَةُ لِأَهْلِ الْجَنَّةِ أَبَدًا الْأَبْدِينَ.

نامه امام صادق (عليه السلام) به گروهی از شیعیان و یارانش

اما بعد؛ از پروردگارتان درخواست عافیت کنید و افتاده و باوقار باشید، و آرامش و آبروی خود را نگهدارید و از آنچه افراد صالح پرهیز کردند شما نیز دوری کنید. [در برخورد] با اهل باطل ادب و نزاکت را رعایت کنید؛ با ستمشان بسازید و آن را تحمل کنید. زنهار، مبدا با آنان ستیز کنید و هنگامی که هم‌نشین و معاشر و طرف

بَحْثِشَانِ شَدِيد، که هیچ گریز و چاره‌ای هم از آن نیست، نوع رفتارشان با آنان بر اساس تقیّه و مخفی‌کاری که دستوری الهی است، باشد. پس، اگر بدین خاطر (تقیّه نکردن) رفتارشان شوید، به آزارتان پردازند و در چهره شما مخالفت و بدخواهی را دریابند؛ و اگر خداوند شرشان را از سرتان کوتاه نساخته بود، گستاخانه و بی‌پروا بر شما یورش می‌بردند. و دشمنی و نفرتی که از شما در سینه دارند از آنچه اظهار می‌دارند بیشتر است؛ در حالی که محل تجمع شما و ایشان یکی است. به راستی اگر خداوند بنده‌ای را در اصل آفرینش، مؤمن بیافریند، تا او را از بدی بیزار نسازد و از آن دورش نکند آن شخص نمیرد؛ و هر کس را که خدا از بدی بیزار ساخت و شر را از او دور نمود او را از گزند کبر و بزرگی حفظ کند؛ در نتیجه سر به راه شود و اخلاقش نیکو و گشاده‌رو گردد و وقار و آرامش و افتادگی اسلام در او نمایان شود و از اموری که خداوند حرام ساخته پرهیز کند، و از کارهایی که موجب خشم خداوند می‌شود دوری گیرند و خداوند دوستی و مدارا با مردم را نصیبش فرماید و گسستن از مردم و دشمنی با آنان را ترک گوید و با این خوی ناپسند و دارندگان آن خصلت، رابطه‌ای ندارد.

و به راستی اگر خداوند بنده‌ای را در اصل آفرینش کافر بیافریند،^{۱۴۵} آن بنده نمیرد تا خدا شر و بدی را محبوب او سازد و او را بدان نزدیک نماید. پس چون نظرش را به بدی جلب و بدان نزدیک کرد گرفتار کبر و بزرگی شود؛ سنگ‌دل و بدرفتار گردد؛ ترش‌روی و بدزبان و بی‌حیا شود و خداوند پرده‌اش ببرد؛ و آن بنده با مرکب گناه آن چنان بتازد که هیچ‌گاه باز نایستد؛ و آن چنان نافرمانی خدا را پیش گیرد که هم طاعت الهی و هم اهل طاعت را دشمن بدارد. چه دور است فاصله میان حال مؤمن و کافر، پس از خدا درخواست عافیت کنید و تنها از او بجوئید و طلب کنید، و لا حول و لا قوه الا بالله.

بسیار دعا کنید که به راستی خداوند بندگان که دست نیاز به سوی او برمی‌دارند و به درگاهش دعا می‌کنند را دوست دارد و به بندگان مؤمن خود وعده اجابت داده و هموست که در روز قیامت دعای اهل ایمان را عمل و کرداری قرار می‌دهد تا بدین وسیله بر تعداد بهشتیان افزوده شود. در همه ساعات شبانه‌روز، تا آنجا که توان دارید، به یاد خدا باشید، بسیار و فراوان، که به راستی خداوند دستور داده است که او را زیاد یاد کنند و خداوند هر مؤمنی را که ذکر او گوید، یاد کند. هیچ بنده مؤمنی او را یاد نکند جز آنکه خداوند او را به خیر یاد کند.

بر نمازها به ویژه نماز میانه^{۱۴۶} مواظبت کنید و با فروتنی برای خدا به پا خیزید؛ همچنان که خداوند پیش از شما اهل ایمان را به [رعایت] آن امر فرموده است. شما باید تهیدستان مسلمان را دوست بدارید که خوارکننده آنان و هر کسی که بر آنان تکبر کند بی‌شک از دین خدا منحرف شده است و خداوند او را حقیر کند و بر او خشم گیرد و از او بیزار است. پدرمان رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرموده است: «پروردگارم به من دستور

۱۴۵. ظاهر این کلام عقیده به جبر است که در مذهب اهل بیت (علیهم السلام) مردود و باطل است؛ زیرا مخالف اختیار و همچنین نص صریح قرآن است که می‌فرماید: *فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ*؛ یعنی: «همان فطرتی که خدا مردم را بر آن آفریده است، آفرینش خدای را دگرگونی نیست». پس این کلام یا نیاز به تأویل دارد، یا باید بر آن توقف نمود و یا علم آن را به اهلسن واکذاشت. جناب استاد غفاری (حفظه الله) را عقیده بر این است که گذشته از بحثهای مفصل در باب جبر و اختیار احتمال می‌رود که متن حدیث به دست راویان بی‌توجه دستخوش تغییر و تصرف گشته باشد، که اصل «جعل» بوده که به «خلقه» تبدیل شده است. بیان خبر، این‌گونه می‌شود که ثمرات و نتایج موزون بودن با نظام هستی و فرامین الهی همان مکارم اخلاق و درستی عمل است و پیامدهای انحراف از نظام و سرپیچی از دستورات الهی همان مفسدات اخلاقی است که در متن بدان اشاره گردیده است. در نهایت برای اطلاع بیشتر به جلد دوم اصول کافی، بحث طینت مؤمن و کافر، مراجعه کنید.

۱۴۶. یا همان نماز وسطی^۱ که بنا به نقل بیشتر روایات نماز ظهر است و برخی «وسطی» را «فضلی» گفته‌اند؛ یعنی نمازی که فضیلتش بیشتر است؛ همچون نماز جماعت. یا مراد آن نمازی است که حضور قلب در آن بیشتر است.

داده است که تهیدستان مسلمان را دوست بدارم». بدانید که مسلماً هر کس، فرد مسلمان را کوچک و خوار سازد خداوند او را چنان به بیزاری و حقارت گرفتار نماید که مردم به شدیدترین وجهی او را دشمن بدارند. پس در رعایت حال برادران مسلمان تهیدست خود از خدا پروا کنید که بی‌شک حق دوستی و محبت به آنان بر شما محفوظ است. به راستی خداوند پیامبرش را به دوستی ایشان امر فرموده است؛ پس هر کس با فردی که خداوند به دوستی او امر کرده است دوستی نکند و با او مهر نوزد، به خدا و پیامبر عصیان ورزیده و از دستور خدا و پیامبرش سرپیچی کرده است. و هر کس بمیرد در حالی که از دستور آن دو نافرمانی کرده باشد به مرگ گمراهان مرده است.

زنهار، مبدا بزرگمنشی و تکبر کنید که بزرگی، ردای خدا [برازنده خدا] است و کسی که با خدا در ردای او ستیزه کند خداوند در روز قیامت او را درهم شکند و خوار سازد. مبدا بر هم ستم کنید که آن از خوی و خصلت افراد صالحان نیست؛ زیرا خداوند ستم هر ستمگر را به خودش باز گرداند و یاری خدا نصیب ستم‌دیده شود، و آن کس که خدا یاری فرماید چیره شود و از جانب خداوند به پیروزی رسد.

مبدا به یکدیگر حسادت کنید که بی‌شک حسادت ریشه و اصل کفر است. مبدا به زیان مسلمانان مظلوم، که نفرینش بر شما قبول می‌شود، هم‌دست شوید، که جَدَّمان، رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، فرمود: «نفرین مسلمان مظلوم قطعاً پذیرفته و مستجاب شود». مبدا نفستان به محرمات الهی حریص شود، زیرا هر کس در این سرا حرمت الهی را لگه‌دار سازد یا بشکند خداوند برای همیشه میان او و بهشت و نعمت و لذت و شرافت دایمی جدایی افکند.

منابع مطالعاتی

- ۱- مسائل علی بن جعفر، چاپ مؤسسه آل البيت، مقدمه آقای حسینی جلالی.
- ۲- الرسالة الذهبیه، چاپ انتشارات خیام، مقدمه محمدمهدی نجف.
- ۳- طب الرضا و طب الصادق، انتشارات فؤاد، مقدمه سید مرتضی عسکری.
- ۴- أصول علم الرجال، مسلم دآوری.

جلسهٔ چهارم

آشنایی با سبک‌های تکنگاری و تفسیر روایی

اهداف درس

- ✓ آشنایی با سبکهای تئنگاری و تفسیر روایی؛
- ✓ معرفی کتابهای الزهد و تفسیر عیاشی.

مروری بر مباحث پیشین

در درسهای پیشین با چهار سبک نگارشی شیعیان در قرنهای اول تا سوم هجری آشنا شدیم. در این درس با یک سبک دیگر در این قرنها آشنا خواهیم شد و سپس دیگر سبکهای نگارشی شیعه را در دامنه قرنهای سوم تا پنجم بررسی خواهیم کرد.

ه) تئنگاری

با گذشت زمان تعداد صاحبان اصول بیشتر شد و گسترش اصلنویسی به عنوان یک پدیده علمی نوظهور از ابتدای قرن دوم رو به فزونی نهاد. این گسترش مرهون اسباب گوناگونی است که از آن میان می‌توان به آزاد شدن تدوین حدیث از سوی حکومت، آزادی امامان شیعه در بیان احادیث و اوج گرفتن اختلافات داخلی (درگیریهایی بنی عباس و بنی امیه) اشاره نمود.

نگارش اصول چنان قوت و کثرت یافته بود که در سالهای پایانی قرن دوم ما شاهد نگارشهای متعددی از یک نویسنده هستیم تا جایی که گاهی شمارگان اصول یک نفر به بیش از هشتاد اصل می‌رسد. این گسترش اصلنویسی سبب شد تا صاحبان اصول به ابتکارهای مختلفی در نحوه ارائه نگارشها بپردازند.

گام نخست

محدثان و راویان بر اساس استعداد، ذوق و سلیقه‌های شخصی به گردآوری موضوعی احادیث پرداختند. آنان روایاتی را که از همگونی و هم‌نوایی ویژه‌ای در یک موضوع (اصلی یا فرعی) برخوردار بود، در یک مجموعه گردآوردند. این تألیفات را که معمولاً از یک جلد کتاب فراتر نمی‌رود «تئنگاری موضوعی» گویند. در این مرحله راویان تنها اهتمامشان حفظ حدیث نبود بلکه پا فراتر نهاد و می‌کوشیدند تا مخاطبان خویش را در یک موضوع اقناع و گاه او را از مراجعه به دیگر کتابها مستغنی کنند.

بسیاری از تئنگاریهای مهم در یکی از این سه موضوع شکل گرفته‌اند:

۱- فقه؛

۲- اخلاق و آداب؛

۳- کلام و عقاید.

۱- تکنگاریهای فقهی

با درگذشت صحابه و تابعین، نیاز مسلمانان به عالمان فقه پی‌جویی از مسائل شرعی آشکارتر گردید. از این رو بسیاری از کسانی که بهره‌ای، هر چند جزئی، از فقه داشتند به عنوان مرجعی برای مسلمانان مطرح شدند. در طول قرن دوم هجری، بسیاری از مشربهای فقهی و کلامی شیعه و سنی پدیدار گردید. شیعیان به جهت ارتباط همیشگی خویش با امامان، از فقه غنی و پویایی برخوردار بودند اما سنّیان بیشتر به دنبال اصحاب رأی و قیاس^{۱۴۷} و یا اصحاب نقل و حدیث^{۱۴۸} بودند. کسانی همچون ابن ابی‌لیلی (م ۱۴۸هـ)، ابوحنیفه (م ۱۵۰هـ)، اوزاعی (م ۱۵۷هـ)، مالک بن انس (م ۱۷۹هـ)، ابن شبرمه قاضی (م ۱۴۴هـ) و ... هر کدام فقه را از نگاه خویش و با اجتهادات شخصی ارائه نموده و گروهی از مردم نیز پیرو ایشان می‌شدند در مقابل امام باقر و امام صادق (علیهم السلام)، از آزادیهای به عمل آمده استفاده کردند و فقه صحیح اسلامی را بنیان نهادند.

در عصر صادقین (علیهم السلام) مدینه مرکز علوم اسلامی و به ویژه فقه گردیده بود و این همه مرهون تلاشهای علمی صادقین (علیهم السلام) است. پرورش‌یافتگان مدرسه این دو امام با سفر به دیگر شهرها به گسترش فقه جعفری پرداخته و یا با نگارش احادیث فقهی امامان اثری جاودانه آفریدند. در دوران امام رضا (علیه السلام) تلاشهای فقها به اوج خود رسید.

ابان بن تغلب، ابوبصیر اسدی، ابوبصیر مرادی، برید بن معاویه عجلّی، زرارة بن اعین، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن ابی‌یعفور، محمد بن علی بن نعمان معروف به مؤمن طاق و هشام بن سالم از برجسته‌ترین شاگردان فقهی امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) و بعدها نیز افرادی نظیر صفوان بن یحیی، محمد بن ابی‌عمیر، احمد بن ابی‌نصر بزنطی، جمیل بن دراج، یونس بن عبدالرحمن و ... از فقههای نامور شیعه کتابهای فقهی متعددی را نگاشتند. بسیاری از فقههای امامیه به گردآوری احادیث فقهی در یک موضوع ویژه، اقدام کردند با جستجو در کتابهای منبع‌شناسی درمی‌یابیم که بیشترین سبک نگارشی اصحاب «تکنگاریهای فقهی» است. عموم فقههای اولیه و راویان بزرگ یک یا چند اثر روایی در موضوعات گوناگون فقهی تدوین کرده‌اند. مانند: کتاب *الأذان* اثر علی بن ابی‌سهل قزوینی، کتاب *الصلاة* (کبیر) اثر حریر بن عبدالله سجستانی،

۱۴۷. عنوان پیروان یکی از دو گرایش اصلی در فقه سده‌های نخستین اسلامی که مروج کاربرد شیوه‌های اجتهاد و رأی در استنباط فقهی بوده‌اند. مهم‌ترین پایه‌گذار این فقه ابوحنیفه است. ابن ابی‌لیلی و ابن شبرمه نیز از مروجان اصلی این تفکر هستند؛ برداشتی از *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، ص ۱۳۰ - ۱۲۹.

۱۴۸. اصحاب الحدیث عنوان گروهی از عالمان در سده‌های نخست اسلام است که در روش خود به آموزش احادیث و پیروی آن، اعتنایی ویژه داشته‌اند. منابع نقلی از احادیث و آثار، زمینه اصلی مطالعات آنان بوده است. این گروه که از فرقه‌های سنّیان هستند از سده نخست هجری پدیدار شدند اما در نیمه نخست سده سوم با پیوستن افراد بزرگی چون احمد بن حنبل و اسحاق بن راهویه قوتی دوباره یافت. اصحاب حدیث در مقابل اصحاب رأی (فرقه‌ای دیگر از سنّیان) قرار دارند؛ برداشتی از *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۹، ص ۱۱۵ - ۱۱۳.

الصلاة محمد بن ارمه قمی، کتاب الوضوء علی بن مهزیار و حسین بن سعید، الصوم سعد بن عبدالله اشعری و

۲- تکنگاریهای اخلاقی

بیان گفتارهای اخلاقی و موعظه‌ای از سوی معصومان در طول دوران حضور کاملاً آشکار است. پیامبر اکرم (صلی اله علیه و آله) در میان مردمانی به رسالت برانگیخته شد که از فرهنگ اجتماعی، اخلاق و آداب بهره‌چندانی نبرده بودند. آن حضرت به عنوان بزرگ معلم اخلاق به آموزش و پرورش مردمان تندخوی عربستان پرداخت. و امروزه بخش مهمی از میراث حدیث نبوی در موضوع اخلاق و آداب است. توجه امامان به ضرورت بازسازی معنوی شیعه، سبب گردید تا احادیث اخلاقی در تمام دوران حضور صادر شود. اندیشمندان شیعی هم با درک چنین ضرورتی به تألیف کتابهایی در موضوعات اخلاق، آداب معاشرت، تهذیب نفس، سیر و سلوک صفات مؤمن و ... اقدام کردند. شماری از عناوین تکنگاریها در کتابهای منبع‌شناسی چنین است:

الف) الآداب

این عنوان، الآداب در دو کتاب رجال نجاشی و الفهرست طوسی بسیار دیده می‌شود. برای نمونه نجاشی در فهرست آثار هفده نفره از راویان و محدثان شیعی، از کتابهایی با عنوان «الآداب» یاد می‌کند. شیوع این گونه، نشانگر شیوه‌ای متداول در میان اصحاب بوده است. بخشی از این کتابها عبارت‌اند از: الآداب و الدلالة علی الخیر (یونس بن عبدالرحمان)، کتاب التصریف فی الآداب (بکر بن محمد مازنی د ۲۴۸) السنن و الآداب (اسماعیل بن موسی بن جعفر - علیه السلام -)، السنن و الآداب و مکارم الاخلاق (محمد بن الحسن بن شمون د ۲۵۸)، الآداب (العباس بن معروف)، کتاب الآداب (صفوان بن یحیی).^{۱۴۹}

ب) الزهد

نوشتن کتابهایی با نام «زهد» در میان شیعه و سنی رواج چشمگیری داشته است. این عنوان که به صورت مستقل در فهرست آثار بسیاری از نویسندگان معروف دیده می‌شود، بعدها به صورت یکی از فصلهای جوامع روایی درآمد.

افرادی همچون حسین بن سعید اهوازی، حسن بن محمد بن سماعه کندی، محمد بن ارمه قمی، معمر بن خالد، محمد بن الحسن الصفار و یونس بن عبدالرحمن از جمله نویسندگان شیعی هستند که کتاب الزهد نگاشته‌اند. در میان این آثار تنها صحیفه الزهد امام سجاد (علیه السلام) و کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی تا کنون باقی مانده است و در پایان همین بخش با آن بیشتر آشنا خواهیم شد.

۱۴۹. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۴۵.

ج) المؤمن

در میان کتابهای منبع‌شناسی، تکنگاریهای روایی بسیاری را می‌بینیم که پیرامون موضوع «مؤمن» تدوین شده‌اند. این آثار روایی که ظاهراً بیشتر به انگیزه فرهنگ‌سازی منتشر می‌شدند، از اهتمام امامان، راویان و نویسندگان به شخصیت مؤمن حکایت می‌کند.

اسامی بخشی از این کتابها عبارت‌اند از: *حق المؤمن علی أخیه، حب المؤمن، زیارة المؤمن و حرمة المؤمن* (هر چهار اثر از حسین بن عبیدالله سعدی)، *حقوق المؤمنین و فضلهم* (حسین بن سعید اهوازی)، *صفة المؤمن و الفاجر* (اسماعیل بن مهران سکونی)، *المؤمن* (محمد بن الحسن الصفار) و *المؤمن* (احمد بن محمد القمی) گفتنی است که بسیاری از این کتابها به دست ما نرسیده‌اند.

دیگر عناوین

عناوین مربوط با تکنگاریهای اخلاقی بسیار زیاد است که معمولاً در راستای تمامی عناوین مثبت و ممدوح یک کتاب روایی شکل گرفته است. هر چند عناوینی مربوط به مسلمان (المسلم)، مکارم الاخلاق، النفس، المعاشرة، المحبة، التجل و المروءة^{۱۵۰} از تألیفات بیشتری برخوردارند.

معرفی کتاب الزهد حسین بن سعید اهوازی

مؤلف

هویت: حسین بن سعید اهوازی از بزرگان قرن دوم و سوم هجری است. او در شمار اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی (علیهم السلام) است. وفات او را حدود سال ۲۷۵ هجری تخمین زده‌اند.

حسین بن سعید محدثی سترگ، فقیهی بزرگ و نویسنده‌ای فرهیخته است که همگان بر وثاقت و عدالت او اتفاق دارند.

شخصیت علمی: حسین در کوفه و بغداد از محضر دانشمندان بزرگی چون احمد بن محمد بن ابی نصر البزنطی، حماد بن عیسی، صفوان بن یحیی، محمد بن ابی عمیر، محمد بن الفضیل، نصر بن سويد و ... حدیث و معارف دینی را آموخت. همچنین عالمان بزرگی نیز افتخار شاگردی او را دارند که معروف‌ترین ایشان عبارت‌اند از: ابراهیم بن هاشم، احمد بن محمد بن خالد برقی، حسین بن حسن بن ابان، سعد بن عبدالله، علی بن مهزیار و حسین بن سعید. سراسر عمر شریفش را در تدوین و نشر احادیث گهربار معصومان صرف کرد. بیشتر عمر او در کوفه و بغداد سپری شد و سپس همراه برادر دانشمندش راهی اهواز گردید. حسین بن سعید در سالهای پایانی عمرش به قم سفر کرد و در آنجا به تدریس و قرائت کتابهایش پرداخت.

تألیفات: حسین بن سعید (در کنار ابن ابی عمیر و یونس بن عبدالرحمان) با گردآوری سی کتاب در سی موضوع توانست جوامع‌نویسی را در سطح ابتدایی بنیان گزارد. از مجموع سی کتاب روایی او تنها دو کتاب

۱۵۰. به عنوان نمونه کسانی که با عنوان «التجل»، «المروءة» و یا «التجل والمروءة» نگارش مستقلی دارند عبارت‌اند از: صدقة بن بندار قمی، علی بن مهزیار، محمد بن اورمه قمی، محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین، محمد بن الحسن بن مثنی، اسماعیل بن محمد مخزومی، احمد بن محمد قمی، قاسم بن حسن بن علی بن یقطین، حسین بن سعید اهوازی، محمد بن الحسن الصفار و معلی بن محمد بصری.

باقی مانده است که هر دو را می‌توان در زمرهٔ تکنگاریهای اخلاقی دانست: کتاب/الزهد و کتاب/المؤمن. البته بقیهٔ کتابهای او به جوامع اولیه راه یافته‌اند به گونه‌ای که اکنون بیش از پنج هزار حدیث از وی در کتابهای چهارگانهٔ شیعه باقی مانده است.

کتاب

نام کتاب: تمامی فهرست‌نگاران کتابی را با عنوان الزهد یا کتاب الزهد در کارنامهٔ تألیفات حسین بن سعید یاد کرده‌اند.

موضوع: موضوع ابواب این کتاب، آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی است. این گونه تنظیم گویای آن است که زهد در نگاه متقدمان و به ویژه مؤلف گران قدر، یک مسئلهٔ فردی و یا انزوای از جامعه نیست. البته حسین بن سعید با به تصویر کشیدن دنیا و بی‌ارزشی آن^{۱۵۱} طالب و دلبستهٔ آن را کوچک و بی‌مقدار نموده و او را به عمل برای آخرت^{۱۵۲} و یاد قبر و مرگ^{۱۵۳} دعوت می‌کند و با یادکرد مواقف گوناگون آخرت^{۱۵۴} زهد حقیقی را معنا و مفهومی دیگر می‌بخشد.

اهمیت و اعتبار: کتابهای حسین بن سعید به حدی مشهور و مورد اعتبار بود که به عنوان معیار و میزان درستی دیگر کتابها به شمار می‌آمد.^{۱۵۵} نجاشی، رجال بزرگ شیعه، در بیان جایگاه کتابهای حسین و برادرش حسن اهوازی می‌نویسد:

مجموعه کتابهای سی‌گانهٔ حسن و حسین اهوازی کتابهایی نیکو هستند که به تمام روایات آنها عمل می‌شود و قابلیت فتوا بر اساس آن را دارند.^{۱۵۶}

کتاب الزهد نیز یکی از این سی کتاب است.

تمام نویسندگان جوامع به کتابهای حسین بن سعید توجهی ویژه نموده‌اند به عنوان نمونه، شیخ طوسی بیشتر احادیث کتاب الزهد را در تهذیب/لاحکام گزارش کرده است.

سبک کتاب: با توجه به اینکه این کتاب از اصول اولیهٔ شیعه است بنابراین از ویژگیهای اصول نیز برخوردار است:

۱- اسناد: تمامی احادیث با سند متصل حسین بن سعید به امامان معصوم می‌رسد. اگرچه حسین از اصحاب امامان متأخر است ولی در این کتاب، چنانچه شیوهٔ همیشگی او است، هیچ حدیثی را مستقیم از معصوم روایت نکرده است و بیشتر احادیث کتاب الزهد از صادقین (علیهم السلام) است.

۱۵۱. حسین بن سعید، الزهد، باب هشتم.

۱۵۲. همان، بابهای ۲، ۴ و ۵.

۱۵۳. همان، بابهای ۹، ۱۴ و ۱۵.

۱۵۴. همان، بابهای ۱۴ - ۱۹.

۱۵۵. و قال ابو جعفر ابن بابویه: محمد بن اورمة طعن علیه بالغلو، فكلما كان في كتبه مما يوجد في كتب الحسين بن سعيد وغيره، فإنه معتمد علیه ويفتی به، وكلما تفرد به لم یجز العمل علیه ولا یعتمد؛ الفهرست، ص ۲۲۰، الرقم ۶۲۰؛ رجال النجاشی، ص ۳۲۹.

۱۵۶. وكتب ابني سعید كتب حسنة معمول علیها وهي ثلاثون كتاباً؛ رجال النجاشی، ص ۵۸.

۲- تبویب: کتاب فوق از باب‌بندی بسیار زیبا و مناسبی برخوردار است که به نظر می‌رسد این شیوه در قرن دوم کاملاً نوظهور بوده است. مؤلف در این کتاب ۲۹۲ حدیث را در بیست باب تنظیم نموده است.^{۱۵۷}

۳- ارسال: تعداد احادیث مرسل و مرفوع کتاب/زهد بسیار اندک و ناچیز است.

۴- این کتاب فقط دربردارنده روایات معصومان (علیهم السلام) است و به غیر از یک جمله کوتاه اعتقادی در دفاع از عصمت امام هیچ توضیح دیگری از مؤلف دیده نمی‌شود.

احادیث زیبا و جذاب این اثر روایی توجه بسیاری از عالمان دینی همچون علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی و محدث نوری را به خود معطوف داشته است.^{۱۵۸}

نمونه: چهار روایت را از باب پنجم یعنی «بابُ بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَالْقَرَابَةِ وَالْعَشِيرَةِ وَالْقَطِيعَةِ» از کتاب/زهد برمی‌خوانیم:

۹۰- (النَّضْرُ وَفَضَالَةُ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانٍ، عَنْ حَفْصٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ) قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): وَ إِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ يَزِيدَ اللَّهُ تَعَالَى فِي عُمْرِكَ فَسِرَّ أَبُوبِكَ - وَسَمِعْتُهُ يَقُولُ: - إِنْ الْبِرَّ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ وَالْعُمْرِ.

۹۱- فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عُمَيْرَةَ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ حِيَانَ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) بِرِّ ابْنِهِ إِسْمَاعِيلَ لَهُ، وَقَالَ: لَقَدْ كُنْتُ أُحِبُّهُ، وَقَدْ أَزْدَادَ إِلَيَّ حُبًّا؛ إِنْ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله) أَتَتْهُ أُخْتُ لَهُ مِنَ الرِّضَاعَةِ فَلَمَّا أَنْ نَظَرَ إِلَيْهَا سَرَّ بِهَا، وَبَسَطَ رِدَاءَهُ لَهَا فَأَجْلَسَهَا عَلَيْهِ، ثُمَّ أَقْبَلَ يَحْدُثُهَا وَيُضْحِكُ فِي وَجْهِهَا، ثُمَّ قَامَتْ فَذَهَبَتْ، ثُمَّ جَاءَ أَخُوها فَلَمْ يَصْنَعْ بِهِ مَا صَنَعَ بِهَا، فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ: صَنَعْتَ بِأُخْتِهِ مَا لَمْ تَصْنَعْ بِهِ، وَهُوَ رَجُلٌ؟! فَقَالَ: لِأَنَّهَا كَانَتْ أَبْرَ بِأَبِيهَا مِنْهُ.

۹۴- فَضَالَةُ بْنُ أَيُّوبَ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عُمَيْرَةَ، عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ شُعَيْبٍ، قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): إِنْ أَبِي قَدْ كَبِرَ جَدًّا وَضَعْفٌ فَتَحْنُ نَحْمِلُهُ إِذَا أَرَادَ الْحَاجَةَ. فَقَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَتْلَى ذَلِكَ مِنْهُ فَافْعَلْ، وَلَقَمَهُ بِيَدِكَ فَإِنَّهُ جَنَّةٌ لَكَ غَدًا.

۹۵- فَضَالَةُ، عَنْ سَيْفِ بْنِ عُمَيْرَةَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ، عَنْ حَكَمِ بْنِ حُسَيْنٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه و آله) فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا مِنْ عَمَلٍ قَبِيحٍ إِلَّا قَدْ عَمَلْتُهُ، فَهَلْ لِي مِنْ تَوْبَةٍ؟ فَقَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ: فَهَلْ مِنْ وَالِدَيْكَ أَحَدٌ حَيٌّ؟ قَالَ: أَبَى. قَالَ: فَادْهَبْ فَبَرَّهُ. قَالَ: فَلَمَّا وَلَّى قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه و آله): لَوْ كَانَتْ أُمُّهُ!!

۳- تکنگاریهای کلامی

از نیمه دوم قرن اول گروههای متعدد کلامی یکی پس از دیگری تولد یافتند. ظهور این گروهها معمولاً پس از حوادث و وقایع گوناگون رخ می‌داد. بیشتر فرقه‌ها انشعابات درون‌دینی یک گروه بود. این انشعابات در هر دو گرایش شیعی و سنی به چشم می‌خورد. از مذاهب کلامی سنیان مرجئه، معتزله، قدریه، خوارج و از مذاهب کلامی شیعیان کیسانیه، زیدیه، امامیه، فطحیه، واقفیه، اسماعیلیه و غالیان را می‌توان نام برد.

۱۵۷. بعضی از عناوین این ابواب عبارت‌اند از: باب الصمت، باب الأدب والحث علی الخیر، باب بَرِّ الْوَالِدَيْنِ وَالْقَرَابَةِ وَالْعَشِيرَةِ وَالْقَطِيعَةِ، باب حق الجوار، باب التواضع والتکبر و باب ذکر الموت والقبور.

۱۵۸. این کتاب اخیراً توسط مرکز تحقیقات دار الحدیث با تصحیح و تحقیق نگارنده به چاپ رسیده است.

غیر از انشعابات متعدد درون‌دینی، برخی از عقاید و افکار بیگانگان نیز به جوامع اسلامی راه یافته بود. این عقاید بر اثر جنگها، رفت و آمدها و ترجمه آثار ایشان به عربی حاصل شده بود و معمولاً دربردارنده افکار الحادی و کفرآمیز بود. بنابراین گروهی که پیش‌تر هم به مادیگری علاقه‌مند بودند یا اعتقادات سستی داشتند به این گروهها پیوستند.

امامان به عنوان پرچمداران میدان اعتقادات با هرگونه افکار انحرافی به مبارزه پرداختند. مبارزات ایشان همواره با چند روش انجام می‌شد:

۱- تبیین نقاط ضعف و انحراف مذاهب باطل‌گرا؛

۲- بیان استدلالهای پولادین برای اثبات اساس حق؛

۳- پرورش شاگردانی که توان بحث و مناظره با منحرفان را داشته باشند؛

۴- مناظره با سران مذاهب گوناگون.^{۱۵۹}

راویان و محدثان هوشیار نیز فرصت را غنیمت شمرده و به ثبت و ضبط بیانات و مناظرات معصومان (علیهم السلام) می‌پرداختند. رهاورد این تلاش ارزشمند نگارش دهها عنوان کتاب کلامی بود که البته بعدها در ابواب کتابهای جوامع اولیه یا تکنگاریهای بزرگ کلامی ادغام شدند.

برخی عناوین مشترک در تکنگاریهای کلامی عبارت‌اند از کتابهایی با موضوعات اصول دین، کتابهای ردیه و

گفتنی است که معمولاً در کتابهای کلامی، غیر از روایات معصومان، توضیحات یا استدلالهایی نیز از جانب مؤلفان ارائه می‌شد و حتی بخشی از این کتابها صرفاً کلامی بود و بیانات معصومان را دربرداشت.

الف) کتابهایی در موضوعات اصول دین

۱- توحید

سهل بن زیاد، علی بن احمد کوفی، محمد بن ابی‌عمیر، هشام بن حکم و محمد بن حسین زیات هر یک کتابی با عنوان *التوحید* نگاشته‌اند. همچنین کتابهای *التوحید و البداء* از عبدالله بن جعفر حمیری، *التوحید و الشریک* از علی بن ابراهیم، *التوحید فی کتب الله* از فضل بن شاذان و *فی علم الباری* از احمد بن محمد بن خالد برقی از جمله کوشش‌های یاران ائمه (علیهم السلام) است. گفتنی است که تنها در کتاب *رجال نجاشی* ۷۳ کتاب در موضوع توحید از نویسندگان سه قرن اول گزارش شده است.^{۱۶۰}

۲- عدل

نگارشهای اصحاب در موضوع عدل مختصر و اندک است. کتابهایی در زمینه جبر و تفویض، قضا و قدر و نظایر آن توسط نویسندگان شیعی نگاشته شده است. به عنوان نمونه می‌توان از کتاب *الجبر* اثر زرارة بن اعین، کتاب *الرد علی اهل القدر* از ابوجعفر الزیات همدانی، کتاب *الجبر و الاستطاعة* از محمد بن جعفر بن عون اسدی، کتاب *الجبر و التفویض* از احمد بن ابی‌زاهر، کتاب *مصابیح موازین العدل* از علی بن حاتم قزوینی و کتاب *المیزان* از هشام بن حکم نام برد.

۳- نبوت

۱۵۹. علاقه‌مندان می‌توانند مثالهای گوناگون هر چهار روش را در کتاب *التوحید/اصول کافی* مشاهده کنند.

۱۶۰. ر.ک: به کتاب *الشیخ/النجاشی*، دکتر حسن الحکیم، ص ۳۸۳ - ۳۷۸.

با توجه به اینکه بیشترین اختلاف شیعیان با سنیان در مسئله چگونگی نبوت انبیاء دیگر است، بیشتر نگارشهای محدثان شیعه در قرون نخست نیز به این موضوع اختصاص یافته است. نمونه: افرادی چون حسن بن موسی الخشاب، احمد بن حسین بن سعید، علی بن مهزیار اهوازی و علی بن ابراهیم قمی همگی کتابی با عنوان *الأنبياء* تألیف کرده‌اند. کتابهای *فی تثبیت نبوة الأنبياء* از علی بن محمد کوفی و *أحكام الأنبياء* از احمد بن محمد بن خالد برقی نیز در موضوع نبوت عامه نگاشته شده است. در فهرست کتابهای مؤلفان نخستین، عنوان «الدلائل» نیز مشاهده می‌شود که احتمال دارد مراد «دلائل النبوة» باشد.^{۱۶۱}

۴- امامت

بر اساس آموزه‌های شیعی، امامت ریشه‌ی بالنده‌ی اسلام و شاخه‌ی برافراشته‌ی آن است و زمام دین به دست امام است. از سوی دیگر مهم‌ترین مسئله‌ی مورد اختلاف شیعه با دیگر فرق اسلامی «مسئله‌ی امامت» است. از این رو بسیاری از بزرگان امامیه عزم خویش را بر تبیین مسئله‌ی امامت جزم کرده و در تألیفات خویش به شبهات مربوط به امامت پاسخ گفته‌اند.

بر اساس آماری که یکی از محققان ارائه داده است^{۱۶۲} تنها در کتاب *رجال نجاشی* مصنفان و محدثان شیعه در سه قرن نخست ۹۹ کتاب را به موضوع امامت اختصاص داده‌اند که بخش مهمی از این شمارگان کتابهای روایی اصحاب است. برخی از کسانی که کتابی با عنوان «الإمامة» نگاشته‌اند عبارت‌اند از: علی بن اسماعیل التمار، عبدالله بن جعفر الحمیری، سعد بن عبدالله اشعری، هشام بن حکم، یونس بن عبدالرحمن، فضل بن شاذان و عبدالله بن مسکان.

۵- معاد

گروهی از اصحاب نیز همچون حنان بن سدید صیرفی کتابی در موضوع بهشت و جهنم تألیف کرده‌اند؛ البته کتابهای مستقل پیرامون معاد بسیار اندک است. در عناوینی چون *صفة الحشر*، *موقف*، *الحساب*، *شفاعت* و ... نیز تألیفاتی صورت گرفته است.

ب) ردیه‌نویسی

بخشی از کتابهای کلامی شیعه به مناظراتی مربوط است که اصحاب با گروههای منحرف داشته‌اند. آنان گاه مناظرات معصومین (علیهم السلام) و گاه مناظرات خود با افراد مذاهب گوناگون را در یک کتاب جمع می‌کردند. البته دانشمندانی چون مؤمن الطاق، هشام بن حکم و هشام بن سالم معمولاً در مناظرات خود از مشاوره با امام سود می‌جستند. این گونه کتابها به کتابهای ردیه شهرت دارد. برخی از عناوین کتابهای ردیه عبارت است از: *الردّ علی الحشویه*، *الردّ علی المجسمه*، *الردّ علی الإسماعیلیه*، *الردّ علی الواقفه*، *الردّ علی القرامطه*، *الردّ علی الثنویه*، *الردّ علی الفطحیه*، *الردّ علی الحنبلی*، *الردّ علی ارسطاطالیس*، *الردّ علی اليهود*، *الردّ علی اهل البدع*. در بعضی از این عناوین بیش از ده کتاب از نویسندگان نگارش یافته است.

۱۶۱. هر چند متونی در دست است که از کتابهایی با عنوان «دلائل الأئمه» گزارش کرده است. بنابراین کتابهای دلائل معمولاً به موضوع نبوت و امامت مربوط است.

۱۶۲. کتاب *الشیخ النجاشی*، دکتر حسن الحکیم، ص ۳۹۲ - ۳۸۵.

فصل دوم: عصر شکوفایی (قرون سوم تا پنجم)

الف) تفسیرهای روایی

قرآن و عترت دو ودیعه الهی و میراث گرانبهای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هستند. بسیاری از روایات نبوی بر هم‌سنگ بودن و پیوستگی همیشگی این دو راه هدایت تأکید کرده‌اند. ظهور این ارتباط دوگانه در معارف اسلامی سبب گردیده تا تعاملات شایانی را بین این دو مرجع اصلی شاهد باشیم؛ مثلاً قرآن ضمن اثبات نبوت و حجیت بخشیدن به سنت، بهترین معیار برای ارزیابی سنت به شمار می‌رود. همان‌طور که سنت برای حدوث و بقای خویش به قرآن نیازمند است قرآن نیز در عرصه‌های مختلفی نیازمند کارکرد حدیث و سنت است و پایداری حقیقی آن به وجود سنت وابسته است. مهم‌ترین کاربرد سنت تبیین و تفسیر معارف قرآنی، آموزش شیوه‌های بهره‌وری از قرآن، تبیین قوانین و احکام قرآنی، بیان تأویلات و توضیح موارد فسخ، تشابه، اطلاعات و عمومات آیات الهی است.

اگرچه فهم ظواهر قرآن و تفسیر آن^{۱۶۳} برای مردم ممکن و میسر است، اما به نص صریح قرآن پیامبر نیز رسالتی در تبیین این کتاب دارد. از جمله رسالتهای پیامبر که قرآن چندین بار آن را تکرار کرده تلاوت آیات، تزکیه نفوس و آموزش مفاهیم قرآنی به مسلمانان است:

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ^{۱۶۴}

تعریف تفسیر مآثور

واژه اثر نزد شیعیان و سنّیان دارای معانی متفاوتی است. بسیاری از سنّیان معنای «اثر» را اعم از کلام پیامبر یا صحابه می‌دانند و بخشی از ایشان این واژه را در قول صحابه منحصر دانسته‌اند. حدیث در دیدگاه شیعه، تنها قول معصوم یا حکایت قول، فعل و تقریر معصوم (علیه السلام) است و واژگان «اثر، خبر و حدیث» در یک افق سیر کرده و چندان با یکدیگر متفاوت نیستند. بنابراین کلام صحابه گرامی پیامبر خاتم و یاران معصومان، چنان‌که با تکیه بر دانسته‌ها و آموزه‌های اکتسابی ایشان باشد، حجیت نداشته و برای دسترسی به حقیقت قابل اعتماد نیست و آنچه برای شیعیان قابل اعتماد است فقط احادیث معصومان (علیهم السلام) است. بر اساس آنچه تا به حال گفتیم، تفاوت دو دیدگاه شیعه و سنی در رویارویی با تفسیر مآثور آشکار می‌گردد.

در نگاه سنّیان، تفسیر روایی مآثور عبارت است از احادیث پیامبر و سخنان صحابه و تابعان که در جهت تفسیر آیات قرآن بیان شده است.^{۱۶۵}

در میان شیعه تا کنون تعاریف گوناگونی برای این اصطلاح ارائه شده است که بعضی از آنها یا با مبانی شیعه سازگار نیست و یا کاستیهای محسوسی دارد. جامع‌ترین تعریفی را که در این باره می‌توان ارائه داد چنین است:

۱۶۳. تفسیر به معنای پرده برداشتن از چهره کلمات است. لسان العرب تفسیر را چنین معنا می‌کند: الْفَسْرُ: الْبَيَانُ، الْفَسْرُ: كَشْفُ الْمَغْطَى وَ التَّفْسِيرُ: كَشْفُ الْمَرَادِ عَنِ اللَّفْظِ الْمَشْكُلِ؛ ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵.

۱۶۴. جمعه/ ۲.

۱۶۵. بغوی، مقدمه معالم التنزیل، ج ۱، ص ۱۰ و ۱۱.

تفسیر روایی تفسیری است که دربردارنده مجموعه احادیثی در تبیین و توضیح آیات قرآنی است. این گونه احادیث می‌تواند بیانگر شأن نزول، چگونگی قرائت، تأویلات و تفسیر معانی آیات باشند.^{۱۶۶}

بر اساس این تعریف، اقوال صحابه و تابعین بزرگ، حتی کسانی چون ابن عباس و مجاهد، باشند از دایره تفسیر روایی خارج است و به کلمات آنها در تفسیر و تبیین آیات به عنوان حدیث توجهی نمی‌شود.^{۱۶۷}

جایگاه و پیشینه تفسیر روایی

گستره دراز دامن مفاهیم آیات قرآنی به تبیین و تفسیر معانی گوناگون آن نیازمند است. این کتاب آسمانی تا کنون به همت بسیاری از مفسران و عالمان فرهیخته فریقین تبیین شده و نگارش صدها کتاب تفسیر و مقاله‌های قرآن پژوهی دسترنج زحمات، تتبعات و تفکرات این خادمان وحی است. مفسران شیوه تفسیری یکسانی را برگزیده‌اند. بعضی فقط برداشتهای حاصل از تعقل و اندیشه خود را تفسیر می‌دانند؛ دسته‌ای دیگر قرآن را با قرآن و گروهی نیز قرآن را به یاری سنت، تفسیر می‌کنند و البته گونه‌های تفسیری متعدد دیگری نیز وجود دارد.

تفاسیر روایی و اثری از نخستین تفاسیری است که پس از نزول وحی شکل گرفت و نخستین شیوه تفسیری کتاب خدا بود که به برکت معصومان (علیهم السلام) آغاز و به همت راویان حفظ شد. در میان آثار بسیاری از راویان حدیث عناوینی به چشم می‌خورد که حاکی از تفاسیر مأثوری است که توسط آنان نگارش یافته است.^{۱۶۸}

۱- تفسیر نبوی

از آیاتی که پیامبر اکرم را به تبیین و تفسیر قرآن مأمور کرده،^{۱۶۹} دانسته می‌شود که تفسیر روایی از همان عصر نبوی آغاز شده است. اندیشمندان صحابه و علاقه‌مندان دانش، سخنان تفسیری پیامبر را به نسلهای بعد منتقل کرده‌اند. سیوطی می‌گوید:

ده نفر از صحابه بیشترین احادیث تفسیری را از پیامبر گزارش کرده‌اند که در بین ایشان روایت تفسیری علی بن ابی طالب از همه بیشتر است.^{۱۷۰}

۱۶۶. برگرفته از آیین‌نامه گروه تفسیر پژوهشکده دار الحدیث: «المراد من الأحادیث التفسیریة کلّ ما یتعلّق بشأن من شوؤن الآی القرآنیة فی ایضاحها، سواء أكان متعلّقاً بنزولها أم بقرائتها أو بیان معا».

۱۶۷. گفتنی است که بعضی از اندیشمندان معتقدند همان گونه که نقل فعل و تقریر معصومان (علیهم السلام) توسط یاران ایشان، به عنوان حدیث در میان ما پذیرفته است، نقل راویان و یاران راستگوی پیامبر اکرم در مورد شأن نزول، سبب نزول و محل نزول آیات نیز، به عنوان یک روایت قابل توجه است.

۱۶۸. نجاشی بیش از چهل نفر از راویان را نویسنده کتاب تفسیر دانسته است که بیشتر آنها از راویان امامان هستند. با توجه به اینکه در سده‌های نخست هجری معمولاً تفاسیر مستند به اقوال معصومان بوده است، به احتمال قوی بیشتر این تفاسیر روایی است. ابان بن تغلب، حسین بن سعید، ابن عقده (م ۳۳۲هـ)، ثابت بن دینار (م ۱۵۰هـ)، زیاد بن منذر، علی بن ابی حمزه، علی بن ابراهیم قمی، جابر بن یزید (م ۱۲۸هـ)، محمد بن اورمه، محمد بن مسعود عیاشی و یونس بن عبدالرحمن از معروف‌ترین افرادی هستند که نجاشی آنان را صاحب تفسیر معرفی کرده است. ر.ک: کتاب الشیخ/النجاشی، دکتر حسن الحکیم، ص ۲۰۴ - ۱۹۷.

۱۶۹. مانند آیه ۴۴ سوره نحل: و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس .

۱۷۰. //التفسیر و المفسرون، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۴۶۵.

دکتر ذهبی هم امام علی (علیه السلام) را کوشاترین و بزرگ‌ترین شاگرد تفسیری پیامبر می‌داند.^{۱۷۱} پس از امام علی (علیه السلام)، بیشترین احادیث تفسیری پیامبر از ابن عباس گزارش شده است. او، که در زمان رحلت پیامبر تنها سیزده سال داشت، پس از آن حضرت احادیث نبوی را نزد صحابه آموخت. او در تفسیر، خود را شاگرد امام علی (علیه السلام) می‌داند و می‌گوید: «تمام آنچه را که از تفسیر قرآن می‌دانم، از علی آموختم».^{۱۷۲}

۲- تفسیر اهل بیت (علیهم السلام)

اهل بیت (علیهم السلام) نیز با روایات تفسیری پیامبر را گزارش می‌کردند و یا از آن جهت که از علوم الهی آگاه بودند، خود به تفسیر قرآن می‌پرداختند. در میراث حدیثی بیشتر از امامان تفسیر قرآن زیاد به چشم می‌خورد؛ چرا که آنان ریشه تمامی آموزه‌های دینی را در کتاب و سنت جستجو می‌کردند. در کنار تفاسیر پراکنده و روزمره گاهی فرصت ویژه‌ای پیش می‌آمد که امامان قرآن را برای فرد یا افرادی تفسیر کنند. راویان هم با گزارش این جلسات آموزشی، خدمتی بزرگ به دنیای دانش نموده‌اند.^{۱۷۳} شماری از تفاسیر امامان به این شرح است:

۱- **مصحف امام علی (علیه السلام):** مجموعه‌ای که علاوه بر آیات قرآن، تأویل، تفسیر و اسباب نزول را تبیین کرده است. این مصحف، که توسط امام علی (علیه السلام) نگاشته شده است، به عنوان ودیعه امامت در دست امامان شیعه است.^{۱۷۴}

۲- **تفسیر ابوالجارود (منسوب به امام باقر علیه السلام):** زیاد بن منذر، معروف به ابی‌الجارود (م ۱۵۰هـ)، از یاران امام باقر (علیه السلام) است. او احادیث تفسیری امام باقر (علیه السلام) را در مجموعه‌ای به نام **التفسیر** تدوین کرده بود که اکنون بخشی از آن در کتابهای شیعه آمده است. روایات تفسیری قمی که از ابوالجارود گزارش شده به احتمال قوی بخشی از همان کتاب است.^{۱۷۵}

۳- **تفسیر منسوب به امام صادق (علیه السلام):** این تفسیر به طور پراکنده در کتاب **حقایق التفسیر القرآنی** آمده است.^{۱۷۶} گفتنی است که سخنان تفسیری امام صادق (علیه السلام) توسط آقای قزوینی در **موسوعة الأحادیث الإمام الصادق** به چاپ رسیده است.

۱۷۱. ذهبی، **التفسیر و المفسرون**، ج ۱، ص ۸۹.

۱۷۲. **التفسیر و المفسرون**، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ج ۳، ص ۶۶۲.

۱۷۳. بسیاری از روایاتی که در تفاسیر روایی، مانند **نور الثقلین** و **برهان**، آمده است و از آن به عنوان «روایات تفسیری» یاد می‌شود در پی تفسیر آیه نیست، زیرا تفسیر به معنای بیان معانی الفاظ و جمله‌های قرآن است و بیشتر آن احادیث از این نوع نیست، بلکه در پی تطبیق آیه به برخی از مصادیق و در موارد فراوانی تطبیق بر بارزترین مصادیق آن است؛ همان‌گونه که آیه کریمه **غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ** بر یهود و نصارا تطبیق شده است؛ **تسنیم**، ج ۱، ص ۱۶۸.

۱۷۴. اولین مجموعه‌ای که امام علی (علیه السلام) پس از رحلت پیامبر و فراغت از تجهیز (غسل، کفن و دفن) جمع‌آوری نمودند «قرآنی با حواشی گوناگون» بود. این قرآن به ترتیب نزول آیات مرتب شده و در آن به «عام و خاص، مطلق و مقید، محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ، سنن و آداب، اسباب نزول و ...» اشاره شده بود. امام (علیه السلام) آنچنان به این امر مبادرت ورزیده بود که حتی برای نماز جماعت نیز از خانه بیرون نمی‌رفت؛ برگرفته از جزوه آموزشی تاریخ حدیث شیعه، حجة الاسلام و المسلمین سید محمد کاظم طباطبایی.

۱۷۵. ابی‌الجارود کتاب تفسیرش را در ایامی نگاشته که به مبنای شیعه معتقد بوده است.

۱۷۶. ایازی، **سیر تطوّر تفاسیر شیعه**، ص ۳۹.

۴- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام): از تفاسیر روایی امامیه و متعلق به قرن سوم است. متن این تفسیر تا پایان آیه ۲۸۲ سوره بقره موجود است. این تفسیر با بیان روایاتی راجع به فضائل قرآن، تأویل و آداب قرآن آغاز شده و با ذکر احادیثی مشتمل بر فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و مثالب دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)^{۱۷۷} ادامه یافته است. بحثهای متعددی نیز درباره سیره نبوی، به ویژه مناسبات پیامبر و یهودیان، در آن مطرح شده است. در این تفسیر مجموعاً ۳۷۹ حدیث آمده که بیشتر آنها طولانی و مفصل است.^{۱۷۸}

دو روای ادعا می کنند که امام حسن عسکری (علیه السلام) این تفسیر را در مدت هفت سال در سامرا به آنان آموخته است. در انتساب این تفسیر به امام عسکری میان دانشمندان اختلاف جدی وجود دارد.

۳- تفاسیر روایی محدثان

از قرن سوم تا پنجم نگارش احادیث تفسیری قوّت و نظم بیشتری یافت. گذشته از تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام) که در سالهای ۲۵۴ تا ۲۶۰ هجری نگارش یافته است، چهار تفسیر روایی نیز در این قرنها تدوین شده که تا کنون باقی مانده اند:

۱- **تفسیر علی بن ابراهیم قمی:** این تفسیر روایی از، محدث و فقیه امامی، علی بن ابراهیم بن هاشم قمی (زنده در سال ۳۰۷ هجری) است. این کتاب در *رجال نجاشی* و *فهرست طوسی* به علی بن ابراهیم نسبت داده شده و منقولاتی از آن در کتب قدما، از جمله *تهذیب الأحکام*، *مجمع البیان* و *اعلام الوری*، آمده است. در تفسیر موجود، به جز تفاسیری از علی بن ابراهیم، احادیث بسیاری از تفسیر *ابوالجارود* با عنوان «و فی روایة ابی الجارود» نقل شده است. منابع دیگر این تفسیر چندان روشن نیست.^{۱۷۹} درباره اسناد تفسیر *علی بن ابراهیم* دیدگاههای گوناگون رجالی مطرح است که بحثهای زیادی را در میان کتابشناسان مطرح ساخته است.^{۱۸۰}

۲- **تفسیر فرات کوفی:** تفسیری روایی از ابوالقاسم فرات بن ابراهیم کوفی است. محدث و مفسر شیعی، فرات (زنده در سال ۳۰۷ هجری)، این تفسیر را بر اساس ترتیب سوره ها تنظیم کرده، اما بر خلاف مفسران متقدم شیعی، همچون قمی و عیاشی، تنها آیاتی را برگزیده است که در شأن نزول و تفسیر یا تأویل آن روایتی درباره تعالیم و اعتقادات شیعی از ائمه (علیهم السلام) یا صحابه و برخی تابعین در دست داشته است. اگرچه در کتابهای رجال اطلاعاتی از شخصیت فرات نیامده، ولی از عبارت «الشیخ الفاضل استاد المحدثین فی زمانه»، که ابوالقاسم علوی، از اندیشمندان آن زمان، درباره مؤلف کتاب گفته است، جایگاه علمی فرات در زمان خودش آشکار می شود. علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، قاضی سعید قمی و بسیاری از علمای متأخر بر این کتاب اعتماد کرده اند. این تفسیر، که ۷۵۵ حدیث دارد، بارها به چاپ رسیده است.^{۱۸۱}

۱۷۷. تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، ص ۴۷.

۱۷۸. برگرفته از *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۶۸۸ - ۶۸۵.

۱۷۹. *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۷۰۳ - ۷۰۰، مقاله سید جواد شبیری.

۱۸۰. مثلاً آیت الله خویی رجال شناس معاصر، معتقد است که تمامی کسانی که در اسناد این کتاب قرار گرفته اند ثقه هستند و مشمول نظریه «توثیق عام» می شوند.

۱۸۱. *دانش نامه جهان اسلام*، ج ۷، ص ۷۰۶ - ۷۰۴. مقاله محمد کریمی زنجانی.

با توجه به اینکه کتاب تفسیر فرات به دو طریق متفاوت به دست ما رسیده است و در یکی از این طریقه‌ها شخصی با نام ابن کثیر وجود دارد که متهم به غلو است، بنابراین بخشی از احادیث این کتاب فاقد اعتبار است.^{۱۸۲}

۳- **تفسیر عیاشی:** از مهم‌ترین تفسیرهای روایی شیعه در قرن سوم است که توسط محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰ هـ) تدوین شده است. با توجه به اهمیت این کتاب آن را به صورت مستقل بررسی خواهیم کرد.

۴- **تفسیر نعمانی:** این تفسیر روایی به محمد بن ابراهیم کاتب نعمانی، متکلم، محدث و مفسر امامی اوایل قرن چهارم منسوب است. بخش آغازین این تفسیر مطالبی مفصلی درباره قرآن است که به امام علی (علیه السلام) منسوب است. این متن را امام صادق (علیه السلام) روایت کرده است. علامه مجلسی این تفسیر را به طور کامل در کتاب *القرآن*^{۱۸۳} آورده است. در این تفسیر حدود شصت موضوع قرآنی به صورت گفتگو میان امام و راوی مطرح شده و بیش از پانصد آیه توضیح داده شده است. در گزارشی که نعمانی از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است آن حضرت بیان می‌دارد که شیعیان هرگاه فراغت می‌یافتند از علی بن ابی‌طالب درباره اقسام آیات سؤال می‌کردند؛ از جمله این پرسش‌ها بحث ناسخ و منسوخ، محکم و متشابه و وحی و اقسام آن است.^{۱۸۴}

معرفی کتاب تفسیر عیاشی

مؤلف

هویت: ابونضر محمد بن مسعود عیاش سمرقندی، مشهور به عیاشی، از اهالی سمرقند است. وی محدث فقیه و متکلم بزرگ شیعه در قرن سوم و نیمه اول قرن چهارم هجری است.

طبقه: تاریخ ولادت و وفات او دقیقاً روشن نیست، ولی با بررسی‌های رجالی رحلت او را حدود سال ۳۲۰ هجری تخمین زده‌اند^{۱۸۵} و او را هم طبقه کلینی (م ۳۲۸ هـ) دانسته‌اند؛ بنابراین او غیبت صغری (۳۲۹ - ۳۶۰ هـ) را درک کرده است.

اعتبار: کسی در جلالت و بزرگی عیاشی تشکیک نکرده است و تمامی نویسندگان رجال از او به نیکی یاد کرده‌اند؛ نجاشی در توصیف عیاشی بیان داشته است: «ثقةٌ صدوقٌ عینٌ من عیون الطائفة».^{۱۸۶}

۱۸۲. البته تفسیر فرات دارای ضعفهای آشکاری است که سبب شده موجب بی‌مهری عالمان شیعی قرار گیرد. مثلاً روایتی از زید بن علی بن حسین آمده که معصومان را در پنج نفر منحصر دانسته است. اما شیخ صدوق از این کتاب بسیار نقل روایت می‌کند و از مصادر کتاب بحار/الانوار نیز است.

۱۸۳. بحار/الانوار، ج ۹۳، ص ۹۷ - ۱.

۱۸۴. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۲۰ و ۷۲۱، مقاله محسن معینی.

۱۸۵. هدیه العارفین، ج ۲، ص ۳۲.

۱۸۶. رجال/النجاشی، ص ۳۵۰. البته نجاشی این را هم اضافه کرده است که عیاشی از ضعیفا بسیار روایت کرده است. این تعبیر قابل ملاحظه و البته برای اهل فن توجیه‌پذیر است.

شخصیت علمی: علاقه‌مندی عیاشی به علوم اسلامی سبب شد که تمامی ارث رسیده از پدرش (سیصد هزار دینار) را در نشر معارف اسلامی هزینه کند؛ به گونه‌ای که گفته‌اند خانه‌اش مانند مسجد و مدرسه علمیه و مملو از نویسندگان، قاریان، محققان و طالبان علوم دینی شده بود.^{۱۸۷}

عیاشی در دو جلسه، که یکی برای عموم و دیگری برای خواص تشکیل می‌شد، به تدریس علوم اسلامی می‌پرداخت.^{۱۸۸} شیخ طوسی در توصیف مقام علمی او گفته است:

دانشمندترین، فاضل‌ترین، ادیب‌ترین، فهیم‌ترین و داناترین عالمان مشرق‌زمین در عصر خویش بوده است.^{۱۸۹} او به روایت بصیر بوده و اخبار بسیاری را گزارش کرده است.^{۱۹۰}

عیاشی در فقه، حدیث، کلام، تفسیر، طب، نجوم، تاریخ، سیره و ... استاد بود و معمولاً در تمام این علوم کتابهایی را تألیف کرده است.^{۱۹۱} تعداد تألیفات او نزدیک به دویست کتاب است.^{۱۹۲} که متأسفانه تنها بخشی از کتاب/تفسیر او باقی مانده است. البته روایات او در کتابهای روایی همچنان جاودانه است.

کتاب

نام کتاب: فهرست‌نگاران این کتاب را/تفسیر نامیده‌اند، ولی این اثر در گذر زمان به تفسیر عیاشی شهرت یافته است.

جایگاه کتاب: این کتاب، که قدمتی دیرینه دارد، از مصادر تفسیری شیعه و از مهم‌ترین ارکان تفاسیر روایی است. مفسران و محدثان بزرگی چون طبرسی، حرّ عاملی، مجلسی، فیض کاشانی و بحرانی به آن اعتماد کرده و روایات آن را گزارش کرده‌اند.

سبک: این تفسیر به شیوه دیگر تفاسیر روایی روایاتی را برای تبیین و تفسیر هر آیه با سند خود عیاشی ذیل آن آیه، آورده است. عیاشی با این شیوه تمام قرآن را تفسیر کرده است، ولی روایات نسخه‌های به‌جا مانده تنها تا پایان سوره کهف را تفسیر کرده‌اند و این نشانگر از بین رفتن بقیه این کتاب ارزشمند است.

از سوی دیگر نسخه‌نویسان در نسخه‌برداری رعایت امانت نکرده و ضمن تلخیص کتاب، اسناد عیاشی را نیز حذف کرده‌اند. ایشان در ابتدای کتاب به این عمل خود اعتراف کرده و آن را در جهت اختصار و رعایت حال خوانندگان دانسته‌اند.^{۱۹۳} علامه مجلسی این عذر را بدتر از گناه ایشان خوانده است.^{۱۹۴} گفتنی است نسخه اولیه/تفسیر نزد حاکم حسکانی (قرن پنجم) و طبرسی (م ۵۴۸ هـ) بوده و ایشان در کتابهای/شاهد/التنزیل و

۱۸۷. رجال النجاشی، ص ۳۵۱؛ رجال ابن‌داد، ص ۱۸۴.

۱۸۸. رجال الطوسی، ص ۴۹۷.

۱۸۹. شیخ طوسی، الرجال، ص ۴۹۷.

۱۹۰. شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۳۶، الرقم ۵۹۳.

۱۹۱. با نگاهی به اسامی تألیفات وی در کتب فهرست این مطلب بهتر روشن می‌شود.

۱۹۲. ابن‌ندیم او را صاحب ۱۷۵ تألیف دانسته است؛ الفهرست، ص ۲۷۷ - ۲۷۵؛ نجاشی هم ۱۵۷ کتاب را به او منسوب دانسته؛

رجال النجاشی، ص ۳۵۳ - ۳۵۱؛ و شیخ طوسی نیز ۱۸۲ کتاب را به وی نسبت داده است؛ الفهرست، ص ۱۳۹ - ۱۳۷؛ محققان

این کتاب ۱۹۵ کتاب را که فهرس‌نگاران به عیاشی نسبت داده‌اند در مقدمه یاد کرده‌اند؛/تفسیر عیاشی، مقدمه، ص ۴۵ - ۴۰.

۱۹۳. عیاشی،/تفسیر، ج ۱، ص ۵.

۱۹۴. بحار الأنوار، ج ۱، ص ۲۸.

مجمع‌البیان از آن گزارش کرده‌اند. نسخه فعلی فاقد سند بوده و در بعضی از موارد نام راوی و گاهی نیز سندی کامل را آورده است. تمام روایات در مقام تفسیر و تبیین آیات هستند.

محتوا: عیاشی نخست در مقدمه‌ای کوتاه به ذکر احادیثی در فضیلت قرآن کریم، ترک روایت احادیث مخالف قرآن، مطالب مذکور در قرآن و لزوم مراجعه به ائمه اطهار (علیهم السلام) درباره اعتقادات و آموزه‌های شیعی، به ویژه در فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و منقصت دشمنان ایشان، پرداخته است. بیشتر این روایات از امام باقر و امام صادق (علیهم السلام) نقل شده است. در تفسیر عیاشی علاوه بر مطالب تفسیری و فقهی به مسائل کلامی نیز پرداخته شده است. البته به دلیل توجه مؤلف به آیات الاحکام، ویژگی فقهی این تفسیر بیشتر از دیگر تفاسیر کهن امامیه است.^{۱۹۵}

نمونه: عیاشی ذیل آیه شریفه ۱۳۵ سوره مبارکه آل عمران روایتی را در تفسیر واژه «الإصرار» بیان می‌کند که با هم می‌خوانیم:

(حدیث ۷۸۳) عن جابر، عن ابی جعفر (علیه السلام)، فی قول الله عزَّ وجلَّ وَ مَنْ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللهُ وَ لَمْ یَصِرُوا عَلَی مَا فَعَلُوا وَ هُمْ یَعْلَمُونَ قَالَ: الإصرار أن یدنب العبد ولا یتستغفر، ولا یحدث نفسه بالتوبة، فذلک الإصرار.

چکیده

- ✓ در سالهای پایانی قرن دوم محدثان بر اساس استعداد، ذوق و سلیقه‌های شخصی به گردآوری موضوعی احادیث پرداختند. این نگارشها را «تکنگاری موضوعی» گویند.
- ✓ بسیاری از تکنگاریهای مهم در سه موضوع است: ۱- فقه، ۲- اخلاق و آداب، ۳- کلام و عقاید.
- ✓ در دوران امام رضا (علیه السلام) تکنگاریهای فقهی به اوج خود رسید.
- ✓ بیشترین سبک نگارشی اصحاب «تکنگاریهای فقهی» است.
- ✓ عموم فقههای اولیه و راویان بزرگ یک یا چند اثر روایی در موضوعات گوناگون فقهی تدوین کرده‌اند.
- ✓ حسین بن سعید با گردآوری سی کتاب در سی موضوع توانست جوامع‌نویسی را در سطح ابتدایی بنیان گذارد.
- ✓ از مجموع کتابهای روایی حسین بن سعید تنها دو کتاب *الزهد* و *المؤمن* باقی مانده که هر دو در زمره تکنگاریهای اخلاقی است.
- ✓ موضوع کتاب *الزهد*، آداب معاشرت و اخلاق اجتماعی است.
- ✓ بخشی از کتابهای کلامی شیعه به مناظراتی مربوط است که اصحاب با گروههای منحرف داشته‌اند. این کتابها معمولاً با عنوان «ردیه» شناخته می‌شوند.
- ✓ از نگاه سنیان تفسیر روایی مأثور عبارت است از احادیث پیامبر و سخنان صحابه و تابعین که در جهت تفسیر آیات قرآن بیان شده است.
- ✓ از نگاه شیعیان، تفسیر روایی تفسیری است که دربردارنده مجموعه احادیثی در تبیین و توضیح آیات قرآنی است. این گونه احادیث می‌تواند بیانگر شأن نزول، چگونگی قرائت، تأویلات و تفسیر معانی آیات باشد.

۱۹۵. دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، ص ۷۰۳ و ۷۰۴، مقاله محمد کاظم رحمتی.

- ✓ مصحف امام علی (علیه السلام): آن حضرت در این مجموعه علاوه بر آیات قرآن، تأویل، تفسیر و اسباب نزول را تبیین کرده است.
- ✓ مصحف امام علی (علیه السلام) به عنوان ودیعه امامت در دست امامان شیعه است.
- ✓ از قرن سوم تا قرن پنجم هجری نگارش احادیث تفسیری قوّت و نظم بیشتری یافت و پنج تفسیر نوشته شد.
- ✓ مهم‌ترین تفسیرهای روایی باقی‌مانده از این دوران عبارت‌اند از: تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر فرات کوفی و تفسیر عیاشی.

پژوهش

تکنگاریهایی را که از قرن سوم تا پنجم با عنوان الزهد در میان شیعیان نگاشته شده نام ببرید. (کلیدواژه‌های زهد و الزهد را در کتابهای/فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی بررسی کنید).

ضمیمه (۱)

منابع مطالعاتی

- ۱- اصول علم الرجال، مسلم داوری.
- ۲- التفسیر بالمأثور و تطویره عند الشيعة الإمامية، احسان الأمين، دار الیهادی، بیروت.
- ۳- الزهد، حسین بن سعید اهوازی، چاپ دار الحدیث (مقدمه).
- ۴- المنہج الأثری، محمد ابوطبره.
- ۵- تفسیر علی بن ابراهیم قمی (مقدمه).
- ۶- تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی (مقدمه).
- ۷- تفسیر محمد بن مسعود عیاشی، ج ۱، مقدمه، چاپ مؤسسه بعثت.
- ۸- تفسیر منسوب به امام حسن عسکری (علیه السلام)، مقدمه.
- ۹- دانش‌نامه جهان اسلام، ج ۷، مدخل تفسیر، تفسیر روایی.
- ۱۰- درس‌نامه روشها و گرایشهای تفسیری قرآن، دکتر صفایی اصفهانی، مرکز جهانی علوم اسلامی.
- ۱۱- سیر تطور تفاسیر شیعه، سید محمد علی ایازی.

ضمیمه (۲)

کتابهای تفسیری سنیان

سنیان کتابهای تفسیری بسیاری تدوین کرده‌اند. آنان، چه در قرون نخستین و چه در قرون متأخر تفاسیر بسیاری نگاشته‌اند. بخشی از این کتابها تفاسیر روایی است. البته آنان در تمام تفاسیر خویش از روایات و کلمات صحابه بهره برده‌اند. مهم‌ترین تفاسیر روایی ایشان عبارت است از:

- ۱- جامع البیان عن تأویل القرآن، محمد بن جریر طبری (د ۳۱۰)، ۳۰ جلد.
- ۲- بحر العلوم، ابوليث سمرقندی.
- ۳- معالم التنزیل، بغوی.
- ۴- المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز، ابن عطیه.
- ۵- الدر المنثور، جلال‌الدین سیوطی (م ۹۱۱ هـ)، ۶ جلد.
- ۶- تفسیر مجاهد، ابن‌المصباح مجاهد بن جبر التابعی (م ۱۰۴ هـ).
- ۷- تفسیر القرآن، عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ هـ).
- ۸- تفسیر القرآن العزیز، اسماعیل بن کثیر (م ۷۷۴ هـ)، ۴ جلد.

جلسہ پنجم

فقہ ماثور و جوامع

اهداف درس

- ✓ آشنایی با دو سبک فقه مآثور و جوامع؛
- ✓ معرفی کتاب دعائم الاسلام و جوامع اولیه.

ب) فقه مآثور (روایی)

فقه، در لغت به معنای فهم و دانستن و در اصطلاح به معنی علم و آگاهی به احکام شرعیه با تکیه بر دلایل استدلالی است. بنابراین فقیه کسی است که بتواند احکام فرعی را از اصول و مبانی استخراج و استنباط کند. دانش فقه از نخستین دانشهایی بود که در حوزه علوم اسلامی نمایان شد. فهرست نگاران و فقها معتقدند این دانش از همان عصر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و توسط آن حضرت تأسیس شد و در دوران صادقین (علیهم السلام) و پس از آن بالندگی خویش را تجربه کرد. کتاب علی (علیه السلام)، جامعه و کتاب علی بن ابی رافع از آغازین نگارشهای فقهی در تاریخ اسلام است. دانشمندان علی بن ابی رافع را نخستین فردی می دانند که در دانش فقه کتابی مستقل تألیف کرده است.^{۱۹۶} او از موالیان پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) و از بهترین شیعیان امام علی (علیه السلام) بوده که نویسندگی بیت المال را بر عهده داشته است.

پیشینه فقه مآثور

بحثها و نگارشهای فقهی در عصر امامان بیشتر در محدوده روایات وارده در هر موضوع انجام می شد. البته بحثهای تحلیلی و اجتهادی نیز در دامنه بسیار محدودی انجام می گرفت که این گونه نگرش در فقه به دستور امامان (علیهم السلام) پدیدار شد. امامان وظیفه خویش را بیشتر بیان اصول و قواعد کلی می دانستند و تفریع و استنتاج احکام جزئی را به عهده شاگردان فقیه خویش می گذاشتند.^{۱۹۷} دهها و صدها عنوان از عناوین کتابهای پیروان امامان به ابواب فقهی مربوط است و به نظر می رسد که بیشتر آنها حدیثی و در شمار تکنگاریهای فقهی باشد. پس از عصر امامان نیز بیشترین نگارشهای فقهی قرنهای سوم تا پنجم هجری، استمرار گرایش فقه روایی در دوره حضور بود و فقیهان سعی می کردند تا بیشتر از آنچه در روایات آمده است مطلبی بیان نکنند.

۱۹۶. رجال النجاشی؛ سید حسن صدر، تأسیس الشیعه.

۱۹۷. «علینا إلقاء الأصول و علیکم بالتفریع».

کتابهایی مانند/التکلیف از ابوجعفر محمد بن علی الشلمغانی،/النوادر اثر ابوجعفر احمد القمی،/الشرايع متعلق به ابن بابویه قمی،/المقنع و/الهدایه دو اثر ارزنده شیخ صدوق، و دیگر کتابهای ابن قولویه و محمد بن علی بن الحسین رازی نمونه بارزی از کار فقیهان عالی‌مقام این دوران است که اکثراً حاوی روایات امامان است.^{۱۹۸}

حتی شیخ طوسی، که خود از پایه‌گذاران فقه اجتهادی است، کتاب/النهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی را به همان سبک فقه روایی تدوین کرده است. گفتنی است شیخ طوسی نخستین دانشمندی است که استنباط احکام شرعی را از ادله اجتهادی به صورت عملی وارد فقه شیعه نموده و در دیباجه کتاب/المبسوط به این نکته اشاره کرده است. کتاب/المبسوط نخستین نگارش در فقه استدلالی است. عنوان شیخ الطائفه به پاس داشت این تلاش بزرگ او همواره یادآور زحمات فقهی شیخ طوسی است.

فقه اثری

فقه ماثور محصولی از اجتهاد فقیه در حوزه بازکاوی روایات صحیح و حجیت‌دار است. شماری از فقیهان پیش از قرن پنجم هجری^{۱۹۹} با بررسی اصول روایی شیعه و استخراج احادیث صحیح، آنها را در مجموعه‌ای گردآورده و به عنوان فتاوی خویش، که حاصل تلاش در تشخیص روایات سالم بود، به مقلدان و شیعیان ارائه می‌کردند. این شیوه به دو صورت انجام می‌شد:

الف) غیرمستند

۱۹۸. دائرة المعارف تشیع، ج ۱، ص ۴۸۰ (با اندکی تغییر).

۱۹۹. فقیهان شیعه در این دوران به دو دسته کاملاً متمایز تقسیم می‌شدند:

۱- اهل الحدیث: این گروه ادامه گرایش سنت‌گرایی عصر حضور بود و همت خود را بر جمع‌آوری احادیث و ضبط و حفظ آن مصروف می‌داشتند. ایشان با «اجتهاد» میانه‌ای نداشتند. اهل حدیث نیز خود دو دسته می‌شدند؛ بخشی از ایشان برای نقادی حدیث از قواعد علم رجال و اصول بهره می‌جستند و پذیرای هر روایتی نبودند؛ مانند تلاش شیخ صدوق در کتاب/المقنع. بخشی دیگر از اهل حدیث کسانی بودند که بی‌قید و شرط طرفدار احادیث بودند. و با مبانی اصول فقه و قواعد جرح و تعدیل حدیثی کاملاً بیگانه و از قوانین استدلال و آداب بحث به کلی بی‌اطلاع بودند. ابوالحسن النّاشی و علی بن عبدالله بن وصیف از این گروه‌اند که به روش اهل ظاهر سخن می‌گفته‌اند.

مکتب اهل حدیث مکتب بیشتر فقه‌های قرن سوم تا اواخر قرن چهارم بوده و مرکز علمی قم، که از آن هنگام بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مجمع مذهبی شیعه بود، به طور کامل در اختیار این مکتب قرار داشته است و فقه‌های قمیین همگی از محدثان و با هرگونه استدلال، اجتهاد و تفکر عقلانی جامعه شیعی مخالف بودند.

۲- در مقابل گروه اهل حدیث، گروهی وجود داشت که طرفدار فقه تحلیلی و استدلالی بود. این گروه که در نیمه دوم قرن سوم و تمام قرن چهارم فعالیت داشتند فقه را با تحلیل و استدلال بیان می‌کردند و از پرداختن به اخبار واحد جداً پرهیز می‌نمودند. دو تن از معروف‌ترین افراد این گروه عبارت‌اند از: ۱- ابن ابی عقیل (قرن چهارم) نویسنده کتاب/التمسک بحیل آل الرسول که در قرنهای چهارم و پنجم از مشهورترین و مهم‌ترین مراجع فقهی بوده است. ۲- ابن الجنید اسکافی (قرن چهارم)، نویسنده کتاب تهذیب الشیعه لأحكام الشریعه.

(تلخیصی از کتاب مقدمه‌ای بر فقه شیعه، اثر حسین مدرّسی طباطبائی.)

گروهی از کتابهای فقهی این دوران حاوی مجموعه‌ای از روایات غیرمستند است. نویسندگان این کتابها حتی از انتساب احادیث کتاب به معصومان نیز خودداری کرده و به ندرت حدیثی را با نام گوینده آن ذکر می‌کنند.^{۲۰۰}

اهتمام اصلی این دسته از فقیهان بر این بود که متن اصلی روایات کمتر تغییر کند و خواننده به راحتی با تکلیف خود آشنا شود. چینش و سبک ارائه این گونه نگارشها همانند رساله‌های عملیه است. کتابهای /المقنع و /الهدایه، هر دو از شیخ صدوق، و فقه الرضا و النهایه از شیخ طوسی به سبک فقه ماثور غیرمستند نگارش یافته‌اند.

نمونه

الف) فقه الرضا، باب الاعتکاف:^{۲۰۱}

لَا يَنْبَغِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بَدَّ مِنْهَا وَتَشْيِيعِ الْجَنَازَةِ وَيَعُودُ الْمَرِيضِ، وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ مِنْ سَاعَتِهِ، وَإِعْتِكَافُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ إِعْتِكَافِ الرَّجُلِ.
این متن با اختلافی اندک در کتابهای کافی^{۲۰۲} و من لا یحضره الفقیه^{۲۰۳} آمده است.
ب) /المقنع، باب الاعتکاف:^{۲۰۴}

إِنَّ مَرَضَ الْمُعْتَكِفِ فَلَهُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى أَهْلِهِ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءُ.
این متن نیز برگرفته از روایتی است که در کافی^{۲۰۵} و تهذیب الاحکام^{۲۰۶} آمده است.
ج) /الهدایه، باب الاعتکاف:^{۲۰۷}

الْمَوَاضِعُ الَّتِي يُجُوزُ فِيهَا الْإِعْتِكَافُ، كُلُّ مَسْجِدٍ جَمَعَ الْإِمَامُ الْعَادِلُ فِيهِ بِالنَّاسِ صَلَاةَ جُمُعَةٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ.
این عبارت نیز برگرفته از روایت عمر بن یزید از امام صادق (علیه السلام) است که در کافی^{۲۰۸} آمده است و به زودی متن آن را خواهیم خواند.
در هیچ یک از متنهای یاد شده به معصوم استناد نشده است، در حالی که تمام این متنها با تفاوتی اندک متن روایات است.

ب) مستند

دومین شیوه‌ای که طرفداران فقه ماثور پایه‌ریزی کردند گزینش تقطیع و ارائه احادیث وارده از امامان در هر موضوع بود. آنان با به کارگیری گونه‌ای از اجتهاد در دامنه روایات دسته‌ای از روایات را که صحیح و قابل

۲۰۰. البته گاهی احادیث با عبارت «روی» و «قال العالم» می‌آید. نام خود امام نیز به ندرت ذکر می‌شود.

۲۰۱. ص ۱۹۰.

۲۰۲. ج ۴، ص ۱۷۸، ح ۳.

۲۰۳. ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۵۲۹.

۲۰۴. ص ۲۱۰.

۲۰۵. ج ۴، ص ۱۷۹، ح ۱.

۲۰۶. ج ۴، ص ۲۹۴، ح ۲۶.

۲۰۷. ص ۱۷۱.

۲۰۸. ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۱.

اعتماد می‌دانستند با سند کامل یا با ذکر نام امام معصوم می‌نوشتند. عناوینی هم که برای بابها انتخاب می‌کردند به گونه‌ای بیانگر فتوا و نظر نهایی مؤلف تلقی می‌شد.

کتابهای فروع کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب الاحکام، الاستبصار، المحاسن، النوادر احمد بن محمد بن عیسی، دعائم الاسلام و ... در شمار کتابهای فقه مأثور هستند.

نمونه

«الکافی»^{۲۰۹} باب «المساجد التي يصلح الاعتكاف»

– عدة من أصحابنا، عن سهل بن زياد، عن الحسن المحبوب، عن عمر بن يزيد قال: قلت لأبي عبدالله (عليه السلام): ما تقول في الاعتكاف ببغداد في بعض مساجدها؟ فقال: لا اعتكاف إلا في مسجد جماعة قد صلي فيه إمام عدل بصلاة جماعة ولا بأس أن يعتكف في مسجد الكوفة والبصرة ومسجد المدينة ومسجد مكة.

– علي بن ابراهيم عن أبيه، عن ابن أبي عمير، عن حماد، عن الحلبي، عن أبي عبدالله قال: سئل عن الاعتكاف، قال: لا يصلح الاعتكاف إلا في مسجد الحرام أو مسجد الرسول (صلى الله عليه وآله) أو مسجد كوفه أو مسجد جماعه.

سرنوشت فقه مأثور

با ظهور فقه استدلالی (تفریعی) در اوائل قرن پنجم، نگارش فقه مأثور به تدریج متوقف شد و با تلاش شیخ مفید و شاگردانش (سید مرتضی و شیخ طوسی) فقه استدلالی هر روز نهادینه‌تر گردید و تأثیر مستقیم فقه مأثور کم‌رنگ شد. بنابراین کتابهایی چون کافی بیشتر به عنوان یک کتاب مرجع شناخته شد و کمتر کسی آنها را کتابی صرفاً فقهی می‌دانست. البته این کتابها همگی به عنوان منابع روایی شیعه جاودان ماندند و فقها برای استدلالهای فقهی همیشه به روایات موجود در این کتابها نیازمندند.

معرفی کتاب دعائم الاسلام

مؤلف

هویت: ابوحنیفه نعمان بن محمد بن منصور مغربی تمیمی (۳۶۳ – ۲۵۹ هـ) هم‌عصر با نواب خاصه در غیبت صغری و هم‌طبقه کلینی است. او در میان شیعیان به «قاضی نعمان» و در بین سنیان به «ابوحنیفه مغربی» مشهور است.^{۲۱۰}

خانواده او ابتدا پیرو مذهب مالکی بودند،^{۲۱۱} ولی قاضی نعمان تغییر مذهب داد و شیعه شد، اما چون در خدمت حکومت اسماعیلیه بود او را از علمای بزرگ و پایه‌گذاران فرقه اسماعیلیه می‌دانند. هرچند دانشمندانی

۲۰۹. شیخ کلینی، ج ۴، ص ۱۷۶، ح ۱ و ۳.

۲۱۰. هدیه العارفین فی أسماء المؤلفین، ج ۶، ص ۴۹۵. البته او را گاهی به جدش منتسب کرده و ابن حیون خوانده‌اند و برخی نیز از وی به ابوحنیفه شیعه یاد کرده‌اند.

۲۱۱. پدر قاضی نعمان از عالمان مالکی به شمار می‌رفت.

چون علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، محدث نوری و علامه آقا بزرگ تهرانی او را شیعه امامیه می‌دانند و معتقدند او در حال تقیه به سر می‌برده است، اما آیت الله خویی ضمن ردّ بیانات ایشان می‌گوید:

امامی بودن او ثابت نیست و با توجه به اطلاعات اندکی که درباره او باقی مانده است امامی بودن قاضی نعمان برای ما مجهول است.^{۲۱۲}

هر چند که وی از بزرگان شیعه و فاضلی جلیل‌القدر است.^{۲۱۳}

دانش و فضیلت: در توصیف او چنین گفته‌اند:

او در نهایت فضل و دانش، عالم به معارف و معانی قرآن، فقیه و آشنا به اختلافات فقهی مذاهب گوناگون بوده است. قاضی نعمان در لغت و شعر سرآمد دوران بوده و هزاران صفحه مطلب در رثای اهل بیت نگاشته است.^{۲۱۴} او توانسته است تا ۴۷ کتاب تدوین کند. مشهورترین این کتابها *دعائم الاسلام* و *شرح الاخبار* است که هر دو تا کنون باقی مانده‌اند.

شرایط سیاسی و فرهنگی: در قرن چهارم و پنجم هجری خلافت عباسی دچار ضعف و اضمحلال شد. در این زمان گروه‌های متعددی در ممالک اسلامی دست به شورش زدند و حکومت‌های خودمختار گوناگونی را تشکیل دادند. به قدرت رسیدن آل بویه در ایران و فاطمیان در مصر سبب گردید تا شیعیان به راحتی بتوانند معارف شیعی را گسترش دهند و مدون نمایند. در سال ۲۹۷ هجری دولت فاطمی، که پیرو فرقه اسماعیلیه بود،^{۲۱۵} در مصر و شمال آفریقا یک حکومت مستقل تشکیل داد. این حکومت بزرگ و مقتدر توانست تا سال ۵۶۷ هجری پایدار بماند. فاطمیان توانستند در دوران حکومت خویش فعالیت‌های تبلیغی و فرهنگی بزرگ و خوبی را در جهان اسلام پایه‌گذاری کنند. دانشگاه الأزهر مصر یادگار این دوران است. در چنین دورانی نعمان بن محمد بن مغربی، که دانشمندی بزرگ به شمار می‌آمد، مورد اعتماد حاکمان قرار گرفت و او را به سمت قاضی شهرهای متعددی همچون مصر و طرابلس، منصوبیه و ... گماردند و سپس خلیفه وقت او را به عنوان قاضی القضاة (بالاترین مقام قضایی حکومت) منصوب کرد.

کتاب

نام کتاب: *دعائم الاسلام ذکر الحلال و الحرام و القضا و الاحکام*. این کتاب از معروف‌ترین آثار اسماعیلیه به شمار می‌رود.

انگیزه نگارش: به نظر می‌رسد که مؤلف، کتاب را به درخواست خلیفه چهارم فاطمیان، المعز لدین الله، نگاشته تا قوانین مذهبی را به صورتی مدون گردآورد؛ از این رو کتاب *دعائم الاسلام* تا پایان حکومت فاطمیان به عنوان کتاب قانون اسماعیلیه در سراسر ممالک تحت نفوذ آنان توزیع و بدان عمل می‌شد. به عنوان نمونه مسلمانان هندوستان در توجه به این اثر اهتمام ویژه‌ای داشتند؛ آنچنان که قوانین امروزی مسلمانان هند نیز از همین کتاب نشأت گرفته است.

۲۱۲. معجم رجال‌الحدیث، ج ۲۰، ص ۱۸۵، الرقم ۱۳۱۰۲.

۲۱۳. السید الخویی، کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۱۸ و ج ۳، ص ۴۹۲.

۲۱۴. وفیات الاعیان، ج ۵، ص ۴۱۵.

۲۱۵. حکومت فاطمیان در سال ۲۹۷ هجری توسط ابو عبدالله المهدی تأسیس شد. حکومت آنها از شمال آفریقا و مصر آغاز شد و آهسته آهسته بر مناطق متعددی نفوذ کرد. ایشان توانستند حتی سوریه، مکه و مدینه را نیز جزئی از حکومت خویش کنند.

اعتبار: دعائم الاسلام معتبرترین کتاب نزد اسماعیلیه است. آنها به مفاد این کتاب عمل می‌کنند و فتاوی خویش را در راستای آن صادر می‌کنند. محدثان گران قدر امامیه، نظیر علامه مجلسی، شیخ حر عاملی، محدث نوری و شیخ آقا بزرگ تهرانی، این کتاب را معتبر می‌دانند. در مقابل ایشان، فقهای امامیه علی‌رغم مطالعه و توجه به احادیث **دعائم الاسلام** در صدور فتوا، این اثر را قابل اعتماد و معتبر نمی‌دانند، زیرا احادیث آن همگی مرسل‌اند. به عنوان نمونه فقهای بزرگی چون صاحب جوهر، شیخ مرتضی انصاری، امام خمینی، و آیت الله خویی در کتابهای فقهی خویش به مفاد این کتاب توجه داشته‌اند، ولی هیچ‌گاه به روایات آن استناد نکرده‌اند. گفتنی است که شیخ صدوق و شیخ طوسی بسیاری از عبارات این کتاب را بدون استناد و با اندکی تغییر در کتابهای **المقنع**، **الهدیه** و **النهایه** آورده‌اند.

سبک: دعائم الاسلام از کتابهای فقه مأثور به شمار می‌رود؛ بنابراین یک دوره کامل فقه را از روایات معصومان گردآورده است. مؤلف، کتاب خود را در دو بخش عبادات و معاملات تنظیم کرده است. در بخش عبادات هفت رکن اعتقادات شیعه اسماعیلیه را در هشت کتاب بیان کرده است که عبارت‌اند از: ایمان، طهارت، نماز و میت، زکات، روزه، حج و جهاد. در بخش دوم که به معاملات مربوط است موضوعات دیگر فقهی را در ۲۵ کتاب تدوین کرده است که با کتاب البیوع (خرید و فروشها) آغاز و با کتاب آداب القضاة پایان می‌یابد.

ویژگیهای سبکی دعائم الاسلام: این ویژگیها به شرح زیر است:

- ۱- هر کتاب دارای چند فصل است که عنوان فصلها معمولاً با پیشوند «ذکر...» آمده است.
- ۲- فصلها معمولاً با آیه‌ای مرتبط با عنوان فصل آغاز می‌شود.
- ۳- روایات آغاز هر فصل بیشتر سخن یا گزارشی از فعل پیامبر یا امیر المؤمنان (علیه السلام) است.
- ۴- گاهی استظهاراتی از آیات یا روایات توسط مؤلف بیان می‌شود.
- ۵- تمام روایات مندرج در **دعائم الاسلام** مرسل است و بخشی از آنها با عبارت «روینا» و بخشی با عبارت «عن» آمده است.

۶- مؤلف چون از عالمان فرقه اسماعیلیه است فقط روایات امامان پیش از امام هفتم را گزارش کرده است.

۷- بیشتر روایات از امام صادق (علیه السلام) گزارش شده است.

نمونه: بخشی از متن آغازین فصل «ذکر وجوب الحج» از کتاب الحج را بیان می‌کنیم:

قال الله تعالى: وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

- روینا عن جعفر بن محمد (علیه السلام) قال: وأما ما يجب على العباد في أعمارهم مرة واحدة فهو الحج. فرض عليهم مرة واحدة، لبعدها الأمانة والمشقة عليهم في الأنفس والأموال. فالحج فرض على الناس جميعاً إلا من كان له عذر.^{۲۱۶}

ج) جوامع

جوامع جمع «جامع» به معنای جمع‌کننده است و در دانش سبک‌شناسی تعریف ویژه‌ای در میان شیعیان و سنیان دارد.

۲۱۶. **دعائم الاسلام**، ج ۱، ص ۲۸۷؛ این روایت فقط در این کتاب آمده است.

تعریف

جامع حدیثی در شیعه به تألیفاتی گفته می‌شود که مؤلف آن بر اساس نیاز زمان روایات را از کتابهای پیشینیان در عناوین متعدد گردآوری و تنظیم کند. تعداد و موضوعات بابهای کتابهای جوامع از ضابطه‌ای ویژه برخوردار نیست.

در قرنهای اول و دوم بیشتر کتابهای حدیثی شکلی بی‌پیرایه و اولیه داشتند. تمامی سبکهای یادشده در بخش اول با ظاهری بسیار ساده به مخاطبان عرضه می‌شدند. تنها در اواخر قرن دوم نگارشهای موضوعی پدیدار شد که نسبت به نگارشهای پیشین از تکاملی نسبی برخوردار بود.

در قرن سوم محدثان بزرگ شیعه تصمیم گرفتند نگارشهای پیشین را تکمیل و در ظاهری جدید و پیشرفته ارائه کنند. آنها اصلها را در کنار هم قرار دادند و با موضوع‌بندی و تبویب مناسب سعی کردند بر غنای کمی و کیفی کتابها بیفزایند. پیش از آن شمار احادیث یک کتاب چند ده عدد بیشتر نبود، اما در این مرحله کتابهای تدوین‌شده مشتمل بر صدها و هزاران حدیث در موضوعات متعدد بود. از قرن سوم تا پنجم نویسندگان جوامع با گزینشهای کیفی خویش از میان صدها اصل روایی، روایاتی را صحیح ارزیابی می‌کردند و آنها را گزینش و در موضوعات مناسب تنظیم می‌نمودند.

پیشینه جوامع

اگرچه جوامع اولیه در قرنهای سوم تا پنجم شکل گرفت، ولی پیش از این از زمان امام رضا (علیه السلام) نیز کارهای محدود و معدودی در این زمینه آغاز شده بود. به عنوان نمونه صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ هـ) یونس بن عبدالرحمن و حسین بن سعید از بنیان‌گذاران جوامع به شمار می‌روند. چنان‌که در درس اول گفته شد ایشان کتابهایی را در سی موضوع گردآوری کرده بودند که بعدها عنوان «ثلاثین کتاباً» برای این‌گونه سبک نگارشی رایج گردید؛ به گونه‌ای که فهرس‌نویسان در توصیف بسیاری از نویسندگان گفته‌اند که او نیز سی کتاب در سی موضوع به سبک حسین بن سعید نوشته است.^{۲۱۷} گفتنی است که تمامی عناوین سی کتاب بنیان‌گذاران جوامع، بعدها به جوامع اولیه راه یافت و اکنون کتاب کافی نیز ۳۴ کتاب دارد که تقریباً تمامی عناوین سی کتاب فوق در آن دیده می‌شود.

همچنین بعضی از فقیهان معروف قرنهای سوم تا پنجم کتابهایی را با عنوان *الجامع*، *الجامع فی الفقه*، *الجامع فی الحدیث والجامع فی الحلال والحرام* نگاشته‌اند. مثلاً یونس بن عبدالرحمن،^{۲۱۸} حمید بن زیاد دهقان،^{۲۱۹} محمد بن علی بن محبوب اشعری،^{۲۲۰} احمد بن محمد بن ابی‌نصر بزنطی^{۲۲۱} و محمد بن حسن بن احمد بن ولید^{۲۲۲} در شمار مؤلفان کتابهایی با عنوان «الجامع» هستند. بنا بر آنچه گذشت جوامع حدیثی شیعه بالندگی و رشد خود را در طول قرنهای سوم تا پنجم تجربه کرد. البته ریشه این تلاش علمی را باید در نیمه دوم قرن دوم هجری جستجو نمود.

۲۱۷. شیخ طوسی، فهرست، ص ۱۴۶، ۲۲۰ و ۲۱۹؛ رجال نجاشی، ص ۲۵۳.

۲۱۸. رجال نجاشی، ص ۴۴۷.

۲۱۹. همان، ۳۳۹.

۲۲۰. شیخ طوسی، فهرست، ص ۲۲۲.

۲۲۱. رجال نجاشی، ص ۷۵.

۲۲۲. همان، ص ۳۸۳.

جوامع اولیه

کتابهای چهارگانه شیعه مهم‌ترین جوامع اولیه هستند که در طی سالهای ۴۵۰ - ۳۰۰ هجری نگارش یافته‌اند. این کتابها عبارت‌اند از: *الکافی*، *من لا یحضره الفقیه*، *تهذیب الأحکام* و *الاستبصار*.

کتابهای فوق به کتب اربعه مشهور و در میان شیعیان از جایگاه رفیعی برخوردارند و به عنوان مهم‌ترین کتابهای حدیثی شناخته می‌شوند. اگرچه بعضی از دانشمندان، کتاب *مدینه العلم* شیخ صدوق را نیز به عنوان پنجمین کتاب معتبر و جامع شیعی می‌دانند،^{۲۲۳} اما از آنجا که این اثر بزرگ به دست ما نرسیده است نمی‌توان آن را در شمار این مجموعه دانست.

لازم به ذکر است که از مهم‌ترین جوامع حدیثی قبل از کتب اربعه کتاب *المحاسن* احمد بن محمد برقی (م ۲۷۴ یا ۲۸۰ ه) و کتاب *النوادر* احمد بن محمد بن عیسی الاشعری است.

کتاب *المحاسن* در دوران غیبت صغری تألیف شده و شامل بیش از هفتاد کتاب کوچک است. نزدیکی تاریخ تألیف این اثر با دوران حضور سبب اعتبار ویژه آن شده است. بسیاری از روایات این کتاب در آثار محمدون ثلاث (شیخ کلینی، شیخ صدوق و شیخ طوسی) دیده می‌شود.

سبک‌شناسی تطبیقی جوامع اولیه

جوامع اولیه در درس جوامع حدیثی شیعه به صورت کامل بررسی می‌شود؛ بنابراین در اینجا پس از معرفی اجمالی هر یک از این کتابها سبک نگارشی آنها را برمی‌کاویم و از بررسی تفصیلی آن خودداری می‌کنیم.

الکافی: این کتاب تألیف ثقة الاسلام ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی رازی (م ۳۲۹ ه) است. تمامی دانشمندان رجال او را توثیق کرده‌اند. نام کتاب برگرفته از عبارت مؤلف در دیباچه است.^{۲۲۴} این کتاب در هشت جلد تألیف شده است که دو جلد ابتدایی آن به اصول و مباحث کلی دین (عقل، جهل، توحید، علم و ...) و پنج جلد دیگر به احادیث فقهی اختصاص یافته است؛ جلد هشتم این کتاب، مشهور به روضه، نیز شامل مواعظ و مباحث متفرقه است.

کتاب *کافی*، معتبرترین کتاب حدیثی شیعیان، شامل ۱۶۱۹۹ روایت است و در ۳۵ کتاب تنظیم شده است.^{۲۲۵}

من لا یحضره الفقیه: تألیف ابوجعفر محمد بن علی بن بابویه قمی مشهور به شیخ صدوق است. او نویسنده‌ای توانا و زبردست است که توانسته نزدیک به ۳۰۰ کتاب و رساله را تدوین نماید. کتاب *من لا یحضره الفقیه* به عنوان خودآموز احکام و فقه، خواننده را در مسائل شرعی راهنمایی می‌کند. این کتاب ۴ جلد است که ۵۶۶ باب و ۵۹۲۰ حدیث دارد. تمامی روایات این کتاب فقهی است.

تهذیب الأحکام و الاستبصار: این دو کتاب تألیف ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به شیخ طوسی، (م ۴۶۰ ه) است. مؤلف، *تهذیب* را در شرح کتاب *المقنعه* (کتاب فقهی استادش شیخ مفید) نگاشته و یک دوره فقه مأثور را در این کتاب بازسازی کرده است. شیخ طوسی نوشتن این کتاب را پیش از ۲۸ سالگی و در زمان

۲۲۳. شیخ حسین بن عبدالصمد، پدر شیخ بهایی، و علامه شمس‌الدین محمد بن محمود آملی؛ ر.ک: مقدمه معجم بحار *النوادر*، ج ۱، ص ۶۲.

۲۲۴. و قلنا إنک تحب أن یکون عندک کتاب کاف یجمع فیه من جمیع فنون علم الدین؛ *الکافی*، ج ۱، ص ۸.

۲۲۵. اصول: ۸ کتاب، فروع: ۲۶ کتاب و روضه: ۱ کتاب.

حیات استادش آغاز کرده است. تهذیب/الاحکام ۲۳ کتاب، ۳۱۲ باب و نزدیک به ۱۴۰۰۰ حدیث دارد که در ۱۰ جلد به چاپ رسیده است.

شیخ طوسی کتاب/استبصار را پس از تهذیب و به منظور جمع بین اخبار متعارض نوشته است. این کتاب ۹۱۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث دارد که در ۴ جلد به چاپ رسیده است.

الف) سبک‌شناسی روش کلینی

۱- تمامی احادیث کافی با سند متصل کلینی از معصومان روایت شده است و در آغاز هر روایت سندها یاد شده‌اند.

۲- از ویژگیهای این کتاب فراگیر بودن ابواب آن نسبت به دیگر کتب اربعه است. چنان که از فروعات مسائل اعتقادی تا مسائل تاریخی و مواعظ گوناگون را در خود جای داده است.

۳- کلینی در آغاز هر باب نخست روایات صحیح‌تر را آورده و سپس به ترتیب، روایاتی را که در مرتبه پایین‌تر قرار گرفته‌اند ذکر کرده است.^{۲۲۶}

۴- نزدیکی مؤلف به عصر حضور سبب شده است که تعداد واسطه‌ها در اسناد بسیار کم باشد و گاه تنها سه واسطه تا معصومان به چشم بخورد.^{۲۲۷}

۵- سند روایات کافی گاهی اوقات با عبارت «عدة من أصحابنا» آغاز می‌شود. این عبارت جایگزین نام سه، چهار یا پنج نفر از اساتید کلینی است. این افراد مشخص و معلوم هستند و موجب ارسال روایت نمی‌شوند.^{۲۲۸}

۶- تعلیق، در سند بعضی از روایات کافی وجود دارد؛ یعنی کلینی با اعتماد بر روایت سابق واسطه خود تا راوی اول یا بیشتر را نقل نمی‌کند.^{۲۲۹}

۷- کلینی بخشی از روایاتی را که از ضعف در سند یا دلالت بر خوردار هستند ذیل عنوان نوادر بیان کرده است.^{۲۳۰}

۸- اهتمام مؤلف بر این بوده است که متون غیرروایی را گزارش نکند؛ از این رو سخنان از غیرمعصوم در کافی اندک به چشم می‌خورد.^{۲۳۱}

آنچه گفته شد تنها از ویژگیهای کتاب کافی است و دیگر کتب اربعه از چنین امتیازات و ویژگیهایی برخوردار نیست.

۲۲۶. مدیر شانه‌چی، تاریخ حدیث، ص ۱۱۸. ظاهراً این برداشت آیت‌الله بروجردی است.

۲۲۷. ثلاثیات کلینی توسط شیخ امین ترمس عاملی در سال ۱۴۱۷ هجری در انتشارات دار الحدیث قم به چاپ رسیده است. این کتاب مجموعه احادیثی را که کلینی فقط با سه واسطه از معصومان علیهم السلام گزارش کرده گردآوری نموده است.

۲۲۸. سید محمد کاظم طباطبایی، تاریخ منابع حدیث، ص ۴۰. توضیحات بیشتر در این مورد را در کتاب تاریخ حدیث جناب آقای مدیر شانه‌چی صفحه ۱۲۳ - ۱۲۱ و کتاب توضیح المقال ملاعلی کنی صفحه ۲۱ بخوانید.

۲۲۹. همان.

۲۳۰. همان.

۲۳۱. مانند مناظره‌ای که از هشام در اصول کافی نقل کرده است.

ب) سبک‌شناسی روش صدوق

- ۱- شیخ صدوق این کتاب را به قصد نگارش یک دوره فقه و به درخواست یکی از عالمان هم‌عصرش تدوین کرده است؛ از این رو سبک آن به فقه مأثور نزدیک‌تر است تا یک کتاب صرفاً حدیثی.
- ۲- حذف اسناد در آغاز روایت و بیان آن در بخش پایانی کتاب (المشیخه) از ویژگیهای ابتکاری مؤلف است. گفتنی است که این مشیخه کامل نبوده و شیخ صدوق دست‌کم ۱۲۰ نام راوی را بیان نکرده است.
- ۳- بسیاری از روایات من لا یحضره / فقیه ۲۰۵۵ روایت از مجموع ۵۹۲۰ مرسل است.
- ۴- احادیث مرسل با عبارات «قال» یا «روی» آغاز شده است. مانند: «قال الصادق» یا «روی عن الصادق».
- ۵- صدوق در آغاز کتاب این اطمینان را به خواننده می‌دهد که مدارک کتاب همگی برگرفته از کتابهای مرجع و اصول مشهوره و معتمد است و نام تعدادی از این منابع را هم بیان می‌کند.
- ۶- مؤلف در بسیاری از موارد حدیث را به صورت نقل به معنا می‌آورد و نص روایت را ذکر نمی‌کند. از این رو در اختلاف الفاظ این کتاب با سایر کتب الفاظ حدیث سایر کتب مقدم است.^{۲۳۲}

ج) سبک‌شناسی مشترکات صدوق و کلینی

- ۱- اهتمام هر دو مؤلف بر این بوده است که احادیث مختلف و متعارض را نقل نکنند و تنها احادیثی را برگزینند که با آرای فقهی ایشان مطابق است.
- ۲- آنان بر این باورند که تمامی احادیث کتابهایشان صحیح است (صحیح عند القدا).^{۲۳۳}

د) سبک‌شناسی روش طوسی در تهذیب

- ۱- در آغاز بیشتر فصلها عبارات مقنعه آورده شده است.
- ۲- شیخ طوسی بر خلاف کلینی و صدوق احادیث مخالف و متعارض را هم نقل می‌کند.
- ۳- مؤلف ابتدا احادیث موافق با نظر استادش شیخ مفید در مقنعه را بیان می‌کند و سپس احادیث مخالف آن و در پایان به جمع هر دو طایفه روایات می‌پردازد.
- ۴- چون کتاب مقنعه مشتمل بر تمامی مسائل فقه نبوده است، شیخ طوسی در پایان هر باب مسائل جدید را تحت عنوان «زیادات» آورده است.^{۲۳۴}
- ۵- شیخ مانند کلینی بخشی از احادیث را با سند کامل آورده و بخش اندکی را، مانند صدوق، بدون سند ذکر کرده است، ولی در بخش پایانی (مشیخه) اسناد و طرق خود را به اساتید خویش بیان کرده است.

۲۳۲. سید محمد کاظم طباطبایی، تاریخ منابع حدیث، ص ۴۷؛ بر خلاف کلینی که فقط نص احادیث را بیان می‌کند.

۲۳۳. شیخ صدوق در آغاز کتاب می‌نویسد: «و صفت له هذا الكتاب بحذف الأسانید لئلا تكثر طرقه و إن كثرت فوائد، و لم أقصد فيه قصد المصنفين في إيراد جميع ما روه، بل قصدت إلى إيراد ما أفتى به أحكم بصحته و اعتقد فيه أنه حجة فيما بيني و بين ربي - تقدس ذكره و تعالت قدرته - و جميع ما فيه مستخرج من كتب مشهورة، عليها و إليها المرجع»؛ من لا یحضره / فقیه، ج ۱، ص ۳. شیخ کلینی نیز در دیباچه کافی می‌نویسد: «و قلت: إنک تحب أن یكون عندک کتاب کاف یجمع فیہ من جمیع فنون علم الدین ما یکتفی به المتعلم و یرجع إلیه المسترشد و یأخذ منه من یرید علم الدین و العمل به بالأثر الصحیح» عن الصادقین علیهم السلام و السنن القائمة التي علیها العمل...؛ / کافی، ج ۱، ص ۸.

۲۳۴. همان.

ه) سبک‌شناسی روش طوسی در استبصار

این کتاب خلاصه‌ای از کتاب تهذیب‌الاحکام است. با این تفاوت که مؤلف در اینجا از آوردن عبارات مقنعه خودداری کرده و تنها بخشی از احادیث موافق را بیان نموده است، ولی روایات مخالف را معمولاً به طور کامل آورده و سعی کرده است به صورت متقن‌تر به رفع تعارض آنها بپردازد.^{۲۳۵}

ویژگیهای کتابهای جامع

- ۱- دسترسی به احادیث مورد نظر آسان است (تسهیل در کار خوانندگان).
- ۲- بیشتر کتابهای جوامع شیعیان، فقهی است.
- ۳- جوامع ابواب و کتابهای متعددی در موضوعات گوناگون و مورد نیاز مسلمانان دارد.
- ۴- کتابهای جوامع معمولاً با باب طهارت آغاز و با باب دیات پایان می‌یابد.
- ۵- تعداد ابواب یا کتابهای جوامع معمولاً بین ۳۰ تا ۳۵ باب است.
- ۶- عناوین کوتاه، رسا و کاربردی از مشخصه‌های بیشتر کتابهای جوامع شیعه است.

چکیده

- ✓ دانشمندان علی بن ابی‌رافع را نخستین فردی می‌دانند که در دانش فقه، کتاب مستقلی تألیف کرده است.
- ✓ فقه مآثور محصولی از اجتهاد فقیه در حوزه بازکاوی روایات صحیح و حجیت‌دار است.
- ✓ کتابهای فروع کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب‌الاحکام، الاستبصار، المحاسن، النوادر احمد بن محمد بن عیسی، دعائم‌الاسلام و ... از کتابهای فقه مآثور هستند.
- ✓ با ظهور فقه استدلالی (تفریعی) در اوائل قرن پنجم هجری، نگارش فقه مآثور به تدریج متوقف شد.
- ✓ دعائم‌الاسلام معتبرترین کتاب در نزد اسماعیلیه است و آنها به مفاد این کتاب عمل نموده و فتاوی خویش را در راستای آن صادر کرده‌اند.
- ✓ دعائم‌الاسلام از کتابهای فقه مآثور است و یک دوره فقه را به طور کامل از روایات معصومان گرد آورده است.
- ✓ جامع حدیثی در شیعه به تألیفاتی گفته می‌شود که مؤلف روایات را بر اساس نیاز زمان از کتابهای پیشینیان در عناوین متعدد گردآوری و تنظیم می‌کند.
- ✓ صفوان بن یحیی، یونس بن عبدالرحمن و حسین بن سعید از بنیان‌گذاران جوامع به شمار می‌روند.
- ✓ جوامع حدیثی شیعه بالندگی و رشد خود را در قرنهای سوم تا پنجم هجری تجربه کرد؛ هرچند ریشه این تلاش علمی را باید در نیمه دوم قرن دوم جستجو کرد.

۲۳۵. مقدمه معجم بحار/الانوار، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۷۱.

- ✓ کتابهای چهارگانه شیعه مهم‌ترین جوامع اولیه هستند که در طی سالهای ۴۵۰ – ۳۰۰ هجری نگارش یافته‌اند.
- ✓ از مهم‌ترین جوامع حدیثی قبل از کتب اربعه کتاب *المحاسن* احمد بن محمد برقی و کتاب *النوادر* احمد بن محمد بن عیسی اشعری است.
- ✓ فراگیر بودن ابواب کافی نسبت به دیگر کتب اربعه از ویژگیهای این کتاب است. چنانچه از فروعات مسائل اعتقادی تا مسائل تاریخی و مواظظ گوناگون را در اصول و روضه خود گرد آورده است.
- ✓ سند روایات کافی گاهی اوقات با عبارت «عدة من أصحابنا» آغاز می‌شود. این عبارت سه، چهار یا پنج نفر از اساتید کلینی است. این افراد مشخص و معلوم هستند و موجب ارسال روایت نمی‌شوند.
- ✓ بسیاری از روایات من لا یحضره الفقیه مرسل است (۲۰۵۵ روایت از مجموع ۵۹۲۰ حدیث).
- ✓ صدوق در آغاز کتاب به خواننده این اطمینان را می‌دهد که مدارک کتاب همگی از کتابهای مرجع و اصول مشهوره و مورد اعتماد است و نام بخشی از این منابع را هم بیان می‌کند.
- ✓ شیخ طوسی، بر خلاف کلینی و صدوق، احادیث مخالف و متعارض را هم نقل می‌کند.
- ✓ شیخ بخشی از احادیث را، مانند کلینی، با سند کامل آورده و بخش اندکی را، مانند صدوق، بدون سند ذکر کرده است، ولی در بخش پایانی (مشيخه) اسناد و طرق خود را به اساتید خویش بیان کرده است.
- ✓ کتابهای جوامع معمولاً با باب طهارت آغاز و با باب دیات پایان می‌یابند.
- ✓ عناوین کوتاه، رسا و کاربردی از مشخصه‌های بیشتر کتابهای جوامع شیعه است.

پژوهش

اسامی کسانی که کتابهایی با عنوان *الجامع* نگاشته‌اند را از فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی استخراج کنید (با کمک نرم‌افزار معجم فقهی ۳).

ضمیمه (۱)

منابع مطالعاتی

- ۱- مقدمه‌ای بر فقه شیعه، حسین مدرس طباطبایی.
- ۲- مقدمه دعائم الاسلام، قاضی نعمان مغربی.
- ۳- مقدمه معجم بحار الانوار، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۴- آشنایی با تاریخ و منابع حدیث، سید محمد کاظم طباطبایی.
- ۵- تاریخ حدیث، کاظم مدیر شانه‌چی.
- ۶- آشنایی با علوم حدیث، علی نصیری.

۷- تاریخ فقه و فقہا، دکتر گرجی.

جلسهٔ نهم

آشنایی با سبکهای امالی، ادعیه و اعمال

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ سبکهای امالی، ادعیه و اعمال؛
- ✓ آشنایی با چند کتاب امالی از شیعه و سنی و کتاب مصباح المتهجد.

د) اُمالی

اُمالی جمع اِملاء به معنای مهلت دادن،^{۲۳۶} پر کردن،^{۲۳۷} خسته شدن^{۲۳۸} و دیکته کردن^{۲۳۹} است. واژه اُمالی در دانش سبکشناسی به سبک ویژه‌ای از کتابهای حدیثی شیعه و سنی گفته می‌شود.

تعریف امالی

وقتی که شیخ حدیث روایاتی را از کتاب مورد اعتماد یا از حافظه خویش در مجالس متعدد بر شاگردان املا کند و شاگردان این روایات را در کتابی جمع‌آوری کنند به آن امالی گویند؛^{۲۴۰} مانند/مالی شیخ مفید؛ از این رو امالی را «مجالس» نیز می‌نامند. معمولاً شیخ حدیث در یک یا چند جلسه در مساجد جامع یا مدارس علوم دینی روایاتی را با این شیوه به نسل بعدی منتقل می‌کند. گاهی اساتید پس از گزارش یک حدیث به بررسی و ارزیابی آن روایت نیز می‌پردازند. شاید به همین علت باشد که علمای شافعی این‌گونه کتابها را «التعلیق»^{۲۴۱} خوانده‌اند.

۲۳۶. لسان العرب، ج ۱۵، ص ۲۹۰ (ملو).

۲۳۷. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۳۹۷ (ملا).

۲۳۸. همان، ج ۱۱، ص ۶۳۱ (ملل).

۲۳۹. همان.

۲۴۰. ر. ک: الذریعه، آغابزرگ تهرانی، ج ۲، ص ۳۰۵؛ کاظم مدیرشانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۳۰؛ سید کاظم طباطبایی، مسندنویسی از تاریخ حدیث، ص ۵۸، کتابی، الرسالة المستطرفة، ص ۱۵۹. در کشف الظنون آمده است: هو جمع الإملاء، و هو أن یقعّد عالم و حوله تلامذته بالمحابر و القراطیس، فیتکلم العالم بما فتح الله سبحانه و تعالی علیه من العلم، و یکتبه التلامیذ، فیصیر کتاباً، و یسمّونه الإملاء و الأُمالی و كذلك کان السلف من الفقهاء و المحدثین و أهل العربیة و غیرها یملون فی علومهم، فاندروست لذهاب العلم و العلماء، و إلى الله المصیر، و علماء الشافعیة یسمون مثله التعلیق؛ کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۶۱.

۲۴۱. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۶۱.

جایگاه

بسیاری از محدثین بزرگ شیعه و سنی برای شاگردان خود جلسات املای حدیث تشکیل می‌دادند. این جلسات در قرن چهارم و پنجم هجری از رونق ویژه‌ای برخوردار بود و حدیث‌پژوهان برای درک این مجالس از شهری به شهر دیگر سفر می‌کردند.

آداب ویژه: توجه علاقه‌مندان به حدیث سبب شده بود که این مجالس از آداب ویژه‌ای برخوردار شود؛ مثلاً سَنَایان معتقد بودند که برپایی این جلسات روزهای سه‌شنبه و جمعه مستحب است.^{۲۴۲} یکی دیگر از این آداب این بود که هرگاه جمعیت جلسات املاء فزونی می‌یافت، به گونه‌ای که شیوایی و رسایی صدای مدرس از بین می‌رفت فردی، معروف به املاخوان، بر جای بلندی می‌نشست تا حاضران را ساکت کند و سخن مدرس را برای کسانی که دورتر نشسته بودند تکرار نماید. گاهی مجالس املاء آن‌قدر مورد استقبال مردم قرار می‌گرفت که به جای یک نفر، چند نفر وظیفه املاخوانی را بر عهده داشتند؛ چنانچه گفته‌اند در مجالس حدیث صاحب بن عباد، وزیر دانشمند آل بویه جمعیت بسیاری گرد می‌آمد تا آنجا که شش املاخوان سخن صاحب را تکرار می‌کردند تا همگان حدیث را بشنوند.^{۲۴۳} در این جلسات به استاد حدیث، مدرس، مُحدِّث یا مُملی گفته می‌شد و املاخوان را مُستملی می‌خواندند.

اساتید حدیث و املاخوانان موظف بودند آدابی را در جلسات رعایت کنند. بعضی از عالمان سنی این آداب را در کتابهایشان مدون ساخته‌اند.

اعتبار

امالی در قوت اعتبار و دوری از احتمال سهو و نسیان نظیر اصل است؛ به ویژه اگر املای شیخ از روی کتاب مصحح یا مستند او باشد و شاگردان بر حافظه وی اطمینان داشته باشند.^{۲۴۴} گذشته از این، محدثان به شرح و تفسیر احادیث نیز می‌پرداختند.

کتابهای امالی معمولاً از استواری متن و نغزگویی مناسبی برخوردارند و اساتید حدیث سعی می‌کنند در گزینش حدیث، دقت ویژه‌ای نمایند.

پیشینه

علامه تهرانی در دائرة المعارف بزرگ کتاب‌شناسی شیعه، یعنی کتاب شریف /الذریعه، می‌نویسد: نخستین املای حدیث از سوی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) برای امام علی (علیه السلام) صورت گرفت و امام امالی پیامبر را به خط خود می‌نوشتند.

۲۴۲. الرسالة المستطرفة، ص ۱۵۹؛ بعضی از نویسندگان کتابهای مستقلی در آداب املاء نگاشته‌اند. همچنین سیوطی آداب مفصلی را برای جلسات املاء بیان کرده است؛ ر. ک: تدریب الراوی، ج ۲، ص ۱۲۷ - ۱۲۲.

۲۴۳. نجف‌زاده بارفروش، دانش حدیث، ص ۲۳۳.

۲۴۴. کاظم مدیرشانه‌چی، درایة الحدیث، ص ۳۰. آغابزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۲، ص ۳۰۵.

پس از پیامبر (صلی الله علیه وآله) نیز بسیاری از امامان احادیث و ادعیه را برای شاگردانشان املاء می کردند و آنها نیز به نگارش این متون مقدس می پرداختند. گزارشی از امام صادق (علیه السلام) نشان می دهد که معصومین شیعیان خود را به برپایی جلسات حدیث ترغیب می کردند. بدیهی است که بسیاری از این جلسات به املائی احادیث می انجامید.

در گزارشی آمده است که امام صادق (علیه السلام) از بکر بن محمد از دی می پرسد: «تجلسون و تتحدثون؟»؛ آیا شما شیعیان اجتماع می کنید و برای یکدیگر حدیث می خوانید؟ بکر پاسخ مثبت می دهد و امام می فرماید: «إِنَّ تِلْكَ الْمَجَالِسَ أَحِبُّهَا»؛ من چنین مجالسی را دوست دارم.^{۲۴۵}

نویسنده کتاب *الذریعه* بیش از سی نفر از شیعیان را نام می برد که همگی کتابهایی با عنوان امالی داشته اند. (این تعداد گذشته از نویسندگانی است که نام کتابهایشان را المجالس می گذاشتند.) تنها در کتاب *رجال نجاشی* نام هفده امالی و مجالس به چشم می خورد که تا نیمه اول قرن چهارم هجری نگارش یافته اند.^{۲۴۶}

معروف ترین امالی ها

شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی هر یک مجالس حدیثی بسیاری داشتند که بخشی از آنها توسط شاگردانشان تدوین شده است و اکنون سه کتاب امالی (مجالس) این سه دانشمند بزرگ مهم ترین کتابهای امالی شیعیان است.^{۲۴۷}

در این درس با سه کتاب امالی شیعه به طور اجمالی آشنا می شویم و بعد *امالی شیخ طوسی* را به صورت تفصیلی بررسی خواهیم کرد:

الف) الأمالی / الصدوق^{۲۴۸}

شیخ صدوق توانسته است در طی ۹۷ جلسه ۱۰۴۹ حدیث را برای طالبین حدیث املا کند. این مجالس غالباً در روزهای سه شنبه و جمعه هر هفته برپا می شده است. از بیانات مختلف آغاز هر جلسه می توان دریافت که این جلسات بیشتر در ری، نیشابور و مشهد الرضا (علیه السلام) و بین ۱۸ رجب ۳۶۷ تا ۱۹ شعبان ۳۶۸ هجری دایر بوده است. موضوعات این جلسات متعدد و متنوع بسیار است؛ موضوعاتی از قبیل فضائل اهل بیت (علیهم السلام) و مناقب ایشان، موضوعات تاریخی و سیره ای، مواعظ، سیره نبوی، احادیث معراج و در جلسات شیخ صدوق معمولاً همخوانی با مناسبتها رعایت شده است؛ مثلاً در جلسات ۲۹ تا ۳۱ که همزمان با ایام تاسوعا، عاشورا و یازدهم محرم است، ایشان به بیان احادیثی که مقتل امام حسین (علیه السلام) به حساب می آیند پرداخته است.

۲۴۵. شیخ صدوق، *ثواب الاعمال*، ص ۱۸۷.

۲۴۶. الشیخ النجاشی، دکتر الحسن الحکیم، ص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۲۴۷. شیخ حر عاملی به احادیث این سه امالی اعتماد کرده و آنها را در کتاب *ارزشمند الوسائل الشیعه* روایت نموده است.

۲۴۸. ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه القمی، معروف به شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ).

جلسات صدوق، بر خلاف برخی مجالس شیخ طوسی، چندان طولانی نبوده است و از شمار احادیث هر جلسه، که کمتر از چهارده حدیث است، می‌توان حدس زد که زمان جلسات کوتاه بوده است. این کتاب به مجالس یا عرض المجالس نیز نام‌گذاری شده است.^{۲۴۹}

ب) الأُمالی المفید^{۲۵۰}

در این کتاب ۴۲ مجلس از مجالس حدیثی شیخ مفید ثبت شده است، که مجموعاً ۳۸۷ حدیث در بردارد. بیشتر این مجالس در ماههای رمضان سالهای ۴۰۴ تا ۴۱۱ هجری برپا شده و در آغاز هر مجلس گزارش کوتاهی از تاریخ و گاهی هم از مکان جلسه ارائه شده است. تاریخ اولین جلسه، روز شنبه اول رمضان سال ۴۰۴ هجری است.

شیخ مفید در هر مجلس بین ۷ تا ۱۳ حدیث قرائت می‌کرده است از برخی گزارشها مشخص می‌شود که مستمعین نیز آن کلمات را می‌نوشته‌اند؛ چنانچه گاهی نگارنده می‌گوید:

ومما أملاه في مجلس يوم السبت النصف منه (شهر رمضان) ولم أحضره ولكن استنسخته وقرأته عليه وسمع ولدي أبو الفوارس، أبقاه الله، يوم الخميس لخمس خلون من شوال من هذه السنة. أخبرنا الشيخ الأجل المفيد أبو عبد الله محمد بن محمد بن النعمان أدام الله تأييده و توفيقه قراءة عليه في هذا اليوم.^{۲۵۱}

نخستین حدیث این جلسه را با هم می‌خوانیم:

۱- قال [شيخ مفيد]: أخبرني أبو بكر محمد بن عمر الجعابي، قال: حدثنا أبو العباس أحمد بن محمد بن سعيد الهمداني قال: حدثنا أبو موسى هارون بن عمرو المجاشعي قال: حدثنا محمد بن جعفر بن محمد، عن أبيه، عن [أبيه عليهم السلام عن] جدّه قال: قال رسول الله (صلى الله عليه): العالم بين الجهال كالحَيِّ بين الأموات، وإن طالب العلم ليستغفر له كلُّ شيءٍ حتّى حيتان^{۲۵۲} البحر وهوام^{۲۵۳} الأرض وسباع^{۲۵۴} البرّ وأنعامه^{۲۵۵} فإنّه السَّبب بينكم وبين الله عزّ وجلّ، وإن طلب العلم فريضة على كل مسلم.

گفتنی است که دو سوم مجالس در روزهای شنبه و بقیه آن در روزهای دوشنبه و چهارشنبه دایر بوده است. اعتبار مالی شیخ مفید نسبت به دیگر امالی‌های شیعی بیشتر است. این اعتبار مرهون دقت و قوت مؤلف در حدیث‌شناسی است.

۲۴۹. الذریعه، ج ۲، ص ۳۱۴.

۲۵۰. شیخ محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغداد، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ).

۲۵۱. أُمالی المفید، المجلس الرابع، ص ۲۸.

۲۵۲. حشرات.

۲۵۳. ماهیان.

۲۵۴. وحوش.

۲۵۵. چهارپایان.

ج) الأُمالي سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶ هـ)

سید مرتضی، که از دانشمندان بزرگ قرن پنجم هجری است، در طول هشتاد جلسه مطالب نغزی را بر شاگردان خویش املا نموده است. حاصل این جلسات اکنون در کتاب *امالی السید المرتضی فی التفسیر و الحدیث و الأدب* در چهار جلد به چاپ رسیده است.

بسیاری از این جلسات با مباحثی پیرامون قرائت و تفسیر آیات قرآن آغاز شده است و می‌توان گفت که بیشتر موضوعات مطرح در این کتاب به تفسیر و بحثهای علوم قرآنی مربوط است.

در پاره‌ای از جلسات نیز بحثها به سوی مطالب و مباحث ادبی هدایت شده و به نکات ادبی و قواعد نگارشی قرآن اشاره شده است. البته نمی‌توان از نظرات حدیثی سید مرتضی در این مجموعه چشم پوشید؛ اگرچه مطالب حدیثی تقریباً کمتر از مسائل تفسیری و ادبی است اما از جهت کیفیتی باید اعتراف کرد که در *امالی سید مرتضی* بسیاری از مشکلات کلامی و فقه الحدیثی گشوده شده است. اشاره به اشعار، قصیده‌ها، ترجمه‌های افراد مختلف، تأویل آیات، مسائل تاریخی و تبیین مجازگوییها و ... همگی از ویژگیهای جلسات سید مرتضی است. گفتنی است که دقت و تبحر سید در تحلیلهای این کتاب، به ویژه تحلیلهای ادبی، جداً ستودنی است.^{۲۵۶}

شیوه سید مرتضی این‌گونه است که ابتدا سؤالی را مطرح می‌کند و در ادامه جلسه به پاسخ آن سؤال می‌پردازد. مؤلف ابتدا سؤال را می‌پروراند و سپس با کمک گرفتن از علوم گوناگون به آن جواب می‌دهد. بنابراین عباراتی نظیر «إن سأل سائل فقال ...» یا «سأل سائل عن قوله تعالى ...» در آغاز بسیاری از جلسات به چشم می‌خورد.

نکته: تعدادی از امالیه‌ها اساساً حدیثی نبوده و بیشتر در موضوعاتی چون ادبیات، کلام و عقاید و حتی فقه تدوین شده است.^{۲۵۷}

د) امالی شیخ مفید، امالی شیخ طوسی

معرفی کتاب الأمالی الطوسی^{۲۵۸}

کتاب شریف *امالی* حاصل سلسله جلسات حدیثی فقیه و محدث بزرگ شیعه، شیخ الطائفه، شیخ طوسی است. با توجه به معرفی این دانشمند گرانمایه در دیگر درسهای رشته علوم حدیث از تکرار مجدد آن خودداری می‌کنیم و به بررسی کتاب او می‌پردازیم.

نام کتاب

نام اصلی کتاب *المجالس فی الأخبار* است که نویسنده در دیگر کتابهایش به آن اشاره کرده است. اما بعدها نام این اثر از سبک نگارشی آن پیروی نموده و به *امالی* مشهور شده است.

۲۵۶. نمونه‌ای از جلسات سید مرتضی در امالی را می‌توانید در ضمیمه شماره ۲ در پایان درس مشاهده کنید.

۲۵۷. مانند کتاب *الامالی* از ثعلب (م ۲۹۱) در نحو و یا *الامالی* ابوعلی اسماعیل بن عیاذون قالی (م ۳۵۶ هـ) که در موضوع ادبیات است.

۲۵۸. اثر ابوجعفر محمد بن الحسن الطوسی، معروف به شیخ طوسی، (م ۴۶۰ هـ).

زمان و مکان نگارش

شیخ طوسی پس از حوادث دلخراش بغداد، در سال ۴۴۸ هجری به نجف اشرف هجرت کرد و تا پایان عمر شریف خود با تنی چند از طلاب و فرزنداناش در آن دیار زندگی کرد. او از ربیع الاول سال ۴۵۵ هجری تا ذی‌الحجه ۴۵۸ هجری ۴۶ مجلس حدیثی در نجف دایر کرد که در هر جلسه بین سه تا نود حدیث را برای شاگردانش املا فرموده است.

انتساب کتاب

شیخ طوسی در کتاب فهرست پس از معرفی خود و کتابهایش می‌نویسد: «و له کتاب المجالس فی الأخبار» که اشاره به کتاب *الأمالی* است.

در انتساب این کتاب به پسر شیخ طوسی (ابوعلی طوسی معروف به مفید ثانی) سخنان گوناگونی هست؛ بعضی بر این باورند که او تنها راوی جلسات پدر بوده است و دسته‌ای دیگر معتقدند نویسنده قسمت دوم از مجلس هجدهم به بعد *امالی* ابوعلی طوسی است. البته قرائن متعددی گویای آن است که کتاب اثر خود شیخ است.

سبک کتاب

سبک کلی این کتاب همان امالی است، ولی شیوه داخلی شیخ طوسی قابل بررسی است. *امالی* شیخ طوسی از دو قسمت تقریباً متفاوت تشکیل شده است؛ قسمت اول از ۱۸ جلسه و قسمت دوم از ۲۸ جلسه تشکیل یافته است. در قسمت اول، تعداد احادیث هر جلسه بسیار زیاد است که نشان می‌دهد جلسات آن طولانی و ممتد بوده است. اما جلسات قسمت دوم معمولاً کوتاه بوده است؛ به طوری که در برخی از جلسات تنها سه یا چهار روایت املاء می‌شده است؛ در حالی که شیخ در جلسات بخش اول گاهی تا نود حدیث و بیشتر می‌خوانده و شاگردانش آن را می‌نگاشته‌اند.

تاریخ بیشتر جلسات بخش اول نوشته نشده، ولی در بخش دوم تاریخ تمام جلسات یاد شده است و نشان می‌دهد که مجالس بخش دوم همگی در روزهای جمعه برپا شده است.

سبک اسناد

شیخ طوسی در هر جلسه معمولاً احادیثی را که فقط از یکی از اساتیدش شنیده است روایت می‌کند و به موضوع حدیث کاری ندارد. بنابراین شیوه مؤلف تا حدودی با سبک جزءنویسی سنّیان همسان است.^{۲۵۹} به عنوان مثال مؤلف در ۹ جلسه اول احادیثی را که از شیخ مفید شنیده است روایت و املا می‌کند، (که تعداد آن به ۴۳۱ حدیث می‌رسد، و در جلسات ۱۶ تا ۳۲ احادیثی از دیگر استادش ابومفضل شیبانی قرائت می‌کند. برخی دیگر از اساتید حدیث شیخ در این کتاب عبارت‌اند از: ابن‌غضائری، ابن‌شاذان قمی و ابن‌صلت اهوازی.

۲۵۹. جزء مجموعه حدیثی (مسندی) است که فقط از یک شیخ نقل گردیده است....؛ مدیرشانه‌چی، *درایة الحدیث*، ص ۲۹.

گاهی مؤلف در چند جلسه تنها احادیث یکی از شیوخ خود را املا می‌کند و گاهی نیز در یک جلسه از دو یا چند استادش روایت می‌کند.

در بخشی از روایات طریقه تحمل حدیث نیز آمده است؛ مثلاً شیخ طوسی در آغاز روایت یک و سیزده می‌گوید: «أملی علينا محمد بن محمد ...» که نشان می‌دهد شیخ طوسی این روایات را از مجلس املا استادش شیخ مفید دریافت کرده است. گاهی نیز شیخ طوسی تاریخ نقل استادش را هم بیان می‌کند.^{۲۶۰} در *امالی* طوسی توضیحاتی برگرفته از کلمات اساتید مؤلف نیز به چشم می‌خورد که البته بسیار اندک است.^{۲۶۱}

تعداد احادیث

بخش اول از ۱۸ جلسه و ۱۱۶۱ حدیث و بخش دوم از ۲۸ جلسه و ۳۷۶ حدیث تشکیل یافته است. مجموع احادیث این امالی ۱۵۳۷ حدیث است.

نمونه

المجلس الأول فيه أحاديث الشيخ المفيد محمد بن محمد بن النعمان، رواية أبي جعفر محمد بن الحسن الطوسي عنه.

بسم الله الرحمن الرحيم

۱/۱- أملی علينا أبو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان (رحمه الله). قال: حدثنا أبو الطيب الحسين بن علي بن محمد التمار، قال: حدثنا محمد بن أحمد، قال: حدثني جدي، قال: حدثنا علي بن حفص المدائني، قال: أخبرنا إبراهيم بن الحارث، عن عبدالله بن دينار، عن ابن عمر، قال: قال رسول الله (صلى الله عليه وآله): لا تكثرُوا الكلام بغير ذكر الله، فإن كثرة الكلام بغير ذكر الله، قسوة القلب، إن أبعد الناس من الله القلب القاسي.^{۲۶۲}

پژوهشی جدید

از جمله مشکلات کتابهای امالی دشواریاب بودن احادیث آنها است؛ به گونه‌ای که خواننده نمی‌تواند احادیث دلخواه را با مراجعه به فهرست آنها بیاید و برای یافتن یک حدیث ناگزیر باید تمام مجالس حدیثی کتاب را از نظر بگذراند. اگرچه نرم‌افزارهای حدیثی دستیابی به احادیث را برای کاربران خویش آسان کرده‌اند، ولی این کتابها همچنان به فهارس فنی و نمایه‌های موضوعی نیازمندند. در سالهای اخیر آقای محمدجواد محمودی با انگیزه دسترسی آسان به احادیث امالی‌های سه‌گانه (صدوق، مفید و طوسی) سعی کرده است در این عرصه به خوانندگان کمک شایانی کند. ایشان با تنظیم موضوعی و ادغام این سه کتاب، کتاب جدیدی با عنوان ترتیب *الأمالی* پدید آورده است.

ترتیب *الأمالی* در ده جلد در بر دارنده هر سه *امالی* بزرگ شیعه و شامل ۲۹۹۷ حدیث (بدون تکرار) است. محقق این کتاب سعی کرده است هر حدیث را فقط در موضوع متناسب با آن نقل کند؛ بنابراین اگر یک

۲۶۰. شیخ طوسی، *الامالی*، ج ۸.

۲۶۱. همان، ج ۲۲۲.

۲۶۲. شیخ طوسی، *الأمالی*، ص ۳، ج ۱.

حدیث به چند موضوع مرتبط بوده است، محقق آن را تقطیع نموده و در موضوعات متعدد با تلخیص در سند گزارش کرده است. البته این تقطیع سبب نشده است که محقق از گزارش کامل حدیث در کتاب خودداری کند؛ بنابراین محقق حداقل یکبار تمامی احادیث را به طور کامل روایت کرده است. برخی از موضوعات این کتاب عبارتند از: العقل و العلم، التوحید، العدل، الموت، البرزخ، المعاد، الجنة و النار... کتاب حاضر از مصدربابی و تخریج مناسبی برخوردار است و در جلد دهم کتاب، یازده فهرست فنی برای خوانندگان فراهم شده است.^{۲۶۳}

سرانجام امالی نویسی

پس از قرن پنجم هجری امالی نویسی در میان شیعیان از رونق افتاد و از این دوران آثار اندکی، نظیر *امالی* سید بن طاووس، را می‌شناسیم. در مقابل، سنّیان بیشتر امالیهای خویش را بعد از قرن پنجم هجری نگاشته‌اند. البته در سده‌های اخیر، امالی نویسی، به ویژه نزد امامیان، تداوم یافت و از برپایی مجالس بسیاری از مشایخ هر زمان آثاری بر جای مانده است که برای نمونه می‌توان به *امالی فیض کاشانی* (م ۱۰۹۱ هـ) پیرامون فضائل سادات و *امالی میرزا محمد/خبر* (م ۱۲۳۲ هـ)، که با عنوان *آینه عباسی* نیز شهرت یافته و ردّیه‌ای بر یهود و نصارا است، اشاره کرد. همچنین شایسته است از *امالی حسین بن دلاور نقوی* در تفسیر و مواظ، که اثری از سده سیزده هجری است، یاد کرد.^{۲۶۴}

رواج امالی در میان سنّیان

می‌دانیم که نگارشهای حدیثی در میان سنّیان یک سده پس از عصر نبوی آغاز گشت. بنابراین بیشترین مجموعه‌های حدیثی توسط حفاظ ایشان گرد آمد. روایت حدیث با تکیه بر حافظه محدثین نخستین جرقه‌های نگارشهای حدیثی و سبک امالی‌نگاری را پدید آورد.^{۲۶۵}

حُفاظ بزرگ سنی از قرن سوم تا پنجم هجری بیشترین جلسات امالی حدیث را در مساجد جامع و مراکز علمی آن روز برپا کردند. اما پس از وفات حافظان حدیث این‌گونه جلسات نیز به تدریج فراموش شد. تا اینکه سیوطی پس از ابن حجر و در سال ۸۷۲ هجری جلسات امالا را مجدداً در مصر راه‌اندازی کرد. شمار کتابهای امالی سنّیان قابل توجه و تعداد جلسات نیز بسیار گوناگون است؛ مثلاً عبدالکریم بن محمد قزوینی رافعی (م ۶۲۳ هـ) در سی جلسه، سی حدیث را، به تعداد کلمات سوره حمد، شرح و تبیین نموده است. و یا کسانی مانند ابی‌الفضل عبدالرحیم بن حسین عراقی (م ۸۰۶ هـ) بیش از چهارصد جلسه و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ) بیش از هزار جلسه حدیث برپا کرده‌اند. ابن حجر در *فتح المعیث* می‌گوید:

۲۶۳. برای اطلاع بیشتر ر.ک: کتاب *ترتیب الأمالی*، محمدجواد محمودی، مؤسسة المعارف الاسلامیة، قم.

۲۶۴. *دائرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۰، ص ۱۳۴، با تغییر و اضافه؛ *التریعه*، ج ۲، ص ۳۰۷ به بعد.

۲۶۵. البته در سالهای آغازین این گونه نگارشی با عنوان "امالی" شناخته نمی‌شد.

در مکه و تعدادی از اماکن شهر قاهره جلسات متعدد املائی حدیث دایر کرده‌ام و احادیث بسیاری را برای شاگردانم قرائت کرده‌ام و تا کنون نزدیک به ششصد جلسه املائی حدیث برگزار نموده‌ام و البته الأعمال بالنیات.^{۲۶۶}

برخی از امالی‌های اهل سنت

- ۱- /الأمالی، از أبو القاسم بن عساکر (م ۵۷۱ هـ) و فرزندش ابومحمد قاسم بن عساکر (م ۶۰۰ هـ).
- ۲- /الأمالی، از أبوزکریا یحیی بن عبدالوهاب (م ۵۱۱ هـ).
- ۳- /الأمالی، از أبو عبدالله محمد بن اسحاق بن منده (م ۳۹۶ یا ۳۹۵ هـ).
- ۴- /الأمالی، از أبوبکر الخطیب (م ۴۶۳ هـ).
- ۵- /الأمالی، از أبوطاهر المخلص (م ۳۹۵ هـ).
- ۶- /الأمالی، از أبو عبدالله الحاکم (م ۴۵۰ هـ).
- ۷- /الأمالی، از عبدالغفار الفارسی (م ۳۷۷ هـ).
- ۸- /الأمالی (الأمالی الشارحه لمفردات الفاتحه)، از أبو القاسم عبدالکریم بن محمد القزوینی الرافی (م ۳۲۳ هـ).
- ۹- /الأمالی از قاضی عبدالجبار الهمدانی (م ۴۱۵ هـ).
- ۱۰- /الأمالی، از ابوبکر محمد بن احمد بن عبدالباقی البغدادی (م ۴۸۹ هـ).
- ۱۱- /الأمالی، از ابوالخیر احمد بن اسماعیل القزوینی الشافعی (م ۵۹۰ هـ).
- ۱۲- /الأمالی، از ابوبکر محمد بن اسماعیل بن العباس (م ۳۷۸ هـ).
- ۱۳- /الأمالی، از المحاملی (م ۳۳۰ هـ). اینک با این کتاب بیشتر آشنا می‌شویم.

الأمالی المحاملی (م ۳۳۰ هـ)

حسین بن اسماعیل بن محمد از علما و فقه‌های بزرگ اهل سنت در قرن چهارم هجری است. او شصت سال منصب قضاوت شهرهای کوفه و فارس را عهده‌دار بود و احادیث بسیاری نقل کرد. علمای رجال در وصف او گفته‌اند: «کان ورعاً محمود السیره فی القضاء».^{۲۶۷}

وجه تسمیه او به محاملی به این جهت بوده که بسیار مسافرت می‌کرده است؛ «التي تحمل في السفر».^{۲۶۸} این کتاب، که از نخستین کتابهای امالی سنیان است، حاصل املائی محاملی برای شاگردان خویش است. او این احادیث را در ۲۵ جلسه حدیثی برای آنها قرائت کرده است. اکنون حدیثی را از آخرین جلسه حدیثی این کتاب می‌خوانیم:

۵۳۲- حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ، ثنا عبدُ الأعلى بن واصل، ثنا الحسن بن الحسين الأنصاري يعرف بالعُرْنِي قال: ثنا علي بن هاشم، عن أبيه عن أبي الجَحَاف، عن مسلم بن صُبَيْح عن زيد

۲۶۶. الرسالة المستطرفة، ص ۱۶۲.

۲۶۷. خيرالدين زرکلی، الاعلام، ج ۲، ص ۲۳۴.

۲۶۸. کتانی، الرسالة المستطرفة، ص ۱۶۱.

بن أرقم قال: حنا^{٢٦٩} رسولُ الله (صلى الله عليه و آله) في مرضه الذي قُبِضَ فيه على علي رضي الله عنه وفاطمة وحسن وحسين (رحمة الله عليهم)، فقال: أنا حربٌ لمن حاربكم، سلمٌ لمن سالمكم.

شاگرد محاملی، که نگارش امالی را عهده‌دار بوده است، می‌نویسد: پس از آنکه محاملی آخرین مجلس حدیثی این کتاب را به اتمام رساند به مریض سختی دچار شد و یازده روز بعد از این جلسه در روز چهارشنبه ۲۳ ربیع الآخر سال ۳۳۰ هجری دار فانی را وداع گفت.^{۲۷۰}

چکیده

- ✓ هرگاه شیخ حدیث، روایاتی را از کتاب مورد اعتماد یا از حافظه خویش در مجالس متعدد بر شاگردان املاء کند و شاگردان این روایات را در کتابی جمع‌آوری کنند به آن امالی گویند.
- ✓ امالی در قوت اعتبار و دوری از احتمال سهو و نسیان نظیر اصل است.
- ✓ شیخ صدوق، شیخ مفید و شیخ طوسی هر یک مجالس حدیثی بسیاری داشتند که بخشی از آنها توسط شاگردانشان تدوین شده و اکنون سه کتاب/امالی از آنها باقی مانده است.
- ✓ شیخ طوسی در هر جلسه معمولاً احادیثی را که فقط از یکی از اساتیدش شنیده روایت می‌کند و به موضوع حدیث کاری ندارد.
- ✓ از جمله مشکلات کتابهای امالی دشواریاب بودن احادیث آنها است؛ به گونه‌ای که خواننده نمی‌تواند احادیث دلخواه را با مراجعه به فهرست آنها بیاید.
- ✓ پس از قرن پنجم هجری امالی‌نویسی در میان شیعیان از رونق افتاد و از این دوران آثار اندکی، نظیر/امالی سید بن طاووس، را می‌شناسیم.
- ✓ حفاظ بزرگ سنی از قرن سوم تا پنجم هجری بیشترین جلسات امالای حدیث را در مساجد جامع و مراکز علمی آن روز برپا کردند، اما پس از وفات حافظان حدیث، این گونه جلسات نیز به تدریج فراموش شد. تا اینکه سیوطی پس از ابن حجر در سال ۸۷۲ هجری جلسات املاء را مجدداً در مصر راه‌اندازی کرد.
- ✓/الأمالی/المحاملی، از نخستین کتابهای امالی سنیان و حاصل امالای محاملی برای شاگردان خویش است. او این احادیث را در ۲۵ جلسه حدیثی برای آنها قرائت کرده است.

پژوهش

عناوین «الأمالی، المجالس و مجلس فی ...» همگی معرف جلسات امالای اساتید است. این عناوین را به همراه نام نویسنده از کتابهای/الفهرست شیخ طوسی،/الذریعه شیخ آقا بزرگ تهرانی و با کمک نرم‌افزار معجم فقهی (نسخه سوم) به دست آورید.

۲۶۹. حنا، یحیی و یحیی: عطف و لوی،/القاموس، ج ۴، ص ۳۲۲: /النهایه، ج ۱، ص ۴۵۳.

۲۷۰. /الأمالی/المحاملی، ص ۴۴۹ و ۴۴۸.

ضمیمه (۱)

منابع مطالعاتی

- ۱- مقاله «کتاب‌شناسی الأمالی»، محمد رضا انصاری قمی، آئینه پژوهش، سال پنجم، شماره دوم، ۱۳۷۳. ش ۲۶.
- ۲- الأمالی الطوسی، دار الکتب الاسلامیه و مؤسسه البعثه.
- ۳- الأمالی الصدوق.
- ۴- الأمالی المفید.
- ۵- الذریعه، ج ۲، ص ۴۲ (امالی).
- ۶- ترتیب الأمالی، محمدجواد محمودی، مؤسسه المعارف الإسلامیه.
- ۷- دانش حدیث، نجف‌زاده بارفروش، ص ۲۳۰ به بعد.
- ۸- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۳۵ - ۱۳۲.
- ۹- دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۳۳۱ و ۳۳۰.
- ۱۰- أمالی المحاملی، تحقیق دکتر ابراهیم ابراهیم القیسی، چاپ المكتبة الإسلامیه، دار ابن‌القیم، الاردن. (مقدمه)

ضمیمه (۲)

امالی دیگری از شیعه

الأمالی (أمالی الخمیسیه) یحیی بن الحسین الشجری (م ۵۴۲ هـ)

مؤلف این کتاب زیدی مذهب و کتابش به امالی الخمیسیه یا الخمیسیات مشهور است. وجه این نام‌گذاری آن است که شجری مجالسش را معمولاً در روزهای پنج‌شنبه هر هفته برگزار می‌کرده است. این امالی در ۴۰ فصل تنظیم شده و هر فصل موضوعی زیبا و جذاب دارد. مانند: «الحديث السابع في فضل أهل البيت كافة (عليهم السلام)». در هر فصل نیز معمولاً بیش از سی حدیث آمده است. محقق کتاب در ابتدای آن چنین نوشته است:

کثیر من أحادیث هذا الكتاب في مجمع الزوائد و فی مسند الإمام أحمد بن حنبل و مسند ابی‌یعلی الموصلی و معجمات الطبرانی الکبیر.

ضمیمه (۳)

مقاله آمالی^{۲۷۱}

آمالی اصطلاحی در فرهنگ اسلامی، به ویژه در حوزه حدیث، فقه و نیز ادب عرب، که به شیوه‌ای خاص در آموزش و تدوین اشاره دارد و منظور از آن مدون و مکتوب ساختن سخنان شیوخ، از سوی مستمعان بوده است.

در باب مجالس املا، از حیث سبک و سیاق آن در حوزه حدیث، از سخن نووی (۱۲۷/۲ - ۱۲۶) چنین برمی‌آید که در بخشی از مجالس املا برای پرداختن به موضوعی خاص، الزامی وجود نداشت. از آنجا که شنوندگان سخنان شیخ از عوام و خواص، هر دو، بودند بهتر آن بود که احادیث و روایات در بیان اسناد (مملی)، دارای سندی کوتاه‌تر و اسنادی والاتر باشد. املا از شیوخ مختلف مملی و نیز ذکر روایاتی که درک آن برای مستمعان آسان باشد از مستحبات محسوب می‌شد و غالباً مجلس با حکایات و نوادر، به ویژه درباره زهد، ادب و مکارم اخلاق، پایان می‌یافت (ن. ک: سیوطی، تدریب ...، ۱۲۷/۲ - ۱۲۶). در بسیاری مواقع به سبب کثرت مستمعان در محضر یک شیخ به یک مستملی یا حتی چند مستملی نیاز پیدا می‌شد تا سخن شیخ را برای حاضران قرائت و املا کند (همان، ۱۲۲/۲؛ برای بحثهایی در مواردی چون شرایط عملی و سنی مستملی، ن. ک: خطیب، ۹۱ به بعد؛ شهید ثانی، ۲۵۴ - ۲۵۲؛ ابن حجر، ۱۸۵). به هر روی این روش، به ویژه نزد محدثان، به عنوان یکی از شیوه‌های فراگیر انتقال دانش در کنار دیگر روشها جای گرفت (ن. ک: ابن‌صلاح، ۳۱۸ - ۳۱۶) و نقش مهمی در میراث مکتوب اسلامی بر جای نهاد.

در نگاهی به انگیزه گسترش این شیوه باید گفت که رونق انتقال شفاهی آموزشها در سده‌های نخستین اسلامی به تدریج نشان داد که در برخی موارد به سبب فراموشی فراگیران یا عدم دقت در ضبط سخنان شیخ، سند و یا متن حدیث دچار خدشه شده افتادگیهایی به وجود می‌آمد؛ برای نمونه یحیی بن یحیی نیشابوری برای آنکه اشتباهی در سماعش از الموطأ مالک پیش نیامده باشد، سه بار آن را نزد استادش مالک خواند (سمعانی، ۹ و ۸). این نوع اشکالات در روش عرضه فراگرفته‌ها بر استاد نیز ممکن بود پدید آید (ن. ک: همو، ۱۰) و از همین رو برای اجتناب از این گونه خطاها در ضبط، به عنوان روشی نه چندان جدید در ادای سخن شیخ، شیوه املا به کار گرفته شد.

به عنوان پیشینه‌ای بر این شیوه شایسته است که به روش صحابه در حفظ تعالیم رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) توجه شود؛ چه، بر پایه برخی منابع روایی چنین است که به جز آیات الهی، کتابت سخنان آن حضرت نیز در آن زمان مرسوم گردید و شخص پیامبر (صلی الله علیه و آله) در بسیاری موارد امر به نوشتن می‌فرمودند و اشاراتی به املائی آن حضرت نیز در منابع دیده می‌شود (مثلاً ن. ک: ابن‌بابویه، ۳۸۸؛ نجاشی، ۳۶۰؛ خطیب، ۶۹؛ سماعی، ۱۳ و ۱۲). همچنین بنا بر برخی روایات در بعضی از خطابه‌های حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) به سبب وجود مستمعان بسیار در مجلس، شخص یا اشخاصی بودند که سخن آن حضرت را به تمام حاضران می‌رساندند و سیوطی (همان‌جا) این پدیده را با پیشینه املا مربوط دانسته است.

۲۷۱. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۱۳۴ - ۱۳۲.

روش املا در زمان صحابه نیز نمونه‌هایی دارد و بر پایه آنها کسانی چون ابن عباس و وائلة بن اسقع در روزهایی معین از هفته مجالس وعظ و املا داشتند (ن. ک: سمعانی، ۱۳؛ سیوطی، همان ۲/ ۱۲۲، ۱۲۸)؛ چندان که نخستین امالی در علم تفسیر به ابن عباس نسبت داده شده است. (ن. ک: طبری، ۱/ ۳۱؛ برای دیدگاه شیعی در این باره، ن. ک: امین، ۱/ ۸۸، ۱۲۵)

سده دوم هجری را عملاً می‌توان دوره اوج‌گیری املا تلقی کرد؛ چنان که برخی از بزرگان اصحاب حدیث، همچون شعبه بن حجاج (م ۱۶۰ ه/ ۷۷۷ م) و وکیع بن جراح (م ۱۹۷ ه/ ۸۱۳ م)، ضمن ارج نهادن به این روش به برقراری مجالس املا می‌پرداختند (ن. ک: سمعانی، ۱۵). این زمان را همچنین باید برهه‌ای حساس در آغاز تدوین مجموعه‌های حدیثی، و از آن جمله تألیفاتی در قالب امالی، دانست. نام برخی مجموعه‌های امالی از این سده نشان از همین واقعیت دارد که برای نمونه می‌توان به اثری با عنوان جزء من الأمالی از احمد بن حبيب شجاعی سرخسی (زنده در ۱۸۴ ه/ ۸۰۰ م) اشاره کرد (برای نسخه خطی، ن. ک: GAS, I/۹۶).

در کنار مجالس محدثان برای امالی حدیث، این شیوه به عنوان روشی آزموده مورد استفاده دیگر گروه‌ها از عالمان، همچون فقیهان، نیز قرار گرفت. /مالی قاضی ابویوسف (م ۱۸۲ ه) و /مالی محمد بن حسن شیبانی (م ۱۸۷ ه)، دو تن از شاگردان ابوحنیفه، مشتمل بر مباحث مختلف فقهی، نمونه‌هایی از این گونه است (ن. ک: طحاوی، ۱/ ۶۷؛ ابن ندیم، ۲۵۸). از محمد بن حسن موضوعاتی فقهی، چون فروعی از قضا، بیع، طلاق، شرکت، دیه، تجارت، و ارث، به صورت امالی در دست است.

هم‌زمان با پیشرفت جریان تدوین، فراهم آمدن مجموعه‌هایی با نام امالی نیز از اواخر سده ۲ هجری ۸ / میلادی، گسترش یافت؛ چنان که افزون بر تشکیل مجالس املا توسط مشایخی چون یزید بن هارون (م ۲۰۶ ه) و عاصم بن علی تمیمی (م ۲۲۱ ه) مجموعه‌هایی بسیاری از امالی گرد آمد که تنها شماری از آنها در کتابخانه‌های جهان به صورت نسخه خطی موجود است؛ همچون /مالی عبدالرزاق صنعانی (م ۲۱۱ ه)، ابوالفرج محمد بن احمد غوری (م ۲۳۹ ه)، ابوالقاسم فسوی (اواخر سده ۳ ه) و ابن دحیم (م ۳۰۳ ه) (GAS, I/۹۹, ۱۱۰, ۱۶۵, ۱۷۰).

رواج امالی‌نویسی در این زمان محدود به محافل محدثان و فقیهان عامه نبوده و در برخی فرق و مذاهب نیز نمونه‌های آن دیده می‌شد. برای نمونه در میان امامان زیدی طبرستان /مالی ناصر اطروش (م ۳۰۴ ه) (آقا بزرگ، ۲/ ۳۰۸) و نیز /مالی احمد بن عیسی بن زید (م ۲۴۷ ه) را می‌توان یاد کرد (GAS, I/ ۵۶۰, ۵۶۱). صوفیه هم، که مجالس آنان مکانی مناسب برای این گونه از گفت و شنودها بود، به امالی‌نویسی روی آوردند و /مالی ابو عبید بسری (د ۲۴۵ ه) مربوط به همین دوره است (همان، I/۶۴۲). از سویی دیگر حرکتی مهم در میان برخی از برجستگان ادب عربی نیز دو رویکرد به این شیوه رخ داد که نتیجه آن گرد آمدن نخستین مجموعه‌های امالی ادبی توسط استادان این فن در همین دوره شد (ن. ک: بخش امالی ادبی در همین مقاله).

املا، به عنوان یکی از شیوه‌های انتقال حدیث، در این زمان تثبیت شده و ارزشمندی آن قبول عام یافته بود؛ زیرا نه تنها مجالس مختلف در عرض یکدیگر تشکیل می‌شد (مثلاً ن. ک: حاکم، ۱۷۸)، بلکه به نظر برخی بزرگان، همچون ابوبکر ابن ابی‌شیبہ، در صورتی شخص در شمار صاحبان حدیث قلمداد می‌شد که انبوهی حدیث املا شده را کتابت کرده باشد (سمعانی، ۱۱)، و حتی برخی فقط از طریق استملا به آموختن می‌پرداختند (همان‌جا). به همین سبب، شمار گسترده‌ای از مجموعه‌های امالی دیده می‌شود که در سده ۴ هجری / ۱۰ میلادی، گرد آمده‌اند و به رغم از میان رفتن بسیاری از آثار قدیم، هنوز انبوهی از این مجموعه‌ها به صورت نسخه‌های خطی در کتابخانه‌های جهان موجودند (ن. ک: ۲۰۳، ۱۸۱، ۱۸۰، ۱۷۳، GAS, I/ ۲۱۵، ۲۱۳).

گفتنی است که از این سده به بعد، به تدریج عنوان مجالس در کنار یا به عنوان جایگزین امالی پدیدار شد که برخاسته از مفهوم مجالس املا بود (ن. ک: همان، ۲۱۳، ۲۱۲، ۱۸۳، ۱۷۶ / ۱: برای رواج برخی از این آثار، ن. ک: رودانی، ۹۳ - ۱۰۰).

اگرچه از سده ۴ هجری / ۱۰ میلادی، رویکرد به امالی‌نویسی کاسته شده بود، اما در این دوره نیز مجموعه‌های قابل توجهی از امالی تألیف شد (برای مثال، *امالی حاکم نیشابوری*، ن. ک: کتانی، ۱۵۹). نقش عالمان امامیه نیز در پدید آوردن مجموعه‌های امالی، به خصوص از سده چهارم هجری، حائز اهمیت است؛ چنان‌که به عنوان نمونه‌هایی شاخص باید از امالی مشاهیری چون ابوالفضل شیبانی و احمد بن شاذان یاد کرد (ن. ک: نجاشی، ۸۵؛ ابن شهر آشوب، ۱۴۲ - ۱۴۱؛ آقا بزرگ، ۲ / ۳۱۴) و در همین دوره *امالی محمد بن علی بن بابویه* از مهم‌ترین میراث شیعی به شمار است. این اثر، که مشتمل بر ۸۷ مجلس است، در بر گیرنده موضوعاتی پراکنده از قبیل فضل روزه، فضیلت برخی از ماهها، برخی خطب و فضائل علی (علیه السلام)، شهادت امام حسین (علیه السلام)، صفات الهی و معراج نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) است.

ترتیب دادن مجالس املا برای آموزش حدیث به تدریج جای خود را به امالی‌نویسی در موضوعات کلامی و اعتقادی داد. شیعیان امامی و زیدی در سده پنجم هجری به تهیه مجموعه‌های قابل توجهی از امالی پرداختند که از میان آنها باید به *الأمالی* شیخ مفید اشاره کرد. مملی در مجالس ۴۲ گانه خود به ذکر احادیث درباره اهل بیت (علیهم السلام)، برخی جنگهای دوره حضرت علی (علیه السلام)، از جمله جمل، وصف دین‌داران و جز آنها پرداخته است. *امالی* شیخ طوسی نیز در مجالس متعدد با حضور فرزندش ابوعلی و با امالی او صورت گرفته و بسیاری احادیث امامی در آن گنجانده شده است و بخش مهمی از آن برگرفته از مجموعه‌های امالی پیشین امامیه و اهل سنت بوده است. عالمان زیدی نیز در این دوره با پرداختن به املا آثار ارزشمندی به وجود آوردند که بی‌گمان یکی از مهم‌ترین آنها *امالی مرشد بالله* است. مملی در این اثر ضمن پرداختن به احادیث گوناگون ۴۰ حدیث در موضوعات مختلف از دیدگاه زیدی نقل کرده است. گفتنی است که قاضی عبدالجبار، عالم شهیر معتزلی نیز در طی مجالسی به املا می‌پرداخت (ن. ک: کتانی، ۱۶۰).

صوفیه هم، که پیش تر به آنها اشاره شد، در ادامه تشکیل این گونه مجالس مجموعه‌هایی از امالی بر جای گذاردند که از میان آنها به ترتیب *امالی ابو عبدالله رودباری* (م ۴۱۴ هـ)، *ابوالحسین بن سمعون* (م ۳۸۷ هـ) و *ابوسعید نقاش* (م ۴۱۴ هـ) را می‌توان یاد کرد (ن. ک: ۶۷۵، ۶۶۸، I/۶۶۳، GAS).

از سده ۶ هجری / ۱۲ میلادی، مجموعه‌های امالی از برخی بزرگان عامه نیز بر جای مانده که از میان آنها می‌توان به *امالی ابن عساکر* اشاره کرد که بخشهای گوناگونی از آن با عنوانهایی چون مجلس در کتابخانه‌های مختلف به صورت نسخه خطی باقی مانده است (مثلاً ن. ک: ظاهریه، ۸۸؛ فهرس ... ۲۲، ۳۳، ۱۰۳، ۳۶۴؛ شهابی، ۳۶). مملی به مسائلی چون صفات الهی، مسئله تشبیه، فضائل حضرت علی (علیه السلام)، روزه و توبه پرداخته است. از دیگر مجموعه‌های امالی این سده می‌توان به آثار مشاهیری چون ابوبکر سمعانی (سبکی، ۵/ ۵۳؛ قس: حاجی خلیفه، ۱/ ۱۶۱)، جلاله زمخشری (همو، ۱/ ۱۶۴)، سدیدالدین حمصی (آقا بزرگ، ۲/ ۳۱۹ و ۳۱۸) و رضی‌الدین قزوینی (کتانی، همان‌جا) اشاره کرد. از موضوعات قابل توجه در این سده، اثری فارسی در قالب امالی است که توسط ابوالرجاء مؤمل بن مسروق گرد آمده است و با عنوان «*روضه الفریقین*» هم شهرت دارد. این اثر با دیدی صوفیانه و از منظر فقهی حنفی مذهب تألیف شده است (ن. ک: حبیبی، ۸ - ۵).

ادامه مجموعه‌های امالی فارسی را در سده ۷ هجری / ۱۳ میلادی، در آثار مولانا جلال‌الدین محمد مولوی می‌توان ملاحظه کرد. جدا از بخش اعظم دفترهای شش‌گانه مثنوی او، که به صورت املا ترتیب یافته، امالی سبعة او نیز، که مشحون از اخلاقیات است، دارای اهمیتی بسزا است. همچنین *چهل مجلس* یا *رساله اقبالیه*، که امالی علاءالدوله سمنانی است، در همین زمان گرد آمده است. در این سده مجموعه‌های امالی از عبدالکریم رافعی در تفسیر (سیوطی، *الاتقان*، ۱/ ۳۵؛ نیز ن. ک: ذهبی، ۲۲/ ۲۵۳)، و ابن عبدالسلام در فقه (ألوارت، شم ۲۹۴)، را می‌توان یاد کرد. در این میان اقبال به امالی‌نویسی در علم حدیث بر پایه سخن سیوطی پس از ابن‌صلاح (م ۶۳ هـ) و امالی او (ن. ک: ازهریه، ۱/ ۴۱۱) کم‌رنگ‌تر از پیش شد، تا آنکه ابوالفضل عراقی (م ۸۰۶ هـ)، که از مشایخ علم حدیث در سده هشتم هجری به شمار می‌آید، به عنوان مجددی در این فن باب تشکیل مجالس امالی حدیث را گشود. وی بیش از چهارصد مجلس املا تشکیل داد و در آنها به روایت احادیث گوناگون پرداخت (سیوطی، *تدریب*، ۲/ ۱۲۸).

حرکتی را که عراقی برای امالی‌نویسی شروع کرد، شاگرد وی ابن‌حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ) ادامه داد و تا پایان عمر، ضمن توجه بسیار به امر حدیث، بالغ بر هزار مجلس املا ترتیب داد و حتی بخش آغازین کتاب *فتح الباری* را هم املا کرده بود (ن. ک: همان‌جا؛ حاجی خلیفه، ۱/ ۵۴۸). پس از ابن‌حجر، سیوطی خود را مجدد املا یاد کرده است و چون در امالی لغت توفیقی نیافت به امالی حدیث بسنده کرد (ن. ک: *المزهر*، ۲/ ۳۱۴ و ۳۱۳). روش سیوطی را بسیاری، از جمله سخاوی، ادامه داده‌اند؛ چنان‌که وی خود گوید در مکه و قاهره مجالس امالی بسیاری برپا نموده است (ن. ک: کتانی، ۱۶۲).

در سده‌های اخیر امالی‌نویسی، به ویژه نزد امامیان، تداوم یافت و از برپایی مجالس بسیاری از مشایخ زمان آثاری بر جای مانده است که برای نمونه می‌توان به اثر فیض کاشانی (آقا بزرگ، ۲/ ۳۱۲) و *امالی میرزا*

محمد اخباری (م ۱۲۳۲ هـ)، که با عنوان *آینه عباسی* نیز شهرت یافته و ردیه‌ای بر یهود و نصاری است، اشاره کرد (خوانساری، ۱۲۸/۷؛ نیز ه د، ۲۹۴/۲). همچنین شایسته است از *مالی حسین بن دلدار نقوی* در تفسیر و مواعظ، که اثری از سده سیزدهم هجری است، یاد کرد (آقا بزرگ، ۲/۳۱۱؛ نیز برای فهرستی از مجموعه‌های امالی امامیه، ن. ک: همو، ۲/۳۰۷ به بعد).

مآخذ

- ۱- آقا بزرگ، *الذریعه*.
- ۲- ابن بابویه، محمد، *الأمالی*، به کوشش محمد مهدی موسوی خراسان، نجف، ۱۳۸۹ هـ / ۱۹۷۰ م.
- ۳- ابن حجر عسقلانی، احمد، *نزهة النظر*، بنارس، ۱۳۹۴ هـ / ۱۹۷۰ م.
- ۴- ابن شهر آشوب، محمد، *معالم العلماء*، نجف، ۱۳۸۰ هـ / ۱۹۶۱ م.
- ۵- ابن صلاح، عثمان، مقدمه، به کوشش عایشه عبدالرحمن، قاهره، ۱۴۰۹ هـ / ۱۹۸۹ م.
- ۶- ابن ندیم، *الفهرست*.
- ۷- ازهریه، *فهرست*.
- ۸- امین، محسن، *اعیان الشیعه*، به کوشش حسن امین، بیروت، ۱۴۰۳ هـ / ۱۹۸۳ م.
- ۹- حاجی خلیفه، *کشف*.
- ۱۰- حاکم نیشابوری، محمد، *معرفة علوم الحديث*، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۵ هـ / ۱۹۶۶ م.
- ۱۱- حبیبی عبدالحی، مقدمه بر *روضة الفرقین*، تهران ۱۳۵۹ ش.
- ۱۲- خطیب بغدادی، احمد، *الكفاية في علم الرواية*، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۰ هـ / ۱۹۷۰ م.
- ۱۳- خوانساری، محمد باقر، *روضات الجنات*، قم، ۱۳۹۲ هـ.
- ۱۴- ذهبی، محمد، *سیر اعلام النبلاء*، به کوشش شعيب ارنؤوط و دیگران، بیروت ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
- ۱۵- رودانی، محمد، *صلة الخلف*، به کوشش محمد حجی، بیروت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۸ م.
- ۱۶- سبکی، عبدالوهاب، *طبقات الشافعية الكبرى*، به کوشش محمود محمد طنّاحی و عبدالفتاح محمد حلو، قاهره، ۱۳۸۳ هـ / ۱۹۶۴ م.
- ۱۷- سمعانی، عبدالکریم، *أدب الإملاء والاستملاء*، به کوشش ماکس وایسوالیر، بیروت، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۱ م.
- ۱۸- سیوطی، *الاتقان*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، ۱۳۸۷ هـ / ۱۹۶۷ م.
- ۱۹- همو، *تدریب الراوی*، به کوشش احمد عمر هاشم، بیروت، ۱۴۰۵ هـ / ۱۹۸۵ م.
- ۲۰- همو، *المزهر*، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم و دیگران، بیروت، ۱۴۰۶ هـ / ۱۹۸۶ م.
- ۲۱- شهابی، سکینه، مقدمه و حاشیه بر *تاریخ مدینة دمشق ابن عساکر* (بخش تراجم النساء)، دمشق، ۱۴۰۲ هـ / ۱۹۸۱ م.

- ۲۲- شهید ثانی، زین الدین، *الرعاية فی علم الدراية*، به کوشش محمود مرعشی، قم، ۱۴۰۸ هـ.
- ۲۳- طبری، تفسیر طحاوی، احمد، *اختلاف الفقهاء*، به کوشش محمد صغیر حسن معصومی، اسلام آباد، ۱۳۹۱ هـ. ظاهریه، خطی.
- ۲۴- فهرس مجامیع المدرسة العمریة، به کوشش یاسین محمد سواس، کویت، ۱۴۰۸ هـ / ۱۹۸۴ م.
- ۲۵- کتانی، محمد، *الرسالة المستطرفة*، استانبول، ۱۹۸۶ م.
- ۲۶- نجاشی، احمد، رجال، به کوشش موسی شبیری زنجانی، قم، ۱۴۰۷ هـ.
- ۲۷- نوری، یحیی، تقریب، همراه تدرب (ن. ک. هم سیوطی).
- ۲۸- فرامرز حاج منوچهری، Ahlwardt ; GAS.

جلسه هفتم

آشنایی با سبک ادعیه و اعمال

اهداف درس

- ✓ آشنایی با سبک ادعیه و اعمال؛
- ✓ نگاهی گذرا به کتابهای صحیفه سجادیه و مصباح المتهجد؛
- ✓ معرفی اجمالی آثار دعایی سید بن طاووس.

ه) ادعیه و اعمال

یکی از روشهای بسیار مهم اسلامی برای هدایت و تعلیم، القای پیام تربیت همه افراد جامعه و ایجاد مدرسه‌ای عام برای ساختن روح مردم روش تأثیرگذار و نفوذگر «دعا» است؛ یعنی «سخن گفتن با خدا» و «درخواست کردن از خدا». دعا اگرچه سخن گفتن و درد دل کردن با خدا است، سخن گفتن با خود و جامعه نیز هست. دعا در اسلام، به جز دعا‌های قرآنی که عین وحی است، بیان دیگری از آموزه‌های فردساز و جامعه‌پرداز وحی است؛ یعنی همان درسهای قرآنی است که خداوند مهربان به وسیله آیات آسمانی برای تربیت انسان فرستاده است. ادعیه خود شیوه‌ای از تفسیر قرآن کریم و شرح معارف آسمانی و یادآور تربیتهای قرآنی و تشریح آموزه‌های وحیانی‌اند.

بنا بر آنچه گفته شد پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از آن جهت که قرآن بر او نازل گشته و خداوند علم قرآن را به او آموخته است می‌تواند از عهده این کار عظیم برآید. پس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نیز کسانی می‌توانند این مشعل تربیت الهی را به دست گیرند که در مکتب پیامبر (صلی الله علیه و آله) پرورش یافته باشند؛ یعنی علی و اولاد علی (علیهم السلام) به همین سبب است که وقتی که دعا‌های ائمه طاهرين (علیهم السلام) را می‌خوانیم می‌بینیم مانند دعا‌هایی است که در قرآن کریم آمده یا از پیامبر اکرم رسیده است؛ همان نفس و همان هدایت، همان توحید و همان معارف، همان آداب و همان اخلاق

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) پیروان خود را به قرائت دعا‌های گوناگون ترغیب می‌کردند؛ پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) می‌فرمود: «أفضل عبادة أمتی بعد قراءة القرآن الدعاء؛ برترین عبادت امت من بعد از قرائت قرآن کریم، دعا است. سپس آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: اُدْعُونِي استجب لکم ...^{۲۷۲}؛ بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را. آنان که از دعا به پیشگاه من تکبر ورزند با خواری بسیار وارد دوزخ می‌شوند.^{۲۷۳} امام علی (علیه السلام) نیز دعا را محبوب‌ترین عمل در نزد خدا می‌دانست

۲۷۲. مؤمن / ۶۰.

۲۷۳. آثار الصادقین، ج ۶، ص ۶۴.

و مردم را بدان ترغیب می‌کرد و خود نیز آن‌چنان با دعا مأنوس بود که امام صادق (علیه السلام) فرمود: «کان أمير المؤمنين رجلاً دعاء» امیرالمؤمنین مردی بود که بسیار دعا می‌کرد.^{۲۷۴} همراهی و مواظبت دائمی امامان بر انجام اعمال مستحبی و قرائت دعاها متعدد و گوناگون از یک سو و شیفتگی شیعیان به پیروی از معصومان از سوی دیگر سبب گردید تا اهل بیت (علیهم السلام) نیایشها و مناجاتهای بسیاری را به پیروانشان بیاموزند و حتی جلسات ویژه‌ای را به املاي ادعیه اختصاص دهند؛ مانند مجموعه صحیفه سجادیه و دعای کمیل. گاهی نیز افرادی چون ابوحمزه ثمالی شاهد مناجات امام بودند و آن را برای دیگران گزارش می‌کردند. البته در بیشتر دعاها امامان با بیان ثمرات و نتایج دنیوی و اخروی آن مخاطبان را به خواندن دعا ترغیب می‌کردند.^{۲۷۵}

گفتنی است که بیشترین ادعیه مأثوره از امام علی، امام سجاد و امام صادق (علیهم السلام) گزارش شده و مشهورترین مجموعه دعایی اهل بیت کتاب بی‌نظیر صحیفه سجادیه است. بسیاری از علمای شیعه و سنی نسبت به نگارش مجموعه‌هایی که حاوی ادعیه، اعمال مستحبی و ارتباط با خدا است همت گماشته‌اند. این مجموعه‌ها غالباً مأثور بوده و از جانب معصومین به دست ما رسیده‌اند. تعداد نگارشهای شیعیان در این سبک به مراتب بیشتر از سنیان بوده و می‌توان ادعا کرد که آثار دعایی سنیان کمتر از یک دهم آثار شیعیان است.

این شیوه از همان قرون اولیه در میان مؤلفان شیعی متداول بوده است و در کارنامه علمی بسیاری از عالمان شیعی کتابهایی با عناوین: «الدعاء، الأدعية، دعاء السفر، فضل الدعاء، الدعوات، الذکر، عمل الشهور، ثواب الأعمال، عمل الیوم و اللیلة و ...» دیده می‌شود. تنها در رجال نجاشی عناوین ۶۴ کتاب از نویسندگان شیعی تا نیمه اول قرن پنجم آمده است که همگی کتابهای حدیثی متنوعی به این سبک را گردآوری کرده‌اند.^{۲۷۶} فزونی این‌گونه نگارشها مرهون ترغیب معصومان (علیهم السلام) بر اعمال مستحبی است.

صحیفه السجادیه، علی بن الحسین (علیه السلام)

کتاب ارزشمند و بی‌همتای صحیفه سجادیه به عنوان یک سند پرافتخار در شیعه همواره مطرح بوده است. این کتاب، که حاوی ۴۵ دعا و نیایش امام سجاد است، توسط یحیی بن زید به متوکل بن عمیر داده شده و او نیز نسخه خود را با نسخه امام صادق، که نوشته امام باقر است، مقابله کرده و هیچ تفاوتی در آن ندیده است. امام سجاد (علیه السلام) صحیفه را برای دو فرزندش زید و امام باقر (علیه السلام) املا کرده بودند.

صحیفه، که به زبور آل محمد مشهور است، از اولین مکتوبات شیعیان است که در قرن اول هجری نگاشته شده است. ظاهراً این کتاب در زمان صفویه و به همت مجلسی اول شهرت یافته است. او در خواب یا مکاشفه از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کتابی در زمینه دعا درخواست می‌کند و امام این کتاب را به او نشان می‌دهد.

۲۷۴. همان، ص ۶۴ به نقل از اصول کافی.

۲۷۵. به کتاب مراقبات ماه رمضان که دربردارنده مجموعه‌ای از ادعیه مأثور معصومان در این ماه است مراجعه شود. این کتاب توسط جناب حجة الاسلام و المسلمین ری‌شهری تدوین شده است.

۲۷۶. ر. ک: دکتر حسن الحکیم، الشیخ‌النجاشی، ص ۳۶۷ - ۳۶۴.

این کتاب تنها در ایران بیش از سه هزار نسخه خطی و طرق اسناد آن بسیار زیاد است که تنها مجلسی اول می‌گوید: «من بیش از ۶۵۰ هزار طریق به صحیفه سجادیه دارم.» صحیفه مجموعه‌ای از معارف اسلامی است که با لطافت نیایش عجین گشته و کتابی است که می‌تواند همچون قرآن همواره با انسان همراه باشد.

ادعیه صحیفه در لحظات مختلف زندگی با انسان قرین است. از زاویه زمان دعاهایی چون دعای روز، شب، هفته، روز جمعه، عید قربان، هنگام رؤیت هلال و ... و از زاویه حالات انسانی دعاهایی چون «عند الشدة، عند المرض، للشکر و العافیة، لدفع الهموم و ...» و در موارد گوناگون دیگر نیز دعاهایی زیبا و دوست‌داشتنی بسیاری را در خود جای داده است.^{۲۷۷}

صرف‌نظر از اتصال سند و سندیت انتساب صحیفه به امام سجاد (علیه السلام)، محتوای بسیار عالی و غنی آن، که حاوی الفاظ زیبا و رسا است، صدورش را برای ما یقینی می‌سازد.^{۲۷۸}

تلاشهای این دوران

نویسندگان بی‌شماری در میانه قرنهای سوم تا پنجم کتابهایی در موضوع ادعیه و اعمال گرد آورده‌اند که بسیاری از آنها در جوامع اولیه ادغام گردیده و بخش اندکی نیز تا کنون باقی مانده است. مؤلفان کتابهای سی‌گانه (ثلاثین کتب) از جمله کسانی هستند که عنوان یکی از کتابهایشان کتاب الدعاء است. اسامی تنی چند از نویسندگان این دوره عبارت‌اند از:

محمد بن مسعود عیاشی، مؤلف الدعوات؛

الفقیه علی القمی، مؤلف النجاة فی الدعوات؛

سید ابوالقاسم زید بن اسحاق جعفری، مؤلف الدعوات عن زین‌العابدین؛

شیخ صدوق، مؤلف ادعیه الموقوف. ثواب الاعمال؛

سعد بن عبدالله اشعری، مؤلف الذکر؛

محمد بن علی بن حاتم، مؤلف الدعوات.

گفتنی است که دسته‌ای از مؤلفین نیز کتابهایی با عنوان ثواب الاعمال نگاشته‌اند: الحسین بن علی البزوفری، جعفر بن سلیمان القمی، سلمة بن الخطاب، علی بن احمد طبری، محمد بن عیسی بن عبید بن یقطین، محمد بن حسان رازی، شیخ صدوق، محمد بن الحسن بن عبدالله علوی، احمد بن محمد بن خالد برقی و محمد بن علی الأشعری.

در ادامه با یکی از مهم‌ترین کتابهای ادعیه و اعمال مربوط به قرن پنجم آشنا می‌شویم.

۲۷۷. ضمیمه شماره (۲)، ترجمه دعای بیست و چهارم صحیفه سجادیه (دعای خیر برای پدر و مادر).

۲۷۸. برگرفته از جزوه آموزشی تاریخ حدیث شیعه از حجة الاسلام و المسلمین سیدکاظم طباطبائی.

معرفی کتاب مصباح المتهجد شیخ طوسی (م ۴۶۰ هـ)

کتاب مصباح المتهجد و سلاح المتعبد اثری معتبر و ارزشمند در سبک دعا و اعمال پسندیده است. این کتاب روایی نیز یکی از آثار ماندگار شیخ طوسی (۴۶۰ - ۳۸۵ هـ) است.

ویژگیهای مصباح المتهجد

- ۱- مؤلف مدعی است که بسیاری از ادعیه مأثور در دیگر کتابهای فقهی‌اش را آورده است و در این کتاب سعی نموده تا دعاهایی را بیان کند که در کتب قبلی‌اش نیآورده است.
- ۲- مؤلف مدعی است که از ذکر دعاهاى طولانى و ملال‌آور در این مجموعه خودداری کرده است.
- ۳- در این کتاب مسائل مبتلابه فقهی به صورت بسیار مختصر بیان شده است که اگر کسی علاقه‌مند به در اختیار داشتن اطلاعاتی از فروع دین باشد این مجموعه او را یاری خواهد کرد.
- ۴- در این مجموعه مؤلف ابتدا در دو صفحه به بیان عبادات و اقسام آن پرداخته و در بابی با عنوان «طهارت» دعاهاى مربوط به وضو، تخی، غسل و ... را آورده است. در باب بعدی، که «صلوة» نام دارد، دعاهاى مربوط به نمازهای گوناگون، از جمله نماز روزهای مختلف هفته، نماز جمعه و در نهایت نمازهای مستحبی روز جمعه را آورده است. گفتنی است که تنها اعمال و نمازهای روز جمعه بیش از چهل صفحه را به خود اختصاص داده است.
- ۵- او در بخش دوم این کتاب دعاهاى هفتگی، دعاهاى ماهانه (رمضان، ذی‌الحجه، محرم، رجب، شعبان) و ... را آورده است.
- بخش سوم کتاب مصباح به عبادتهای سالیانه (عباداتی که در هر سال یکبار انجام می‌شود) اختصاص دارد. عباداتی هم که در طول عمر تنها یکبار انجام می‌گیرد در همین بخش آمده است.
- ۶- شیخ طوسی در بخش پایانی مسائل فقهی، که در لابه‌لای دعاها جایی نداشته، را در چند صفحه بیان کرده است.
- ۷- مصباح المتهجد در مجموع دربردارنده ۹۱۱ دعای متفاوت و متنوع است.
- ۸- شیخ طوسی با توجه به منش فقهی‌اش در این کتاب دعا نیز سعی کرده است کلیات مطالب فقهی را به صورت یک رساله عملیه بیان نماید.
- ۹- مؤلف عبارات شرعیه را بر سه قسم تقسیم کرده است: ۱- عبادات مخصوص بدن؛ مانند نماز و روزه؛ ۲- عبادات مخصوص ثروت و دارایی؛ مانند زکات؛ ۳- عبادات مشترک بدن و دارایی؛ مانند حج و جهاد.
- ۱۰- بیشتر دعاهاى مصباح فاقد سند است. بخشی از دعاها نیز بدون نام گوینده آن آمده است.

اعتبار

کتاب مصباح المتهجد پس از تدوین به سرعت در میان شیعیان منتشر شد و مورد استقبال اندیشمندان، عالمان و عموم مؤلفین قرار گرفت. تدوین و تنظیم مناسب کتاب و اعتبار علمی مؤلف در شیوع این اثر مؤثر بود. این اقبال عمومی سبب شد که مؤلف کتاب خود را تلخیص کند تا مخاطبان بیشتری بتوانند از آن بهره‌مند شوند.

بعدها نیز کتاب فوق به عنوان مهم‌ترین کتاب دعایی شیعه معروف شد و دیگر عالمان (مانند سید بن طاووس) نیز کتابهای بسیاری به شیوه این کتاب را تدوین کردند. همچنین دانشمندان بسیاری در پی تلخیص یا شرح مصباح‌المتجهج برآمدند که محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل^{۲۷۹} از آنها نام برده است. نمونه: «نافلة الليل» عنوان فصلی از بخش کتاب الصلاة، مصباح‌المتجهج است. او آداب مفصلی را برای نماز شب در ۴۹ صفحه بیان می‌کند که از ابتدای بیداری از خواب تا انتهای نماز شب را دربردارد. برای آشنایی بیشتر با سبک بیان مؤلف قسمتهایی را به اختصار بیان می‌کنیم:^{۲۸۰}

– فإذا انتبه من النوم، فليقل: «الحمد لله الذي أحياني بعد ما أماتني وإليه النشور...» فإذا سمع أصوات الديوك فليقل: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ...» فإذا نظر إلى السماء، فليقل: «اللهم إني لا يوارى منك ليلٌ ساجٍ ولا سماءٌ ذات أبواجٍ ولا أرضٌ ذاتٌ مهَادٍ...» فإذا أراد الوضوء فليعمد إلى السواك وليسك فاه، فإنه يُستحب «عند كل صلاة وخاصة في السحر...» ثم يسجد، ويلصق خده بالتراب وهو يقول: «أَسْأَلُكَ الرُّوحَ وَالرَّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَالْعَفْوَ عَنِّي حِينَ أَلْقَاكَ». روى عن النبي (صلى الله عليه و آله) أنه قال: «ما من عبدٍ يقوم من الليل فيصلي ركعتين فيدعو في سجوده لأربعين من أصحابه، يُسمي بأسمائهم وأسماء آبائهم إلاّ ولم يسأل الله تعالى شيئاً إلاّ أعطاه».

سرانجام ادعیه و اعمال نویسی

پس از قرن پنجم نیز نگارشهای ادعیه توسط بعضی از دانشمندان شیعه دنبال شد. سرآمد این افراد در دوران رکود و فترت نگارشهای حدیثی، سید رضی‌الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن طاووس (م ۶۶۴ ه) است. این شخصیت بزرگ و ارجمند با تدوین حدود شصت اثر علمی – حدیثی، که بیشتر آنها در موضوع ادعیه و اعمال هستند، نامی جاویدان از خود به یادگار گذاشت؛ به گونه‌ای که امروزه نام سید بن طاووس با کتب ادعیه و این سبک عجین گشته است.

با توجه به اینکه بسیاری از شیوه‌ها و موضوعات کتابهای دعا به وسیله سید بن طاووس ابداع شده بایسته است که در این درس ابتدا به اجمال با شخصیت او آشنا شویم و سپس آثار او در سبک ادعیه و اعمال را برکاویم.

سید بن طاووس (۶۶۴ – ۵۸۹ ه)، پیشتاز ادعیه‌نگاران

سید علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس از بزرگان امامیه در قرن هفتم هجری است که در جلالت و منزلت و صفای سیرت کم‌نظیر است. او در ۱۵ محرم سال ۵۸۹ هجری در حله چشم به جهان گشود. در جوانی از مجالس درس جدش جناب ورام و پدرش سید موسی بهره‌های علمی فراوان برد.

۲۷۹. ج ۳، ص ۱۸۳ – ۱۷۹

۲۸۰. ص ۱۲۷ – ۱۲۳

مادر سید بن طاووس، دختر شیخ بزرگوار و پرهیزگار ورام بن ابی‌خراس حلبی^{۲۸۱} است و مادر پدرش دخترزاده شیخ بزرگوار ابوجعفر محمد بن حسن طوسی است.

او در سال ۶۲۵ هجری راهی شهر بغداد شد و حدود ۱۵ سال، در روزگار حکومت عباسیان، در آنجا زیست. در اواخر حکومت مستنصر (۳۶ خلیفه عباسی) به حله بازگشت و بعد از آن در نجف و سپس در کربلا و کاظمین اقامت گزید. وی در سال ۶۵۲ هجری بنا بر مصالحی به بغداد بازگشت.

جایگاه علمی و فضیلت و زهد و عبادت و پارسایی او فراتر از آن است که به یاد کردن نیازمند باشد. او همچنین شاعر، ادیب و سخنوری بلیغ بود. سید بن طاووس به سبب در اختیار داشتن اصول اولیه، کتابها و روایات شیعه و کتابخانه‌ای بسیار بزرگ و مشهور توانست آثار علمی فراوانی را خلق کند.

در روزگار مستنصر عباسی نقابت خاندانهای سادات و وزارت به او پیشنهاد شد، ولی او از پذیرش سر باز زد. البته در دوران حکمرانی هولاکو، نقابت کل عراق را پذیرفت و سه سال و یازده ماه نقیب شیعه در عراق گردید.

ابن طاووس در صبح دوشنبه پنجم ذی‌قعدة سال ۶۴۴ هجری، در بغداد وفات یافت و به آرزوی خویش یعنی دفن شدن در نجف دست یافت.^{۲۸۲}

علاقه‌مندان به مطالعه در زمینه شخصیت، زندگی، اندیشه و آثار ابن طاووس می‌توانند به کتاب *کتابخانه سید بن طاووس اثر اتان کبرگ (ترجمه سید علی قرائی و رسول جعفریان)* مراجعه کنند.

آثار دعایی سید بن طاووس

اتان کبرگ با پژوهشی نسبتاً کامل در کتابهای تراجم، فهرس و همچنین مجموعه آثار سید بن طاووس توانسته است نام ۵۹ کتاب او را با مشخصات اجمالی آنها کشف کند. در این درس با بعضی از آثار سید بن طاووس در سبک ادعیه و اعمال آشنا می‌شویم:

۱- الأمان من اخطار الأسفار و الزمان

این کتاب درباره امور متفرقه مربوط به سفر است و به عنوان نمونه به کیفیت پوشیدن لباس، برداشتن ره‌توشه، چگونگی محافظت خود از خطر و مرض و دعا‌های گوناگون برای مراحل متفاوت سفر اشاره کرده است.

۲- الدروع الواقية من الأخطار فيما يعمل مثلها في كل شهر على التكرار

کتاب *الدروع الواقية* مشتمل بر دعا‌هایی است که در هر ماه تکرار می‌شود و اعمال پسندیده‌ای که انجام آن در هر ماه شایسته است.

۳- فلاح السائل و شجاع المسائل في عمل اليوم و الليل

سید بن طاووس در این کتاب اعمال مستحبی و دعا‌های شبانه‌روز را گرد آورده است.

۲۸۱. مؤلف کتاب تنبيه الخواطر.

۲۸۲. برگرفته از مقدمه کتابهای *مهج الدعوات* (حرز چهارده معصوم) سید بن طاووس و *اقبال الاعمال*، با تغییر و تلخیص.

۴- فتح الأبواب بین ذوی الألباب

در این کتاب مؤلف شیوه‌های استفاده از استخاره را برای خوانندگان بیان می‌کند. اگرچه او در کتاب دیگرش، کشف المحجبه، فرزندش را از خطرات سوء استفاده دائمی از استخاره آگاه می‌کند، اما در این کتاب به فوائد و چگونگی استخاره و مواردی که خودش از استخاره بهره برده است اشاره می‌نماید.

۵- اغاثة الداعی و اعانة الساعی

کتاب اغاثه به عنوان کتابی توصیف شده است که مشتمل بر دعا‌هایی با انشای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، این کتاب به دست ما نرسیده است.^{۲۸۳}

۶ و ۷- الاقبال بالأعمال الحسنة فيما يعمل مرة في السنة / مضمار السبق في ميدان الصدق

مؤلف سعی کرده تا اعمال و ادعیه‌ای که حداقل یک بار در سال انجام می‌شود را در این کتاب جمع‌آوری کند. جلد اول کتاب به دعاها و اعمال ماههای شوال، ذی‌قعدة و ذی‌حجه مربوط است و جلد دوم اعمال ماه محرم تا پایان شعبان را در بر دارد. سید در این کتاب از اعمال ماه رمضان سخنی به میان نیاورده است؛ چراکه قبلاً کتابی به نام مضمار السبق فی میدان الصدق را به اعمال و ادعیه ماه مبارک رمضان اختصاص داده است. کتاب اقبال در چاپهای کنونی در سه جلد عرضه گشته که جلد اول آن در واقع همین کتاب مضمار السبق است و مسامحتاً تحت عنوان اقبال آمده است و دو جلد دیگر مربوط به اقبال الأعمال اصلی است. اقبال الأعمال در شمار کتابهایی است که بسیاری از سالکان و بزرگان دین بر قرائت آن مداومت داشته‌اند^{۲۸۴} و علاقه‌مندان به سیر و سلوک را به خواندن آن توصیه می‌کرده‌اند.

۸- جمال الأسبوع

در بخش اول کتاب جمال الأسبوع ادعیه مربوط به روزهای هر هفته گرد آمده است. در بخش دوم، که قسمت عمده کتاب را شامل می‌شود، مجموعه ادعیه و اعمال شب و روز جمعه را به خوانندگان می‌آموزد.

۹- مسالك المحتاج إلى معرفة مناسك الحجاج

این کتاب، که متأسفانه به دست ما نرسیده است، در بر دارنده ادعیه و اعمال حج بوده است.

۱۰- مهج الدعوات

سید بن طاووس در این کتاب به ترتیب حرزهای پیامبر و ائمه (علیهم السلام)، اذکار قنوت ائمه طاهرين (علیهم السلام)، ادعیه پیامبر و اهل بیت در مواقع سخت و گوناگون، مثل دعا‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز جنگ بدر، حنین و دعای امام علی (علیه السلام) در روزهای جنگهای سه‌گانه ایشان، و دعا‌های موسوم به تعوذ و عوذ (از دعا‌هایی که برای سلامتی بیماران سفارش شده است) را آورده است. مؤلف در بخشهای انتهایی کتاب دعا‌هایی را با عنوان حجب (جمع حجاب: نظیر حرز با اندکی تفاوت) ذکر می‌کند. سید

۲۸۳. اتان کلبرگ، کتابخانه ابن طاووس، ص ۶۶.

۲۸۴. ر. ک: مقدمه کتاب ترجمه اقبال الأعمال، از محمد روحی.

در پایان این کتاب دعا‌های مختلفی از پیامبران و همچنین از خودش بیان می‌کند و مدعی است که این دعاها در خلوات معنوی در خاطرش تداعی کرده است.

۱۱- المهمات و التتمات

عنوان مجموعه‌ای از کتابهای دعایی سید است که به انگیزه تهیه متمم مصباح/المتجهّد شیخ طوسی تدوین کرده است. او این نظریه را در این کتاب فلاح السائل طرح‌ریزی کرده است. سید بن طاووس هشت اثر دعایی خود را، که پیش‌تر در ده جلد نگاشته بود، المهمات نامیده و این مجموعه را متمم مصباح/المتجهّد دانسته است که البته با تنظیم موضوعات شیخ طوسی هم‌افق است.

تقسیم ده‌جلدی کتاب المهمات^{۲۸۵}

شماره جلد	عنوان اثر
۱ - ۲	فلاح السائل
۳	زهرة الربيع فى أدعية الأسابيع
۴	جمال الأسبوع
۵	الدروع الواقية
۶	مضمار السبق
۷	مسالك المحتاج
۸ - ۹	الاقبال
۱۰	السعادات

بنا بر آنچه گذشت المهمات نگارش جدید و مستقلى نیست، بلکه عرضه‌ای جدید از کتابهای پیشین سید است که در نزد کتاب‌شناسان به عنوان مهم‌ترین پژوهش پیرامون کتاب مصباح/المتجهّد شناخته شده است.

ویژگیهای سبکی آثار سید

از ویژگیهای سبکی ابن طاووس این است که معمولاً متن روایات را بدون هیچ تصرفی (نقل به معنا) می‌آورد. البته در میان ادعیه، دعا‌های غیر مأثور نیز بسیار دیده می‌شود که گاهی خود تصریح می‌کند که این دعا را خودم ساختم و از آن هم بهره‌ها برده‌ام. جملات توضیحی، توصیفی و موعظه‌ای متنوعی نیز در آثار دعایی او به چشم می‌خورد. او در مزارنویسی و تکنگاری نیز آثاری خلق کرده است. از کتابهای غیردعایی سید

۲۸۵. اتان کلب‌رگ غیر از این تقسیم به تقسیمی دیگر دست یافته که آن را مناسب‌تر می‌داند. بنا بر پژوهشی که او انجام داده است سید بن طاووس در روایتی دیگر المهمات را تنها شامل پنج اثر خویش می‌داند که این تقسیم پنج‌جزئی مبنای روشنی دارد و به ترتیب شامل ادعیه روزانه، ادعیه هفتگی، ادعیه ماهانه، ادعیه سالانه و شرح معنای باطنی بعضی از ادعیه می‌شود. ر. ک: کتابخانه ابن طاووس، ص ۹۰ - ۸۷.

می‌توان به کشف‌المحجبه اشاره کرد که به فرزندش هدیه کرده است.^{۲۸۶}

سید بن طاووس از بسیاری از آثار لحنی، که از قرن سوم تا پنجم هجری تألیف شده بود، بهره برده است و معمولاً اسامی این کتابها را نیز در آثار خویش یاد می‌کند. کتاب کتابخانه ابن طاووس مؤلف توانسته است اسامی ۶۶۹ کتاب موجود در کتابخانه سید را به دست آورد. در پایان این بخش قسمتی از ترجمه اعمال دهه آخر ماه رمضان را از کتاب اقبال‌الاعمال می‌خوانیم:

فضیلت اعتکاف دهه آخر ماه رمضان

اعتکاف در دهه آخر ماه پرفضیلت و باشرافت رمضان بر زمانهای دیگر مقدم است. در روایات متعدد که شیخ محمد بن یعقوب کلینی و ابوجعفر محمد بن بابویه و جدّم ابوجعفر طوسی، خداوند ارواحشان را پاکیزه گرداند، نقل کرده‌اند آمده است: «رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در دهه آخر ماه رمضان اعتکاف می‌نمود.»

حقیقت اعتکاف

کمال اعتکاف عبارت است از نگاه داشتن عقل و قلب و اعضا و جوارح بر صرف عمل صالح و بازداشتن آنها بر درگاه خداوند، جلّ جلاله، و اراده پاک او و کشیدن آنها به بند مراقبه حضرت حق و حفظ و صیانت آنها از آنچه روزه‌دار روزه کامل خود را از آن حفظ می‌کند. حقیقت معنای اعتکاف و التزام به توجه بر خدا و روی نگرداندن از او بر احتیاط روزه‌دار در روزه خود می‌افزاید.^{۲۸۷}

پس از سید بن طاووس

به غیر از سید بن طاووس دانشمندان دیگری نیز به تألیف کتابهای دعایی روی آورده‌اند که البته تا کنون هیچ‌کدام نتوانسته‌اند گوی سبقت را از او برابند. در میانه سده‌های ششم تا دهم هجری افرادی چون قطب‌الدین راوندی (م ۵۷۳ هـ)، نویسنده کتاب الدعوات، کتابهایی را به این سبک تدوین کرده‌اند. آنچه در این دوران اهمیت دارد تألیف چند اثر به زبان فارسی است. کتاب نزهة الزاهد و نزهة العابد از نویسندگانی ناشناخته و کتاب ذخیره الآخرة، تألیف علی بن محمد بن عبدالصمد سبزواری (قرن ششم)، از کتابهایی هستند که به زبان فارسی نگاشته شده‌اند. نگارش کتابهایی به زبان فارسی در این دوران نشان می‌دهد که تشیع در ایران قدرتمند بوده و فارسی‌زبانان فراوانی بوده‌اند که از این کتابها بهره می‌بردند.^{۲۸۸}

از پیش‌تازان این سبک در قرنهای بعدی ابراهیم بن علی کفعمی (م ۹۰۰ هـ) است که با تألیف کتابهای المصباح، البلد الامین و الجنة الواقیه (مختصر مصباح) خدمت شایانی به جامعه علمی شیعه کرد. در فاصله قرنهای دهم تا چهاردهم هجری نیز تألیفات در این سبک گسترش یافت که می‌توان به تلاشهای علامه

۲۸۶. سید بن طاووس تألیف کتاب کشف‌المحجبه لثمره المہجه را در شصتمین سال عمر خویش (۶۴۹ هـ) در کربلا آغاز کرده و در اواخر همان سال به پایان رسانده است. وی این تألیف را به فرزندان خردسالش محمد و علی هدیه کرده و در آن زندگی و اندیشه‌هایش را برای ایشان بازگو کرده است. کتاب حاضر شامل موعظه‌ها و نصایح پدرا نه سید است و منبع مهمی برای آشنایی با شخصیت سید بن طاووس به شمار می‌رود.

۲۸۷. ترجمه کامل اقبال‌الاعمال، سید بن طاووس، ترجمه محمد روحی، جلد اول، ص ۵۰۹ و ۵۱۰.

۲۸۸. این دو کتاب به کوشش آقای رسول جعفریان به چاپ رسیده است. برای اطلاع از ادبیات و سبک این آثار می‌توانید به ضمیمه شماره سه همین درس مراجعه کنید.

مجلسی در این زمینه اشاره کرد. کتاب *زاد المعاد* او تا سالهای نخستین قرن حاضر مورد توجه عموم مردم قرار داشت.

الصحيفة المهدية (یا *التحفة المهدیه*) نیز نام کتابی است که دعاهاى امام مهدى عجل الله تعالى فرجه الشريف را جمع‌آوری کرده است. این کتاب در عصر صفویه توسط ملا ابراهیم، فرزند ملا محسن فیض کاشانی، تألیف شده است.

فعالیت‌های دعایی معاصر

در عصر حاضر دانشمندانی نظیر محدث نوری و شاگرد توانایش شیخ عباس قمی خدمات ارزنده‌ای به دانش حدیث و ادعیه نموده‌اند. محدث قمی (۱۲۹۴ هـ - ۱۳۵۹ هـ) با تدوین کتابهایی نظیر *وقایع الايام* و *مفاتیح الجنان* در سبک ادعیه و اعمال توانسته است مخاطبان بسیاری را به این اعمال خدایسندانه ترغیب نماید. امروزه کمتر خانه‌ای در ایران هست که از نعمت کتاب *مفاتیح الجنان* محروم باشد. در سالهای اخیر نیز نگارشهای بسیاری در موضوع ادعیه و اعمال توسط محققان و پژوهشگران انجام شده است که به عنوان نمونه می‌توان از تلاشهای آقای جواد قیومی یاد کرد. ایشان با گردآوری ادعیه هر امام در مجلدی ویژه سعی کرده‌اند دعاهاى امامان را به صورتی سندگونه از یکدیگر تفکیک کنند. برخی از آثار ایشان عبارت است از: *صحیفه امام علی (علیه السلام)*، *صحیفه امام باقر (علیه السلام)*، *صحیفه امام کاظم (علیه السلام)*، *صحیفه امام جواد (علیه السلام)*، *صحیفه امام هادی (علیه السلام)*، *صحیفه امام مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف)* و

علامه سید محسن امین هم با نگارش *مفاتیح الجنات* در دو جلد، اثری در موضوع ادعیه و اعمال از خود به یادگار گذاشته است. کتابهای *مفاتیح نوین* از آیت الله مکارم شیرازی و *المصباح المنیر* از آیت الله مشکینی نیز آثاری سودمند در عرصه ادعیه، زیارات و مناجات به زبان فارسی هستند. در این میان بایسته است به آثار حدیثی ارزشمند جناب آقای ری‌شهری در موضوع ادعیه و اعمال اشاره کنیم؛ کتابهای *شهر الله فی الکتاب و السنة، الدعاء فی الکتاب و السنة* (به عربی و فارسی)، *مراقبات ماه رمضان و ادعیه حج* از کوشش‌های ستودنی ایشان و دیگر محققان در مؤسسه دار الحدیث است.

چکیده

- ✓ بسیاری از علمای شیعه و سنی نسبت به نگارش مجموعه‌هایی که حاوی ادعیه، اعمال مستحبی و ارتباط با خدا باشد همت گماشته‌اند.
- ✓ تعداد نگارشهای شیعیان در این سبک به مراتب بیشتر از سنیان بوده است.
- ✓ در کارنامه علمی بسیاری از عالمان شیعی کتابهایی با عناوین *الدعاء، الأدعیه، دعاء السفر، فضل الدعاء، الدعوات، الذکر، عمل الشهور، ثواب الأعمال* و ... دیده می‌شود.

- ✓ بیشترین ادعیه مأثوره از امام علی (علیه السلام)، امام سجاد و امام صادق (علیهم السلام) گزارش شده و مشهورترین مجموعه دعایی اهل بیت کتاب بی‌نظیر صحیفه سجادیه است.
- ✓ صحیفه، مشهور به زبور آل محمد، از اولین مکتوبات شیعیان بوده که در قرن اول هجری نگاشته شده است.
- ✓ نویسندگان بی‌شماری در میانه قرنهای سوم تا پنجم هجری کتابهایی در موضوع ادعیه و اعمال گرد آوردند که بسیاری از آنها در جوامع اولیه ادغام گردید.
- ✓ کتاب مصباح/المتجهّد و سلاح/المتعبد اثری معتبر و ارزشمند در سبک دعا و اعمال پسندیده است.
- ✓ شیخ طوسی با توجه به منش فقهی‌اش در این کتاب دعا سعی نموده است این کتاب دعا را به صورت یک رساله عملیه و مشتمل بر کلیات مطالب فقهی تألیف کند.
- ✓ امروزه نام سید بن طاووس با کتب ادعیه و این سبک عجین گشته است.
- ✓ سید علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن طاووس از بزرگان امامیه در قرن هفتم هجری است که در جلالت و منزلت و صفای سیرت کم‌نظیر است.
- ✓ اتان کلبرگ با پژوهشی نسبتاً کامل در کتابهای تراجم و فهراس و همچنین مجموعه آثار سید بن طاووس توانسته است نام ۵۹ کتاب او را با مشخصات اجمالی کشف کند.
- ✓ کتاب الدرّوع/الواقیه دعاهایی که در هر ماه تکرار می‌شود و اعمال پسندیده‌ای را که انجام آن در هر ماه شایسته است دربردارد.
- ✓ مؤلف در کتاب الاقبال/بالاعمال سعی کرده است اعمال و ادعیه‌ای را که در سال حداقل یک بار انجام می‌شود جمع‌آوری کند.
- ✓ در بخش اول کتاب جمال/الاسبوع ادعیه مربوط به روزهای هر هفته را گرد آمده است. بخش دوم، که قسمت عمده کتاب را شامل می‌شود، مجموعه ادعیه و اعمال شب و روز جمعه را به خوانندگان می‌آموزد.
- ✓ کتاب المهمّات نگارش جدید و مستقّلی نیست، بلکه عرضه‌ای جدید از کتابهای پیشین سید است که به عنوان مهم‌ترین پژوهش پیرامون کتاب مصباح/المتجهّد در نزد کتاب‌شناسان شناخته شده است.
- ✓ در عصر حاضر دانشمندانی نظیر محدث نوری و شاگرد توانایش شیخ عباس قمی خدمات ارزنده‌ای به دانش حدیث و ادعیه نموده‌اند.

ضمیمه (۱)

منابع مطالعاتی

- ۱- مصباح/المتجهّد.
- ۲- الذریعه، ج ۲۱، ص ۱۱۸ (مصباح المتجهّد)؛
- ۳- دائرة المعارف تشیع، ج ۷، ص ۵۲۰ - ۵۱۴؛
- ۴- قرآن صاعد، علی رضا برازش؛
- ۵- آیین بندگی و نیایش (ترجمه عدة الدّاعی)، تألیف ابن‌فهد حلی، ترجمه حسین غفاری؛

ضمیمه (۲)

۲۸۹

دعای بیست و چهارم صحیفه سجاده

وَكَانَ مِنْ دُعَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَبَوَيْهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ وَأَخْصُصْهُمْ بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ
وَسَلَامِكَ وَأَخْصُصِ اللَّهُمَّ وَالِدِي بِالْكَرَامَةِ لَدَيْكَ وَالصَّلَاةَ مِنْكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَالْهَمْنِي عِلْمَ مَا يَجِبُ لَهُمَا عَلَى الْهَامَا وَاجْمَعْ لِي عِلْمَ ذَلِكَ كُلِّهِ تَمَامًا ثُمَّ اسْتَعْمَلَنِي بِمَا تُلْهِمُنِي مِنْهُ وَوَقَّفَنِي
لِلنُّفُوزِ فِيمَا تُبَصِّرُنِي مِنْ عِلْمِهِ حَتَّى لَا يَقُوتَنِي اسْتِعْمَالُ شَيْءٍ عِلْمَتِيهِ وَلَا تَثْقُلَ أَرْكَانِي عَنِ الْخُفُوفِ فِيمَا الْهَمْتَنِيهِ
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا شَرَفْتَنَا بِهِ وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَمَا أَوْجَبْتَ لَنَا الْحَقَّ عَلَى الْخَلْقِ بِسَبَبِهِ اللَّهُمَّ
اجْعَلْنِي أَهَابُهُمَا هَيْبَةَ السُّلْطَانِ الْعُسُوفِ وَأَبْرَهُمَا الْأُمِّ الرُّؤْفِ وَاجْعَلْ طَاعَتِي لِوَالِدِي وَبِرِّي بِهِمَا أَقْرَ لِعَيْنِي مِنْ رَقْدَةِ
الْوَسْطَانِ وَائْتَلِجْ لِي صَدْرِي مِنْ شَرِّبَةِ الظُّلَمَانِ حَتَّى أُؤَثِّرَ عَلَى هَوَايَ هَوَاهُمَا وَأَقْدِمَ عَلَى رِضَايَ رِضَاهُمَا وَأَسْتَكْثِرَ
بِرَّهُمَا بِي وَإِنْ قَلَّ وَاسْتَقِلَّ بِرِّي بِهِمَا وَإِنْ كَثُرَ اللَّهُمَّ خَفِّضْ لَهُمَا صَوْتِي وَأَطْبِ لَهُمَا كَلَامِي وَالْآنَ لَهُمَا عَرِيكَتِي
وَأَعْطِفْ عَلَيْهِمَا قَلْبِي وَصَيِّرْنِي بِهِمَا رَفِيقًا وَعَلَيْهِمَا شَفِيقًا اللَّهُمَّ أَشْكُرُ لَهُمَا تَرْبِيَّتِي وَآثِبُهُمَا عَلَى تَكْرَمَتِي وَأَحْفَظُ
لَهُمَا مَا حَفَظَهُ مِنِّي فِي صَغَرِي اللَّهُمَّ وَمَا مَسَّهُمَا مِنِّي مِنْ آذَى أَوْ خَلَصَ إِلَيْهِمَا عَنِّي مِنْ مَكْرُوهِ أَوْ ضَاعَ قَبْلِي
لَهُمَا مِنْ حَقٍّ فَاجْعَلْهُ حِطَّةً لِدُنُوبِهِمَا وَعُلُوءًا فِي دَرَجَاتِهِمَا وَزِيَادَةً فِي حَسَنَاتِهِمَا يَا مُبْدِلَ السَّيِّئَاتِ بِأَضْعَافِهَا مِنْ
الْحَسَنَاتِ اللَّهُمَّ وَمَا تَعَدَّيَا عَلَيْهِ فِيهِ مِنْ قَوْلٍ أَوْ أَسْرَفَا عَلَيْهِ فِيهِ مِنْ فِعْلٍ أَوْ ضَيَّعَا لِي مِنْ حَقٍّ أَوْ قَصَرَا بِي عَنْهُ
مِنْ وَاجِبٍ فَقَدْ وَهَبْتَهُ لَهُمَا وَجَدْتُهُ بِهِ عَلَيْهِمَا وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِي وَضْعٍ تَبِعْتَهُ عَنْهُمَا فَإِنِّي لَا أَتَّهِمُهُمَا عَلَى نَفْسِي
وَلَا أَسْتَبْطِئُهُمَا فِي بَرٍّ وَلَا أَكْرَهُ مَا تَوَلَّيَاهُ مِنْ أَمْرِي يَا رَبِّ فَهَمَا أَوْجِبُ حَقًّا عَلَى وَأَقْدِمُ إِحْسَانًا إِلَيَّ وَأَعْظُمُ مَنَّةً
لَدَيْكَ مِنْ أَنْ أَقْصَهُمَا بَعْدَلٍ أَوْ أَجَازِيَهُمَا عَلَى مِثْلِ آيْنٍ إِذَا يَا إِلَهِي طَوَّلُ شُغْلُهُمَا بِتَرْبِيَّتِي وَأَيِّنْ شِدَّةَ تَعَبِهِمَا فِي
حِرَاسَتِي وَأَيِّنْ افْتَارَهُمَا عَلَى أَنْفُسِهِمَا لِلتَّوَسُّعَةِ عَلَى هَيْهَاتَ مَا يَسْتَوْفِيَانِ مِنِّي حَقَّهُمَا وَلَا أُدْرِكُ مَا يَجِبُ عَلَى لَهُمَا
وَلَا أَنَا بِقَاضٍ وَظِيفَةَ خِدْمَتِهِمَا فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَعِنِّي يَا خَيْرَ مَنْ اسْتَعِينُ بِهِ وَوَقَّفَنِي يَا أَهْدَى مَنْ رَغِبَ
إِلَيْهِ وَلَا تَجْعَلْنِي فِي أَهْلِ الْعُقُوقِ لِلْأَبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ يَوْمَ تُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَخْصُصْ أَبَوَيَّ بِأَفْضَلِ مَا خَصَّصْتَ بِهِ آبَاءَ عِبَادِكَ الْمُؤْمِنِينَ وَأُمَّهَاتِهِمْ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَهُمَا فِي أَدْبَارِ صَلَوَاتِي وَفِي إِنْشَاءِ لَيْلِي وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ مِنْ سَاعَاتِ نَهَارِي اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَأَغْفِرْ لِي بِدُعَائِي لَهُمَا وَأَغْفِرْ لَهُمَا بِبِرِّهِمَا بِي مَغْفِرَةً حَتْمًا وَارْضَ عَنْهُمَا بِشَفَاعَتِي لَهُمَا رِضًا عَزْمًا
وَبَلِّغْهُمَا بِالْكَرَامَةِ مَوَاطِنَ السَّلَامَةِ اللَّهُمَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لَهُمَا فَشَفِّعْهُمَا فِيَّ وَإِنْ سَبَقَتْ مَغْفِرَتُكَ لِي فَشَفِّعْنِي
فِيهِمَا حَتَّى نَجْتَمِعَ بِرَأْفَتِكَ فِي دَارِ كَرَامَتِكَ وَمَحَلِّ مَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالْمَنْ الْقَدِيمِ
وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.

دعای خیر برای پدر و مادر

بار خدایا، درود بر محمد (صلی الله علیه و آله)، بنده و فرستاده‌ات، و بر خاندان پاکش؛ و آنها را مشمول نیکوترین صلوات و برکات و سلام خود فرما. و نیز بار خدایا، پدر و مادرم را به کرامتی که نزد توست و صلوات از جانب خویش مخصوص فرمای؛ ای مهربان‌ترین مهربانان.

بار خدایا، درود بر محمد (صلی الله علیه و آله)، و خاندان وی؛ و دانش آنچه را که در رابطه با آن دو بر من فرض است به من الهام فرما و آن شناخت را سراسر در من گرد آور و آن گاه مرا بر آن دار که در هر آنچه به من بینش داده‌ای اختیار حاصل کنم تا دقیقه‌ای از آنچه به من آموخته‌ای از من فوت نگردد و بدنم از آنچه به من الهام کردی ماندگی نشان ندهد.

بار خدایا، درود بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان وی، همان گونه که ما را با انتساب به وی شرافت دادی، و درود بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان وی، از آن روی که به سبب وی حق ما را بر مردم واجب فرمودی.

بار خدایا، چنان کن که مانند کسی که از شکوه سلطانی سخت‌گیر بیمناک است از آن دو بیمناک باشم و چون مادری مهربان بدانها نیکویی نمایم و فرمان بردنم را از پدر و مادر و نیکی بدیشان را از خواب در دیده خواب‌آلوده صفا بخش‌تر و گوارتر از آب خنک در کام تشنه قرار ده تا آنکه خواسته آن دو را بر خواهش خویش ترجیح و خشنودی آنان را بر خواسته خود مقدم دارم و نیکویی آنها را، هرچند اندک باشد، درباره خود بسیار شمارم و خوش‌خدمتی خود را نسبت به آن دو اندک شمارم، هرچند بسیار باشد.

بار خدایا، صدایم را برای آن دو ملایم و سخنم را برای آنها خوشایند و خویم را برای آن دو نرم و دلم را بر آنها مهربان و مرا نسبت به ایشان رفیق شفیق گردان.

بار خدایا، تربیتی که آن دو از من کرده‌اند مشکور تو باد و از اینکه آن دو مرا گرامی داشته‌اند جزای خیرشان ده و آنچه را که در دوران کودکی‌ام در حفاظت آن کوشیده‌اند برای آنان نگاه دار.

بار خدایا، هر آزاری که در کودکی از من بدیشان رسیده و هر ناپسندی که از ناحیه من بدیشان سر زده یا هر حقی که نسبت به ایشان از جانب من تضییع شده آن را مایه فرو ریختن گناهان و علو درجات و افزایش حسنات آن دو قرار ده. ای کسی که بدیها را به چندین برابر از نیکوییها تبدیل می‌کنی.

بار خدایا، و هر تعدی که در گفتار یا زیاده‌روی که در کردار بر من روا داشته‌اند یا در انجام وظیفه‌ای نسبت به من کوتاهی ورزیده‌اند، من بر ایشان بخشودم و از تو خواستارم که بار پیامدهای آن را از آن دو فرو کاهی، چرا که من درباره خود هیچ گمان بدی به ایشان نمی‌برم و آنها را در مهربانی نسبت به خود قصور ورزنده نمی‌شمارم و از آنچه در اداره کردن من بدان مبادرت ورزیده‌اند ناخشنود نیستم.

پروردگارا، به راستی که حق آن دو بر من واجب‌تر و احسانشان به من دیرینه‌تر و مقرون به منتهی هر چه بیشتر است، تا اینکه بخواهم در مقام دادخواهی برآیم و با آنها معامله به مثل کنم. در این صورت ای خدای من، در ازای اشتغال ایشان در پرورش من و سختی رنجی که در نگهداری من بر خود هموار کرده‌اند چه خواهد شد؟ دریغا! که آن دو نمی‌توانند حق خود را از من استیفا کنند و من توانا نیستم که آنچه را آن دو بر عهده من دارند تدارک نمایم و با انجام وظیفه در خدمت آنها درکوشم؛ پس درود بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان وی؛ مرا یاری ده ای بهترین از کس که از او یاری می‌جویند، و توفیقم بخش، ای راه نماینده‌ترین کس که روی به سوی او نهند، و مرا در روزی که هر کس در برابر کردارش کیفر می‌بیند و بر کسی ستم نمی‌رود در زمره آن گروه که پدر و مادر را نافرمانی کرده‌اند قرار مده.

بار خدایا، درود بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان و فرزندان وی؛ و پدر و مادر مرا به برترین موهبت‌هایی که ویژه پدران و مادران بندگان مؤمن خود گردانیده‌ای مخصوص فرمای، ای مهربان‌ترین مهربانها.

بار خدایا، در تعقیب نماز و در پاره‌ای از اوقات شبانگاهی‌ام و در ساعتی از ساعات روزم یاد آن دو را از خاطرم مبر.

بار خدایا، درود بر محمد (صلی الله علیه و آله) و خاندان وی، و به دعایی که من درباره آنها می‌کنم مرا بیامرز و آن دو را به سبب نیکی آنها بر من حتماً بیامرز و به پایمردی من به راستی از ایشان خشنود شو و آن دو را با کرامت به جاهای امن و سلامت برسان!

بار خدایا، اگر آن دو را پیش از من آمرزیده‌ای آن دو را شفاعتگر من ساز و اگر آمرزش تو پیش از آن دو شامل بنده‌ات شده، مرا شفیع آن دو قرار ده تا در سرای کرامت و جایگاه آمرزش و رحمت تو در پرتو مه‌رت همه با هم گرد یکدیگر جمع شویم. در حقیقت تویی تو که واجد فضل بزرگ و منت دیرینه‌ای و این خود تویی که مهربان‌ترین مهربانانی.

ضمیمه (۳)

بخشی از کتاب ذخیره الآخرة (متنی فارسی از قرن ۶ هجری)

سؤال

باید که شب عید فطر غسل کند و وقتش آن‌گاه بود که آفتاب فرو رود و باید که شب عید به عبادت مشغول بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) گفته است که عجب دارم از کسی که در سالی چهار شب به عبادت مشغول نبود. اول شب از رجب و شب نیمه شعبان و شب عید فطر و شب عید اضحی. و سنت که شب عید فطر پس از نماز شام بگوید در سجده: «يَا ذَا الطُّوْلِ يَا ذَا الْحَوْلِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا مُصْطَفِيَا مُحَمَّدًا وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاعْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ وَنَسِيتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ». آن‌گاه صد بار بگوید: «أتوب إلى الله» و سنت است که تکبیر عقب چهار نماز؛ پس از نماز شام شب عید و پس از نماز خفتن و پس از نماز بامداد و پس از نماز عید، بگوید: «اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا هَدَانَا وَلَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَوْلَانَا».

و سنت است که شب عید فطر دو رکعت نماز کند؛ بخواند در رکعت اول «الحمد» یک بار و هزار بار «قل هو الله أحد» و در رکعت دیگر «الحمد» یک بار و «قل هو الله أحد» یک بار و چون سلام بدهد تسبیح زهرا (سلام الله علیها) بگوید و حاجتی که دارد بخواند.

نمازی دیگر در شب عید فطر روایت کرده‌اند از سلمان فارسی (رحمة الله علیه) که گفت:

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت: هیچ بنده نبود که نماز کند شب عید شش رکعت که نه شفاعت دهندش در اهل بیت او جمله، و اگرچه باشد از اهل دوزخ. بخواند در هر رکعتی «الحمد» یک بار و «قل هو الله» پنج بار.

نماز دیگر هم در شب عید فطر؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) گفت:

هر که شب عید فطر ده رکعت نماز کند و بخواند در هر رکعتی یک بار «الحمد» و ده بار «قل هو الله أحد» و در رکوع و سجود بگوید: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ»

وَاللهُ أَكْبَرُ» و چون از نماز فارغ گردد هزار بار بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللهَ»، آن‌گاه سجده کند و بگوید در آن سجده: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا ذَاجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ يَا رَحْمَنُ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَحِيمُهُمَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ يَا إِلَهَ الْآوَلِينَ وَ الْآخِرِينَ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَ تَقَبَّلْ صَوْمِي وَ صَلَوَاتِي وَ قِيَامِي».

رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت:

بدان خدای که مرا به حق به خلق فرستاد که هر که این نماز بکند از مؤمنان بر این صفت که یاد کرده شد، سر از سجده برنیارد الا که خدای تعالی وی را بیمارزیده بود و پذیرد از وی ماه رمضان و گناهان وی بیمارزد و اگر چه هفتاد گناه کرده بود هر گناهی عظیم از جمله گناهان بندگان خدا.

و سنت بود که روز عید فطر غسل کند و وقتش آن‌گه بود که صبح برآید تا وقتی که نماز عید بگذارند. و باید که روز عید جامه پاک‌ترین بپوشد و بوی خوش به کار دارد. و چون آفتاب بر زمین افتاد وقت نماز عید بود. و در نماز عید بانگ نماز عید و قامت نبود؛ کفایت بود که برخیزد و سه بار بگوید: «الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ» و روی به قبله آرد و بگوید: «الله اکبر» و «سبح اسم ربك الأعلى» بخواند و دست بردارد و تکبیر کند و بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ؛ اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ وَأَهْلَ الْغَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا وَلِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَرَامَةً وَذُخْرًا وَمَزِيدًا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْنَاكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَنَعُوذُ بِمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ.

آن‌گه تکبیر دوم بکند و همین دعا بگوید و تکبیر سیم بکند و همین دعا بگوید و تکبیر چهارم بکند و همین دعا بگوید و تکبیر پنجم بکند^{۲۹۰} و به رکوع شود. آن‌گه دو سجده بکند و برخیزد و یک رکعت دیگر بکند و «الحمد» و «و الشَّمْسُ وَ ضُحِيهَا» بخواند. آن‌گه تکبیری بگوید و همین دعا بکند و تکبیر دوم بگوید و همین دعا بکند و تکبیر سیم بگوید و همین دعا بکند و تکبیر چهارم بگوید و همین دعا بکند و تکبیر پنجم بگوید و به رکوع شود و نماز تمام بگذارد و چون سلام بدهد تسبیح زهرا (سلام الله علیها) بگوید و دعا کند و حاجتها بخواهد.

و مستحب است که پس از نماز عید این دعا بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَةِ رَسُولِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوْلِيَّهِمْ إِلَى آخِرِهِمْ أَدِينُكَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرَّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا أَتَانَا مِنْهُ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا مِنْ مُقَرَّرٍ بِذَلِكَ مُسَلِّمٍ رَاضٍ بِمَا رَضِيتَ بِهِ يَا رَبُّ أُرِيدُ وَجْهَكَ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرُ إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِطَاعَتِكَ حَتَّى تَوْفَّانِي عَلَيْهَا وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنْ تَخْتِمَ لِي بِالسَّعَادَةِ يَا غَفُورٌ يَا رَحِيمٌ.^{۲۹۱}

۲۹۰. در ادامه آمده: و همین دعا بگوید و تکبیر ششم بکند و همین دعا بگوید و تکبیر هفتم بکند!

۲۹۱. ذخیره/آخر، ص ۸۲ - ۷۹.

ضمیمه (۴)

۲۹۲

مطالبی از کتاب امام در عینیت جامعه

موضوع اول، نشر انواع مسائل تربیتی فردی و اجتماعی و اعتقادی (ایدئولوژیکی) بود در قالب «دعا» (صحیفه سجّادیه). تأمل و اندیشه در مضامین این دعاها مسائل بسیاری را بر ما روشن می‌کند و تعلیمات بسیاری به جامعه اسلام، بلکه جامعه درگیر بشری در هر نقطه و از هر مذهب می‌دهد که اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنم.

پارهای از آموزشهای صحیفه سجّادیه

۱- نظام صالح

امام با تکرار بسیار ذکر صلوات و درود بر محمد و آل محمد نظام صالح و حکومت حقّه را به یادها می‌آورد و رهبران عدالت کلی را می‌شناساند، و یاد مریبان الهی را زنده می‌کند، و رژیم صالح را معرفی می‌نماید.

۲- یاد شهیدان

حَمْدًا نَسْعُدُ بِهِ فِي السُّعْدَاءِ مِنْ أَوْلِيَائِهِ، وَنَصِيرُ بِهِ فِي نَظْمِ الشُّهَدَاءِ بِسُيُوفِ أَعْدَائِهِ ...^{۲۹۳}
خداوند را سپاس ... آن‌گونه سپاسی که بدان در زمره نیکبختان و دوستان خدا درآییم و در رده شهیدان قرار گیریم؛ آنان که با شمشیرهای دشمنان خدا کشته شدند.

۳- هجرت برای نشر حق

وَهَاجِرْ إِلَى بِلَادِ الْغُرَبَاءِ ... إِرَادَةً مِنْهُ لِإِعْزَازِ دِينِكَ ...^{۲۹۴}
خداوند، بر پیامبر درود فرست ... او که به سرزمین غربت مهاجرت کرد تا دین تو را عزیز و پیروز بدارد.

۴- گرمی داشت فداکاران

وَسَابِقُوا إِلَى دَعْوَتِهِ، وَاسْتَجَابُوا لَهُ حَيْثُ أَسْمَعَهُمْ حُجَّةَ رِسَالَتِهِ، وَفَارَقُوا الْأَزْوَاجَ وَالْأَوْلَادَ فِي أَظْهَارِ كَلِمَتِهِ، وَقَاتَلُوا الْأَبَاءَ وَالْأَبْنَاءَ فِي تَثْبِيتِ نُبُوَّتِهِ ...^{۲۹۵}
خداوند، رحمت خویش را به ویژه بر اصحاب محمد فرست ... آنان که برای پذیرفتن دعوت او پیش افتادند، و چون دلائل پیامبری خویش را به آنان گفت پذیرفتند؛ برای نشر دین او از زن و فرزند دست شستند، و برای پایدار ساختن رسالت او با پدران و فرزندان خویش جنگ کردند.

۲۹۲. محمد رضا حکیمی، ص ۳۸ - ۲۵.

۲۹۳. دعای یکم.

۲۹۴. دعای دوم.

۲۹۵. دعای چهارم.

۵- امر به معروف و نهی از منکر

وَأَتَّبِعِ السُّنْنَ، وَمُجَانِبَةِ الْبِدْعِ، وَالْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ، وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ ...^{۲۹۶}
 خداوندا، ما را توفیق ده تا از سنت پیامبر پیروی کنیم، و بدعتها (مسائل نوظهور و خلاف شرع) را نپذیریم. ما را توفیق ده تا امر به معروف و نهی از منکر کنیم.

۶- نگرهبانی اسلام

وَحِیَاطَةِ الْإِسْلَامِ ...^{۲۹۷}

خداوندا، ما را توفیق ده تا از دین اسلام نگرهبانی و حراست کنیم.

۷- کوبیدن باطل و یاری حق

وَأَنْتِقَاصِ الْبَاطِلِ وَإِذْلَالِهِ، وَنُصْرَةِ الْحَقِّ وَإِعْزَازِهِ.^{۲۹۸}

خداوندا، ما را توفیق ده تا باطل را ناچیز شماریم و خوار سازیم، و حق را یاری کنیم و بزرگ داریم.

۸- کمک به گمراهان، رسیدگی به ناتوانان

وَأَرْشَادِ الضَّالِّ، وَمُعَاوَنَةِ الضَّعِيفِ، وَإِدْرَاكِ الْلَّهِيفِ.^{۲۹۹}

خداوندا، ما را توفیق ده تا گمراهان را به راه آوریم، ناتوانان را کمک رسانیم، و درماندگان را به داد رسیم.

۹- موضع و نگرهبانی آن

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ هِیْجَانِ الْحِرْصِ ... وَ اِلْحَاحِ الشَّهْوَةِ ... وَ تَعَاطٰی الْکُلْفَةِ وَاِیْشَارِ الْبَاطِلِ عَلٰی الْحَقِّ ... وَ سُوءِ الْوِلَایَةِ لِمَنْ تَحْتَ اَیْدِنَا ... اَوْ اَنْ نُّعْصِدَ ظَالِمًا، اَوْ نَخْذُلَ مَلْهُوْفًا ...^{۳۰۰}

خداوندا، به تو پناه می‌بریم از اینکه شود، و شهوات و خواسته‌ها مان پای فشارند، و دست به تکلف و تجمل زنیم، و ناروا و ناحق را بر حق برگزینیم، و در حکومت و سرپرستی نسبت به زیردستان خود بد کنیم و بد باشیم. خداوندا، به تو پناه می‌بریم از اینکه به ظالمی کمک کنیم و مظلوم بیچاره‌ای را تنها گذاریم.

۱۰- یاد بی‌پناهان اجتماع

يَا مَنْ لَا يَخْفٰی عَلَيْهِ اَنْبَاءُ الْمُتَظَلِّمِیْنَ، وَيَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ فِی قَصَصِهِمْ اِلٰی شَهَادَاتِ

۲۹۶. دعای ششم.

۲۹۷. دعای ششم.

۲۹۸. دعای ششم.

۲۹۹. دعای ششم.

۳۰۰. دعای هشتم.

الشَّاهِدِينَ ... ٣٠١

ای خدا، احوال و اخبار ستمدیدگان و دادطلبان بر تو پوشیده نمی‌ماند. ای خدا، چون ستمدیدگان سرگذشت خویش نزد تو باز گویند نیازی به شاهد و گواه ندارند.

۱۱- وجود ناامنی در جامعه ٣٠٢

وَمِنْ مَرَارَةِ خَوْفِ الظَّالِمِينَ حَلَاوَةُ الْأَمْنَةِ ... ٣٠٣

خداوندا، تلخی ترس و دلهره از ستمکاران را به شیرینی ایمنی بدل ساز.

۱۲- در برابر زمانه

وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ السَّرِيرَةِ، وَاحْتِفَارِ الصَّغِيرَةِ، وَأَنْ يَسْتَحُوذَ عَلَيْنَا الشَّيْطَانُ، أَوْ يَنْكَبُنَا الزَّمَانُ، أَوْ يَتَهَضَّمَنَا السُّلْطَانُ ... ٣٠٤

خداوندا، به تو پناه می‌بریم از اینکه بدباطن و بدنیت باشیم، و از اینکه گناه صغیره را کوچک شماریم، و از اینکه شیطان بر ما چیره گردد، و از اینکه زمانه به ما گزند رساند، و از اینکه قدرتها ما را هضم کنند. (آرمان و دین و حقایق انسانی ما را پایمال کنند و مغلوب فرهنگهای باطل سازند.)

۱۳- مبارزه با اسراف

وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ تَنَاوُلِ الْأَسْرَافِ ... ٣٠٥

خداوندا، به تو پناه می‌بریم از اینکه دست به اسراف زنیم. (چه در اموال فردی و چه اموال عمومی)

۱۴- ایجاد وحدت در اجتماع

وَأُظْفَاءِ النَّائِرَةِ، وَضَمِّ أَهْلِ الْفُرْقَةِ، وَإِصْلَاحِ ذَاتِ الْبَيْنِ، وَإِفْشَاءِ الْعَارِفَةِ ... وَالْقَوْلِ بِالْحَقِّ ... ٣٠٦

خداوندا، مرا چونان پرهیزگاران بر آن دار تا آتش فتنه‌ها را خاموش کنم، جناحهای متفرق جامعه را یکجا گرد آورم و تیرگیها را (در ردهای حق طلب) به صفا مبدل سازم، نیکی را در میان جامعه همه‌گیر سازم و حق را بگویم.

۱۵- تربیت فرزند در اجتماع فاسد

اَللّٰهُمَّ وَمَنْ عَلَيَّ بَقَاءٌ وَلَدِيَّ وَبِإِصْلَاحِهِمْ ... وَأَصِحَّ لِيَّ أَبْدَانُهُمْ وَأَدْيَانُهُمْ وَأَخْلَاقُهُمْ... وَأَجْعَلْهُمْ أَبْرَارًا، اتَّقِيَاءً، بُصْرَاءً، سَامِعِينَ مُطِيعِينَ، وَلَوْلِيَّائِكَ مُجِبِينَ مُنَاصِحِينَ، وَلِجَمِيعِ

٣٠١. دعای چهاردهم.

٣٠٢. در دوره «طاغوت» برای اینکه کتاب انتشار بیابد در این عنوان «وجود امنیت در جامعه» گذاشته بودیم، به مفهوم عکس.

٣٠٣. دعای بیستم.

٣٠٤. دعای هشتم.

٣٠٥. دعای هشتم.

٣٠٦. دعای بیستم.

أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَمُبْغِضِينَ ... ۳۰۷

خداوند، بر من منت گذار: فرزندانم را باقی بدار و چگونگی احوال آنان را به سامان آر. خدایا، تن آنان، عقاید و افکار آنان، و اخلاق و رفتار آنان را سالم بساز. خدایا، فرزندان مرا چنان قرار ده که نیکان باشند و پرهیزگاران و بینایان به امور، آنان که مطیع فرمان تو باشند و دوستدار و خیرخواه دوستان تو (پیشوایان برحق) و دشمن کینه‌ور و ستیزه‌جو با همه دشمنان تو (پیشوایان ناحق). ۳۰۸

۱۶- تعلیم اخلاق مرامی

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ وَتَوَلَّنِيْ فِيْ جِرَانِيْ وَمَوَالِي الْعَارِفِيْنَ بِحَقِّنَا وَالْمُنَادِيْنَ لِاَعْدَائِنَا، بِاَفْضَلِ وَلَا يَتَكَ، وَوَفِّقْهُمْ لِاِقَامَةِ سُنَّتِكَ وَالْاَخْذِ بِمَحَاسِنِ اَدَبِكَ، فِيْ اِرْفَاقِ ضَعِيْفِهِمْ، وَسَدِّ خَلَّتِهِمْ، وَعِبَادَةِ مَرِيْضِهِمْ، وَهِدَايَةِ مُسْتَرْشِدِهِمْ، وَمُنَاصَحَةِ مُسْتَشِيرِهِمْ، وَكَيْمَانِ اَسْرَارِهِمْ ... وَنُصْرَةِ مَظْلُوْمِهِمْ ... ۳۰۹

خداوند، بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا، همسایگان و دوستان مرا، به بهترین گونه، سرپرستی کن، آن دوستان که موضع ما را (به عنوان پیشوایان عدالت اسلامی) می‌شناسند، و از دشمنان ما (دشمنان حق و عدالت) کینه‌توزانه بریده‌اند. خدایا، اینان را موفق بدار تا مشعل سنت را بر پای دارند، و به آداب دین تو رفتار کنند: به ناتوانان خود کمک رسانند و نیاز آنان را برآورند، بیماران خود را دیدن کنند، هدایت‌طلبان را به راه آرند، مشورت‌کنندگان را خیر و پند آموزند، و اسرار خویش (اسرار فردی و اجتماعی) را پنهان دارند.

۱۷- آشتی‌ناپذیری با دشمنان حق

وَاَنْ نُّسَالِمَ مَنْ عَادَانَا، حَاشَا مَنْ عُوْدِيْ فَيْكَ وَلَكَ، فَاِنَّهُ الْعَدُوُّ الَّذِي لَا نُؤَالِيْهِ، وَالْجِزْبُ الَّذِي لَا نُنَاصِيْهِ ... ۳۱۰

خداوند، ما را موفق بدار تا با آنان که از در دشمنی با ما درآمده‌اند، از در سلم و آشتی درآییم، مگر، کسانی که برای تو و در این راه دین تو و احکام تو (که همه منشور حق است و مرام‌نامه عدل) با آنان دشمنی کردیم. اینان (یعنی دشمنان حق و عدالت)

۳۰۷. دعای بیست و پنجم.

۳۰۸. امام در این قسمت از دعا با ذکر کلمه «أَدْيَانَهُمْ» و «أَخْلَاقَهُمْ» و کلمه «بُصْرَاء» و ... به این حقیقت عینی اشاره می‌فرماید که در اجتماعات فاسد و نظامهای کذاب انسان باید از جهات گوناگون مراقب تربیت فرزند خود باشد، و به این اندازه که بنگرد فرزندش سالم و بانشاط و سرزنده است و مشغول تحصیل و پیمودن مدارج است نباید بسنده کند. بلکه باید درباره اعتقاد، طرز فکر، بینش اجتماعی و شعور زمانی او نیز حساسیت نشان دهد و در جریان قرار داشته باشد و مراقبت کند. زیرا که قدرتها و مسلکها به انواع گوناگون (گاه با ایجاد شک و شبهه درباره مبانی حق و عدالت و گاه با درست جلوه دادن مبانی باطل و ستم) تبلیغ می‌کنند. و تبلیغ تأثیر می‌گذارد، و در نتیجه دل پاک نوجوان و جوان کم‌مطالعه و کم‌اطلاع تحت تأثیر قرار می‌گیرد و از سعادت بزرگ، که داشتن عقیده صحیح و آرمان والا و دل بیدار و موضع مقدس و شعور متبلور است، محروم می‌ماند، و عدم مقابله با چنین کیفیتی بزرگ‌ترین کوتاهی و تقصیر است در حق فرزند؛ تقصیری نابخشودنی.

۳۰۹. دعای بیست و ششم.

۳۱۰. دعای چهل و چهارم.

دشمنانی‌اند که هیچ‌گاه با آنان آشتی نمی‌کنیم و دوست نمی‌شویم و یک لحظه با گروه آنان دل صاف نمی‌کنیم.

۱۸- همکاری نکردن با ستمکاران (ظَلَمَه)

وَلَا تَجْعَلْنِي لِلظَّالِمِينَ ظَهِيْرًا ... ۳۱۱

خداوندا، مرا همدست و کمک‌کار ستمگران قرار مده.

۱۹- ستمکاران، محوکنندگان دین

وَلَا لَهُمْ عَلٰی مَحْوِ كِتَابِكَ نَصِيْرًا ... ۳۱۲

خداوندا، مرا در محو قرآن و احکام قرآن یاور و یاری‌رسان به ستمگران مساز.

و دهها و دهها از این تعالیم عالی و هنوز برتر و هنوز صریح‌تر که در کتاب ناشناخته صحیفه سجادیه موج می‌زند؛ کتاب به ظاهر دعا و در باطن هم دعا و هم همه آن تعالیم اجتماعی و سیاسی و حقوقی و تربیتی و مرامی و نظامی و

امام در این موضع با قدرتی شگرف، تکلیف خویش را ادا می‌کند. با زبان دعا و مناجات و یا واژه‌های نیایش، تصویری روشن از اجتماع اسلامی و تکلیف مسلمانان در شئون گوناگون به دست می‌دهد. حتی به گوش آنان نیز که در گوشه‌ها خزیده‌اند و به عبادات فردی و دعا مشغول‌اند سخنان لازم را از طریق دعا می‌رساند و در گوش آنان می‌گوید که:

حکومت عدلی در کار نیست؛ نهی از منکر و امر به معروف نمی‌کنند؛ باطل را از میان برنمی‌دارند؛ به حق یاری نمی‌رسانند؛ به فریاد ناتوانان و درماندگان نمی‌رسند؛ کسی از موضع حق نگاهبانی نمی‌کند؛ کسی بی‌پناهان اجتماع را پناه نمی‌دهد؛ گروه‌های مردم پراکنده‌اند؛ جامعه ایمنی وجود ندارد؛ موضع حق حراست نمی‌شود.

نیز به گوشها می‌رساند که شما:

یاد فداکاران را زنده بدارید؛ برای نشر حق و عدالت بکوشید؛ اسلام و سُنن اسلام را حراست کنید؛ باطل را سرنگون سازید؛ حق را برآورید؛ به ستمگران کمک نکنید؛ ستم‌کشان را بی‌کمک نگذارید؛ به پراکندگیهای اجتماعی پایان دهید؛ به فرزندان خود برسید؛ فرزندان خویش را سالم و معتقد بار آورید؛ در محیطها و حکومت‌های فاسد آنان را رها نسازید؛ در تعقیب آنان و چگونگی تربیت آنان باشید و موضع و جهت آنان را تصحیح کنید؛ اخلاق مرامی داشته باشید؛ در دوستی حق و دشمنی باطل سخت‌گیر باشید، مرد حق را تنها نگذارید، آداب نظامی و دفاع و سلحشوری را بیاموزید و

این است قسمتی از تعلیمات والای صحیفه سجادیه که امام در دوره حکومت پرفشار اموی مروانی، همراه دعا و ذکر خدا و توجه به خداوند، بیان کرده است و به جامعه، از این طریق که امکان داشته است، آگاهی‌های لازم را داده است.

۳۱۱. دعای چهل و هفتم.

۳۱۲. دعای چهل و هفتم.

امام بزرگوار و حُجَّت کُبرایی که متأسفانه برخی از جهّال اهل منبر، از او موجودی بیمار و ناتوان ساخته‌اند، و توضیح نداده‌اند که امام چند روزی معدود در جریان عاشورا و سفر به نینوا بیمار گشت و سپس زندگی او یکی از فرازمندترین قلّه‌های تربیت و اشراف بود، و حراست و نگهبانی جوهر حماسه دین و تبلور هیجان‌بار عاشورا. گمان می‌کنند اینکه چند تن مستمع را بگریانند، اهمیت آن بیشتر است از بر باد دادن حماسه دین.

این گونه برداشتها، در مورد مصائب پاکان و پیشوایان و حماسه‌داران، خیانت است به فرهنگ تشیع و توهین است به چهره‌های نستوه و عزیز اسلام، و جنایت است در حق عناصر حماسه تاریخ. همان یادی که امام چهارم، در مناسبت‌های گوناگون از وقایع عاشورا می‌کرده است نیز پر است از حماسه و سرشار است از شعور موضعی، لیکن با کمال تأسف، به زبان بیشتر اهل منبر، به گونه‌ای ناروا ادا می‌شود که دور است از مقام پیشوایان حق و مردان بارسالت، بلکه باید گفت: دور است از چگونگی وقوع تاریخی این یادها و فریادها ...

مثلاً وقتی می‌گویند که امام چهارم، سال‌های پس از واقعه عاشورا، هنگامی که در مدینه از جایی می‌گذشت که قصابان گوسفند ذبح می‌کردند می‌ایستاد و با یادکرد ذبح عظیم عاشورا اشک می‌افشاند؛ چنین نبوده است که شخصی ناشناس و ناتوان در گوشه معبر بایستد و غریبانه برای خود بگیرد. مگر فراموش کرده‌ایم که ورود امام زین‌العابدین (علیه السلام) در مسجد الحرام، در موسم حج و ازدحام بزرگ، چه‌سان بوده است؟ مگر فراموش کرده‌ایم که مردمان گوناگون در مسجد کعبه چگونه راه می‌گشوده‌اند تا امام بیاید و حَجْرُ الْأَسود را لمس کند؛ به طوری که هشام بن عبدالملک و اطرافیان او (رجال حکومت شام) چنان تحقیر می‌شوند که خود را به نادانی می‌زنند. هنگامی که یکی از آن شامیان از روی تعجب رو به هشام می‌کند و می‌پرسد: «این مرد کیست؟»، هشام، با اینکه خوب می‌شناخته است، پاسخ می‌دهد: «من نمی‌شناسم». و در این هنگام فَرَزْدَق، شاعر شیعی شجاع، از میان جمع فریاد می‌زند: اگر تو نمی‌شناسی، من می‌شناسم:

هَذَا الَّذِي تَعْرِفُ الْبَطْحَاءُ وَطَاتَهُ وَالْبَيْتُ يَعْرِفُهُ وَالْحِلُّ وَالْحَرَمُ

- این بزرگ‌مرد همان کس است که سرزمین مکه، جای جای گام‌های او را می‌شناسد. (تو او را نمی‌شناسی؟ شناس)، خانه کعبه او را می‌شناسد، و همه زمین‌های پهناور «حِلُّ» و «حَرَم» او را می‌شناسند.... و این حماسه بزرگ را در معبد بزرگ و در میان آن ازدحام بزرگ می‌خواند.

امام چهارم (علیه السلام) که در مناسبت‌هایی ذبح عظیم عاشورا را به یادها می‌آورده است و اشک می‌ریخته است، این چگونگی در میان اجتماعات و در معابر بزرگ، آن هم با مقام اجتماعی و حشمت امامت و عزت تقوی و مناعت اسلام و مهابت ایمان، چنان بوده که لحظه‌ای می‌ایستاده است، و نفس‌ها در سینه‌ها بند می‌شده است، تا ببینند فرزند علی و حسین چه می‌خواهد و چه می‌گوید. آن‌گاه دیده‌ها به سوی او باز می‌گشته است و مردمان به سیمای پرمهابت او می‌نگریسته‌اند؛ سیمایی که به گفته فَرَزْدَق:

يُغْضِي حَيَاءٌ وَ يُغْضِي مِنْ مَهَابَتِهِ فَلَا يُكَلِّمُ إِلَّا حِينَ يَتَبَسَّمُ

- او از بزرگواری و آزرمن چشمان خویش بر هم می‌نهد؛ آن‌گاه دیگران، حشمت را، چشمان خویش بر هم می‌نهند؛ پس در حضرت او سخن نیارند گفت، مگر هنگامی که لب به تبسم گشاید.

و چون می‌نگریسته‌اند می‌دیده‌اند که از دیدگان پیشوا اشکی سوزان‌تر از آتش و خروشان‌تر از خروش بیرون می‌زند و بر گونه‌های او جاری می‌شود. و این اشک مردانه سوزان برای آن بوده است تا مردم در تبلور این قطرات پهنه عاشورا و قتلگاه شهیدان را بنگرند و تا آنان که نبوده‌اند و ندیده‌اند و نسلهای تازه و جوانان و نوجوانان عظمت فاجعه را لمس کنند و ابعاد عظیم حماسه را دریابند، و تا آنان نیز عاشورا آفرین باشند. بدین‌گونه این عمل خونها را به جوش می‌آورده است، سرها را پر از شور می‌کرده است، دستها را به قبضه‌های شمشیر می‌برده است، و دلهای جهان را می‌شکافته است و در میان آن دلهای بزرگ و شجاع می‌ساخته است.... و همین مددها بوده است که به خون شیعه می‌رسیده است و همینها بوده است که مشعل حماسه جاوید هیچ‌گاه از پای نیفتاده است

۲۰- دعا برای مرزبانان و سربازان اسلام و رعایت مصالح جهانی مسلمین

با همه اختصاری که در این رساله منظور کرده‌ام، به ویژه در همین بخش نخست، از اشاره به یکی دیگر از تعالیم صحیفه سجادیه نمی‌توانم گذشت. می‌دانید که دعا‌های مبارک کتاب صحیفه سجادیه را شماره‌گذاری کرده‌اند، و مجموعاً ۵۴ دعا است؛ برخی مفصل، یعنی در حدود چهل تا پنجاه سطر، و برخی مختصر، یعنی پانزده تا بیست سطر، به سطرهای متعارف. یکی از دعا‌های مفصل (بیش از پنجاه سطر) دعای بیست و هفتم است؛ درباره سربازان و مأمورانی که در مرزهای ممالک اسلامی به انجام مأموریت مشغول‌اند. آنچه در این دعا مهم است و باید سرمشق قرار گیرد نظری است که امام به مصالح کلی جامعه اسلامی افکنده است. در این نظر اسلام و مسلمانان را یک طرف قرار داده است و دشمنان و مخالفان اسلام را در طرف دیگر؛ از این رو به اختلاف مذهبی مسلمین و تشتهای فرقه‌ای توجه نکرده است و در برابر مسائل و مصالح جهانی اسلام آنها را نادیده انگاشته است. و چونان رهبری آگاه و دلسوز مشرف، برای صفوف مسلمین و مرزبانان خاکهای اسلام دعا کرده است. و این طرز فکر و دید را در این دعا تعلیم فرموده است، و بدین‌گونه رسالت و مقام خویش را به عنوان مرزبان حقیقی اسلام، که باید به یاد همه کس و آگاه از همه چیز باشد، خاطرنشان ساخته است.

اینک جملاتی از این دعا:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ، وَحَصِّنْ ثُغُوْرَ الْمُسْلِمِيْنَ بِعِزَّتِكَ، وَاَيِّدْ حُمَاتَهَا بِقُوَّتِكَ، وَاسْبِغْ عَطَايَاهُمْ مِنْ جِدَّتِكَ.

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست. خداوندا، مرزهای مسلمانان را، با عزت خود، استوار و برآورده دژ بدار. خدایا، نگهبانان این مرزها را، با نیروی خود، مدد کن. خدایا، حقوق آنان را از برکت و غنای خود فراوان ساز.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِهٖ، وَكَثِّرْ عِدَّتَهُمْ، وَاشْحَذْ اَسْلِحَتَهُمْ، وَآخِرُسْ حَوَزَتَهُمْ، وَاَلْفَ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ

خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا شماره و تعداد مرزبانان اسلام را بیفزای. خدایا، سلاحهای آنان را (برای حراست سرزمینهای قبله و قرآن، قرآن که دعوت به عدالت کلی می‌کند و بشریت را به عدل و احسان و خیر عمومی برای همه بشر فرا خواند) تیز ساز؛ حوزه آنان را حراست کن؛ میان آنان الفت برقرار فرمای؛ و امور آنان را خود تدبیر کن.

وَعَرَّفَهُمْ مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلَّمَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصَّرَهُمْ مَا لَا يَبْصُرُونَ.

خدایا، آنچه را نسبت به آن جاهل اند به آنان بشناسان. آنچه را نمی‌دانند به آنان بیاموز، و درباره آنچه بینایی و شناخت درستی ندارند، به آنان بینایی و شناخت بده (تا به علت دور بودن از مراکز، از فرهنگ و شناخت بی‌ بهره نباشند).

وَأَنسِيهِمْ عِنْدَ لِقَائِهِمُ الْعَدُوَّ ذِكْرَ دُنْيَاهُمْ الْخَدَاعَةِ الْغُرُورِ، وَأَمَحُ عَنْ قُلُوبِهِمْ خَطَرَاتِ الْمَالِ الْفُتُونِ، وَأَجْعَلِ الْجَنَّةَ نَصَبَ أَعْيُنِهِمْ.

خدایا، هنگامی که با دشمن رو به رو شوند، دنیای فریبکار فریبنده را در دل آنان بفراموشان؛ و وسوسه‌های شورانگیز مال دنیا را از لوح ضمیر آنان بشوی. خدایا، در آن لحظات، بهشت را در پیش چشم آنان درآر.

اَللّٰهُمَّ وَ اَيُّمًا مُّسْلِمٍ خَلْفَ غَازِيَا اَوْ مُرَابِطًا فِى دَارِهِ، اَوْ تَعَهَّدَ خَالِفِيهِ فِى غَيْبَتِهِ، اَوْ اَعَانَهُ بِطَائِفَةٍ مِّنْ مَّالِهِ، اَوْ اَمَدَّهُ بِعِتَادٍ، اَوْ شَحَذَهُ عَلَى جِهَادٍ، اَوْ اتَّبَعَهُ فِى وَجْهِهِ دَعْوَةً، اَوْ رَعَى لَهُ مِنْ وَّرَائِهِ حُرْمَةً، فَاجْرِ لَهُ مِثْلَ اجْرِهِ، وَرَنَّا بِوَزْنٍ، وَ مِثْلًا بِمِثْلٍ.

خداوندا، هر مسلمانی که در خانه سرباز به جهاد رفته‌ای یا مرزدارى بر جای مانده است، هر مسلمانی که سرپرستی خاندان او را به عهده گرفته است، هر مسلمانی که کمک هزینه‌ای به او کرده است، یا ساز و برگ به او داده است، یا او را بر رفتن به جهاد تحریض نموده است، یا در پی او و راه او پیام و دعوتی نشر داده است، یا در غیاب او از او به عنوان یک مجاهد دینی یا مرزدار اسلامی به احترام یاد کرده است، خدایا، این کسان را نیز مانند همان مجاهدان و مرزداران پاداش ده؛ به همان اندازه و به همان گونه

. ...

در این دعا، همه جا، تعبیر مسلم و مسلمین و اهل ثغور است؛ یعنی هر کسی که لا اله الا الله و محمد رسول الله بر زبان آرد، بدون در نظر گرفتن مذاهب و فرقه‌های اسلامی. و این، از نظر سیاست اسلامی، تعلیمی بزرگ است تا مسلمانان شیعه و سنی بدانند که در روزی که مصالح جهانی اسلام مطرح است و دشمن خارجی رویاروی ایستاده است باید به اسلام، به معنای اعم، اندیشید. این مصالح را ائمه طاهرين (عليهم السلام) همواره رعایت می‌کرده‌اند. و در عین پاسداری موضع راستین حق و نشر معارف و مبانی شیعی، از مصالح کلی اسلام و مسلمین غفلت نمی‌ورزیده‌اند. اکنون ما، شیعه، باید این تعلیم را سرمشق خود سازیم. هیچ گوینده‌ای، هیچ نویسنده‌ای، هیچ واعظی حق ندارد به نام دین و تشیع، مصالح اسلام را نادیده

بگیرد و به نام ولایت و علاقه‌مندی به امامان دستورات صریح خود امامان را زیر پای نهد. این موضع‌گیری‌های جاهلانه همه از سر جهل است، جهل به موضع مسئول تشیع، جهل به فرهنگ اصیل دین، جهل به روش پیشینیان شیعه، جهل به میراث و شعور میراثی ما، و جهل به مسائل زمان و سیاست‌های جهان.

من می‌دانم که در میان برادران اهل سنت ما کسانی که اصل برادری و تفاهم و حرمت متقابل را رعایت نمی‌کنند، اندک نیستند. در میان نویسندگان و مؤلفان و گویندگان و عالمان و فقیهان آنان هستند کسانی که به برادری اسلامی زیان می‌رسانند و از این راه - دانسته یا ندانسته و خواسته یا نخواست - به دشمن کمک می‌کنند، حتی در ایام حج و در موسم مشعر و منی ...؛ من اینها را می‌دانم، لیکن ما نباید مقابله به مثل کنیم و بر سر دوری و جدایی و نشر تفرقه مسابقه دهیم؛ در این میان اسلام را فدا سازیم و برای بهره‌برداری دشمن وسیله فراهم آوریم. ما مدعی آنیم که تربیت‌یافته مکتب آل محمدیم و پیرو پیشوایان برحق و رهبران الهی؛ رهبرانی انبازان و هم‌طرازان با قرآن مجید. پس باید همان‌گونه عمل کنیم و همان‌گونه بیندیشیم، به ویژه در موضع‌های اجتماعی. ما باید مصالح اسلام و قرآن و قبله را در هنگام‌های لازم مقدم بدانیم و مقدم بداریم. و این منافات ندارد با اصل اساسی حراست و نگهبانی فرهنگ تشیع و نشر و عرضه مبانی اعتقادی شیعی (چنان‌که ائمه طاهرین، از خود حضرت علی (علیه السلام) به بعد، این هر دو کار را با هم انجام می‌داده‌اند: هم حفظ مصالح کلی و جهانی اسلام، در برابر امم و ملل دیگر: یهود، نصاری و ...، و هم نشر مبانی حق و ایدئولوژی درست و بینش راستین)، بلکه آنچه در این مقام مطرح است گفته‌ها و نوشته‌های جاهلانه برخی از کسانی است که در رده گویندگان و نویسندگان و مؤلفان دینی جای گرفته‌اند، و شگفتا که بعضی از آنان خود را عالم و ملاً و کتاب‌خوانده هم معرفی می‌کنند، لیکن ذره‌ای شعور شیعی و درک زمانی ندارند. گمان می‌کنند همین‌که احساسات گروهی عوام را تحریک نمودند و طعنی گفتند و مجلسی گرم کردند، حقیقت را تأیید کرده‌اند و خدا را راضی ساخته‌اند، آن هم در این زمان. می‌پندارند مجاهدات بی‌مانندی که بزرگان شیعه در طول تاریخ برای حفظ و انتقال این مذهب کرده‌اند از همین دست بوده است. نمی‌کنند که دست‌کم تاریخ احوال چند تن از بزرگان سلف را، مانند سعید بن جبیر، هشام بن حکم، ابن ابی عمیر، فضل بن شاذان، شیخ کلینی، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و ...، بخوانند تا بدانند که دفاع از تشیع و نشر آن یعنی چه، و زین آل محمد بودن یعنی کدام؟

آری اینان از تاریخ اسلام، تاریخ بزرگان اسلام، حکمت عملی امامان، رفتار خود امام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام) آگاهی ندارند. سخنان و کتاب‌های سلف شیعه را نخوانده‌اند، از روش و چگونگی موضع‌گیری شیعی کسانی چون سعید بن جبیر و دیگر نامبردگان و همانندان آنان آگاه نیستند. حتی از روش حکیمانه و منطقی منزه علمای متأخر ما، مانند علامه مجاهد و مصلح کبیر، حضرت سید عبدالحسین شرف‌الدین موسوی عاملی (م ۱۳۷۷ ه) نیز پاک‌پاک بی‌اطلاع‌اند. نمی‌دانند که عالم مجاهدی که عمر خود را به جهاد و کوشش در راه نشر و ترویج مذهب شیعه می‌گذراند و کتاب عظیمی چون *المراجعات* می‌نویسد و کتاب دیگری چون *النص و الاجتهاد*، همین عالم به هنگام هجوم استعمار، خود در صف سربازان مجاهد اسلام و در کنار

مسلمانانِ دیگر مذاهب می‌ایستند و می‌جنگد، و همین عالم در کنار آن کتابها، کتاب *الْفُصُولُ الْمُهَمَّةُ فِي تَأْلِيفِ الْأُمَّةِ* را نیز می‌نویسد و از اندیشه، بلکه تکلیفِ الفت دادن میان امت غفلت نمی‌کند و تن نمی‌زند ...^{۳۱۳}

در اینجا باید یک نکته را نیز با تأکید یاد کنم که آنچه را من در این رساله در صدد روشن کردن آن هستم، یعنی عینیت‌گرایی و درگیری ائمه طاهرین با مسائل زمان خویش، این درگیری همواره با قدرتهای خلافت بوده است و عالمان و روشنفکرانی که به آنها مدد می‌رسانده‌اند، نه با توده‌های مسلمان غافل و جاهل. در برابر اینان باید ارشاد کرد و راه نمود، نه دشمنی کرد و کین توخت.^{۳۱۴}

۳۱۳. در این باره، از جمله کتاب شرف‌الدین، فصلهای مربوط، ملاحظه شود.

۳۱۴. در اینجا تعلیمی است و دستوری از خود امام علی بن ابی‌طالب (علیه السلام)، که به حجر بن عدی و عمرو بن حَمِق می‌گوید: «به مسلمانان دیگر بد و ناسزا نگوئید، بلکه دعا کنید که خدا خود آنان و خون ما را حفظ کند، و حق و راه حق را به آنان بشناساند»؛ *حماسه غدیر*، ص ۲۰۸ و ۲۰۷، نیز صفحه ۱۱۹ همین رساله.

جلسه هشتم

آشنایی با سبکهای مزارنویسی، سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ سبکهای مزارنویسی، سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی؛
- ✓ کتابهای کامل الزیارات و الإرشاد.

و) مزارنویسی

زیارت یعنی ملاقات و دیدار. آموزه‌های روایی شیعیان، برخلاف پندار اهل سنت، مردم را به زیارت اهل قبور ترغیب می‌کند. بر پایه سفارشهای پیشوایان دینی، یکی از مکانهای استجابت دعا در کنار قبور پدر و مادر، آرامگاه صالحان و به ویژه مزارها و حریمهای مطهر پیامبران و دیگر معصومان (علیهم السلام) است. امام علی (علیه السلام) در کلامی شیوا می‌فرمایند:

اموات خود را زیارت کنید؛ زیرا آنان از دیدار شما خوشحال می‌شوند.^{۳۱۵} انسان باید بعد از آنکه بر سر قبر پدر و مادر خود برای آنها دعا کرد، حاجت خود را (از خدا) بخواهد.^{۳۱۶}

اهل بیت (علیهم السلام) جایگاه و ارزش زیارت، آداب آن و زیارت‌نامه‌های گوناگونی را به پیروان خویش آموخته‌اند. برای نمونه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرموده‌اند: هر که به زیارت من بیاید در روز قیامت شفیع او خواهم بود.^{۳۱۷} در گزارشهای بسیاری به منزلت زیارت امام حسین (علیه السلام)، چگونگی آن و ارزش سرزمین کربلا توجه ویژه‌ای شده است. معصومین در پاره‌ای از گزارشها زیارت‌نامه‌هایی را به شاگردانشان آموخته‌اند تا با همان عبارات ایشان را زیارت کنند. زیارتهای جامع کبیره، امین‌الله و عاشورا از این گونه زیارتهای هستند. فزونی روایات مرتبط با زیارت ائمه سبب گردید که گروهی از نویسندگان روایات مربوط به فضایل زیارت و آداب آن و نیز زیارت‌نامه‌های اهل بیت (علیهم السلام) را در کتابی مستقل گرد آورند.

کتابهایی که به این شیوه نگاشته شده‌اند، مزار نامیده می‌شوند. سبک مزارنویسی از شیوه‌های اختصاصی شیعیان و برگرفته از مبانی اعتقادی امامیه نسبت به امامان (علیهم السلام) است. در کتابهای فهرس نجاشی،

۳۱۵. ن. ک: منتخب میزان الحکمه، ج ۲۸۶۲. نقل از الخصال، ص ۶۱۸، ح ۱۰.

۳۱۶. ن. ک: الکافی، ج ۳، ص ۲۲۸، باب زیارة القبور و ص ۲۳۰، باب ان المیت یزور أہله.

۳۱۷. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۴۲، ح ۱۸.

شیخ طوسی، منتجب‌الدین و ابن شهر آشوب عناوینی دیده می‌شود^{۳۱۸} که بیانگر توجه عالمان شیعی به این سبک نگارشی است. اگرچه این سبک تا دوران معاصر هم ادامه یافته، ولی بیشترین نگارشها مربوط به قرنهای سوم تا پنجم هجری است. نویسندگان مزارات، کتابهایشان را با عناوینی چون الزیارات، المزار، زیارة أبی‌عبدالله، مزار أبی‌عبدالله و ... نام‌گذاری کرده‌اند.

در این گونه نگارشی، علاوه بر نقل روایات مربوط به فضایل زیارات معصومان، آداب زیارت و زیارت‌نامه‌های مأثور نیز گزارش شده است.

از میان شیعیان بیشترین نگارشهای ادعیه و مزار به سید بن طاووس (م ۶۴۴ هـ) مربوط است. او با دیدهای مختلف و عنایت به تفکیک مناسب، کتب ادعیه بسیاری را برای ما به یادگار گذاشته است. آثار و فعالیت‌های حدیثی سید بن طاووس در زمینه دعا را در فصل آینده بررسی خواهیم کرد. بعضی از مهم‌ترین کتابهایی که تا کنون به سبک مزارنویسی تدوین شده عبارت است از:

۱- کامل الزیارات، اثر جعفر بن محمد بن قولویه (م ۳۶۷ هـ)؛

۲- الدعاء و المزار، اثر شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ)؛

۳- المزار (المزار الصغیر یا مناسک المزار)، اثر شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ)؛

۴- فضل زیارة الحسین، اثر محمد بن علی الشجری م ۴۴۵ هـ)؛

۵- المزار، اثر محمد بن المشهدی (م ۶۱۰ هـ)؛

۶- مصباح الزائر، اثر سید بن طاووس (م ۶۶۴ هـ)؛

۷- المزار، اثر شهید اول (م ۷۸۶ هـ).

در میان نویسندگان متأخر علامه محمدباقر مجلسی با اختصاص دادن سه جلد از بحار الانوار و تألیفات مستقل دیگری به همین سبک از پیشگامان این شیوه به شمار می‌رود. علامه مجلسی، کتاب تحفة الزائر را در سال ۱۰۸۱ هجری در دوازده باب و به زبان فارسی برای استفاده عموم تنظیم کرد.^{۳۱۹} بعدها سید عبدالله بن محمدرضا شبر (م ۱۲۴۲ هـ) همین کتاب را برای استفاده عرب‌زبانان از فارسی به عربی برگرداند.

در عصر حاضر نیز محدث نوری (م ۱۳۲۰ هـ) و شاگرد برومندش شیخ عباس قمی (م ۱۳۵۹ هـ) تلاشهای ارزشمندی را در این زمینه انجام داده‌اند.^{۳۲۰}

اکنون با معتبرترین کتاب مزار، که از قرن چهارم هجری به یادگار مانده است، آشنا می‌شویم:

۳۱۸. رجال نجاشی، در فهرست آثار علمی بسیاری از راویان، عنوان المزار را آورده است که شماری از ایشان عبارت‌اند از: ابراهیم بن محمد بن معروف (ص ۱۹، ش ۲۳)، حسین بن عبيدالله سعدی (ص ۴۲، ش ۸۶)، حسین بن احمد قمی (ص ۶۲، ش ۱۴۵)، داوود بن کثیر (ص ۱۵۶، ش ۴۱۰)، سعد بن عبدالله اشعری قمی (ص ۱۷۸، ش ۴۶۷)، علی بن اسباط (ص ۲۵۲، ش ۶۶۳)، علی بن مهزیار اهوازی (ص ۲۵۳، ش ۶۶۴)، محمد بن مسعود عیاشی (ص ۳۵۱، ش ۹۴۴)، محمد بن حسن صفار (ص ۳۵۳، ش ۹۴۸)، محمد بن احمد بن داوود قمی نویسنده کتاب المزار الکبیر (ص ۳۸۴، ش ۱۰۴۵)، شیخ مفید نویسنده کتاب المزار الصغیر (ص ۴۰۰، ش ۱۰۶۷).

۳۱۹. آقا بزرگ تهرانی، الذریعه، ج ۳، ص ۴۳۸، ش ۱۵۸۸.

۳۲۰. برای نمونه محدث نوری کتابی به عنوان آداب الزیارة و شیخ عباس قمی نیز کتاب مفاتیح الجنان را تألیف کرده‌اند. همچنین محدث نوری نگارش کتاب تحفة الزائر را به عنوان مستدرک تحفة الزائر علامه مجلسی آغاز کرد، اما پیش از آنکه این اثر پایان یابد، چراغ عمر وی خاموش گشت. البته شاگرد کوشایش، شیخ عباس قمی، کار ناتمام استاد را تمام کرد؛ الذریعه، ج ۳، ص ۴۸۸، ش ۱۸۱۶.

معرفی کتاب کامل الزیارات

نویسنده این کتاب از علمای جلیل‌القدر شیعی و معاصر با کلینی است و بزرگانی چون شیخ مفید، افتخار شاگردی او را دارند. او کتابهای متعددی تدوین کرده است که همگی برگرفته از اصول اولیه یا روایات متصل و با اسناد خویش است.

مؤلف

شناسه: ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی، مشهور به ابن قولویه از عالمان برجسته و مشهور در قرن چهارم هجری است. خاندان و فرزندان وی همگی از دانشمندان و علاقه‌مندان به دانش بوده‌اند.

طبقه: شیخ طوسی در *الرجال* سال وفات او را ۳۶۷ هجری دانسته است.^{۳۲۱}

وثاقت: دانشمندان رجال، مانند شیخ طوسی و نجاشی، او را شخصیتی مورد اطمینان^{۳۲۲} و از بزرگان حدیث و فقه و از ثقات اصحاب شیعه^{۳۲۳} معرفی کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی (رجال‌شناس اهل سنت) نیز از او چنین یاد کرده است:

از بزرگان شیعه و دانشمندان مشهور ایشان است. شیخ مفید یکی از شاگردان ابن قولویه بوده و در مدح و ثنای وی کوتاهی نمی‌کرده است.^{۳۲۴}

دانش و فضیلت: ابن قولویه فقیهی وارسته و محدثی فهیم و والامقام است. هیچ یک از بزرگان شیعه در منزلت علمی و جلالت اخلاقی وی تشکیک نکرده است. چنانچه نجاشی در رثای وی نوشته است:

هر زیبایی و علمی که مردم را به آن وصف نمایی، برتر از آن را در جعفر بن محمد بن قولویه خواهی یافت.^{۳۲۵}

او از محضر دهها دانشمند بزرگ، چون احمد بن ادريس اشعری، علی بن حاتم بن ابی‌حاتم، علی بن الحسین بن بابویه، محمد بن عبدالله بن جعفر الحمیری، ثقة الاسلام کلینی و پدر و برادر خود ... استفاده‌های علمی فراوانی برده و شاگردانی چون شیخ مفید تربیت کرده است. ابن قولویه سی سال آخر عمر خود را برای تعلیم و تربیت به بغداد سفر کرد^{۳۲۶} و در مراکز علمی آن شهر به تدریس پرداخت. همچنین وی به مصر هم سفر کرد و کسانی چون محمد بن سلیم صابونی در آن دیار از محضر وی بهره بردند. تألیفات او را به تعداد ابواب فقهی دانسته‌اند. فهرست اسامی کتابهای فقهی و غیرفقهی او در کتاب *الرجال* نجاشی ضبط شده است.

۳۲۱. شیخ طوسی، *الرجال*، ص ۴۱۸، رقم ۶۰۳۸. قبر او در بغداد نزدیک قبور مطهر کاظمین (علیهما السلام) قرار دارد. شیخ مفید هم در کنار آرامگاه او مدفون است.

۳۲۲. شیخ طوسی، *فهرست*، ص ۹۱، رقم ۱۴۱: جعفر بن محمد بن قولویه یکنی أباالقاسم، ثقة.

۳۲۳. نجاشی، *الرجال*، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸: کان أباالقاسم من ثقات أصحابنا وأجلاتهم فی الحدیث والفقه.

۳۲۴. ابن حجر عسقلانی، *لسان‌المیزان*، ج ۲، ص ۱۲۵، رقم ۵۳۶.

۳۲۵. شیخ نجاشی، *الرجال*، ص ۱۳۳، رقم ۳۱۸.

۳۲۶. این سفر ابتدا به قصد زیارت خانه خدا و به عشق دیدار حضرت مهدی (علیه السلام) به هنگام نصب حجرالاسود، در سال ۳۰۷ یا ۳۰۸ هجری آغاز شد، ولی در عراق به مریضی سختی دچار و ناگزیر در بغداد ماندگار شد؛ برای اطلاع از این سفر، ر. ک: قطب‌الدین راوندی، *الخراج و الجرائح*، ج ۱، ص ۴۷۵.

کتاب

نام کتاب: فهارس نگاران از این کتاب با اسامی *الزیارات*^{۳۲۷}، *جامع الزیارات*^{۳۲۸}، *المزار*^{۳۲۹} و *جامع الزیارة* یاد کرده‌اند، ولی نام مشهور آن *کامل الزیارات* است.

موضوع: کتاب *کامل الزیارات* مجموعه‌ای ارزشمند از روایات معصومین (علیهم السلام) در مورد ثواب، فضیلت، آثار و شیوه زیارت معصومان (علیهم السلام) است. ابن قولویه زیارت‌نامه‌های وارده از معصومین را نیز در این کتاب گرد آورده است. گفتنی است بیشتر احادیث این کتاب به فضیلت و آداب زیارت و زیارت‌نامه‌های امام حسین (علیه السلام) اختصاص یافته است.

سبک‌شناسی: ۱- *کامل الزیارات* ۱۰۸ باب و ۸۴۳ روایت دارد.

۲- شیوه مؤلف بیان احادیث با سند کامل و متصل است و فقط اسناد بعضی از احادیث مرسل است.^{۳۳۰}

۳- مؤلف سعی کرده است روایاتی را در فضل زیارات تمامی معصومان ذکر و یا زیارت‌نامه‌های مأثور ایشان را تدوین کند.

۴- به نظر می‌رسد که ابن قولویه به ائمه مدفون در عراق بیشتر توجه داشته است، چراکه احادیث مربوط به ایشان از دیگر معصومان بیشتر است.

۵- فضایل زیارات همه معصومان در این کتاب جمع‌آوری شده است.

۶- شیوه کلی این کتاب بر اساس سبک مزارنویسی است.

نکته: ابن قولویه در دیباچه کتاب می‌نویسد:

تمام احادیث این کتاب از راویان مورد اعتماد شیعه گزارش شده و هیچ حدیثی از رجال شاذ نقل نشده است، بلکه تنها از راویانی گزارش کرده‌ایم که به حدیث و علم شهره بوده‌اند.^{۳۳۱}

برخی از محققان، از این کلام نویسنده، چنین نتیجه گرفته‌اند^{۳۳۲} که تمامی راویان کتاب، ثقه و مورد اطمینان هستند، اما بسیاری از عالمان رجال این استدلال را قبول نکرده‌اند و کلام نویسنده را تنها در مورد مشایخ بی‌واسطه او در این کتاب معتبر دانسته‌اند.

۳۲۷. نجاشی، *الرجال*، ص ۱۲۳، رقم ۳۱۸.

۳۲۸. طوسی، *الفهرست*، ص ۹۱، رقم ۱۴۱.

۳۲۹. *کامل الزیارات*، ص ۱۶.

۳۳۰. ممکن است در بررسیهای رجالی واسطه‌ها و حلقه‌های مفقودی اثبات گردد، اما تعداد آنها به اندازه‌ای نیست که شیوه مؤلف را دگرگون کند.

۳۳۱. *کامل الزیارات*، ص ۳۷.

۳۳۲. شیخ حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۳۰، ص ۲۰۲؛ آیت الله خویی، *معجم رجال الحدیث*، ج ۱، ص ۵۰، این نظریه را ابتدا شیخ حر عاملی مطرح کرده است. آیت الله خویی نیز مدتی بر این باور بودند، اما بعدها از نظریه خود برگشتند. صاحب *معجم رجال الحدیث* پس از اشاره به فرازهایی از دیباچه *کامل الزیارات* می‌نویسد: «فإنک ترى أن هذه العبارة واضحة الدلالة على أنه لا يروى في كتابه رواية عن المعصوم إلا وقد وصلت إليه من جهة الثقات من أصحابنا رحمهم الله، قال صاحب الوسائل بعد ما ذكر شهادة علي بن إبراهيم بأن روايات تفسيره ثابتة ومروية عن الثقات من الأئمة (عليهم السلام): و كذلك جعفر بن محمد بن قولویه، فانه صرح بما هو أبلغ من ذلك في أول مزاره.»

أقول: إن ما ذكره متين؛ فيحكم بوثاقته من شهد علي بن إبراهيم أو جعفر بن محمد بن قولویه بوثاقته، اللهم إلا أن يتلى بمعارض.

ز) سیره‌نگاری و تاریخ‌نویسی

تاریخ در لغت به معنای تعیین زمان رویدادهاست. اگرچه این واژه در قرآن و حدیث به کار نرفته است، ولی بسیاری از آیات و احادیث در راستای همین معنا به سرگذشتهای اقوام، پیامبران و پیشوایان پیشین پرداخته‌اند.^{۳۳۳}

اعراب جاهلی نیز تاریخ گذشتگان را با نام ایام العرب و به صورت شفاهی به فرزندان خویش می‌آموختند. با ظهور اسلام و آغاز رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، توجه به تاریخ، سیره و جنگهای آن حضرت برای مسلمانان اهمیت پیدا کرد. چنانچه در بیانات امامان نیز ترغیب به مطالعه و تفکر در احوال پیشینیان دیده می‌شود.^{۳۳۴} این تأکیدها سبب شد که نگارشهای تاریخی در میان مسلمانان آغاز و به تدریج شکوفا گردد. جرجی زیدان در کتاب *تاریخ تمدن اسلام* می‌نویسد:

مسلمانان بیش از هر ملت دیگر، به استثنای مردمان عصر جدید، در علم تاریخ پیشرفت کرده و کتاب نوشته‌اند؛ به گونه‌ای که در *کشف الظنون* نام ۱۳۰۰ کتاب تاریخی ذکر شده است و این عدد به جز کتابهایی است که در تاریخ تدوین شده و از دست رفته است.^{۳۳۵}

تاریخ‌نگاری گزارشی

اولین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام، آثاری است که بر محور شرح سیره و زندگانی پیامبر اسلام تألیف شده و در تدوین آن اصول علم حدیث رعایت شده است. این نوع تاریخ‌نگاری، که تا مدتها اصالت و تأثر خود را حفظ کرد، در قالب خاصی به نام خبر یا اخبار جای می‌گیرد و مؤلفانی را که به این شیوه تألیف کرده‌اند، اخباری می‌خوانند.

کتابهایی با عنوان اخبار یا عناوینی چون حدیث، قصه، مقتل، وقعة سیره یا السیر و امر مجموعه‌ای کامل از روایات درباره رویداد یا موضوعی خاص در قالب تکنگاری است.^{۳۳۶}

این نگارشها، که در قرن دوم در دامنه بسیار محدودی آغاز شده بود، در قرن سوم به مرحله نوینی وارد شد و تاریخ‌نویسان متعددی در این جرگه وارد شدند. محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ هـ)،^{۳۳۷} هشیم بن عدی (م ۲۰۷ هـ)، ابوعبیده معمر بن مثنی (متوفای حدود ۲۱۰ هـ)، زبیر بن بکار (م ۲۵۶ هـ)، ابوالحسن مدائنی (م ۲۲۵ هـ)، ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ هـ)، احمد بن یحیی بلاذری (م ۲۷۹ هـ)، علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۵ یا ۳۴۶ هـ)^{۳۳۸} و محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰ هـ) از مشهورترین مورخان سنی در قرنهای سوم و چهارم هستند که

۳۳۳. *دانش‌نامه جهان اسلام*، ج ۶، ص ۹۷.

۳۳۴. نهج البلاغه، نامه ۳۱، نامه امام علی به فرزندان امام حسن (علیه السلام).

۳۳۵. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهر کلام، ص ۵۰۳.

۳۳۶. *دانش‌نامه جهان اسلام*، ج ۶، ص ۹۸.

۳۳۷. البته ابن ندیم او را شیعه‌مذهب می‌داند و می‌نویسد: «کان یتشیع، حسن المذهب، یلزم التقیه». آن‌گاه این روایت واقدی را نقل می‌کند که علی (علیه السلام) از معجزات پیامبر است؛ همچنان که عصا برای موسی و زنده کردن مردگان برای عیسی معجزه بود. (الفهرست، ص ۱۱۱). گفتنی است که مشهور، او را شیعه نمی‌دانند.

۳۳۸. برخی او را شیعه می‌دانند. ر.ک. مقدمه ابوالقاسم پاینده بر کتاب *تاریخ مسعودی*.

آثار گوناگون و متنوعی در زمینهٔ تکنگاری، خبری، وقایع‌نگاری یا تاریخ‌نویسی عمومی از خود به جای گذاشته‌اند.

تاریخ‌نگاران شیعه

در میان شیعیان یا افراد متمایل به تشیع مورخانی چون سلیم بن قیس هلالی (م حدود ۹۰ هـ) و ابومخنف لوط بن یحیی اَزْدی (م ۱۵۷ هـ) در سدهٔ دوم و مورخانی چون ابان بن عثمان (م ۱۰۵ هـ)، شرحبیل بن سعد (م ۱۲۳ هـ)، هشام بن محمد کلبی (م ۲۰۴ هـ)، نصر بن مزاحم مَنقَری (م ۲۱۲ هـ)، احمد بن اسحاق یعقوبی (زنده در ۲۹۲ هـ)، ابن‌اعثم کوفی (م ۳۱۴ هـ) و ابن‌هلال ثقفی (م ۲۸۳ هـ).

غیر از افراد پیش‌گفته، اسامی در سدهٔ سوم ظهور کرده‌اند. افراد دیگری نیز در کتاب *الفهرست* (مقالهٔ سوم، فن اول) آمده است که همگی آثاری تاریخی نگاشته‌اند.^{۳۳۹}

گذشته از مورخان، که به صورت تخصصی به این‌گونه نگارشها اشتغال داشتند، فقیهان و محدثان شیعه نیز گاهی بنا به نیاز جامعه و درخواست شاگردان خویش، کتابهای تاریخی - حدیثی تدوین می‌کردند که از این میان می‌توان به دو کتاب *الإرشاد* و *الجَمَل* شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ) اشاره کرد. از مجموع کتابهای تاریخی شیعیان بخشی تا کنون باقی مانده است که عبارت است از:

- *وقعة صفین*، از نصر بن مزاحم؛

- *وقعة طف*، از ابومخنف اَزْدی؛

- *کتاب (اصل)*، از سلیم بن قیس؛

- *الغارات*، از ابن‌هلال ثقفی؛

- *الجَمَل*، از شیخ مفید؛

- *الإرشاد*، از شیخ مفید؛

- *التاریخ*، از ابن‌اسحاق یعقوبی؛^{۳۴۰}

- *الفتوح*، از ابن‌اعثم کوفی.

نکتهٔ نخست: بسیاری از نویسندگان جوامع حدیثی شیعه و سنی از سدهٔ سوم به بعد، فصلهایی از کتابهایشان را به سیرهٔ پیامبر و تاریخ جنگها و تلاشهای آن حضرت اختصاص داده‌اند. با توجه به اعتقادات شیعه، که امامان را نیز معصوم می‌دانند، طبیعی است که تاریخهای مرتبط با چهارده معصوم نیز توسط نویسندگان شیعی ثبت و ضبط می‌شد.

در شیعه، کلینی (م ۳۲۸ هـ) و مفید (م ۴۱۳ هـ) و در میان اهل سنت ابن‌ابی‌شیه (م ۲۳۵ هـ)، بخاری (م ۲۵۶ هـ)، بلاذری (م ۲۷۹ هـ)، ابن‌حبان بُستی (م ۳۵۴ هـ)، ابن‌عساکر (م ۵۷۱ هـ) و ... از کسانی هستند که در شمار کتابها و یا در میانهٔ فصلهای کتابهایشان، نگارشهای تاریخی - حدیثی بسیاری به چشم می‌خورد.

۳۳۹. ابن‌ندیم، *الفهرست*، ترجمهٔ محمدرضا تجدد، ص ۱۹۰ - ۱۵۰.

۳۴۰. جرجی زیدان در کتاب *تاریخ تمدن اسلام* می‌نویسد: «تا نیمهٔ قرن سوم هجری کتب تاریخی مسلمانان و طبقات به تاریخ جنگها و فتحها محدود بود. از آن زمان به بعد به تدوین تاریخ عمومی ممالک و ملل قدیم و جدید مشغول شدند و قدیم‌ترین تاریخ عمومی اسلامی، تاریخ ابن‌واضح، معروف به یعقوبی، در دو مجلد است که یک مجلد آن مربوط به تاریخ یهود و هند و یونان و روم و ایران و غیره و جلد دیگر راجع به تاریخ اسلام از آغاز تا زمان معتمد عباسی است که در سال ۲۵۶ هجری به خلافت رسید.» (ص ۴۹۹).

نکته دوم: مورخان، و به ویژه مورخان سنی، معمولاً مستمری‌بگیران حکومتها بودند؛ بنابراین در نگارشها بیشتر حاکمان را مراعات می‌کردند و در جهت مقاصد و اهداف آنان قلم‌فرسایی می‌کردند. البته مورخان آزاداندیشی در دوره‌های مختلف وجود داشتند که همه چیز را منصفانه و آن گونه که بود، گزارش می‌کردند. به عنوان نمونه، فخری، تاریخ‌نگار شیعی‌مذهب، در کتاب *آداب السلطانیة* از خلفای عباسی بدگویی و دستگاه حکومت را نقد کرده است.^{۳۴۱}

اقسام کتابهای تاریخی - حدیثی

کتابهای تاریخی - حدیثی، خود به چند دسته تقسیم می‌شوند:

۱- سیره: کتابهای سیره و سیر به بررسی شیوه‌های رفتاری پیشوایان و به ویژه پیامبر اکرم می‌پردازد، مانند: کتاب *السیر* محمد بن اسحاق (م ۱۵۰ هـ)، معروف به *سیره ابن هشام*.

۲- *المغازی*: این گونه کتابها غزوات و جنگهای پیامبر را بازگویی می‌کند و خواننده را از چگونگی و حوادث جانبی هر جنگ آگاه می‌سازد، مانند: *المغازی النبویه*، اثر محمد بن مسلم زهری (م ۱۲۴ هـ)، *السیر و المغازی*، اثر محمد بن اسحاق (م ۱۵۲ هـ)، *المغازی النبویه*، اثر ابومحمد موسی بن عقیبة (م ۱۴۱ هـ) و *المغازی*، اثر محمد بن عمر واقدی (م ۲۰۷ هـ).

۳- *وقایع‌نگاری*: تاریخهایی که به این شیوه نگارش یافته‌اند، معمولاً بیانگر حوادث یک رخداد مهم تاریخی هستند. کتابهای *وقعة صفین*، اثر نصر بن مزاحم منقری، *وقعة الطف و وقعة حره*، اثر ابی‌مخنف، کتاب *صفین*، کتاب *اهل النهر و ان* (که بسیاری از مورخان در این دو موضوع، کتاب تألیف کرده‌اند) و *الجمل* شیخ مفید از مهم‌ترین این گونه نگارشها است.

۴- *مقاتل*: مجموعه‌ای از کتابهای تاریخی مسلمانان، به بیان زمان، مکان، چگونگی و حوادث پیرامونی مرگ شخصیت‌های بزرگ اختصاص دارد، مانند: کتاب *مقتل الحسین بن علی* از نصر بن مزاحم،^{۳۴۲} کتابهای *مقتل علی (علیه السلام)*، *مقتل الحسین (علیه السلام)*، *مقتل محمد بن ابی‌بکر و الاثتر* و *محمد بن ابی‌حنیفه*، *مقتل حجر بن عدی*، کتاب *الشوری و مقتل عثمان*، همگی از آثار ابومخنف ازدی،^{۳۴۳} کتاب *مقتل الحسین و کتاب وفاة النبی* هر دو از مورخ بزرگ محمد بن عمر واقدی.^{۳۴۴}

۵- *تاریخ‌نگاری عمومی*: پاره‌ای از کتابها زندگی‌نامه پیشوایان دینی را از ولادت تا رحلت با تکیه بر احادیث بازسازی نموده‌اند. معروف‌ترین و معتبرترین کتابی که در این زمینه می‌شناسیم، کتاب *الإرشاد*، اثر شیخ مفید است که در پایان همین بخش با جزئیات بیشتری از این کتاب آشنا می‌شویم.

۳۴۱. جرجی زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۵۰۴.

۳۴۲. النجاشی، *رجال النجاشی*، ص ۴۲۷، ش ۱۱۴۸.

۳۴۳. ابن ندیم بغدادی، *فهرست ابن ندیم*، ص ۱۰۵.

۳۴۴. همان، ص ۱۱۱.

معرفی کتاب الإرشاد

مؤلف

نام: محمد بن محمد بن نعمان؛ از آنجا که پدر وی به حرفه آموزگاری اشتغال داشت، او در عصر خویش به ابن‌المعلم مشهور بود. اما در قرنهای بعدی شیعیان از او با عنوان «شیخ مفید» یاد کرده‌اند و این مشهورترین لقب اوست.

طبقه: وی در سال ۳۳۶ هجری در حوالی بغداد به دنیا آمد و پس از ۷۵ سال تلاش ستودنی در راستای اعتلای فرهنگ شیعه، در سال ۴۱۳ هجری از دنیا رفت. در آن سال شهر بغداد باشکوه‌ترین و گسترده‌ترین تشیع جنازه را به خود دید. او را در حرم کاظمین (علیهما السلام) و در کنار قبر استادش ابن‌قولویه دفن کردند.^{۳۴۵}

شخصیت علمی: او درخشان‌ترین چهره دانشمندان شیعی در عصر غیبت کبری است. شیخ مفید در تمامی علوم اسلامی از جمله کلام، فقه، حدیث، رجال و درایه متبحر و فرزانه و یگانه عصر خویش بود. وی بیش از دویست کتاب به رشته تحریر درآورد که بیشتر آنها در شکل‌گیری عقاید امامیه و بازسازی اعتقادات شیعی تأثیری به سزا داشته است. ابن‌معلم بیشتر متکلم و فقیه بوده و در این دو زمینه نگارشها و مجالس درس گسترده‌ای داشته است. شیخ مفید در عصر خویش بزرگ امامیه و زعیم علمی جهان تشیع بود. شیخ طوسی، سید مرتضی، سید رضی، نجاشی و ابوالفتح کراچکی از مهم‌ترین شاگردان اویند. او از محضر درس دانشمندانی چون ابن‌قولویه، شیخ صدوق و ابن‌ولید قمی بهره برده است.

نکته قابل توجه در زندگی شیخ مفید این است که علی‌رغم اینکه بیشتر اساتید او مروج مکتب قم بودند، او شیوه‌ای جدید را در مکتب بغداد پایه‌گذاری کرد که به نقد علمی - عقلی روایات منجر می‌شد.

کتاب

نام کتاب: الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، عنوان یکی از مشهورترین کتابهای شیخ مفید است. او این کتاب را به درخواست یکی از معاصرین خویش نگاشته است.

موضوع: چنانچه از دیباچه و محتوای کتاب برمی‌آید، إرشاد بیانگر تاریخ اجمالی و مختصر زندگانی امامان دوازده‌گانه (علیهم السلام) است. البته او تنها به بیان تاریخی جریان‌ات اکتفا نمی‌کند، بلکه به تحلیل و بررسی تاریخی حوادث نیز می‌پردازد. خواننده می‌تواند فضایل و مناقب امامان را در کنار تاریخ زندگانی ایشان در إرشاد بخواند. او با نگاهی عقل‌گرایانه، که برگرفته از مکتب علمی بغداد است، به معرفی تاریخی پیشوایان دینی می‌پردازد.

انتساب کتاب: نجاشی، شاگرد کوشای مفید، ضمن معرفی آثار استادش نام الإرشاد را ذکر می‌کند.^{۳۴۶} این کتاب آن‌چنان شیوع و شهرت یافت که علامه مجلسی در مقدمه بحار الانوار می‌نویسد: «کتاب إرشاد از مؤلفش مشهورتر است.»^{۳۴۷}

۳۴۵. شیخ طوسی، که خود در تشیع جنازه او حضور داشته است، می‌گوید: «روز وفات او از کثرت دوست و دشمن برای ادای نماز و گریستن بر او همانند و نظیر نداشته است. هشتاد هزار تن از شیعیان او را تشیع کردند و سید مرتضی علم‌الهدی بر او نماز گزارد و در حرم مطهر امام جواد (علیه السلام)، پایین پای آن حضرت، نزدیک قبر استادش ابن‌قولویه مدفون گردید.» (ترجمه از نرم‌افزار جامع الاحادیث نور)

۳۴۶. رجال النجاشی، ص ۳۹۹.

۳۴۷. بحار الانوار، ج ۱، ص ۱۹۷.

- سَبک‌شناسی: ۱- شیوه کلی مفید در این کتاب تاریخ‌نگاری عمومی است.
- ۲- /ارشاد پیرامون هر امام به موضوعاتی چون نص بر امامت، تاریخ ولادت، دلایل امامت، مدت خلافت، عمر شریف و ذکر وفات و محل قبر و اندکی هم از مناقب آن امام اشاره کرده است.
- ۳- تمام مطالب برگرفته از کتابهای پیشینیان است، ولی گاهی این اخبار با استناد کامل بیان می‌شود و گاهی نیز مؤلف بدون اشاره به نام گویندگان، تنها به گزارش جریانات می‌پردازد.
- ۴- هنگام استناد به احادیث معمولاً سند به طور کامل می‌آید.
- ۵- در این مجموعه تاریخی اشعار متناسب با موضوع نیز دیده می‌شود که به لطافت این اثر افزوده است.

چند نکته

- ۱- کتاب /ارشاد از معتبرترین کتابهای تاریخی شیعه است و مرجع بسیاری از کتابهای حدیثی و تاریخی پس از خود قرار گرفته است.
- ۲- به نظر می‌رسد مؤلف، این کتاب را برای عموم مسلمانان (شیعه و سنی) نگاشته است؛ چنانچه رعایت تقیه و برخی قرائن دیگر این مدعا را تأیید کند.^{۳۴۸}
- ۳- شیخ مفید اگر خبری معتبر دال بر مسمومیت و شهادت امامان نداشته، تذکر داده است، مثلاً در مورد شهادت امام جواد (علیه السلام) نوشته است: «وَقِيلَ أَنَّهُ مَضَى مَسْهُوماً وَلَمْ يُثَبِّتْ بِذَلِكَ عِنْدِي خَبْرٌ فَأَشْهَدُ بِهِ».^{۳۴۹}
- ۴- کتاب /ارشاد از دو جلد تشکیل شده که تمام جلد اول آن به تاریخ زندگانی امام علی (علیه السلام) مربوط است و در جلد دوم زندگانی دیگر امامان بررسی شده است. جریان صلح امام حسن (علیه السلام) از متون خواندنی این جلد است.
- ۵- در این کتاب استدلالهای کلامی خوبی در اثبات امامت امامان دیده می‌شود.
- ۶- نظرات حدیثی گوناگون شیخ مفید را می‌توان در ذیل احادیث این کتاب مطالعه کرد. جمع‌آوری این نظرات می‌تواند به رشد علم فقه الحدیث یاری رساند.

نمونه

شیخ مفید در ابتدای هر فصل، پس از معرفی اجمالی امام معصوم، روایاتی را که بر امامت آن حضرت دلالت دارد، بیان می‌کند. وی در فصل مربوط به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روایاتی را که هر یک به صورت اجمالی یا تفصیلی امامت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را اثبات می‌کند، آورده است. در روایتی از این مجموعه می‌خوانیم:

أَخْبَرَنِي أَبُو الْقَاسِمِ (جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ)، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ سَعِيدِ بْنِ غَزْوَانَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عَلِيهِ السَّلَامُ) قَالَ: يَكُونُ بَعْدَ الْحُسَيْنِ (عَلِيهِ السَّلَامُ) تِسْعَةُ أَئِمَّةٍ، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ.

۳۴۸. به عنوان مثال شیخ مفید در پایان باب ذکر اولاد امیرالمؤمنین می‌نویسد: «وَفِي الشَّيْعَةِ مَنْ يَذْكُرُ ... فَعَلِيٌّ قَوْلَ هَذِهِ الطَّائِفَةِ ... وَ اللَّهُ أَعْلَمُ». نظیر این گونه عبارات در مجموع کتاب /ارشاد دیده می‌شود. به نظر می‌رسد شیخ مفید در نظر داشته تا وقایع تاریخی را با انصاف تمام و بدون هیچ‌گونه تعصب و یکجانبه‌نگری برای خواننده ترسیم کند. بنابراین سعی کرده است خود را بی‌طرف جلوه دهد؛ /ارشاد، ج ۱، ص ۳۵۵.

۳۴۹. /ارشاد، ج ۲، ص ۲۹۵.

مؤلف پس از ذکر سیزده روایت در این زمینه، خوانندگان را برای مطالعه بیشتر به کتاب/الغیبة نعمانی
ارجاع می‌دهد.^{۳۵۰}

چکیده

- ✓ شیعیان غیر از کتب ادعیه کتابهایی را در موضوع فضایل زیارت، زیارت اهل بیت (علیهم السلام) و ... تألیف نموده‌اند که به مزار شهرت یافته است.
- ✓ سید بن طاووس (ت ۶۴۴ هـ) بیشترین نگارشهای ادعیه و مزار را در میان شیعیان به خود اختصاص داده است.
- ✓ ابن قولویه، فقیهی وارسته و محدثی فهیم و والامقام است. احدی از بزرگان شیعه در جلالت علمی و اخلاقی او تشکیک نکرده است.
- ✓ مسلمانان بیش از هر ملت دیگری، به استثنای مردمان قرون جدید، در علم تاریخ پیشرفت کرده و کتاب نوشته‌اند.
- ✓ اولین نمونه‌های تاریخ‌نگاری در اسلام آثاری است که بر محور شرح سیره و زندگانی پیامبر اسلام تألیف شده و در تدوین آن اصول علم حدیث رعایت شده است.
- ✓ کتابهایی با عنوان اخبار یا عناوینی چون حدیث، قصه، مقتل، وقعة، سیره یا السیر و امر، مجموعه‌ای کامل از روایات درباره رویداد یا موضوعی خاص در قالب تکنگاری است.
- ✓ در میان شیعیان یا افراد متمایل به تشیع مورخانی چون ابومخنف لوط بن یحیی ازدی (ت ۱۵۷ هـ)، سلیم بن قیس هلالی (ت حدود ۹۰ هـ) در سده دوم و مورخانی چون هشام بن محمد کلبی (ت ۲۰۴ هـ)، نصر بن مزاحم منقری (ت ۲۱۲ هـ)، احمد بن اسحاق یعقوبی (زنده در ۲۹۲ هـ)، ابن اعثم کوفی (ت ۳۱۴ هـ) و ابن هلال ثقفی (ت ۲۸۳ هـ) در سده سوم ظهور کردند.
- ✓ از مجموع کتابهای تاریخی شیعیان بخشی از آنها تا کنون باقی مانده است که عبارت‌اند از:
 - وقعة صفین، از نصر بن مزاحم؛
 - وقعة طف، از ابومخنف ازدی؛
 - کتاب (اصل)، سلیم بن قیس؛
 - الغارات، از ابن هلال ثقفی؛
 - الجمل، از شیخ مفید؛
 - الارشاد، از شیخ مفید؛
 - التاريخ، از ابن اسحاق یعقوبی؛
 - الفتوح، از ابن اعثم کوفی.

۳۵۰. و هذا طَرَفٌ يسير مما جاءني في النصوص على الثاني عشر من الأئمة (عليهم السلام)، و الروايات في كثيرة قد دَوَّنها أصحاب الحديث من هذه العصابة وأثبتوها في كتبهم المصنفة فمن أثبتها على الشرح والتفصيل محمد بن إبراهيم المكنى أبا عبد الله النعماني في كتابه الذي صنّفه في الغيبة، فلا حاجة بنا مع ما ذكرناه إلى إثباتها على التفصيل في هذا المكان؛ الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۰ - ۳۴۷.

- ✓ بسیاری از نویسندگان جوامع حدیثی شیعه و سنی از سده سوم به بعد فصلهایی از کتابهایشان را به سیره پیامبر و تاریخ جنگها و تلاشهای آن حضرت اختصاص دادند.
- ✓ سیره: کتابهای سیره و سیر به شیوه‌های رفتاری پیشوایان، به ویژه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، می‌پردازد.
- ✓ المغازی: این گونه کتابها غزوات و جنگهای پیامبر را بازگویی می‌کند و خواننده را از چگونگی هر جنگ و حوادث جانبی آن آگاه می‌سازد.
- ✓ وقایع نگاری: تاریخهایی که به این شیوه نگارش یافته‌اند، معمولاً بیانگر حوادث یک رخداد مهم تاریخی هستند.
- ✓ مقاتل: مجموعه‌ای از کتابهای تاریخی مسلمانان، به بیان زمان، مکان و چگونگی مرگ شخصیت‌های بزرگ و حوادث پیرامون آن اختصاص دارد.
- ✓ تاریخ نگاری عمومی: بخشی از کتابها، زندگی‌نامه پیشوایان دینی را از ولادت تا رحلت با تکیه بر احادیث بازسازی نموده‌اند، مانند: کتاب /إرشاد شیخ مفید.
- ✓ شیخ مفید درخشان‌ترین چهره دانشمندان شیعی در عصر غیبت کبری است. وی در تمامی علوم اسلامی متبحر و فرزانه بوده است.
- ✓ نکته قابل توجه در زندگی شیخ مفید این است که علی‌رغم اینکه بیشتر اساتید او مروج مکتب قم بوده‌اند، او شیوه نوینی را در مکتب بغداد پایه‌گذاری کرده که به نقد علمی - عقلی روایات منجر شده است.
- ✓ کتاب /إرشاد از معتبرترین کتابهای تاریخی شیعه است و مرجع بسیاری از کتابهای حدیثی و تاریخی پس از خود قرار گرفته است.
- ✓ پدر این کتاب استدلالهای کلامی خوبی در اثبات امامت امامان دیده می‌شود.

پژوهش

حداقل ده کتاب از کتابهایی را که با عناوین وقعه، قصه و سیره، در کتابهای /الفهرست شیخ طوسی و فهرست /بن‌ندیم آمده است، با نام مؤلف آنها بنویسید.

ضمیمه

منابع مطالعاتی

- ۱- دانش‌نامه جهان اسلام، جلد ۶، مدخل تاریخ و تاریخ نگاری.
- ۲- /الفهرست، ابن‌ندیم، ترجمه محمدرضا تجدد، ص ۱۹۰ - ۱۵۰.
- ۳- تاریخ تمدن اسلام، جرجی زیدان.
- ۴- /الغارات، ابن‌هلال ثقفی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، همچنین مقدمه جناب محدث ارموی در چاپ دانشگاه تهران.
- ۵- تاریخ یعقوبی، جلد اول، ترجمه و مقدمه محمدابراهیم آیتی.
- ۶- مروج الذهب، ابوالحسن علی بن حسین مسعودی، ترجمه ابوالقاسم پاینده، مقدمه.
- ۷- /الصحيح من السيرة، سيد جعفر مرتضى، جلد ۱، مقدمه و فصل اول.

جلسه نهم

دوران فترت در حدیث شیعه

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ دوران فترت در حدیث شیعه؛
- ✓ سبکهای اربعین‌نگاری، مناقب و مثالب؛
- ✓ کتابهای *الأربعون حدیثاً* تألیف شیخ منتجب‌الدین رازی و ابن‌عساکر، *مناقب ابن شهر آشوب*، *مکارم الأخلاق*، *روضة الواعظین* و *مشكاة الأنوار*.

فصل سوم

شیعه در دوران فترت

قرن ششم دوران حاکمیت ترکان سلجوقی بر مشرق‌زمین است. شاهان و امیران سلجوقی، همانند غزنویان و سامانیان، از تسنن حنفی و خلافت عباسی حمایت می‌کردند و با شیعه درگیر بودند. گرچه بیشتر این درگیریها با اسماعیلیه و باطنیه بود، اما شیعیان امامی نیز از این تعرضات بی‌نصیب نبودند.

در این دوره یکی از ارکان رشد تشیع، نفوذ شیعیان امامی‌مذهب در ساختار اداری دولت سلجوقی بود. این امر با سپر تقیه و با استفاده از دیگر مجوزهای شرعی عملی می‌شد و نتایجی مهم را برای شیعیان و دفاع از آنها در برابر سرداران ترک دربرداشت.^{۳۵۱}

با بررسی اوضاع این دوران می‌توان نتیجه گرفت که شیعیان فراز و نشیب‌هایی گوناگون را در این دوران در رویارویی با سلاطین تجربه کرده‌اند.

خواجه نظام‌الملک طوسی، وزیر آلپ ارسلان و ملک‌شاه سلجوقی، با به تصویر کشیدن دوران رنج و سختی شیعیان می‌نویسد:

اگر کسی در آن روزگار به خدمت ترکی آمدی، به کدخدایی یا به فراشی یا به رکاب‌داری، از او پرسیدندی که تو از کدام شهری و از کدام ولایتی و چه مذهب داری؟ اگر گفتی حنفی یا شافعی‌ام و از خراسان و ماوراء النهرم و یا از شهری که سنی باشد، او را قبول کردی، و اگر گفتی شاعی‌ام [= شیعه هستم] و از قم و کاشان و آبه‌دری‌ام، او را نپذیرفتندی گفتی «برو که ما مارکشیم، نه مارپروریم». اگرچه بسیار مال و نعمت پیش

کشیدی، نپذیرفتی گفتی: «برو به سلامت، اینکه مرا دهی در خانه بنشین و می‌خور».^{۳۵۲}

خواجه نظام‌الملک در بخشی دیگر از کتاب *سیاست‌نامه*، به گسترش نفوذ شیعیان در مراکز حکومتی اشاره و از آن شکوه می‌کند. در نیمه نخست قرن هفتم هجری، تحول بسیار مهمی در عالم اسلام پدید آمد. صحرانشینان مغول، به رهبری چنگیز، با یکدیگر متحد شدند و حرکت خود را برای تسخیر بلاد غربی مغولستان آغاز کردند. این لشکر از اواخر دهه دوم قرن هفتم حملات خود را به خراسان آغاز کرد و با حوصله تمام، در طول چهل سال توانست مرکز خلافت عباسی را تصرف و حکومت عباسی را در سال ۶۵۶ منحل کند.

پس از نفوذ دانشمندان بزرگ شیعه، همچون خواجه نصیرالدین طوسی به دستگاه هولاکو، اوضاع فرهنگی مسلمانان، به ویژه شیعیان، سامان یافت. خواجه و امثال او در آغاز آن اندازه نفوذ نداشتند که هولاکو را زیر سیطره خود درآوردند، اما به مرور زمان نه تنها هولاکو از نظر سیاسی کنترل شد، بلکه پس از او نیز، بسیاری از خانهای مغول اسلام آوردند و در گسترش عدالت و فرهنگ اسلامی کوشش کردند.

خواجه به تدریج نزد خان مغول محبوبیت یافت و کارهای مهمی همچون امور اوقاف و امور شهر طوس به او واگذار شد. او همچنین سفیر هولاکو در بغداد بود و سرانجام منصب یارگوچی (بالاترین منصب قضایی مغولان) از جانب خان مغول به او واگذار شد. در گذر زمان نفوذ خواجه به حدی رسید که مورخان او را چنین توصیف کرده‌اند: خواجه نصیر حرمتی بسیار و منزلتی عالی نزد هولاکو داشت و هولاکو آنچه را که او بدان اشاره می‌کرد، قبول می‌کرد و اموال خود را در آن صرف می‌نمود. خواجه بدون آنکه دستی در اموال برد، امر وزارت هولاکو را به خوبی انجام می‌داد و به قدری بر عقل او غلبه یافته بود که خان، جز در وقتی که او می‌گفت، بر مرکب سوار نمی‌شد و مسافرت نمی‌کرد.^{۳۵۳} خواجه نصیر فعالیت‌های بزرگ فرهنگی خویش را با اختصاص یک دهم درآمد اوقاف کشور گسترش داد. بعضی از کارهای او عبارت‌اند از: تأسیس رصدخانه، تأسیس کتابخانه‌ای مشتمل بر چهارصد هزار جلد کتاب، احیای علوم اسلامی، دلجویی و حفظ عالمان دینی،^{۳۵۴} گردآوری کتابهای غارت‌شده به دست مغولان و

سیاست عالمان شیعی در کنار آمدن با مغولان و مقاومت نکردن در برابر آنها، سبب شد که مغولان را به گونه‌ای به پذیرش فرهنگ اسلامی وادار کنند.

این هوشیاری سبب شد تا بعدها تشیع قوام بگیرد و حتی برخی از سلاطین مغول، همچون سلطان محمد خدابنده، تحت تأثیر افرادی مانند علامه حلی به تشیع گرایند. در حقیقت این‌گونه اقدامات، مقطعی تازه در

۳۵۲. سیر الملوك (سیاست‌نامه)، ص ۲۱۶.

۳۵۳. فوات الوفيات، ج ۳، ص ۳۵۰ - ۳۴۷.

۳۵۴. ابن‌شاکر می‌نویسد: «به خواجه خبر رسید که خان قصد کشتن علاءالدین جوینی را کرده است. خواجه به برادر او گفت: خان وقتی حکمی دهد، به طور حتم آن را انجام می‌دهد. باید حيله اندیشید. او سپس عصا و تسبیح و اسطرلابی گرفت و در حالی که در پشت سرش آتشی و بخوری حمل می‌کردند، راه افتاد. نزدیکان هولاکو خواجه و همراهانش را بر در خیمه دیدند، خواجه نزدیک خاصان رفت و گفت: آیا حال جناب خان خوب است؟ گفتند: آری. خواجه سجده شکر کرد و گفت: می‌خواهم به چشم بینم. هولاکو که در آن حال هیچ کس را نمی‌پذیرفت، او را پذیرفت ... خواجه گفت: قرار بود حادثه بدی اتفاق افتد، من بخور داده و ادعیه‌ای خوانده‌ام. از خدا می‌خواهم آن را از خان دور کند. سزاوار است که خان نیز دستور آزادی کسانی را که در همه مملکت زندان هستند، بدهد و آنها را عفو کند. سلطان نیز بدون آنکه خواجه آزادی شخص مورد نظر او را بخواهد، دستور را صادر کرد.» همان، ص ۲۴۸ - ۲۴۷.

رشد و گسترش تشیع بود.^{۳۵۵} در قرن هشتم دو شهر حله و حلب مراکز اصلی علمی شیعه بودند و شیعیان بسیاری برای تحصیل علوم دینی به این شهرها سفر می‌کردند. البته این شهرها از قرن هفتم بالندگی بیشتری پیدا کردند. در این جلسه با موقعیت علمی حله بیشتر آشنا می‌شویم.

مرکز علمی حله

شهر حله در قرنهای پنجم و ششم هجری از زیباترین شهرهای عراق بود. این شهر به دست یکی از خلفای آل بویه، به نام سیف‌الدوله اسدی، در قرن پنجم هجری آباد شد. سیف‌الدوله در این شهر قصرها و خانه‌هایی زیبا ساخت و با آباد شدن آن، تاجران، عالمان و شاعران فراوانی به آن روی آوردند و در اندک‌زمانی حله مرکز تمدن و فرهنگ اسلامی شد. حله از اوایل قرن ششم تا قرن دهم به همین صورت بود تا آنکه در قرن دهم مرکز علم و اجتهاد و مهد حوزه علمیه به کربلا منتقل شد و پس از مدتی از کربلا نیز به نجف انتقال یافت و نجف اشرف مرکز حوزه علمیه بزرگ شیعه گردید. نقل است که در یک قرن، نزدیک به پانصد مجتهد در دیار حله می‌زیسته‌اند و این امر از نهایت شکوفایی علم و دانش در این دیار حکایت می‌کند.

در شهر حله مدارس علمیه بزرگی تأسیس شده بود و شخصیهایی مانند محقق حلی، علامه حلی و خاندان طاووس و چهره‌های بزرگ دیگر به فراگیری و آموزش علم و دانش در آنها مشغول بودند. در مجلس درس محقق حلی بیش از چهارصد مجتهد شرکت می‌کردند که هر یک ستاره‌ای درخشان در آسمان علم و فقاقت بودند.^{۳۵۶}

حقیقت آن است که در میانه قرنهای ششم تا نهم بیشتر توجه عالمان به فعالیت‌های فقهی و علوم پیرامونی حدیث (مانند رجال، درایه و ...) معطوف شده بود و نگارش‌های درون‌حدیثی دوران رکود خود را سپری می‌کرد. در یک نگاه می‌توان بیشترین فعالیت‌های حدیثی این دوران را نتیجه زحمات عالمان حله و خاندانهای آل طاووس و طبرسی دانست.^{۳۵۷}

گذشته از مرکز علمی حله، برخی دیگر از عالمان، در گوشه و کنار ایران و عراق، به نگارش‌های محدودی در زمینه حدیث مشغول بودند که تلاش‌های خاندان کوچک طبرسی در تفرش (شهری در نزدیکی اراک) نمونه‌ای از این تلاش‌هاست.

مطابق سخن عبدالجلیل قزوینی (از عالمان شیعه در قرن ششم)، شیعیان در بلاد اسلام و شهرهای بزرگ، هزاران کرسی درس، منبر، مسجد و مدرسه داشتند که به صورت علمی در عرصه فعالیت‌های مذهبی حضور داشتند و هیچ یک از اصول و فروع مذهب خود را پوشیده نمی‌داشتند.^{۳۵۸}

۳۵۵. تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۴۲ - ۶۰۲ (با تلخیص).

۳۵۶. نرم‌افزار جامع الأحادیث نور (۲) (قسمت کتاب‌شناسی).

۳۵۷. ر. ک: ضمیمه شماره (۲) (تأثیر خاندانهای مؤثر در این دوران).

۳۵۸. انقص، ص ۱۲؛ علامه طبرسی، پیشوای مفسران، ص ۳۴؛ قزوینی در کتاب خود نام ۲۷ مدرسه را که در شهرهایی چون ری، قم، کاشان، آبه و ورامین دایر بود، ذکر می‌کند.

بنا بر آنچه گذشت، تشیع در این دوران فراز و نشیب‌های بسیاری را به خود دید، اما با وجود اینکه شیعیان در برهه‌هایی از زمان نفوذ خوبی در دستگاه حاکم داشتند، نگارش‌های علمی و حدیثی اندکی در این دوران پدید آمد که مهم‌ترین عوامل آن را در دو مورد زیر می‌توان بیان کرد:

- ۱- فقدان آرامش فرهنگی - سیاسی؛ (آن گونه که در دوران آل بویه وجود داشت).
- ۲- فقدان یک پایگاه حکومتی که از امکانات ویژه‌ای برخوردار باشد.^{۳۵۹}

سبک‌های این دوران

الف) اربعین‌نگاری

یکی از قالب‌های پرطرفدار نگارش‌های حدیثی «اربعینات یا چهل حدیث نویسی» است. این شیوه برگرفته از روایت مشهور نبوی است که می‌فرماید: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا».^{۳۶۰} این توصیه پیامبر اکرم در توسعه و رواج این گونه نگارش‌ها تأثیر مهمی داشته است. سبک اربعین‌نگاری [یا اربعینات] از دیرباز تاکنون در میان شیعه و اهل سنت رواج چشم‌گیری داشته است. نخستین فردی که به این شیوه، چهل حدیث را گردآوری کرده است، عبدالله بن مبارک حنظلی (م ۱۸۱ هـ) است.^{۳۶۱} پس از او نیز در قرن‌های سوم تا پنجم در میان اهل سنت چنین نگارش‌هایی ادامه یافت. از مشهورترین کتاب‌های اهل سنت در این سبک کتاب حافظ شریف‌الدین نووی (م ۶۷۶ هـ) است. در میان شیعیان نیز بیشتر تألیفات مربوط به اربعین‌نویسی در قرن‌های پنجم تا نهم نگاشته شده است.

پیشینه چهل حدیث نویسی

شیخ صدوق در کتاب *خصال*^{۳۶۲} پس از یادکرد حدیث فوق در ابواب «الأربعین وما فوقه» حدیثی را از طریق امام صادق (علیه السلام) از اجداد مطهر ایشان گزارش می‌کند که پیامبر اکرم در جلسه‌ای به امام علی (علیه السلام) حدیث «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا...» را آموخت. آن‌گاه امام علی (علیه السلام) از پیامبر خدا خواست تا احادیثی چهل‌گانه به او بیاموزد و پیامبر خدا نیز چهل حدیث در موضوعات توحید و فروعات فقهی و اخلاقی برای امیرالمؤمنین بیان کرد.

۳۵۹. زمانی که شهر حله به عنوان یک پایگاه علمی فرهنگی شیعی مطرح شد منبع آثار و برکاتی بسیار شد، با این همه این پایگاه از امکانات و توجهات حکومتی به دور بود.

۳۶۰. این روایت با متون مشابه و گوناگونی در مجامع روایی شیعه و اهل سنت آمده است؛ ر.ک: شیخ صدوق، *الخصال*، باب الأربعین وما فوقه.

۳۶۱. محمد الکتانی، *الرسالة المستطرفة*، ص ۱۰۲؛ عبدالله بن مبارک نخستین فردی است که ما می‌شناسیم، ولی احتمال دارد که فرد دیگری از شیعه پیش از او چنین نگارشی داشته است.

۳۶۲. شیخ صدوق، پیشین، ص ۵۴۳، ح ۱۹.

موضوعات اربعینیات

بعضی از دانشمندان به قرینه عبارت موجود در روایت مذکور، یعنی فقیهاً عالماً، سعی کرده‌اند تا چهل حدیث فقهی را گرد آورند.

گروهی دیگر از نویسندگان نیز به پیروی از کلام احمد بن حنبل^{۳۶۳} و ... چهل حدیث در مناقب اهل بیت (علیهم السلام) نوشته‌اند. با بررسی این‌گونه کتابها درمی‌یابیم که نویسندگان اربعینیات در موضوعات گوناگونی، همچون سیره و سنت پیامبر خدا، مناقب ائمه اطهار، اصول و فروع دین و ... احادیثی را گردآوری کرده‌اند، با این همه می‌توان گفت که موضوع «فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام)» از مهم‌ترین و شایع‌ترین موضوعات کتابهای اربعینیات است.

اربعینیات شیعه

ابوسعید خراسانی (قرن پنجم)، منتجب‌الدین رازی (م ۵۸۵ هـ)، فضل‌الله راوندی (م ۵۴۷ یا ۵۴۸ هـ)، ابن‌شهر آشوب (م ۵۸۵ هـ)، شهید اول (م ۷۸۶ هـ)، ابن‌زهره حلبی (م ۶۳۹ هـ)، محمد حسینی العاملی (م ۶۳۹ هـ) و عمادالدین طبری (قرن هفتم) از مشهورترین اربعین‌نگاران شیعه در دوران فترت هستند. گفتنی است که پس از قرن دهم تا کنون دهها و صدها عنوان «اربعین حدیث» با ویژگیهایی منحصر به فرد نگاشته شده است. مشهورترین «اربعین حدیث» در دوره صفویه تألیف شیخ بهایی است.

چهل حدیث نویسی فارسی

علاقه وافر ایرانیان به سخنان گهربار معصومان (علیهم السلام) سبب شد که عالمان دینی متون عربی احادیث را برای مخاطبان فارسی‌زبان خود ترجمه کنند. بعضی از نویسندگان نیز چهل حدیث از احادیث نبوی را گزینش و سپس آنها را به نثر یا نظم ارائه می‌کردند.

به نظر می‌رسد که نخستین چهل حدیث منثور فارسی، طیب‌القلوب تألیف محمد بن علی فراوی حریمی است که در سال پانصد هجری نگاشته شده است.

همچنین نخستین چهل حدیث منظوم فارسی اثر شاعر توانای خراسان، عبدالرحمان جامی است. / اربعین جامی از نیکوترین، بهترین و ارزشمندترین آثار در این سبک است و در پی همین ارزش است که دست‌نوشته‌های بسیاری از آن در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان موجود است.^{۳۶۴}

جامی ترجمه هر حدیث را در دو بیت سروده است و در پایان مجموعه زیبایش، در وصف کتاب اربعین خود چنین می‌سراید:

اربعینهای سالکان جامی هست بهر وصول، صدر قبول
نبود از فضل حق عجیب و غریب که بدین اربعین رسی به وصول^{۳۶۵}

۳۶۳. ر.ک: نجف‌زاده بارفروش، دانش حدیث، ص ۲۲۴.

۳۶۴. در آغاز این اربعین آمده است: «این چهل کلمه‌ای است از آن کلمات که سهل است فهم و حفظ را به نظم فارسی ترجمه کرده می‌آید، امیدواری آنکه ناظم مترجم امروز در شرط «من حفظ علی أمتی اربعین حدیثاً یتنفعون به» داخل و فردا به سعادت جزاء «بعثه الله تعالی يوم القيامة فقیهاً عالماً» واصل شود.

۳۶۵. نجف‌زاده بارفروش، پیشین، ص ۲۲۴. برای آگاهی از دیگر چهل حدیثهای فارسی پیشینیان نیز به این کتاب مراجعه کنید.

کتاب اربعین حدیث امام خمینی

در عصر حاضر نیز بسیاری از دانشمندان کتابهایی را با همین سبک به صورت نظم یا نثر نگاشته‌اند. کتاب/اربعین حدیث حضرت امام خمینی مشهورترین اثر فارسی در این سبک است که در سال ۱۳۵۸ هجری قمری نگارش یافته است.

مؤلف فرزانه در این کتاب ارزشمند چهل حدیث را از کتابهای معتبر شیعی، مانند کافی، گزینش کرده است. بیشتر احادیث این کتاب (۳۳ حدیث نخستین) در موضوعات اخلاقی و عرفانی است و بقیه احادیث (هفت حدیث) به مباحث اعتقادی مربوط است.

این کتاب در حقیقت شرحی بر چهل حدیث است که نویسنده با مطالبی نغز و پرمایه، هر حدیث را به یاری آیات، روایات و گاه اقوال علما و سیره عقلا شرح کرده است.

حضرت امام در این کتاب پس از ذکر کامل حدیث (همراه با سند و نام کتاب) ابتدا ترجمه فارسی آن و سپس شرح اجمالی آن را ارائه می‌کند و در ادامه در ذیل عناوین «مقام» و «فصل» خواننده را با شرح مفصل حدیث آشنا می‌کند.

امام خمینی پیش از تألیف این کتاب، بخشی از مطالب آن را در مدارس فیضیه و ملا صادق قم تدریس کرده‌اند. گفتنی است که قوت علمی این کتاب و مطالب سودمند ایشان در شرح احادیث این اثر را از سایر اربعینهای حدیثی ممتاز کرده است. اربعین حدیث امام خمینی برای علاقه‌مندان به فقه الحدیث نیز کتابی مفید است.

معرفی کتاب

الأربعون حديثاً عن أربعين شيخاً من أربعين صحابياً في فضائل الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب مؤلف

مؤلف این کتاب علی بن عبدالله بن بابویه، معروف به شیخ منتجب‌الدین رازی از نوادگان برادر شیخ صدوق، یعنی شیخ حسین بن بابویه قمی است. شیخ صدوق و برادرش حسین بن بابویه، هر دو به دعای امام مهدی (علیه السلام) به دنیا آمده‌اند. خاندان این دو عالم همگی از عالمان و بزرگان شیعه در منطقه ری و قم بودند. ولادت مؤلف را شاگردش رافعی سال ۵۰۴ هجری ثبت کرده است. از تاریخ وفات او اطلاعی در دست نیست، با این همه از تاریخ اجازه‌ای که به یکی از شاگردانش داده است، معلوم می‌شود که او در سال ششصد هجری زنده بوده است.^{۳۶۶}

جایگاه علمی: علامه سید عبدالعزیز طباطبایی (رحمة الله علیه) در تحقیقی جامع، که در مقدمه کتاب فهرست منتجب‌الدین^{۳۶۷} چاپ شده است، به مطالب ارزشمندی پیرامون زندگی مؤلف پی‌برده است که بخشی از آنها چنین است:

۱- رازی برای کسب دانش به شهرهای اصفهان، بغداد، حله، خوارزم، طبرستان، قزوین، کاشان و نیشابور سفر کرده است؛^{۳۶۸}

۳۶۶. منتجب‌الدین رازی، فهرست أسماء علماء الشيعة و مصنفیهم، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبایی، ص ۵.

۳۶۷. همان، منشورات المكتبة المرتضوية.

۳۶۸. پیش از این بعضی معتقد بودند که او همیشه در ری سکونت داشته و تنها از مشایخی که به این شهر می‌آمدند، حدیث شنیده است.

- ۲- او از محضر علمی ۱۴۶ دانشمند استفاده کرده است (چهار تن از اساتید او زن هستند)؛
- ۳- دسته‌ای از اساتید او دانشمندان غیرامامی هستند؛
- ۴- اگرچه یکی از شاگردانش (رافعی) در معرفی او اشاره می‌کند که بسیاری از مردم در ری از مجالس حدیثی او سود می‌جستند، اما متأسفانه تاریخ تنها نام چهار شاگرد او را ثبت کرده است.
- ۵- رازی چهار اثر علمی تدوین کرده است که عبارت‌اند از: ۱- تاریخ الرئی؛ ۲- العصرة (رساله‌ای فقهی در مورد نماز قضا)؛ ۳- فهرست؛ ۴- الأربعین عن الأربعین من الأربعین.
- ۶- بسیاری از عالمان شیعه از او به نیکی یاد کرده‌اند. گذشته از شاگردانش، شهید ثانی، علامه مجلسی، میرزا عبدالله افندی و شیخ حرّ عاملی نیز از او با الفاظی چون «سَيِّدُ الْحُقَاطِ»، «سَيِّدُ الْأَثَمَةِ وَ الْمَشَايِخِ»، «حَسَنُ الضَّبْطِ»، «كَثِيرُ الرَّوَايَةِ عَنْ مَشَايِخٍ عَدِيدَةٍ»، «بَحْرًا مِنَ الْعُلُومِ»، «صَدُوقًا مُحَدَّثًا حَافِظًا رَؤِيَّةً عَلامَةً» و ... یاد کرده‌اند.

کتاب

نام کتاب: نام کامل کتاب «الأربعون حديثاً عن أربعين شيخاً من أربعين صحابياً في فضائل الإمام أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام»^{۳۶۹} است. از این کتاب در مجامع علمی با عنوان مختصر «اربعین حدیث شیخ منتجب‌الدین» یاد می‌کنند. این کتاب از قدیمی‌ترین کتابهای «اربعین حدیث» شیعیان است که به دست ما رسیده است.

انگیزه نگارش: مؤلف در ابتدای کتاب دیگرش، *الفهرست* می‌نویسد:

روزی در مجلس درس استادام سید ابوالقاسم یحیی بن محمد^{۳۷۰} بودم که آن جناب کتابی را به من نشان داد با عنوان *الأربعین عن الأربعین في فضائل أمير المؤمنين*، اثر ابوسعید محمد بن احمد بن الحسین نیشابوری. استادام از این کتاب شگفت‌زده شده بود [و آن را می‌ستود] ... همچنین استاد از اینکه می‌دید نام نویسندگان شیعه از زمان شیخ طوسی تا قرن حاضر (قرن ششم) گردآوری نشده است، ناخرسند بود ...^{۳۷۱}

شیخ منتجب‌الدین رازی وقتی نیازمندی جامعه علمی را به کتابهایی از این نوع می‌بیند، با خود می‌اندیشد تا بر فرمایش استادش جامعه عمل بپوشد؛ از این رو، با خود عهد می‌بندد که:

اگر خداوند متعال به او عمری عنایت کند و آرزویش را برآورده سازد، کتابی با عنوان *الفهرست*، ویژه اسامی مؤلفان شیعه پس از عصر شیخ طوسی تا قرن ششم بنویسد و آن‌گاه که از این کار سترگ فارغ آید، کتابی با نام *الأربعین عن الأربعین من الأربعین في فضائل أمير المؤمنين* تدوین کند.^{۳۷۲}

پس خداوند چنین توفیقی را به او عنایت فرمود و دستان توانمندش ابزاری مطیع در خدمت خرد فرزانه‌اش گردید و این دو اثر جاودانه را از خود به یادگار گذاشت.

۳۶۹. شیخ منتجب‌الدین، *الأربعون حديثاً*، ص ۱.

۳۷۰. عزالدین یحیی بن ابی‌الفضل محمد الشریف المرتضی: او از نسل امام زین‌العابدین (علیه السلام)، نقیب قم، ری و آبه بوده است. او در سال ۵۹۲ به دست خوارزم‌شاه به قتل رسید؛ *فهرست منتجب‌الدین*، تصحیح محدث ارموی، ص ۲۵، مقدمه.

۳۷۱. *فهرست منتجب‌الدین*، ص ۳۱.

۳۷۲. همان.

سبک کتاب: نام کتاب همه کار نویسنده را بیان می‌کند. مؤلف اثر خویش را چهل حدیث، از چهل استاد حدیث، که از چهل صحابه پیامبر اکرم درباره فضایل و مناقب امام امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب از پیامبر خدا روایت کرده‌اند، نام گذاشته است.

از آنجا که مؤلف بنا داشته است احادیث را با سند متصل خویش از استادان تا صحابه پیامبر برساند، ناگزیر اسناد روایات بسیار طولانی‌تر از متن روایات شده‌اند، چه اینکه از قرن ششم تا عصر نبوی دهها نسل فاصله است.

زیبایی کار او آن‌گاه هویدا می‌شود که خواننده پس از مطالعه کتاب درمی‌یابد که او احادیث کتاب را به سبک اهل سنت با الفاظی مانند «أبنا» و بیشتر از مشایخ عامه یا غیرامامی نقل کرده است و در ترتیب چهار حدیث نخست، ترتیب خلفا را لحاظ کرده است؛ به این ترتیب که حدیث اول را به نقل از ابوبکر، حدیث دوم را به نقل از عمر، حدیث سوم را به نقل از عثمان و حدیث چهارم را به نقل از امام علی (علیه السلام) از پیامبر خدا گزارش کرده است.

موضوع مشترک تمام این روایات برشمردن فضایل امام علی (علیه السلام) از زبان پیامبر خدا است. منتجب‌الدین در پایان چهل حدیث، چهارده حکایت را نیز پیرامون برتری امام علی (علیه السلام) نسبت به دیگران روایت کرده است.

اقبال عالمان: این کتاب در زمان حیات مؤلف توجه دانش‌پژوهان را به خود معطوف داشت. چنانکه رافعی در سال ۵۸۴ و مجدالدین قزوینی (م ۶۲۲ هـ) و برهان‌الدین محمد بن محمد قزوینی، که هر سه از شاگردان منتجب‌الدین هستند، مدعی شده‌اند که او این کتاب را برای آنها قرائت کرده است و برهان‌الدین در سال ۶۱۳ توانسته است از نسخه استاد رونوشت بردارد.^{۳۷۳} دانشمندان دوره‌های بعد نیز به این کتاب توجهی ویژه داشته‌اند؛ چنان که شهید اول (محمد بن مکی) از نسخه برهان‌الدین برای خود رونوشت برداشته است. علامه طهرانی در *الذریعه* می‌نویسد که نسخه‌ای از کتاب *الأربعین* رازی را دیده است که شیخ عبدالعلی بن حسین احساسی جزایری حاشیه‌ای بر آن نوشته است. بنا به گزارش ایشان حجم حواشی عبدالعلی از متن کتاب بیشتر است. علامه طهرانی می‌نویسد: «مطالب این حاشیه سودمند و مفید است».^{۳۷۴}

آشنایی با چند کتاب چهل حدیث از تألیفات شیعیان

۱- *الأربعین عن الأربعین فی فضایل علی امیر المؤمنین، أبو محمد عبدالرحمن بن أحمد بن حسین نیشابوری، معروف به شیخ مفید ثانی (م ۴۷۶ هـ)*

مؤلف این کتاب از شاگردان سید مرتضی علم‌الهدی بوده است و عالمان بسیاری از شیعه و سنی شاگرد او بوده‌اند. در این کتاب چهل حدیث با سند کامل مؤلف از پیامبر اکرم در فضیلت امیرمؤمنان بیان شده است. مؤلف در پایان کتاب چند شعر نیز در راستای موضوع کتاب آورده است. به نظر می‌رسد که این کتاب قدیمی‌ترین کتاب چهل حدیث در میان شیعیان باشد.^{۳۷۵}

۳۷۳. *الفهرست*، تحقیق سید عبدالعزیز طباطبائی، ص ۴۴، مقدمه.

۳۷۴. *الذریعه إلى تصانیف الشیعه*، ج ۶، ص ۱۴.

۳۷۵. این کتاب با تحقیق محمدباقر محمودی (رحمة الله علیه) از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سال ۱۴۱۴ هجری به چاپ رسیده است.

۲- الأربعون حديثاً، محمد بن عبدالله بن زهره (م ۶۳۶ یا ۶۳۷ یا ۶۳۹ هـ)، معروف به ابوزهره حلبی حسینی

مؤلف در این کتاب چهل حدیث را با سند کامل روایت کرده است. موضوع این کتاب بیان حقوق افراد بر یکدیگر است.^{۳۷۶}

۳- أربعون حديثاً، عمادالدین حسن بن علی طبری (قرن هفتم)

مؤلف این کتاب را به زبان فارسی بسیار ساده برای مردم اصفهان نوشته است.^{۳۷۷} او می‌گوید:

در شهر اصفهان بودم و علمای آن بقعه را یافتیم که جمعی تفضیل صحابه می‌نهادند بر اهل بیت و عترت رسول (علیه السلام)، و طایفه‌ای تفضیل عترت می‌نهادند بر صحابه. مؤلف به طرفداری از گروه دوم چهل حدیث از احادیث اهل سنت را در فضیلت و برتری امام علی بر دیگران ذکر می‌کند. طبری این روایات را ادله‌ای بر حقانیت شیعه می‌داند و از این رو، هر حدیث را با عنوان دلیل ذکر کرده است؛ برای نمونه: دلیل اول

او معتقد است که اگر مخالفان این احادیث را تکذیب کنند، در حقیقت کتب اصلی خودشان را منکر شده‌اند و اگر آن را بپذیرند، عذری بر مخالفت با شیعیان نخواهند داشت. به نظر می‌رسد که این کتاب قدیمی‌ترین چهل حدیث فارسی در میان شیعیان باشد.^{۳۷۸}

۴- الأربعین، شمس‌الدین محمد بن مکی، معروف به شهید اول (ش ۷۸۶ هـ)

شهید اول چهل حدیث مهم و معتبر در مسائل فقهی، اخلاقی و عبادی را در این کتاب آورده است. مؤلف این کتاب را چهار سال پیش از شهادتش، یعنی در سال ۷۸۲، نگاشته است. احادیث این کتاب با سند و طریق مؤلف به صورت معنعن به معصومان (علیهم السلام) می‌رسد. روایات این کتاب در مباحث متعدد، از جمله مباحث فقهی، همواره مورد توجه فقیهان بوده است.^{۳۷۹}

۵- أربعین حدیث، شیخ بهایی (م ۱۰۳۰ هـ)

شیخ بهایی چهل حدیث زیبا و پرمعنا را در موضوعات مختلف انتخاب کرده و در این کتاب گرد آورده است. او هر حدیثی را که به شرح و توضیح نیازمند بوده با بیاناتی روشن‌گر شرح کرده است. مؤلف در این کتاب، احادیث را با سند و طریق خود بیان کرده است. این کتاب به دست آقای عقیقی بخشایشی به فارسی ترجمه شده است.^{۳۸۰}

۳۷۶. همان، ج ۱، ص ۴۲۶.

۳۷۷. متن فارسی نگاشته‌های او بسیار ساده و روان و نزدیک به فهم همگان است، تا آنجا که گویا او در ساده‌نویسی تعمد داشته است، چنانکه در پایان کتاب کامل بهایی گفته است که نخست این کتاب را با «عبارات مشکله و ألفاظ عویصه» نوشته، و چون دیده است که استفاده از آن برای همگان دشوار است، به نگارش دوباره آن اقدام کرده است؛ مجله مشکوة، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۱۱۳.

۳۷۸. این کتاب به دست آقای نجیب مایل هروی در سال ۱۳۶۵ شمسی در مشهد تصحیح و چاپ شده است. متن کتاب را مجله مشکوة در شماره ۱۲ و ۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۶۵، ص ۱۴۰ - ۱۱۰، منتشر کرده است.

۳۷۹. مدرسه الإمام المهدی این کتاب را در سال ۱۳۷۴ شمسی به چاپ رسانده است.

۳۸۰. همان، ج ۴، ص ۷۷.

۶- الأربعین علامه محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰ هـ)^{۳۸۱}

مجلسی به دنبال درخواست میرزا شرف‌الدین علی گلستانه، چهل حدیث مختلف را بدون شرح و توضیح گردآورده است که همه منابع او کتابهای شیعی است.^{۳۸۲}

۷- کشف الحق محدث خبیر میر محمدصادق خاتون‌آبادی (م ۱۲۷۲ هـ)

مؤلف به دنبال وقایعی که در شهر اصفهان به دست برخی فرقه‌های گمراه ایجاد شده بود، تصمیم می‌گیرد تا چهل حدیث پیرامون احوالات امام مهدی، از ولادت تا غیبت صغری و غیبت کبری و رجعت ایشان و ... را جمع‌آوری و به زبان فارسی ترجمه کند. این کتاب به *أربعین خاتون‌آبادی* معروف است.

(ب) مناقب و مثالب

مناقب: جمع «مَنْقَبَه» به معنای اوصاف حمیده، خصال نیک و سجایای پسندیده است. در فارسی صفت و هنری را که موجب ستودن دیگران شود «منقبت» گویند. این واژه در مقابل مثالب است.

مثالب: جمع «مَثَلَبَه»، به معنای عیبه‌ها، زبونی‌ها و کاستی‌ها است.

این دو واژه در علم حدیث، عنوان دو سبک نگارشی است که نویسندگان آثاری را به این شیوه آفریده‌اند. با نگاهی به کتابهای مناقب و مثالب، می‌توانیم این دو سبک را چنین تعریف کنیم:

مناقب: کتابهای حدیثی‌ای را که بیان‌کننده خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته‌شده باشد، مناقب گویند.

مثالب: مثالب عنوان کتابهایی حدیثی‌ای است که، بر خلاف مناقب، بیان‌کننده عیبه‌ها و زبونی‌های افراد فرومایه‌ای است که معمولاً به گزاف صاحب مقام و اعتبار شده‌اند.

پیشینه مناقب

مناقب‌نویسی تقریباً از سبکهای اختصاصی شیعیان است که از قرن دوم به بعد در میان ایشان شایع شده است و تنها به مدایح و اوصاف پسندیده اهل بیت (علیهم السلام) می‌پردازد. البته بعدها بعضی عالمان اهل سنت نیز به همین سبک کتابهایی را تدوین کرده‌اند، اما این کتابها تنها به مناقب اختصاص ندارد و گاه علاوه بر بخشهایی که اوصاف نیکوی افراد را بیان می‌کند، اضافاتی مانند تاریخ زندگانی فرد یا معجزات شخصیت مورد نظر نیز در آن دیده می‌شود. مفاد این کتابها گاهی به غلو و مبالغه آمیخته می‌شود و مطالب ضعیف و دور از واقعیت هم در آن دیده می‌شود. بنابراین، در استفاده از این گونه کتابها می‌بایست ابتدا از دانایی و توانایی نویسنده آن آگاه شد و سپس روایات آن را با بررسی دقیق و موشکافانه مطالعه نمود.

۳۸۱. این کتاب به دست امیر صابری در سال ۱۳۶۰ تحقیق و چاپ شده است.

۳۸۲. الذریعه، ج ۱، ص ۴۱۳.

اهل سنت در مقابل سبک مناقب، سبکی را با عنوان «فضایل» (برتریها) ابداع کرده‌اند که بیشتر به مدایح خلفای راشدین و برتریهای صحابه می‌پردازد؛^{۳۸۳} برای نمونه در کارنامه نگارشی افرادی چون احمد بن حنبل (قرن سوم)، احمد بن شعیب نسایی (قرن چهارم) و ابن حجر عسقلانی (قرن نهم) کتابهایی با عنوان فضایل الصحابه دیده می‌شود.

مثالب سبک مشترکی است که شیعه و اهل سنت کتابهای متعددی را به این شیوه تألیف کرده‌اند. گفتنی است که مناقب و مثالب یکی از هشت جزء کتابهای جوامع اهل سنت است.

مناقبهای شیعیان

علامه طهرانی در الدررعه صدها عنوان کتاب را که همگی یا با عنوان و یا در موضوع مناقب تدوین شده‌اند، نام می‌برد. بیشتر کتابهای مناقب شیعه بیان منقبتهای اهل بیت است. اینک با عناوین بعضی از مناقب معروف شیعیان آشنا می‌شویم:

- مناقب الإمام أمير المؤمنين، محمد بن سلیمان کوفی قاضی (قرن سوم)، در سه جلد؛

- المناقب، محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ)؛

- مؤلفه منقبة، محمد بن احمد بن شاذان قمی (قرن پنجم)؛

- المناقب، محمد بن احمد بن شاذان قمی (قرن پنجم)؛

- الثاقب فی المناقب، ابن حمزة طوسی (م ۵۶۰ هـ)؛

- الخرائج و الجرائح، قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ هـ)، در دو جلد؛

- مناقب آل أبي طالب، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ هـ)، در چهار جلد؛

- المناقب، شاذان بن جبرئیل قمی (قرن ششم)؛

- المناقب، سید محمد بن علی بن حسین علوی (قرن ششم)؛

- طرف من الأبناء و المناقب فی شرف سید الأنبياء و عترته الأطائب، سید بن طاووس (م ۶۶۴ هـ)؛

- كشف الغمة فی معرفة الأئمة، علی بن عیسی اربلی (م ۶۹۳ هـ)، در سه جلد؛

- الألفین و كشف اليقين فی فضایل أمير المؤمنين، علامه حلی (م ۷۲۶ هـ)؛

- إرشاد القلوب، حسن بن ابی الحسن دیلمی (م ۸۴۱ هـ)؛

- إثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، شیخ حر عاملی (م ۱۱۰۴ هـ)؛

- مناقب الأئمة الاثنی عشر، ابویحیی بن حمید حلبی.

چنان‌که مشاهده می‌کنید، بیشتر کتابهای مناقب که تا کنون باقی مانده است، در میانه قرنهای ششم تا نهم تدوین شده است. جمعی از مناقب‌نویسان شیعی پس از قرن پنجم، برای ساکت کردن مخالفان خویش، از مطالب حدیثی موجود در کتابهای اهل سنت استفاده شایانی می‌کردند و مناقب اهل بیت را از کتابهای آنان استخراج و به خوانندگان عرضه می‌کردند.

۳۸۳. مناقب تنها پیرامون افراد نگاشته می‌شد، ولی گستره و شمول فضایل بیش از افراد بوده است؛ چرا که نویسندگان فضایل، به برتریهای شهرها، قبیله‌ها، مذہبها و ... نیز می‌پرداختند؛ برای نمونه فضایل العرب از احمد بن محمد اشعری، فضل الکوفه و فضل قم از سعد بن عبدالله اشعری و ابن عقده، فضایل الشیعه از حسین بن محمد فزاری و شیخ صدوق.

البته گروهی از نویسندگان اهل سنت نیز مناقب امام علی (علیه السلام) را از مجامع روایی خویش گردآورده‌اند که مشهورترین این کتابها عبارت‌اند از:

- مناقب علی بن ابی طالب و ما نزل من القرآن فی علی، أحمد بن موسی بن مردویه اصفهانی (م ۴۱۰ هـ)؛

- مناقب علی بن ابی طالب، فقیه حافظ بن مغازی (م ۴۸۳ هـ)؛

- المناقب (یا مناقب امیرالمؤمنین)،^{۳۸۴} موفق بن احمد خوارزمی (م ۵۸۶ هـ)؛

- مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، محب‌الدین طبری (م ۶۹۴ هـ)؛

مناقب‌خوانی

از جمله رسوم شیعی رایج در ایران در قرن پنجم و ششم هجری، منقبت‌خوانی بوده است که به صورت علنی در مراکزی که شیعیان حضوری پررنگ داشتند، رواج داشته است. منقبت‌خوانی را می‌توان به مدیحه‌سرایی‌هایی که امروزه در ایران به طور فراوان رایج است، تشبیه کرد. مؤلف کتاب فضائح الروافض گزارشهای متعددی را از جلسات منقبت‌خوانی شیعیان ارائه کرده است. او که گویا از مخالفان منقبت‌خوانان و منقبت‌خوانی بوده است، می‌نویسد:

در بیرانه‌ها، جمع شوند و مناقب خوانند ... رافضیان، این همه مناقبها بدان خوانند تا عوام الناس و کودکان دگر طوایف را از راه ببرند و فرا نمایند که آنچه علی کرد، مقدور آدمی نبوده است و صحابه، همه دشمن علی بودند.^{۳۸۵}

عبدالجلیل رازی قزوینی، مؤلف کتاب /التقص که مطالب بسیاری را پیرامون این‌گونه جلسات از فضایل الروافض^{۳۸۶} نقل می‌کند، ضمن دفاع از شیعه به جلسات فضایل‌خوانی اهل سنت اشاره می‌کند و در گزارشی بیان می‌کند که از اهل سنت عجیب است که چرا منقبت‌خوانی شیعیان را برنمی‌تابند در حالی که فضایل‌خوانی اهل سنت در هر کوی و برزن مشهود است. او بر این باور است که بیشتر منقبت‌خوانان از نیکان روزگاراند، در حالی که بیشتر فضایل‌خوانان تنها به قصد تأمین معاش به این کار می‌پردازند و از طبقه نکوهیده جامعه برخاسته‌اند.^{۳۸۷}

مناقب‌خوانی شیعیان که در تمامی شهرها و مناطق شیعه‌نشین رواج داشت مردم را به تشیع متمایل می‌کرد و بر نفوذ سادات و علویان، که شیعیان اصیل بودند، می‌افزود.^{۳۸۸}

۳۸۴. ظاهراً نامی که مؤلف برای کتاب خود برگزیده فضایل /امیرالمؤمنین بوده است؛ ر.ک: مقدمه مؤلف، ص ۳۱.

۳۸۵. تقص، ص ۷۷.

۳۸۶. فضائح الروافض در سال ۵۵۶ هجری به دست یکی از نویسندگان متعصب اهل سنت علیه شیعه نوشته شده است. این کتاب درباره شیعیان و امامان معصوم (علیهم السلام) مفادی زننده به کار برده است. در سال ۵۶۰ هجری عبدالجلیل قزوینی رازی کتابی با عنوان بعض مطالب النواصب فی تقص بعض فضائح الروافض در رد کتاب فضائح نگاشت که به نام /التقص مشهور است؛ رسول جعفریان، اندیشه تفاهم دینی، ص ۲۲ - ۱۳.

۳۸۷. همان، ص ۶۵.

۳۸۸. رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، ج ۲، ص ۶۸۹ - ۶۸۷. زمانی که معتضد عباسی خواست تا صحیفه‌ای در فضایل اهل بیت خوانده شود، از شورش اهل سنت هراسی به دل راه نداد، اما وقتی به او گفته شد که علویان از آن بهره خواهند برد، وحشت کرد و نخواند؛ مجالس المؤمنین، ج ۲، ص ۲۸۳.

از مجموع گزارش‌های تاریخی می‌توان دریافت که عالمان شیعی در این دوران بیشتر به قصد تخریب تبلیغات فرهنگی دشمنان و تهاجم به بدنه فرهنگی حکومت به مناقب‌خوانی روی می‌آوردند که البته ثمرات ارزشمند دیگری نیز برای جمعیت شیعی دربرداشت و اهل سنت نیز در دفاع از خود سبک فضایل‌نگاری را بناکردند.

دلیل دیگری که می‌توانست به رواج مناقب و فضایل در میان شیعه و اهل سنت در این دوران بینجامد، حکم‌فرمایی تفکر کلامی، معتزلی بر حوزه‌های علمیه تا قرن پنجم نوعی بود. با توجه به این فضای حاکم، بیشتر بحث‌های هر دو گروه عقلی بود، اما از قرن ششم به بعد نقل و گزارش حدیث گسترش یافت. طبیعی بود که در چنین جوی روایت کردن احادیث مناقب‌گونه، که مخاطبان خوبی داشت، رونق یابد.

معرفی کتاب مناقب ابن شهر آشوب

مؤلف

ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی (۵۸۸ - ۴۸۹ هـ)، معروف به ابن شهر آشوب، عالم برجسته شیعه در قرن ششم است. او در حدیث، تفسیر، ادبیات و فقه از مشاهیر و دانشمندان بلندآوازه ایران است. ابن شهر آشوب در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و سپس برای استفاده از محضر اساتید و بزرگان علوم و فنون گوناگون به بسیاری از شهرهای ایران، عراق و سوریه سفر کرد و در این سفرها از جلسات درسی فرهیختگانی کم‌نظیر همچون امین الاسلام طبرسی (صاحب تفسیر مجمع البیان)، قطب‌الدین راوندی، جارالله زمخشری (صاحب تفسیر الکشاف)، ابن قتال نیشابوری، ابوالفتوح رازی، ابوالعلاء همدانی و ابوحامد غزالی بهره‌مند شد.

گروهی از عالمان شیعه و اهل سنت چون ابن بطریق حلی، ابن ادریس حلی و ابن زهره حلبی افتخار شاگردی او را دارند. مدح و ستایش ابن شهر آشوب در میان کتابهای شیعه و اهل سنت نشان‌دهنده عظمت علمی او در قرن ششم است.

او تألیفات بسیاری داشته است که متأسفانه بیشتر آنها به دست ما نرسیده و تنها اسمی از آنها باقی مانده است. از آثاری که به دست ما رسیده است، می‌توان به سه اثر ارزشمند چاپ‌شده و یک اثر خطی اشاره کرد؛ کتابهای مناقب آل ابی طالب، معالم العلماء و متشابه القرآن و مختلفه آثار چاپ‌شده او در علوم قرآن و حدیث، تاریخ، فهرست و رجال است. نسخه‌ای خطی از کتاب مثالب النواصب (در اندازه مناقب) در کتابخانه سپهسالار موجود است.

این دانشمند بزرگ و محدث ارجمند در سال ۵۸۸ هجری در شهر حلب، پس از ۹۹ سال درخشش، به دیدار محبوب شتافت.^{۳۸۹}

۳۸۹. ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۹۲ - ۹۰، مدخل ابن شهر آشوب.

کتاب

نام کتاب *مناقب آل اُبی طالب* است.^{۳۹۰} هرچند این کتاب بیشتر به *مناقب ابن شهر آشوب*^{۳۹۱} شهرت یافته است. ابن شهر آشوب در دیباجة کتاب، ضمن بیان انگیزه خود از نگارش این کتاب مطالبی را بازگو می‌کند که این مطالب از گسترش نوعی فضایل‌نویسی به همراه کذب و ناراستی در دوران او حکایت دارد. او از اینکه جمعی از اهل سنت اخبار اجماعی را تأویل می‌کنند و یا احادیث فضایل اهل بیت را با کاستن و افزودن تحریف می‌کنند یا به دیگران نسبت می‌دهند، از جامعه علمی آن روز شکوه می‌کند.^{۳۹۲} مؤلف *مناقب آل اُبی طالب* برای مبارزه علمی با تلاشهای عالمان اهل سنت در آن روزگار، شیوه‌ای متین را برمی‌گزیند تا دوست و دشمن را به سازگاری و حقیقت‌باوری دعوت کند. او با دوری از تعصب و با نگاهی منصفانه، مناقب معصومان (علیهم السلام) را برای همگان روایت می‌کند. مؤلف، به شیوه مؤلفان اهل سنت، ابتدا اسناد خود را تا تمام کتابهای معتبر اهل سنت یک‌به‌یک بیان می‌کند تا اعتماد خواننده را به خود جلب نماید.^{۳۹۳}

کتاب *مناقب آل اُبی طالب* در دوران بعد به دست محمد بن جبیر، شاگرد شاگرد نویسنده، تلخیص شد و با نام *نخب المناقب* شهرت یافت. با توجه به اینکه *مناقب* موجود، اندکی از آنچه که ابن شهر آشوب در پایان دیباجة‌اش وصف کرده، کمتر است^{۳۹۴} برخی همچون محدث نوری بر این باورند که کتاب فعلی همان *نخب المناقب* یا تلخیص نسخه دیگری از این کتاب است. عده‌ای نیز این نظریه را قبول نمی‌کنند و شواهدی بر ردّ این کلام و دوگانگی *نخب المناقب* و *مناقب آل اُبی طالب* موجود ارائه می‌دهند.^{۳۹۵}

آنچه مسلم است، اینکه نسخه حاضر بخش پایانی کتاب (*مناقب امام مهدی، صحابه و تابعان*) را ندارد. موضوع: موضوع کتاب برشمردن فضایل و خوی‌های نیکوی پیامبر خدا و تمامی امامان (علیهم السلام) است. سبک‌شناسی: این کتاب در شمار مناقب‌نویسی است که به شیوه‌ای ویژه تنظیم شده است. ابن شهر آشوب خود در دیباجة کتاب، شیوه‌نامه‌اش را بیان کرده است. با توجه به کلام او و چینش مطالب کتاب، نکات زیر را پیرامون این کتاب می‌توان برداشت کرد:

۱- ارائه مختصر متون روایی (نه مفصل) و پرهیز از احتجاج و استدلال؛

۲- حذف اسانید و اسامی کتابها به دلیل شهرت آنها؛

۳- بیان موارد اتفاق شیعه و اهل سنت؛

۴- ذکر اشعار مناسب با مطالب.

۳۹۰. *الذریعة إلى تصانیف الشیعه*، ج ۲۲، ص ۳۱۸، شماره ۷۲۶۴. خود ابن شهر آشوب می‌گوید: «وسمیت به مناقب آل اُبی طالب»؛ *مناقب آل اُبی طالب*، ص ۳۵.

۳۹۱. ابن شهر آشوب برای این‌گونه خیانت‌های علمی مثالهایی را در کتاب خود آورده است؛ ر.ک: همان، ص ۱۴ و ۱۸.

۳۹۲. ر.ک: همان، ص ۳۲ - ۱۹. البته مؤلف اسنادش را تا کتابهای شیعه نیز در سه صفحه کوتاه بیان می‌کند.

۳۹۳. احتمال دارد که این شهرت، از چاپ این کتاب با عنوان *المناقب* در المطبع العلمیه (قم) برخاسته باشد. این اثر گویا از نسخه‌ای مطبوع در سال ۱۳۱۶ شمسی متأثر است.

۳۹۴. ابن شهر آشوب در دیباجة می‌نویسد: «وافتح تحت ذلك ذکر سید الأنبياء والمرسلین، ثم بذكر الأئمة الصادقین و ختمته بذكر الصحابة والتابعین وسمیت به مناقب آل اُبی طالب.»؛ همان، ص ۳۵.

در نسخه‌های موجود *مناقب* تا پایان عصر امام عسکری را دارد و مناقب امام عصر و صحابه و تابعان در آن دیده نمی‌شود. همچنین در صفحه ۱۱۳ *معالم العلماء* مطلبی را به بخش مربوط به امام مهدی (علیه السلام) از مناقب ارجاع می‌دهد، در صورتی

که *مناقب* حاضر این بخش را ندارد؛ ر.ک: *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۴، ص ۹۱.

۳۹۵. ر.ک: مقدمه محقق کتاب *مناقب آل اُبی طالب*، بیروت، دار الأضواء، ص ۸ و ۹.

کتاب مناقب چهار جلد است که در جلد اول مناقب پیامبر خدا، در جلد دوم مناقب امام علی و در جلد سوم و چهارم مناقب دیگر معصومان (علیهم السلام) تا امام حسن عسکری (علیه السلام) ذکر شده است. مؤلف سعی کرده است تا مطالب زیبا و ارزشمندی را که نشان‌دهنده شخصیت معنوی و علمی هر امام است، به مخاطب ارائه دهد. کتاب حاضر ۲۲ باب دارد و هر باب دارای فصل‌های متعدد است؛ برای نمونه در باب «إمامة أبي الحسن علي بن موسى الرضا (عليه السلام)»، شش فصل با عناوین زیر دیده می‌شود:

فصل في المقدمات؛ فصل في إنبائه بالمغيبات و معرفته باللغات؛ فصل في علمه؛ فصل في خرق العادات له؛ فصل في مكارم أخلاقه و معالي أموره؛ فصل في المفردات من مناقبه. در اینجا برای نمونه دو متن کوتاه را از باب «إمامة أبي الحسن علي بن موسى الرضا (عليه السلام)»، «فصل في مكارم أخلاقه» روایت می‌کنیم:

كان عليه السلام يختم القرآن في كل ثلاث ويقول: لو أردت أن أختم في أقل من ثلاث لَخَتَمْتُ، ولكن ما مررت آية قط إلا فكرت فيما، وفي أي شيء أنزلت، وفي أي وقت، فلذلك صرت أختمه في ثلاث.^{۳۹۶}

يعقوب بن إسحاق النوبختي قال: مر رجل بأبي الحسن الرضا عليه السلام فقال له: «إعطني على قدر مروتك» قال عليه السلام: «لا يسعني ذلك» فقال: «على قدر مروتني»، قال: «إذا فنع». ثم قال: «يا غلام أعطه مائتي دينار».^{۳۹۷}

نکته: اگرچه نویسنده در آغاز کتاب اسانید خود را تا کتابهای منبع آورده است، ولی حذف منابع و اسانید اعتبار کتاب مناقب را مخدوش کرده است.

ج) تداوم بعضی از سبک‌های پیشین

گذشته از دو سبک پیش‌گفته (مناقب‌نگاری و اربعین‌نویسی)، سبک‌های دیگری نیز در دوران فترت رواج داشت که مهم‌ترین آنها ادامه تکنگاریهای اخلاقی، ادعیه، اعمال و مزارنویسی است.

سید بن طاووس (م ۶۶۴ هـ) از بزرگ‌ترین محدثان دوران فترت است. او با نگارش نزدیک به شصت اثر روایی، نامی جاودانه از خویش باقی گذاشت. ما پیش‌تر با آثار روایی او، که بیشتر به سبک ادعیه، اعمال و مزارنویسی است، آشنا شدیم.

تکنگاریهای موضوعی از جمله سبک‌هایی بود که در پنج قرن نخستین در بین نویسندگان و محدثان رواج داشت و در این دوران نیز نویسندگان شیعی سبک تکنگاریهای موضوعی (اخلاقی) را ادامه دادند. در ادامه مباحث با سه اثر معروف از این دست که به دوران فترت مربوط است، آشنا می‌شویم:

۳۹۶. همان، ج ۴، ص ۳۸۹.

۳۹۷. همان، ص ۳۹۰.

معرفی کتاب

مکارم الأخلاق، نوشته حسن بن فضل طبرسی (م ۵۴۸ هـ)

این کتاب تألیف حسن بن فضل طبرسی، فرزند فضل بن حسن مشهور به امین الإسلام طبرسی صاحب تفسیر معروف مجمع البیان است.

او در این کتاب دو جلدی نزدیک به ۲۶۶۳ حدیث را در قالب دوازده باب و فصل متعدد ارائه کرده است. با توجه به عنوان باب اول «فِي خَلْقِ النَّبِيِّ وَ خُلُقِهِ وَ سَائِرِ أَحْوَالِهِ»، چنین به نظر می‌رسد که نویسنده سنن پیامبر و معصومان (علیهم السلام) را پیرامون آداب و اخلاق گردآوری کرده است، اما با نگاهی به دیگر ابواب درمی‌یابیم که مؤلف گاه از آنچه که حتی خودش در صدد بیان بوده [دیباجه] فاصله گرفته است. عناوین بعضی دیگر از ابواب این کتاب عبارت‌اند از: آداب پاکی، خوش‌بویی و مسواک زدن، لباس پوشیدن، مسکن، خوردن و آشامیدن، ازدواج، سفر کردن، ادعیه، عیادت از بیماران، رساله حقوق امام سجاد، وصیت پیامبر به امام علی (علیه السلام) و

این کتاب از سال ۱۳۰۳ به بعد بارها در ایران و مصر به چاپ رسیده است و متأسفانه مکارم الأخلاق چاپ مصر (سال ۱۳۰۶) با تحریفات گسترده‌ای همراه است.^{۳۹۸}

کتاب مکارم الأخلاق برای آشنایی با احادیث اخلاقی و آداب معاشرت کتابی پسندیده و نیکوست و خوشبختانه به فارسی نیز ترجمه شده است.

معرفی کتاب

مشكاة الأنوار، تألیف علی بن الحسن بن فضل بن الحسن الطبرسی (اوایل قرن هفتم)

این کتاب تألیف علی بن حسن بن فضل، نوه امین الإسلام طبرسی و فرزند صاحب مکارم الأخلاق است. آن‌گونه که مؤلف می‌گوید پدرش، حسن بن فضل، پس از تألیف مکارم الأخلاق، نوشتن کتابی به نام جامع لسائر الأحوال را آغاز می‌کند، ولی اجل مهلتش نمی‌دهد. بنابراین، طبرسی کار ناتمام پدر را به نوعی دیگر با موضوع‌بندی و باب‌بندی مناسبی انجام می‌دهد و نامش را مشكاة الأنوار می‌گذارد.

مؤلف کتابش را در ده باب زیبا گرد آورده است^{۳۹۹} و در مجموع ۱۹۴۱ روایت را از کتابهای اولیه شیعه استخراج و در این کتاب ذکر کرده است. او تقریباً تمام موضوعات اخلاقی را در این مجموعه جمع کرده است. طبرسی در ذیل هر باب، دهها فصل مختلف ذکر کرده است؛ برای نمونه فصلهای توحید، اخلاق، یقین، توکل، صبر، شکر، رضا، حسن ظن و ... را در باب نخست، زیر عنوان «فِي الْإِيمَانِ وَالْإِسْلَامِ وَمَا يَتَعَلَّقُ بِهِمَا» آورده است و در باب سوم که «محاسنُ الأفعال و شریفُ الخصال» است، فصولی مختلف مانند توبه، عبادت، زهد، خوف و رجا، غنا و فقر را سامان داده است.

برخی از مهم‌ترین منابع مشكاة الأنوار عبارت‌اند از: کافی، تهذیب الأحکام، محاسن، الزهد حسین بن سعید، روضة الواعظین، خصال و

۳۹۸. أعيان الشيعة، ج ۵، ص ۲۲۴.

۳۹۹. ترجمه برخی از عناوین این کتاب عبارت‌اند از: ایمان و اسلام، صفات شیعه، کردار نیکه آداب معاشرت با مردم، اخلاق بزرگوارانه، عیبهای نفس و مجاهده با آن، اندرزا و متفرقات.

معرفی کتاب

روضه الواعظین نوشته محمد بن فتال نیشابوری (شهید به سال ۵۰۸ هـ)

روضه الواعظین مجموعه‌ای از روایات سودمند برای عموم مخاطبان و گویندگان در جلسات مذهبی است که در دو جزء تنظیم شده است. جزء اول آن شامل سی مجلس پیرامون مباحث اصول دین، معرفت‌شناسی و سرگذشت‌نامه پیامبر اکرم و امامان معصوم تا امام حسن عسکری (علیهم السلام)؛ و جزء دوم شامل بیش از هفتاد مجلس است که با زندگی‌نامه امام عصر (علیه السلام) آغاز می‌شود و به بیان مناقب همه معصومان می‌پردازد. در ادامه این جلسات مباحث اخلاقی گوناگونی نیز مطرح می‌شود. مؤلف در این کتاب هر مجلس را با آیه‌ای متناسب با موضوع آغاز می‌کند و سپس موضوع هر مجلس را به کمک روایات توضیح می‌دهد. تمام احادیث این کتاب بدون سند و به صورت مرسل آمده است.

چکیده

- ۱- قرن ششم دوران حاکمیت ترکان سلجوقی بر مشرق زمین است. بیشتر شاهان و امیران سلجوقی همانند غزنویان و سامانیان جانبدار تسنن حنفی و خلافت عباسی و در تضاد با تشیع بودند. از جمله ارکان رشد تشیع در این دوره، نفوذ شیعیان امامی‌مذهب در ساختار اداری دولت سلجوقی بود.
- ۲- سیاست عالمان شیعی برای مقاومت در برابر مغولان و کنار آمدن با آنها سبب شد مغولان به گونه‌ای وادار به پذیرش فرهنگ اسلامی شوند.
- ۳- در این دوران مدارس علمیه بزرگی در شهر حله تأسیس شده بود و شخصیت‌هایی مانند محقق حلی، علامه حلی، خاندان طائوس و چهره‌های بزرگ دیگر به فراگیری و آموزش علم و دانش مشغول بودند.
- ۴- یکی از قالب‌های پرطرفدار نگارش‌های حدیثی «اربعمائات یا چهل حدیث نویسی» است. این شیوه برگرفته از روایت مشهور نبوی است که می‌فرماید: «مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِي أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَقِيهًا عَالِمًا».
- ۵- نویسندگان اربعمائات، احادیث را در موضوعات گوناگونی همچون سیره و سنت پیامبر خدا، مناقب ائمه اطهار، اصول و فروع دین و ... گرد آوردند.
- ۶- نخستین چهل حدیث منثور فارسی طیب القلوب از محمد بن علی الفراوی الحریمی است که در سال پانصد هجری نگارش یافته است. همچنین نخستین چهل حدیث منظوم فارسی از شاعر توانای خراسان، عبدالرحمان جامی به یادگار مانده است.
- ۷- کتاب اربعمائات حدیث امام خمینی مشهورترین اثر فارسی در این سبک است که در سال ۱۳۵۸ هجری شمسی نگارش یافته است.
- ۸- در تعریف مناقب و مثالب باید گفت: مناقب به کتاب‌های حدیثی‌ای گفته می‌شود که بیانگر خصال نیک و اوصاف پسندیده شخصیت‌های شناخته شده‌اند و مثالب عنوان کتاب‌های حدیثی‌ای است که بر خلاف مناقب، بیانگر عیبه و زبونیهای افراد فرومایه‌ای است که معمولاً به گزاف صاحب مقام و اعتبار شده‌اند.
- ۹- مناقب‌نویسی تقریباً از سبک‌های اختصاصی شیعیان است که از قرن دوم در میان ایشان شایع بوده است و تنها به مدیح و اوصاف پسندیده اهل بیت (علیهم السلام) می‌پردازد.
- ۱۰- از جمله رسوم شیعی رایج در قرن پنجم و ششم هجری در ایران، منقبت‌خوانی است که به صورت علنی در مراکزی که شیعه حضوری قوی داشته، رواج داشته است.

۱۱- تکنگاریهای موضوعی از جمله سبک‌هایی بود که در پنج قرن نخست در میان نویسندگان و محدثان رواج داشت. در این دوران نیز نگارش تکنگاریهای موضوعی (اخلاقی) از سوی نویسندگان شیعی ادامه یافت. سه اثر معروف در این شیوه عبارت‌اند از: مکارم/الأخلاق تألیف حسن بن فضل طبرسی، مشکاة/الأنوار از علی بن حسن بن فضل بن حسن طبرسی و روضة/الواعظین نوشته محمد بن فتال نیشابوری.

ضمیمه (۱): منابع مطالعاتی

- ۱- رسول جعفریان، تاریخ تشیع در ایران، جلد دوم؛
- ۲- نجف‌زاده بارفروش، دانش حدیث؛
- ۳- کتانی، الرسالة المستطرفة؛
- ۴- امام خمینی، اربعین حدیث؛
- ۵- ابن شهر آشوب، مناقب آل أبي طالب؛
- ۶- منتجب‌الدین رازی، الأربعین حدیثاً؛
- ۷- ابن عساکر، الأربعون حدیثاً؛
- ۸- کرکوش حلی، تاریخ الحله؛
- ۹- النریعه، ج ۱، ص ۴۰۹ به بعد؛
- ۱۰- نادعلی عاشوری، «چهل حدیث نویسی»، مجله علوم حدیث، شماره ۱۴؛
- ۱۱- میراث حدیث شیعه، ج ۲، ۳ و ۸ و ج ۱ و ۵، اربعین حدیث‌های منتشر نشده

ضمیمه (۲): مهم‌ترین مراکز علمی شیعه در دوران فترت

چنان‌که گفته شد، بیشترین نگارش‌های حدیثی، از قرن ششم تا قرن نهم را دو گروه (عالمان حله و طبرسی‌ها) انجام داده‌اند. با توجه به اینکه حله در این قرن‌ها مهم‌ترین مرکز علمی شیعه است؛ بنابراین، بیشترین فعالیت حدیثی را نیز باید در همین دیار جستجو کرد.

نیم‌نگاهی به عالمان حله

الف) حلی‌ها

دانشمندان حله بسیار زیادند؛ زیرا حوزه علمی این شهر در آن زمان دانشگاهی بود که در فقه، حدیث و رجال گوی سبقت را از دیگر مراکز علمی آن زمان ربوده بود. بنابراین، در دوران بعد در میان فقیهان و اندیشمندان سبک ویژه‌ای با عنوان مکتب حله (مدرسة الحله) به وجود آمد. تاریخ این شهر، به صورت مدون، در دو جلد به چاپ رسیده است.^{۴۰۰}

۴۰۰. شیخ یوسف کرکوش حلی، تاریخ الحله، چاپ حیدریه، ۱۳۸۵ هـ.

اینک با برخی از محدثان حله که آثارشان تاکنون باقی مانده است، آشنا می‌شویم:
قرن ششم

- محمد بن إدريس حلی (م ۵۹۸ هـ) مؤلف *السرائر* که شیخ طوسی جد مادری او (البته با واسطه) است. شایان ذکر است که مستطرفات این کتاب، مجموعه‌ای حدیثی است.

- ابن بطریق حلی^{۴۰۱} (م ۶۰۰ هـ)، مؤلف *العمدة*.

قرن هفتم

- ابن نما حلی،^{۴۰۲} مؤلف *مثیر الأثران*.

قرن هشتم

- حسن بن علی بن داود حلی (زنده در ۷۰۷ هجری)، مؤلف *الرجال*؛

- علامه حلی (م ۷۲۶ هـ)، مؤلف *کتابهای الألفین فی إمامة أمير المؤمنين (عليه السلام)*، خلاصة الرجال، کشف

اليقين في فضائل أمير المؤمنين (عليه السلام)، نهج الحق و کشف الصدق؛

- علی بن یوسف بن مطهر حلی (زنده در ۷۰۳ هجری)، مؤلف کتاب *العدد القویة لدفع المخادف اليومیة*.

قرن نهم

- ابن فهد حلی (م ۸۴۱ هـ)، مؤلف *کتابهای التحصین فی صفات العارفين و عدة الداعي*.

این بزرگان هر یک در فقه و دیگر دانش‌ها، کتابهای متعددی را به جامعه علمی شیعه هدیه کرده‌اند.

ب) خاندان آل طاووس

زیبایی و ملاحات ابو عبدالله محمد بن اسحاق، جدّ اعلای سید بن طاووس، سبب شد که مردم او را «طاووس» لقب دهند و از آن پس خاندان او به آل طاووس مشهور شدند. این خاندان بزرگ مفتخر است که بسیاری از عالمان دینی را پرورش داده است. از آنجا که خاندان آل طاووس در حله زندگی می‌کردند؛ بنابراین، به دنبال اسامی ایشان می‌توان لقب «حلی» را هم مشاهده کرد. گفتنی است که برخی از افراد این خاندان با خاندان علامه حلی وابستگی خانوادگی داشته‌اند و یا از مجالس درس یکدیگر سود می‌برده‌اند.

مشهورترین فرد این خانواده سید رضی‌الدین علی بن موسی بن جعفر بن طاووس (۶۶۴ – ۵۸۹ هـ)، معروف به سید بن طاووس است که باید او را مؤلف بیشترین کتابهای ادعیه شیعه دانست.

برخی از مشاهیر و محدثان این خاندان عبارت‌اند از:

- ورام بن أبي فراس^{۴۰۳} (م ۶۰۵ هـ)، جدّ مادری سید بن طاووس و مؤلف کتاب *تنبيه الخواطر*؛

- سید علی بن طاووس (م ۶۶۴ هـ)، مؤلف *کتابهای الأمان، الإقبال، التحصين، الطرائف، اللهوف، المجتنبی، فتح*

الأبواب، سعد السعود، جمال الأسبوع، اليقين، فرج المهموم، فلاح السائل، محاسبة النفس، مهج الدعوات و ...؛

- سید جمال‌الدین احمد بن موسی بن طاووس الحلی (م ۶۹۳ هـ)، برادرزاده سید بن طاووس، مؤلف کتاب

فرحة الغری بصرحة الغری.

۴۰۱. آل بطریق از خاندانهای بزرگ حله به شمار می‌روند. آنان پیش‌تر در بغداد بودند و سپس به حله آمدند. محدثان و فقیهان بزرگی مانند یحیی بن حسن بن بطریق، مؤلف *العمدة*، علی بن یحیی و محمد بن یحیی، دو فرزند یحیی بن حسن، از این خاندان برخاسته‌اند.

۴۰۲. هم او و هم پدرش، محمد بن جعفر علی، و نیز جدّش، هبة‌الله بن نما، همگی از عالمان برجسته حله بودند.

۴۰۳. با توجه به اینکه خاندانها معمولاً فرزندان اولاد ذکور را دربرمی‌گیرند؛ بنابراین، «ورام» را از روی تسامح در اینجا ذکر کرده‌ایم.

جلسه دهم

سبک‌شناخت کتابهای حدیثی اهل سنت

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ دوره تدوینهای ابتدایی و دوره نظم‌دهی؛
- ✓ سبکهای جزءنویسی، مسندنویسی، معاجم و مصنف‌نگاری.

مقدمه

شیعیان مفتخراند که نگارش احادیث را از همان عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله) و امام علی (علیه السلام) آغاز کرده و به قوانین حکومتی خلیفه اول و دوم در منع تدوین حدیث پای‌بند نبوده‌اند. بسیاری از آثار روایی شیعه در صد سال اول هجری تدوین شد. قانون ممنوعیت تدوین حدیث را خلیفه دوم بنیان نهاد. این قانون آن‌چنان در اندیشه‌ها رسوخ کرده بود که دگرگونی آن مشکل می‌نمود. سالها از لغو این قانون می‌گذشت و کمتر کسی بود که به تدوین کتابی حدیثی اهتمام ورزد. در این دوران عالمان اهل سنت تنها به نقل احادیث نبوی، آن هم بسیار محدود، می‌پرداختند.

فرمان تاریخی عمر بن عبدالعزیز (م ۱۰۱ هـ) مبنی بر جواز تدوین حدیث در آغاز قرن دوم هجری صادر شد.^{۴۴} بنابراین، اهل سنت در سده دوم هجری دست به قلم بردند تا پس از گذشت بیش از صد سال از رحلت پیامبر، آثار ایشان را حفظ کنند. نخستین کسی که فرمان خلیفه را اجرا کرد محمد بن مسلم، معروف به ابن شهاب زهری (م ۱۲۴ هـ)، بود. ابن شهاب از دانشمندان برجسته تابعین است. او آموزگار فرزندان هشام بن عبدالملک بود و چهارصد حدیث را به آنها املا کرد. هشام پس از مطالعه دفترچه‌های فرزندانش از احادیث زیبایی آن لذت برد و گفت که نباید این کتابها از بین برود. بنابراین، فرمان داد که از این دفترچه رونوشت برداشته و منتشر شود.^{۴۵} بدین ترتیب نخستین نگارشهای اهل سنت پس از گذشت یکصد سال از وفات پیامبر شکل گرفت.

نویسندگان اهل سنت به دنبال گردآوری و عرضه مناسب احادیث، در هر عصری مطابق با شرایط آن دوره سبکهای گوناگونی را آفریدند. در یک نگاه بیرونی سبکهای حدیثی ایشان را می‌توان در پنج فصل تحلیل کرد:

فصل اول: دوره تدوینهای ابتدایی؛

فصل دوم: دوره نظم‌دهی؛

فصل سوم: دوره ارزش‌گذاری و انتخاب؛

۴۰۴. الرسالة المستطرفة، ص ۴؛ أبوزهو، الحديث و المحدثون، ص ۲۴۴.

۴۰۵. الحديث و المحدثون، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

فصل چهارم: دوره پردازشهای تکمیلی و جانبی؛

فصل پنجم: دوره معاصر.

آنچه در این درسها از نظر می‌گذرد تنها اشاره‌ای به مهم‌ترین سبکهای حدیثی است؛ چه اینکه سبکهای حدیثی از این تعداد فراتر و متنوع‌تر است.

فصل اول

دوره تدوینهای ابتدایی

جزء نویسی

پس از ابن‌شهاب زهري، دیگر نویسندگان نیز دست به قلم بردند و به گردآوری احادیث پرداختند که از آن جمله می‌توان ابن‌جریج (م ۱۵۰ هـ) در مکه، ابن‌اسحاق (م ۱۵۱ هـ) و مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ) در مدینه، سفیان ثوری (م ۱۶۱ هـ) در کوفه، اوزاعی (م ۱۵۶ هـ) در شام، ابن‌مبارک (م ۱۸۱ هـ) در خراسان و دیگران را نام برد. نخستین سبکی که در این دوران پدیدار شد جزءنویسی بود.

تعریف

جزء در لغت به معنای بخش، پاره، یک قسمت و سهم است و در اصطلاح سبک‌شناسی نیز برگرفته از همین معنای لغوی است.

سبک اجزاء

اجزاء جمع جزء است. این اصطلاح به سه گونه از نگارش اطلاق می‌شود:

۱- اجزاء مسندی: کتابچه‌هایی که روایات یک صحابه یا یک استاد در آن جمع شده باشد؛ مانند: جزء سفیان بن عیینه (م ۱۹۹ هـ).

۲- اجزاء موضوعی: کتابچه‌هایی که احادیث یک موضوع جزئی در آن گردآمده باشد؛ مانند: جزء رَفْعُ الْيَدَيْنِ فِي الصَّلَاةِ اثر محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ).

۳- اجزاء رجال و درایه‌ای: کتابچه‌هایی که برخی از فواید حدیثی متن یا سند را دربرداشته باشد؛ مانند: کتاب المنفردات و الوحدان اثر مسلم نیشابوری (م ۲۶۱ هـ).

در میان این سه گونه نگارشی، گونه سوم بیشتر به عنوان یک سبک مستقل (فوایدنگاری) شناخته شده و از دایره بحث ما بیرون است. بنابراین، اجزاء در سبک‌شناسی بیشتر به دو گونه نخست اطلاق می‌شود. ناگفته

نماند که بعضی از محققان احادیث عددی را نیز در شمار اجزاء حدیثی دانسته‌اند.^{۴۰۶} جزءنویسی بسیط‌ترین شیوه نگارش اهل سنت است که به طور تقریبی معادل «اصل‌نویسی» شیعیان است. جزءنویسان گاهی مجموعه احادیث یک استاد را در دفتری گرد می‌آوردند؛ مانند: جزء/ابن عیینه و جزء مالک بن انس؛ و گاهی نیز مجموعه احادیث یک صحابی را جمع‌آوری می‌کردند؛ مانند: جزء حدیث/ابی‌بکر. نگارش اجزاء از همان سالهای آغاز تدوین حدیث شروع شد و تا قرن دهم نیز ادامه داشت. اسامی اجزاء به طور معمول از نام راوی، استاد یا موضوع اصلی نوشتار برداشت می‌شد؛ برای نمونه در زیر به نام چند جزء اشاره می‌کنیم.

اجزاء مسندی

- جزء/ابن عیینه اثر سفیان بن عیینه کوفی (م ۱۹۹ ه)؛
- جزء/اشیب بغدادی (م ۲۰۹ ه)؛
- جزء مؤمل بن ایهاب (م ۲۵۴ ه)؛
- جزء/ابن عاصم اثر محمد عاصم اصفهانی (م ۲۶۲ ه)؛
- جزء نافع بن ابی‌نعیم (م ۳۸۱ ه)؛
- جزء/ابی‌عبدالله اثر محمد بن عبدالرحمن بصری (م ۲۱۵ ه)، استاد بخاری.

اجزاء موضوعی

- جزء/احادیث الشعر از عبدالغنی مقدسی (م ۶۰۰ ه)؛
- جزء/الأدب المفرد از محمد بن اسماعیل البخاری (م ۲۵۶ ه)؛
- جزء/الدعا اثر ابن فضیل (م ۱۹۵ ه) و طبرانی (م ۳۶۰ ه)؛
- جزء فضل الصلاة علی النبی از اسماعیل بن اسحاق قاضی (م ۲۸۲ ه)؛
- جزء آداب الصحبة؛
- و مجموعه کتابهای موضوعی ابن ابی‌الدنیا^{۴۰۷} (م ۲۸۱ ه).

۴۰۶. این تعریف را کتانی در *الرسالة المستطرفة* ارائه کرده و تا حدودی مهم است؛ چه اینکه بعضی از کتابهایی که او معرفی کرده، رجالی است و بخش کوچکی از کتابهایی که او ذکر کرده، احادیث عددی، همچون احادیث *خصال* است. چنانچه در ادامه مثالهایش به چهل حدیث‌نویسی‌ها نیز اشاره کرده است؛ ر.ک: *الرسالة المستطرفة*، ص ۱۰۳ - ۸۶. برای نمونه در کتابهای ثلاثیات، احادیثی گردآوری شده است که از نویسندگان پیشتازی همچون بخاری تا پیامبر اکرم تنها سه واسطه بوده است. مؤلف در کتاب *رباعیات الإمام البخاری* نیز به همین شیوه عمل کرده است. برای اطلاع بیشتر می‌توانید به کتابهای *المنفردات* و *الوحدان* اثر مسلم بن حجاج نیشابوری، *الغیلانیات* اثر محمد بن عبدالله بن ابراهیم الشافعی (م ۳۵۴ ه)، *الثلاثیات الأئمة*، تحقیق علی‌رضا عبدالله واحد البزرة، جزء *فيه من فوائد* ابی‌عبدالله محمد بن مخلد (م ۳۳۱ ه) و *رباعیات الإمام البخاری* اثر دکتر یوسف کتانی مراجعه فرمایید.

۴۰۷. ابن ابی‌الدنیا از دانشمندانی است که رساله‌ها و اجزاء موضوعی بسیاری را پدید آورده است. از او بیش از سی رساله حدیثی در موضوعات متنوع باقی مانده است. این رساله‌ها تا کنون بارها به صورت جداگانه چاپ شده است. در سالهای اخیر یکی از محققان معاصر (ابوبکر بن عبدالله سعداوی) این رساله‌ها را در سه مجلد قطور به شکلی زیبا در یک مجموعه گرد آورده است.

معرفی کتاب

جزء سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ هـ)

مؤلف

سفیان بن عیینه از بزرگ‌ترین محدثان کوفه و مکه است. او در سال ۱۰۷ هجری در شهر کوفه دیده به جهان گشود و به سال ۱۹۸ در شهر مکه چشم از جهان فرو بست. در کارنامه علمی او نام اساتیدی مشهور و شاگردانی پرتلاش دیده می‌شود. از مشهورترین اساتید او می‌توان زهری، عمرو بن دینار و ایوب سجستانی را نام برد. در شمار شاگردان او نیز اسامی اسحاق بن راهویه، ابن مبارک، احمد بن حنبل و ... به چشم می‌خورد. شافعی معتقد است که پایداری علم حدیث در حجاز مرهون تلاشهای سفیان و مالک بن انس است و یحیی بن معین او را داناتر از سفیان ثوری دانسته است. او تفسیری دارد که هم‌اینک موجود و به چاپ رسیده است.^{۴۰۸}

کتاب

جزء سفیان شامل پنجاه حدیث است که همه آنها از سوی او گزارش شده است. در میان این احادیث، روایات موقوف و مقطوع نیز دیده می‌شود. با توجه به اینکه او در شمار شاگردان تابع تابعان است؛ بنابراین، احادیث خویش را با سه واسطه از پیامبر خدا روایت کرده است. این احادیث در موضوعات گوناگون و بدون هیچ‌گونه نظم ویژه‌ای ذکر شده است.

این جزء توسط زکریا بن یحیی مروزی (م ۲۷۰ هـ)، شاگرد سفیان، روایت شده و تا کنون باقی مانده است. پایداری این جزء اثر تلاش محدث پرآوازه قرن نهم، ابن حجر عسقلانی است؛ چه اینکه او به سند متصل خویش این نسخه را از زکریا بن یحیی گزارش کرده است. جزء سفیان با تحقیق و تصحیح مناسب به صورت مستقل به چاپ رسیده است.

نمونه:

حدثنا سُفیان عن أبي الزناد عن الأعوج عن أبي هريرة يَبلغُ به النبيُّ صَلَّى اللهُ عليه وآله
قال: «إِذَا نَظَرَ أَحَدُكُمْ إِلَى مَنْ فَضَّلَ عَلَيْهِ فِي الْمَالِ وَالْجِسْمِ فَلْيَنْظُرْ إِلَى مَنْ دُونَهُ فِي
الْمَالِ وَالْجِسْمِ».^{۴۰۹}

بعضی از عناوین اجزاء حدیثی ابن ابی‌الدنیا عبارت است از: الإخلاص و النية، اليقين، حسن الظن بالله، الرضا عن الله، مكارم الأخلاق، الحلم، العقل و فضله، ذم الدنيا، الجوع، الورع، إصلاح المال و برای اطلاع بیشتر، ر. ک: رسائل ابن ابی‌الدنیا، تحقیق ابوبکر بن عبدالله سعداوی، المركز العربی لکتاب (امارات متحده عربی).

۴۰۸. جزء سفیان بن عیینه، ص ۶۹، ح ۴۳.

۴۰۹. ح ۴۳، ص ۶۹؛ برای اطلاع بیشتر از زندگی او، ر. ک: طبقات الکبری، ج ۵، ص ۴۹۷ به بعد؛ بخاری، التاريخ الکبیر، ج ۴، ص ۹۴؛ کتابی نیز به طور مستقل در معرفی او با عنوان سفیان بن عیینه در قطع رقعی به چاپ رسیده است.

فصل دوم

دوره نظم‌دهی

در نیمه دوم قرن دوم، اجزاء حدیثی گسترش یافت. حدیث‌پژوهان جوان به شوق گردآوری آثار نبوی به سفرهای حدیثی روی آوردند. آنان در هر کجا که بقایای صحابه یا تابعین را می‌یافتند به سوی او می‌شتافتند و دانسته‌های حدیثی او را در گنجینه‌های نوشتاری خویش ثبت می‌کردند.

بدین ترتیب اجزاء حدیثی بدون هیچ‌گونه نظم‌ی فزونی یافت. در این دوران مراجعه و یافتن احادیث از میان دهها گونه جزء، کاری دشوار بود. از سوی دیگر، کلاسهای تدریس حدیث در جای جای بلاد اسلامی شکل گرفت و حتی جمعی از دانشمندان، مکتب اهل حدیث را ابداع کردند. در این دوران دیگر دسترسی به صحابه پیامبر ممکن نبود و مردم برای دریافت پاسخ خویش به محدثان و فقیهان مراجعه می‌کردند و آنان نیز برای پاسخ‌گویی به سؤالات مراجعان به کتابهای حدیث نیازمند بودند.

تشنگی جامعه اسلامی و نیاز آن به کتابهای حدیثی سبب شد تا گروهی از نویسندگان سبک‌هایی را برای نظم‌دهی و آسان‌یاب نمودن حدیث ابداع کنند. بدین ترتیب، سه سبک مهم در این دوران شکل گرفت:

(الف) مسندنویسی؛

(ب) مصنف‌نگاری؛

(ج) معجم‌نویسی.

گذشته از آثاری که در قالب این سبکها خلق شد، مهم‌ترین و نخستین کتاب فقهی - حدیثی اهل سنت نیز در این دوران عرضه شد. مالک بن انس (م ۱۷۹ هـ)، پیشوای مذهب مالکی، کتابی با عنوان *مَوْطَأُ تَدْوِین* کرد.

الف) مسندنویسی

تعریف لغوی

«مُسْنَدٌ» از ریشه «سَنَدٌ» به معنای تکیه کردن و متکی شدن و «المسند» به معنی نسبت داده شده است.

تعریف اصطلاحی

«مسند» در اصطلاح سبک‌شناسی به کتابهایی گفته می‌شود که مجموعه روایات هر صحابی از پیامبر خدا، اعم از روایات صحیح، حسن و ضعیف، به دنبال نام او ذکر شده باشد.^{۴۱۰}

۴۱۰. *الرسالة المستطرفة*. اصطلاح مسند تنها احادیث نبوی را دربرمی‌گیرد. در سالهای اخیر کتابهایی با نام مسند، احادیث یک راوی از راویان اهل بیت را گرد آورده‌اند. این نوع تألیفها را نمی‌توان مسند دانست. این کتابها از تعریف اصطلاحی مسند خارج‌اند؛ مگر آنکه راوی، حدیثی را از معصوم و با سند معصوم، از پیامبر روایت کرده باشد. البته اگر در تعریف مسند تسامح داشته باشیم روایات هر معصوم را نیز می‌توان مسند دانست.

محدثان نخستین اهل سنت، برای نگهداری احادیث، بیشتر از حافظه خویش یاری می‌گرفتند. آنان سعی می‌کردند تا اجزاء حدیثی یک راوی را به طور کامل حفظ کنند. بنابراین، نخستین شیوه نظم‌دهی نیز بر همین اساس انجام شد. در حقیقت سبک مسند، سبک پیشرفته‌تر اجزاء مسندی است. مسندنویسان در کتابهایشان سعی می‌کردند تا مجموعه احادیث دهها و صدها صحابی را گرد آورند. پیدایش این شیوه نگارش استقبال محدثان را دربرداشت. به همین علت، این سبک بیش از دویست سال در میان نویسندگان اهل سنت رایج بوده است.

ترتیب اسامی صحابه

شیوه مشترک تمام مسندها بر این است که پس از یادکرد نام هر صحابه تمامی روایات او را ذکر می‌کنند. اما نحوه چینش اسامی صحابه به سلیقه و ابتکار مسندنویسان بستگی دارد. در ادامه با گونه‌های مختلف ترتیب اسامی صحابه آشنا می‌شویم:

۱- ترتیب الفبایی

مؤلفان برخی از مسندها، اسامی صحابه را بر اساس حروف الفبای نام ایشان مرتب می‌کنند؛ برای نمونه ترتیب برخی مسانید از مسند ابی بن کعب، أسامة بن زید و ... شروع می‌شود. این شیوه بهترین و رایج‌ترین شیوه در مسندنویسی است.

۲- ترتیب قبیله‌ای

با توجه به اینکه در عصر پیامبر هنوز شهرنشینی رایج نشده بود و شناخت افراد به قبایل ایشان بستگی داشت، گروهی از مسندنویسان این شیوه را ترجیح دادند. آنان در این شیوه نخست افراد قبایلی را که به پیامبر نزدیک‌تر بودند، بیان می‌کردند. در نتیجه آغاز این‌گونه مسانید با بنی‌هاشم و خاندان رسول خدا بود.

۳- ترتیب سابقه مسلمانان

همه صحابه پیامبر در برتریهای شخصیتی با یکدیگر همسان نیستند. بعضی از صحابه در اسلام آوردن بر دیگران پیشی گرفته‌اند و گروهی از صحابه در جنگهای سخت سالهای نخست حکومت نبوی شرکت کرده‌اند. اینان بر دیگر صحابه برتری دارند. از این رو، گروهی از مسندنویسان در ترتیب اسامی صحابه معیارهایی همچون سبقت در اسلام، حضور در جنگهای مهم بدر، احد ... و یا حادثه‌هایی نظیر صلح حدیبیه و فتح مکه را در نظر می‌گیرند. اینان به طور معمول از «عَشْرَةُ مَبْشُرَةٍ»^{۱۱} آغاز می‌کنند و در میان عَشْرَةُ مَبْشُرَةٍ نیز نام

۱۱. اهل سنت بر این باورند که رسول خدا به ده تن از یاران خویش بهشت را بشارت داده است. این ده نفر به ترتیب عبارتند از: ابوبکر، عمر، عثمان، امیرالمؤمنان علی (علیه السلام)، سعد بن ابی وقاص، سعید بن زید، طلحه، زبیر، عبدالرحمن بن عوف و ابوعبیده جراح.

خلفای راشدین را به ترتیب می‌آورند.

۴- ترتیب شهرها

عده‌ای از مسندنویسان در تنظیم مسندها، نام صحابه را به ترتیب شهرهای محل اقامتشان تنظیم می‌کنند. آنان از شریف‌ترین شهرها، یعنی مکه و مدینه، شروع می‌کنند و به ترتیب تا دورترین شهرها نسبت به مکه و شهرهای مقدس ادامه می‌دهند.

معرفی مسندها

مؤلف کتاب *الرسالة المستطرفة* بیش از هشتاد مسند را برمی‌شمارد، در حالی که دکتر سید کاظم طباطبایی در کتاب *مسندنویسی در تاریخ حدیث*، ۱۷۴ کتاب مسند را از میان مسانید اهل سنت بررسی کرده است. این گستردگی، نشان‌دهنده توجه ویژه محدثان به این سبک نگارشی است. دکتر سید کاظم طباطبایی می‌نویسد:

آن گونه که از کتابهای رجال، تذکرها و فهرستها برمی‌آید، در سده‌های سوم و چهارم کمتر محدثی را می‌توان یافت که مسندی تألیف نکرده باشد. پاره‌ای از این مسندها چاپ شده و در دسترس پژوهشگران است. پاره‌ای دیگر نیز هنوز به صورت دست‌نوشته در کنج کتابخانه‌ها از دسترس پژوهندگان دور مانده است. شمار بسیاری هم با گذشت زمان از میان رفته و تنها نامی از آنها بر جای مانده است.^{۹۲}

در میان تمامی مسندها، نام *مسند احمد بن حنبل* بر فراز است، به گونه‌ای که هرگاه حدیث‌پژوهان نام «مسند» را بدون پسوند می‌آورند مراد ایشان *مسند احمد* است. در اینجا با نام بعضی از نخستین نویسندگان مسانید آشنا می‌شویم:

- ۱- ابوداود طیالسی (۲۰۴ - ۱۳۳ هـ)؛
- ۲- اسد بن موسی بن ابراهیم اُموی (۲۱۲ - ۱۳۲ هـ)؛
- ۳- عبدالله بن زبیر حمیدی (م ۲۱۷ یا ۲۲۰ هـ)؛
- ۴- یحیی بن عبدالحمید «حمّانی» (۲۲۸ - ۱۵۰ هـ)؛
- ۵- مُسَدَّد بن مُسَرَّهَد بصری (۲۲۸ - ۱۵۰ هـ)؛
- ۶- نَعِیم بن حمّاد مروزی (م ۲۲۸ یا ۲۲۹ هـ)؛
- ۷- علی بن عبدالله، معروف به ابن‌مدینی (م ۲۳۴)؛
- ۸- ابوعبدالله شیبانی، معروف به احمد بن حنبل (۲۴۱ - ۱۶۴ هـ).

۹۲. *مسند نویسی در تاریخ حدیث*، ص ۹۵.

ویژگیهای مشترک کتابهای مسند (مسانید)

ویژگیهای مشترک مسانید را در عناوین زیر می‌توان خلاصه کرد:

- ۱- در متن این کتابها همه گونه حدیث، اعم از صحیح، حسن و ضعیف، دیده می‌شود؛
- ۲- تکرار متن حدیث در ذیل اسامی صحابه امری اجتناب‌ناپذیر است؛
- ۳- سند احادیث از نویسنده تا پیامبر به صورت مسند و متصل ادامه دارد؛
- ۴- هدف تمامی مسندها، گردآوری احادیث پراکنده نبوی و جلوگیری از تضييع آنهاست؛
- ۵- کتابهای مسند تنها احادیث نبوی را دربردارد و کلمات صحابه و فتاوی تابعان در این سبک نگارشی ذکر نمی‌شود؛
- ۶- دستیابی به حدیث مورد نظر در مسانید، به مسند نام راوی آن حدیث نیازمند است. بنابراین، مسانید از دشواریاب‌ترین گونه‌های نگارشی حدیث برای یافتن احادیث هستند.

فواید مسانید

کتابهای مسند در کنار برخی عیبه‌ها، فواید و مزیت‌های زیر را نیز دارند:

- ۱- جدا شدن احادیث نبوی از سخنان صحابه و تابعان؛
- ۲- آشکار شدن تعداد احادیث یک راوی و قدر و منزلت علمی او؛
- ۳- روشن شدن تخصص راوی در موضوع یا موضوعاتی ویژه؛
- ۴- یاری‌دهی به دانش طبقات رجال.

نیم‌نگاهی به مسند ابن حنبل

احمد بن حنبل محدثی برجسته و پیشوای فرقه حنبلیان و از مشاهیر اهل سنت است. گرایش او به اصحاب حدیث، شیوه استنباط احکام، برخوردهای سیاسی و نظریات ویژه‌اش در مسائل کلامی و حدیثی سبب شد که نام او، حتی در دوره زندگانی‌اش، بر زبانها جاری شود. نبوغ ویژه او در یادگیری علوم اسلامی در همان دوران جوانی او را در شمار اندیشمندان عصر خویش قرار داد. مشهورترین کتاب او همان مسند نام دارد.^{۴۱۳}

مسند/ابن حنبل از دیرباز بزرگ‌ترین و بهترین مسند حدیثی شناخته شده است. علاوه بر این، این کتاب بزرگ‌ترین دایرة المعارف احادیث نبوی نزد اهل سنت است. او خود به پسرش عبدالله سفارش می‌کند: «اَحْتَفِظْ بِهَذَا الْمُسْنَدِ فَإِنَّهُ سَيَكُونُ لِلنَّاسِ إِمَامًا».

در انتساب این کتاب به ابن حنبل یا فرزندش عبدالله همواره بین کتاب‌شناسان دوگانگی بوده است. پژوهش اولیه کتاب به دست خود ابن حنبل انجام شده است و تمامی دانشمندان در این جهت با یکدیگر هم‌داستان‌اند. ولی سؤال این است که آیا خود او نیز به ترتیب و تنظیم این اثر موفق شده است یا نه؟ این

۴۱۳. برای اطلاع بیشتر از نحوه تفکرات و زندگانی او، ر. ک: مسندنویسی در تاریخ حدیث، ص ۴۰۲ - ۳۰۹؛ همچنین دایرة المعارف بزرگ اسلامی، مدخل احمد بن حنبل ج ۶، ص ۷۱۹ به بعد.

سؤالی است که پژوهش‌های متعددی را در پی داشته است. پیرامون اهمیت این تلاش بزرگ، در درس جوامع حدیثی اهل سنت به تفصیل سخن گفته شده است. در این جلسه کتاب ابن حنبل را از نگاه سبک‌شناسی بررسی می‌کنیم.

نگاهی اجمالی به مطالب مسند

تعداد احادیث مسند احمد نزدیک به سی هزار حدیث است که با حذف احادیث (متون) تکراری به حدود نه هزار حدیث می‌رسد.^{۴۱۴} تاریخ شروع نگارش آن حدود سال دویست هجری و تاریخ قرائت کتاب بر پسرش عبدالله حدود سال ۲۲۵ هجری است. تعداد اساتید احمد در این کتاب ۲۸۳ نفر هستند. هدف و انگیزه احمد از نگارش این کتاب گردآوری احادیث مشهور نبوی با سند متصل به منظور نجات امت اسلامی از اختلاف در سنت نبوی است.

سبک مسند ابن حنبل

- ۱- ترتیب اسامی صحابه در این کتاب تلفیقی از شیوه‌های گوناگون است. چینش مسانید به این ترتیب است: مسند چهارده تن از صحابه (عشره مبشره + چهار نفر دیگر)، مسند اهل بیت (امام حسن، امام حسین، عقیل و ...)، مسند بنی‌هاشم، مسند هشت صحابی کثیر الروایه، مسند مکیان (روایات ۲۵۵ نفر از صحابه)، مسند مدنی‌ها (احادیث ۱۳۵ تن از صحابه)، مسند شامیان (احادیث ۱۶۹ نفر از صحابه)، مسند کوفیان (احادیث ۱۴۹ تن از صحابه)، مسند بصری‌ها (احادیث هشت نفر از صحابه)، مسند انصار (احادیث ۱۳۱ تن از صحابه)، مسند زنان (احادیث ۷۱ نفر از صحابه)، مسند قبیله‌ها (۲۱ مرد و ۶۲ زن صحابه).
- ۲- از آنجا که روش و ترتیب مسند ابن حنبل برای حدیث‌یابی بسیار دشوار است؛ از این رو، پژوهش‌هایی در جهت آسان‌یاب کردن احادیث این کتاب شکل گرفته است.

مسانید شیعه

مسندنویسی از شیوه‌های مهم نگارشی اهل سنت است، اما شیعیان به این نوع نگارش چندان توجهی نکرده‌اند؛ زیرا اولاً: این سبک از نگارش فواید درخور توجهی ندارد، دیگر اینکه شیعه چنین نیازی را احساس نمی‌کرد. شیعیان تا سال ۲۶۰ هجری از حضور امامان معصوم، به طور مستقیم و به گونه‌ای کم‌رنگ‌تر تا سال ۳۳۹ هجری بهره‌مند بودند؛ از این رو، به خاطر سپردن حدیث، آن هم به شیوه اهل سنت در میان شیعه ضرورتی نداشت. علاوه بر این، در دوران شکل‌گیری مسانید اهل سنت، شیعیان در نگارش از آنها پیش‌تر بودند و کتابهای اولیه خود را نگاشته و سرگرم تدوین و تنظیم جوامع بزرگ روایی، مانند محاسن و کافی بودند. با این همه چند کتاب مسند نیز همسو با مسانید اهل سنت در همان قرون نخست به دست شیعیان

۴۱۴. یعنی حدود سی درصد کل مسند غیرتکراری است؛ ر.ک: بخش «اطراف الحدیث» نرم افزار «موسوعه الحدیث الشریف».

نگاشته شد که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

- مسند الرضا یا صحیفه الرضا اثر احمد بن عامر بن سلیمان طایبی (نیمه دوم قرن سوم)؛
- مسند زید بن علی بن الحسین (علیهما السلام)؛
- مسند الإمام موسی بن جعفر از موسی بن ابراهیم مروزی (متوفی پس از ۲۲۹ هـ)؛
- مسند الرضا از مؤلفی ناشناخته (م ۸۸۲ هـ)؛
- مسند الحبري منسوب به حسین بن حکم بن مسلم حبری (م ۲۸۶ هـ).

این مسانید اکنون موجود و در دسترس علاقه‌مندان است. از پاره‌ای مسانید شیعی تنها نامی باقی مانده است و متأسفانه خود آنها به دست ما نرسیده است. نام برخی از این مسانید عبارت‌اند از:

- مسند محمد بن حنفیه (م ۸۱ هـ)؛
- المسند از قیس بن ربیع السندی (م ۱۵۰ هـ)؛
- المسند از عبیدالله بن موسی عیسی (م ۲۱۳ هـ)؛
- المسند از یحیی بن عبدالحمید حمّانی (م ۲۲۸ هـ)؛
- مسند الذکر از محمد بن منصور مرادی (م ۲۹۰ هـ).

چند اثر همسو با مسانید نیز در شیعه وجود دارد که عبارت‌اند از:

- تحف العقول از ابن شعبه حرّانی؛
- نزهة الناظر از حسین بن محمد بن الحسن الحلوانی؛
- الدرّة الباهرة من الأصداف الطاهرة، منسوب به شهید اول.

نویسندگان این کتابها احادیث معصومان (علیهم السلام) را ذیل عنوان هر معصوم آورده‌اند. در سالهای اخیر نیز جمعی از دانشمندان و محققان شیعی بر آن شده‌اند که مسانید گوناگونی را از متون کهن بازسازی یا بنیان‌گذاری کنند. در کنار مسانید معصومان (علیهم السلام)، مسانید بعضی از یاران ایشان نظیر ابوبصیر نیز در سالهای اخیر تدوین شده است. بعضی از نویسندگان معاصر که به تنظیم مسانید اقدام کرده‌اند، عبارت‌اند از:

- سید محمد کاظم کفایی نجفی مؤلف مسند الإمام الصادق در ده مجلد و مسند الإمام الباقر (علیه السلام)؛
- یحیی فلسفی دارای مؤلف مسند الرسول الأعظم در سه جلد؛
- محمدرضا حسینی جلالی مؤلف مسند أهل البيت؛
- سید حسن قیانچی مؤلف مسند علی (علیه السلام).

در میان مسندنویسان معاصر، جناب حجة الاسلام و المسلمین عطاردی بیشترین تلاش را در این زمینه انجام داده‌اند. ایشان سخنان بیشتر امامان (علیهم السلام) را گردآوری و در کتابهایی با عنوان «مسند الإمام ...» جمع کرده‌اند. ترتیب احادیث در مسندهای ایشان به شیوه کتابهای جوامع است.

معرفی کتاب

صحیفه الإمام الرضا از احمد بن عامر طایبی

عامر طایبی، از اصحاب امام رضا (علیه السلام)، در سال ۱۹۴ هجری توفیق همنشینی با امام رضا (علیه السلام) را یافت و در آن سال احادیث بسیاری را از آن حضرت شنید. احمد، فرزند عامر طایبی، در سال ۲۶۰

هجری مجموعه‌ای از این احادیث را از پدرش آموخت و آنها را در کتابی با عنوان *صحیفه الرضا* جمع‌آوری کرد. احمد بعدها تصمیم گرفت تا در بقای این گنجینه نفیس بکوشد. از این رو، احادیث *صحیفه الرضا* را در سال ۳۳۷ برای دیگران روایت کرد.

نسخه خطی *صحیفه الرضا* از طریق امین الاسلام طبرسی، صاحب *مجمع البیان*، به دست ما رسیده است. او سند خویش را تا احمد بن عامر طایی نقل می‌کند. همه افراد این زنجیره سندی، روایات این کتاب را برای یکدیگر قرائت کرده‌اند.

کتاب ارزشمند *صحیفه الإمام الرضا* (علیه السلام) ۲۰۴ حدیث دارد که به صورت مسندی از امام رضا و ایشان از طریق اجداد گرامی‌شان از پیامبر اکرم نقل کرده‌اند. گفتنی است که بیش از ۹۵ درصد احادیث این کتاب از پیامبر خدا و پنج درصد باقی‌مانده از امام علی، امام باقر و امام سجاد (علیهم السلام) است. بنابراین، امام رضا (علیه السلام) در این صحیفه در مقام یک راوی، احادیث پدرانشان را گزارش کرده‌اند. در پایان بعضی از احادیث این کتاب توضیحاتی از جانب ابوالقاسم طایی (احمد بن عامر) اضافه شده است که بیشتر این توضیحات بیانات غریب الحدیثی است.^{۴۱۵}

نمونه: و بإسناده قال: قال رسول الله: «يا عليُّ إِنَّكَ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ وَيَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ...».
- قال أبو القاسم رضي الله عنه: سألت أحمد بن يحيى عن «اليعسوب» فقال: «هُوَ الذِّكْرُ مِنَ النَّحْلِ الَّذِي يَتَقَدَّمُهَا وَيُحَامِي عَنْهَا».

ب) مصنف‌نگاری

از نخستین شیوه‌های نظم‌دهی، مصنف‌نگاری است. مصنف‌نگاران با موضوع‌بندی آثار حدیثی بر اساس ابواب فقهی گامی جدید در ارائه حدیث برداشتند.

«مصنف» از ریشه «صنف» و به معنای نوع به نوع است و در اصطلاح، به کتابی گفته می‌شود که نویسنده آن، احادیث کتاب را بر اساس ابواب تدوین کرده باشد. از شرایط اصلی مصنفها این است که مجموعه احادیث مرفوع (سخنان پیامبر خدا)، موقوف (سخنان صحابه) و مقطوع (کلمات تابعان) را پیرامون هر موضوع گرد می‌آورند؛ مانند: مصنف عبدالرزاق (م ۲۱۱ هـ).

ویژگیهای کتابهای مصنف

مصنفها دارای ویژگیهای زیر هستند:

- ۱- نقل احادیث پیامبر خدا، به شرط عدالت راوی آخر (صحابی)؛
- ۲- گزارش فعالیتها و کارهای پیامبر از سوی صحابه، تابعان و تابع تابعان؛

۴۱۵. ر.ک: بیانات نویسنده در پایان حدیث ۲۵ و ۲۹.

- ۳- گزارش کلیه روایات مرسل، منقطع، معلول و حتی معضل؛
- ۴- گزارش تمام روایات به غیر از روایات جاعلان و دروغ‌پردازان؛
- ۵- مسند بودن تمام روایات و ذکر همه آنها با طریق خود نویسنده؛
- ۶- بیان نظریات مختلف فقهای صدر اسلام در حاشیه هر موضوع (بدون هیچ‌گونه داوری از جانب مؤلف)؛
- ۷- ارائه آرای فقهی مؤلف مصنف در یک کتاب مستقل پیرامون هر موضوع.

مصنفهای نخستین

از نخستین کتابهای مصنف به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- مصنف شعبه بن حجاج (م ۱۶۰ ه)؛
 - ۲- مصنف سفیان بن عیینه (م ۱۹۸ ه)؛
 - ۳- مصنف لیث بن سعد (م ۱۷۵ ه)؛
 - ۴- مصنف عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱ ه) در ده جلد؛
 - ۵- مصنف ابی‌بکر بن ابی‌شیه (م ۲۳۵ ه) در هشت جلد.
- دو کتاب اخیر مشهورترین مصنفها در میان اهل سنت است.

نمونه

اینک بخشی از روایات باب «لا تحل الصدقة لآل محمد صلى الله عليه وآله» را از کتاب الزكاة مصنف عبدالرزاق صنعانی می‌خوانیم:^{۴۱۶}

۶۹۳۹- عبدالرزاق عن معمر عن الثوري قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا تحل الصدقة لمحمد صلى الله عليه وآله».

۶۹۴۰- عبدالرزاق عن معمر قال: أخبرني محمد بن زياد أنه سمع أبا هريرة يقول: «كنا عند رسول الله (صلى الله عليه وآله) وهو يقسم تمرًا من الصدقة، والحسن بن علي في حجره، فلما فرغ حمله النبي (صلى الله عليه وآله) فسأل لعبه على خذ النبي (صلى الله عليه وآله) فرفع إليه النبي (صلى الله عليه وآله) رأسه، فإذا تمر في فيه، فأدخل النبي (صلى الله عليه وآله) يده فاذترعها منه، ثم قال له: "أما علمت أن الصدقة لا تحل لآل محمد (صلى الله عليه وآله)"».

۶۹۴۳- عبدالرزاق عن الثوري عن يزيد بن حيان التيمي قال: سمعت زيد بن أرقم يقول: قيل له: من آل محمد صلى الله عليه وآله قال: من تحرم عليهم الصدقة. قيل: من هم؟ قال: آل علي، وآل عقیل وآل جعفر وآل عباس.

۶۹۴۶- عبدالرزاق عن ابن جريح قال: أخبرني عمر بن سعيد قال: سمعت أن عمر بن عبدالعزيز أرسل إلى علي بن الحسين فقال إني قد أردت أن استعلمك عن سعاية كذا وكذا، فقال: «إن النبي صلى الله عليه وآله قال: إن الصدقة لا تحل لبني هاشم، وبني عبدالمطلب ...».

۴۱۶. مصنف عبدالرزاق، ج ۴، ص ۵۳ - ۵۰.

ج) معاجم

«معاجم» جمع «معجم» و «معجم» در لغت به معنای پیچیده، مبهم، حروف نقطه‌دار، فرهنگ و کتاب لغت است.^{۴۱۷}

در اصطلاح سبک‌شناسی کتب حدیثی، معجم به کتابی گویند که احادیث آن به ترتیب صحابه یا استادان یا شهرها گردآوری شود. ویژگی مشترک بیشتر معجم‌ها تنظیم آنها به ترتیب حروف الفبا است.^{۴۱۸} مشهورترین کتابهای معجم، معاجم سه‌گانه سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ) است.

او سه معجم به نامهای المعجم الصغیر، المعجم الأوسط و المعجم الکبیر را به همین سبک تدوین کرده است.

شیوة معاجم: معجم‌نگار ابتدا اسامی اساتید یا صحابی یا شهرها را به ترتیب حروف الفبا منظم می‌کند و سپس به دنبال هر نام، مجموعه یا گزیده‌ای از احادیث مربوط به آن را می‌آورد.

چند معجم دیگر

- معجم الصحابه از احمد بن علی بن لآل همدانی شافعی؛

- معجم الصحابه از ابو حنین بن قانع؛

- معجم الصحابه از معجم النسوان و معجم البلدان از ابن عساکر؛

- معجم الشیوخ از ابوبکر اسماعیلی؛

- معجم الشیوخ از ابونعیم اصبهانی؛

- معجم الشیوخ از ابو عبدالله حاکم ضبی؛

- معجم الشیوخ از احمد بن محمد، معروف به ابن عربی؛

- معجم السفر از ابوطاهر احمد بن محمد سلفی.^{۴۱۹}

معرفی کتاب

آشنایی با معاجم سه‌گانه طبرانی

المعجم الصغیر از ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ هـ)

طبرانی در این کتاب دو جلدی از هر یک از مشایخ خود به صورت مسندی، یک روایت از پیامبر اکرم نقل کرده است. او اسامی مشایخ را به ترتیب حروف تنظیم کرده است؛ برای نمونه باب الألف، من اسمہ أحمد

...

۴۱۷. الرسالة المستطرفة، ص ۱۳۵، معجم‌های متعددی در این کتاب معرفی شده است.

۴۱۸. همان، ص ۱۳۸ - ۱۳۵.

۴۱۹. ر. ک: المنجد، ذیل واژه عجم.

طبرانی در نقل روایات، نام شیخ خود را به صورت کامل و با ذکر مکان سماع روایت آورده است و معمولاً اطلاعاتی را درباره شهر استادش و محل قرائت روایت بر او (طبرانی) ارائه می‌کند. گاهی نیز توضیحات بیشتری می‌دهد؛ به نمونه زیر توجه کنید:

– حدثنا أحمد بن إبراهيم أبو عبد الملك القرشي البصريّ الدمشقيّ بدمشق سنة ٢٧٩ (تسع وسبعين ومائتين) طبرانی روایات این کتاب را در سفرهای متعدد علمی از مشایخش شنیده و نوشته است. شیخ ابوبکر محمد بن عبدالله بن زید، شاگرد طبرانی، این کتاب را روایت کرده است.

گفتنی است معاجمی را که به این گونه تدوین می‌شوند، «معجم الشيوخ» می‌نامند. کتابهای معجم الشيوخ چندان قابل استناد نیست؛ چرا که در این کتابها نویسنده تنها در صدد معرفی مشایخ خویش برمی‌آید. بنابراین، منفرداتی که مؤلفان *تاریخ بغداد* و *تاریخ دمشق* از این کتاب آورده‌اند، برای برخی از عالمان عامه خوشایند نیست و آن را معتبر نمی‌دانند. معجم الصغیر دارای ۱۱۹۸ حدیث است.

المعجم الأوسط از ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ هـ)

طبرانی در معجم الأوسط «احادیث مشکل‌دار» را در ده جلد جمع‌آوری کرده است. نویسنده پس از نقل هر حدیث پیرامون علت و نقص آن حدیث، که گاه در سند و گاه در متن است، توضیح کوتاهی ارائه می‌دهد. به همین جهت محققان معتقدند که این کتاب همانند کتاب *علل دارقطنی* است. ترتیب معجم الأوسط به ترتیب مشایخ طبرانی (حروف عجمی) است و به طور معمول این مشایخ کسانی هستند که خود نیز به نوعی غریب و ناشناخته‌اند.

بیشتر ایرادات بر این روایات، نواقص سندی است. تعداد اساتید حدیث او در این کتاب افزون بر هزار استاد است. طبرانی در مورد این کتاب گفته است: «هَذَا الْكِتَابُ رَوَّحِي» و این بدان جهت بوده است که در تنظیم این کتاب سختی، زحمت و مشقت بسیاری را متحمل شده است. تعداد احادیث این کتاب افزون بر ۹۴۸۹ حدیث است.

المعجم الكبير از ابوالقاسم سلیمان بن احمد الطبرانی (م ۳۶۰ هـ)

طبرانی در این کتاب بیست و دو جلدی سعی کرده است تا نام تمامی صحابه و راویان حدیث نبوی را ذکر کند. مؤلف اسامی صحابه‌ای را هم که روایت نقل نکرده‌اند، از کتب مغازی و تاریخ العلماء یافته و در این مجموعه آورده است. تنظیم این کتاب بر اساس حروف الفبا است و از هر شخصیتی یک تا سه حدیث گزارش شده است. طبرانی از راویان کثیر الروایه احادیث بیشتری را نقل کرده است. او نیز مانند بسیاری از مسندنویسان، پیش از شروع کتاب، احادیث «عشرة مبشرة» را آورده است.

بعضی از محققان معاصر بر این باورند که معجم کبیر خود نوعی مسند است.^{۴۲۰}

۴۲۰. دکتر سید کاظم طباطبایی، مسندنویسی در تاریخ حدیث، ص ۵۲.

چکیده

- ✓ نخستین کسی که فرمان تاریخی عمر بن عبدالعزیز مبنی بر جواز تدوین حدیث را اجرا کرد محمد بن مسلم، معروف به ابن‌شهاب زهری است.
- ✓ سبک اجزاء (جمع جزء) به سه گونه نگارش اطلاق می‌شود: ۱- اجزای مسندی: کتابچه‌هایی که روایات یک صحابه یا یک استاد در آن جمع شده باشد. ۲- اجزای موضوعی: کتابچه‌هایی که احادیث را در یک موضوع جزئی گردآورده باشد. ۳- اجزاء رجال و درایه‌ای: کتابچه‌هایی که برخی از فواید حدیثی متن یا سند را دربرداشته باشد.
- ✓ مسند در اصطلاح سبک‌شناسی به کتابهایی گفته می‌شود که مجموعه روایات هر صحابی، اعم از روایات صحیح، حسن و ضعیف، را به دنبال نام او گرد می‌آورند. گونه‌های مختلف ترتیب اسامی صحابه عبارت‌اند از: الف) ترتیب القبای، ب) ترتیب قبایله‌ای، ج) ترتیب سابقه مسلمانان، ۴- ترتیب شهرها.
- ✓ در میان تمامی مسندها، نام مسند احمد بن حنبل بر فراز است، به گونه‌ای که هرگاه حدیث پژوهان نام «مسند» را بدون پسوند می‌آورند، مراد ایشان مسند احمد است.
- ✓ شیعیان به سبک مسندنویسی چندان روی خوش نشان ندادند؛ اولاً: فواید این گونه نگارش چندان قابل توجه نبود. ثانیاً: با توجه به حضور ائمه، شیعه چنین نیازی را احساس نمی‌کرد. ثالثاً: در دوران شکل‌گیری نگارشهای مسانید، شیعیان سرگرم تدوین و تنظیم جوامع اولیه بودند. اما چند کتاب همسو با مسانید در میان شیعه در قرون نخست نگارش یافت.
- ✓ مُصَنَّف به کتابی گویند که نویسنده احادیث را بر اساس ابواب فقهی تدوین کرده است.

جلسه یازدهم

سبک‌های صحیح‌نگاری، سنن‌نویسی و جوامع

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ دوره ارزشیابی و گزینش احادیث؛
- ✓ دوره‌های صحیح‌نگاری، جامع‌نگاری و سنن‌نویسی؛
- ✓ کتابهای مربوط به هر سبک.

فصل سوم

دوره ارزش‌یابی و گزینش احادیث

سده سوم هجری، دوران شکوفایی تدوین حدیث نبوی در میان محدثان اهل سنت است. در این قرن کتابها و آثار حدیثی متعددی توسط دانشمندان، به سبک‌هایی بسیار متفاوت با گذشته، تدوین شد. چنانچه گذشت، هدف نویسندگان در سبک‌های پیشین (اجزاء، مسانید و ...) بیشتر حفظ احادیث و انتقال میراث روایی به قرنهای بعد بود. از این رو این آثار از انسجام و انضباط شایسته کتابهای حدیثی برخوردار نبودند.

با گسترش دامنه علوم، کتاب‌هایی همچون اجزاء، مسانید و معاجم پاسخگوی نیازهای عالمان و علاقه‌مندان به سنت نبوی نبودند؛ چرا که این کتابها مجموعه‌ای از احادیث صحیح، حسن و ضعیف را در خود جای داده بودند. بنابراین، مراجعه به این متون برای دستیابی به احادیث صحیح دشوار می‌نمود. از این رو، دانشمندانی همچون اسحاق بن راهویه (م ۲۳۸هـ) ضرورت تغییرات بنیادی در نگارش حدیث را احساس کردند و به اجرای آن فرمان دادند.^{۴۲۱}

در این مرحله محدثان بیشتر تلاش خود را بر ارزش‌گذاری و انتخاب احادیث صحیح از غیر صحیح متمرکز کردند. مهم‌ترین سبک‌های ابداعی در این دوره، سبک‌های صحاح‌نگاری، جامع‌نگاری و سنن‌نویسی است.

۴۲۱. او در مجلس درسش چنین گفت: «لو جمعتم کتاباً مختصراً لسنن النبی». تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۹.

الف) صحیح‌نگاری

واژه صحیح در لغت به معنای سالم و پیراسته از هر گونه عیب و نقص است. این واژه در مقابل واژه سقیم قرار دارد و کلام صحیح آن است که به آن اعتماد شود.^{۴۲۲}

در اصطلاح علم الحدیث، صحیح به حدیثی گفته می‌شود که تمام سلسله سند آن تا پیامبر خدا یا صحابی و یا تابعان، همگی عادل ضابط باشند و متن حدیث نیز مُعَلَّل یا شاذ^{۴۲۳} نباشد.^{۴۲۴}

در دانش سبک‌شناسی کتب حدیثی، به کتابی که بر پایه همین تعریف تدوین شود و بیشتر احادیث آن از دیدگاه محدثان، حداقل محدثان همان حوزه، صحیح باشد، «کتاب صحیح» گویند.^{۴۲۵} مانند دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم.

نخستین تلاش

خطیب بغدادی در تاریخ بغداد چنین می‌نویسد: «پس از آنکه اسحاق بن راهویه نظریه تصحیح احادیث را مطرح کرد، این سخن بر قلب شاگردش محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ) مؤثر افتاد و او در این فکر فرو رفت که چگونه می‌توان چنین اثری را خلق کرد؟ پس حرکت علمی خویش را آغاز و از میان ششصد هزار حدیث^{۴۲۶}، روایات صحیح آنها را گزینش کرد.»^{۴۲۷} او در طول شانزده سال احادیث صحیح را گردآوری و با دسته‌بندی مناسب این روایات، کتاب الجامع الصحیح را تدوین کرد.^{۴۲۸}

بخاری نخستین کسی است که در کتاب خود، تنها احادیثی را گردآورده که صحیح می‌دانسته است. تعداد احادیث صحیح بخاری، مطابق شمارش ابن حجر عسقلانی، ۷۳۹۷ حدیث است که این رقم با حذف احادیث تکراری آن به ۲۶۰۲ حدیث می‌رسد.^{۴۲۹}

اهل سنت بر این باورند که صحیح بخاری کتاب برترین و معتبرترین اثر پس از قرآن مجید است. ذهبی (م ۷۴۸ هـ) در تاریخ الاسلام می‌نویسد:

وَأَمَّا جَامِعُ الْبُخَارِيِّ الصَّحِيحُ فَأَجَلُ كُتُبِ الْإِسْلَامِ وَأَفْضَلُهَا بَعْدَ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى ... فَلَوْ رَحَلَ الشَّخْصُ لِسِمَاعِهِ مِنْ أَلْفِ فَرَسٍ لِمَا ضَاعَتْ رَحْلَتُهُ.^{۴۳۰}

۴۲۲. لسان العرب و تاج العروس، مادة صح: «ضد السقيم و هو الشيء السليم من العيوب و ...».

۴۲۳. همان.

۴۲۴. ابن صلاح، علوم الحدیث، ص ۱۰.

۴۲۵. محمد ضیاء الرحمن، معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الأسانید، ص ۲۱۳.

۴۲۶. این مطلب قابل ذکر است که تعریف حدیث در میان اهل سنت با آنچه شیعه آن را حدیث می‌داند، قدری متفاوت است. از دیدگاه اهل سنت هر متن حدیثی که با چند سند مختلف ارائه شود، چند حدیث متفاوت دانسته می‌شود. بنابراین ششصد هزار حدیث بخاری، در حقیقت ششصد هزار سند گوناگون دهها هزار متن حدیث است.

۴۲۷. برای آگاهی بیشتر ر.ک: به درس جوامع حدیثی اهل سنت.

۴۲۸. تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۹ و ۱۴.

۴۲۹. الحدیث و المحدثون، ص ۳۷۹؛ الحطة فی ذکر الصحاح الستة، ص ۳۰۷؛ هدی الساری، ص ۴۷۷.

۴۳۰. الحطة فی ذکر الصحاح الستة، ص ۳۱۱.

کتاب جامع صحیح بخاری از مهم‌ترین کتابهای اسلامی است و می‌توان آن را برترین کتاب پس از قرآن دانست. بنابراین اگر کسی برای شنیدن آن هزار فرسخ راه بپیماید، سفرش تباه نیست.

تلاشی همسان

مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ هـ) دومین فردی است که در سبک صحیح‌نگاری پیشتاز شده است. صحیح مسلم معتبرترین اثر روایی، پس از صحیح بخاری، در میان اهل سنت است و اطلاق صحیحین بر این دو کتاب یک اصل پذیرفته‌شده در میان تمام عالمان سنی است. مسلم، چنانچه خود ادعا می‌کند، احادیث صحیح این کتاب را از میان سیصد هزار حدیث گلچین کرده است.^{۴۳۱} شمار احادیث این کتاب، بدون تکرار، بالغ بر چهار هزار و با تکرار ۷۲۷۵ حدیث است.^{۴۳۲}

از دیدگاه اهل سنت کتابهایی که به سبک صحیح‌نگاری تدوین شده‌اند، معتبرترین کتابهای حدیثی هستند. از نگاه بسیاری از محدثان، کتابهای حدیثی از جهت اعتبار به چهار دسته تقسیم می‌شوند: دسته اول سه کتاب موطأ مالک بن انس، صحیح بخاری و صحیح مسلم را شامل می‌شود. دسته دوم کتابهای سنن و دسته سوم مسانید، جوامع و مصنفاتی است که احادیث صحیح، حسن و ضعیف را درهم آمیخته‌اند. دسته چهارم نیز شامل کتابهایی است که علاوه بر احادیث نبوی صحابه و تابعان، مطالب جعلی و ساختگی هم در آنها راه یافته است.^{۴۳۳}

کتابهایی با نام «صحیح»

محمد بن جعفر کتانی در کتاب *الرسالة المستطرفة* اسامی دیگر کتابهای صحیح را چنین برشمرده است:

- ۱- صحیح محمد بن اسحاق بن خزیمه نیشابوری (م ۳۱۱ هـ)، استاد ابن حبان؛
- ۲- صحیح احمد بن محمد نیشابوری، معروف به ابن شرقی (م ۳۲۵ هـ)؛
- ۳- صحیح محمد بن حبان بُستی (م ۳۵۴ هـ)؛
- ۴- صحیح سعید بن عثمان بن سکن (م ۳۵۳ هـ)، این کتاب به *الصحیح المنتقى* معروف است؛
- ۵- صحیح حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ)، معروف به *المستدرک علی الصحیحین*.

۴۳۱. تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۱۰۱: «ألفت کتابی هذا من ثلاث مئة ألف حدیث مسموعة.»

۴۳۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: درس جوامع حدیثی اهل سنت.

۴۳۳. تاریخ فنون الحدیث، ص ۱۸۵ - ۱۸۳.

صحاح شش گانه

اصطلاح «صحاح شش گانه» در میان بسیاری از نویسندگان^{۴۳۴} رواج یافته است. منظور نویسندگان از کتابهای صحاح شش گانه کتابهای صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داود، سنن ترمذی، سنن نسایی و سنن ابن‌ماجه است.

اما محدثان بر این باورند که نمی‌توان تمامی این کتابها را صحیح دانست. بنابراین، ایشان این شش کتاب را «اصول سته» نامیده‌اند.^{۴۳۵} اصطلاح اصول هم پیشینه‌ای نهصد ساله دارد؛ چه اینکه در میان محدثان قرن پنجم برای پنج کتاب نخست اصطلاح اصول خمس را به کار می‌بردند. بعدها محمد بن طاهر مقدسی (م ۵۰۷)، سنن ابن‌ماجه را نیز در شمار همان اصول دانست و کتابی نیز با عنوان *شروط الأئمة السّنة* نگاشت. محدثان و رجالیان پس از او نیز اصطلاح کتب سته و اصول سته را متداول ساختند.^{۴۳۶}

کتانی، سبک‌شناس معاصر، از شش کتاب پیش گفته، با عنوان «کتب سته» یاد کرده است. نویسنده کتاب *أبجد العلوم*^{۴۳۷} خود تعریفی مستقل از صحاح شش گانه ارائه داده و بر این باور است که «صحاح سته» عبارت‌اند از: صحیح بخاری، صحیح مسلم، صحیح ابن‌حبان، صحیح ابن‌عوانه، صحیح ابن‌خزیمه و مستدرک حاکم نیشابوری.

بنا بر آنچه گذشت، احادیث کتابهای سنن را نمی‌توان در شمار احادیث صحیح دانست. اگرچه برخی از سنن‌نویسان بر این باورند که تمامی احادیث کتابهایشان صحیح است، اما این ادعا از جانب همه دانشمندان و محدثان پذیرفته و اثبات شده نیست.^{۴۳۸}

ب) سنن نویسی

تعریف

«سنن» جمع «سنة» و در لغت به معنای سیره و طریقه نیکو است. «سنن» در اصطلاح سبک‌شناسی کتب حدیثی، به کتاب احکامی گفته می‌شود که مؤلف آن، احادیث کتاب را بر اساس ابواب فقهی تنظیم کرده باشد. در این سبک نگارشی کلمات صحابه (موقوفات) و مراسیل ذکر نمی‌شود؛ چرا که احادیث موقوف را نمی‌توان در شمار سنن پیامبر دانست.^{۴۳۹} بنابراین، سنن مجموعه‌ای از احادیث فقهی است که بر اساس ابواب فقه منظم شده است.

۴۳۴. به عنوان نمونه: ن. ک: صبحی صالح، *علوم الحديث*، ص ۱۱۸ - ۱۱۷.

۴۳۵. معجم مصطلحات الحديث و لطائف الأسانید، ص ۲۱۱.

۴۳۶. همان، ص ۲۱۲؛ به عنوان مثال حافظ عبدالغنی مقدسی (م ۶۰۰) کتاب *الکمال فی أسماء الرجال لرجال الكتب الستة* را نگاشت.

۴۳۷. صدیق بن حسن القنوجی (م ۱۳۰۷).

۴۳۸. شایان ذکر است که اصطلاح «صحاح سته» در میان شیعیان بیش از اهل سنت رایج است.

۴۳۹. *الرسالة المستطرفة*، ص ۳۲.

توضیح: جمعی از محدثان فقیه برای گردآوری احکام و استناد به روایات نبوی کتابهایی را با عنوان سنن تدوین کرده‌اند. این کتابها معمولاً از باب الایمان یا الطهاره آغاز می‌شود و یک یک ابواب فقهی را دربرمی‌گیرد.

پیشینه

سنن‌نویسی به عنوان یک سبک فقهی از قرن سوم به بعد رایج شد. شیعه و اهل سنت کتابهای متعددی را با همین عنوان نگاشته‌اند. ابن‌ندیم از میان نویسندگان شیعی عیسی بن مهران مؤلف کتاب *السنن المشرکه*^{۴۴۰} و جابر بن حیان مؤلف کتاب *السنن والحیره*^{۴۴۱} را، سنن‌نویس معرفی کرده است و از دانشمندان اهل سنت نیز اسحاق بن راهویه،^{۴۴۲} محمد بن اسماعیل بخاری،^{۴۴۳} حسن بن علی بن شیب معمري^{۴۴۴} و ... را نویسنده کتابهای *السنن فی الفقه* معرفی کرده است. شایان ذکر است که کتابهای فقهی شیعیان، در سه قرن نخست، بیشتر با عنوانهای جزئی موضوعات فقهی و یا با عنوان «الجامع» نگاشته می‌شد^{۴۴۵} و «لفظ السنن» بیشتر در میان اهل سنت کاربرد داشت. قدیمی‌ترین کتاب سنن در میان اهل سنت، نگاشته امام شافعی (م ۲۰۴ هـ) است.

سنن اربعه

محدثان اهل سنت اصطلاح «سنن اربعه» را برای چهار کتاب به کار می‌برند که نام این کتابها به ترتیب اعتبار به شرح زیر است:

- ۱- سنن ابی‌دود تألیف ابوداود سلیمان بن اشعث سجستانی (م ۲۷۵ هـ)، در دو جلد و دارای ۵۲۷۴ حدیث؛
- ۲- سنن الترمذی یا الجامع الصحیح، تألیف ابو عیسی ترمذی (م ۲۷۹ هـ)، در پنج جلد و دارای ۳۹۵۶ حدیث؛
- ۳- سنن النسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن شعیب نسائی (م ۳۰۳ هـ)، در پنج جلد و دارای ۵۷۶۱ حدیث؛
- ۴- سنن ابن‌ماجه تألیف ابو عبدالله محمد بن یزید بن ماجه قزوینی (م ۲۷۳ هـ)، در دو جلد و دارای ۴۳۴۱ حدیث.

۴۴۰. فهرست ابن‌ندیم، ص ۴۰۷.

۴۴۱. همان، ص ۳۹.

۴۴۲. همان، ص ۱۸.

۴۴۳. همان، ص ۱۹.

۴۴۴. همان.

۴۴۵. مانند دو کتاب *الجامع الکبیر فی الفقه* اثر ابراهیم بن محمد ثقفی (م ۲۸۳)، *الجامع فی أبواب الشریعه* کبیر اثر ابومحمد الحجال، کتاب *الجامع فی سائر أبواب الحلال و الحرام* نوشته ظریف بن ناصح، *الجامع فی الفقه* از ابو عبدالله صفوانی و دهها کتاب دیگر که با عنوان الجامع تدوین شده است. (رجال نجاشی، ص ۱۷، ۴۹، ۲۰۹ و ۳۹۳).

مشهورترین کتابهای سنن، پس از سنن چهارگانه، عبارت‌اند از:

- سنن / امام شافعی (م ۲۰۴ هـ)؛
- السنن / الکبری، کتابی دیگر از نسایی، در شش جلد؛
- سنن دارمی (م ۲۵۵ هـ)،^{۴۶} در دو جلد؛
- سنن بیهقی (م ۴۵۸ هـ)، در یازده جلد؛
- سنن سعید بن منصور خراسانی (م ۲۲۷ هـ)، در دو جلد؛
- سنن دارقطنی (م ۳۸۵ هـ)، در چهار جلد.

دلیل نیاوردن کتابهای سنن در شمار کتب صحاح

پرسشی که اینجا مطرح است اینکه با توجه به ادعای برخی از مؤلفان سنن، مبنی بر گردآوری صرف احادیث صحیح، چرا حدیث‌شناسان اهل سنت کتابهای سنن را در شمار کتب صحاح نمی‌دانند؟ در پاسخ به این سؤال باید گفت که انگیزه اصلی نویسندگان سنن با انگیزه اصلی صحیح‌نگاران تفاوت داشت. مهم‌ترین هدف صحیح‌نگاران گردآوری و جداسازی احادیث صحیح از غیر صحیح بود، در حالی که مهم‌ترین هدف سنن‌نویسان گردآوری احادیث مورد نیاز فقیهان برای صدور فتوی بود. هنگامی که ابو عبد الرحمن نسایی کتاب سنن / الکبری را تدوین کرد، آن را به امیر رمله^{۴۷}، تقدیم کرد. امیر از او پرسید: «آیا تمام احادیث آن صحیح است؟» و نسایی در پاسخ جواب منفی داد.^{۴۸} سپس امیر به او گفت: «میز لی الصحیح من غیره»؛ احادیث صحیح آن را برایم استخراج کن و او نیز به شیوه خویش احادیث صحیح آن را برگزید. بدین ترتیب کتابی با عنوان گزیده سنن یا / المجتبی من السنن را نگاشت.^{۴۹}

این حکایت خود بازگو می‌کند که مصنفین سنن تنها به دنبال گردآوری احادیث صحیح نبوده‌اند. مطلب قابل توجه دیگر این است که محدثان اهل سنت، پس از کاوش و بررسی احادیث صحیحین، صحت ادعای مؤلفان آنها را تأیید کرده‌اند، ولی درباره صحت احادیث سنن اختلافات بسیار زیادی در بین این محدثان وجود دارد؛ برای مثال ابن کثیر در نقد سنن نسایی (المجتبی من السنن) چنین گفته است:

در این کتاب راویان مجهول، از جهت حال یا هویت، و مجروح وجود دارد، چنان‌که روایات ضعیف، معلول و منکر نیز در این کتاب دیده می‌شود.^{۵۰}

در مقدمه شرح سیوطی بر سنن نسایی آمده است:

۴۶. سنن دارمی احادیث ثلاثیات بسیاری دارد و تعداد ثلاثیات او از بخاری بیشتر است. این کتاب اسانید عالی بسیاری دارد. الرسالة المستطرفة، ص ۳۲. حافظ صلاح‌الدین علایی به جای سنن ابن ماجه، این کتاب را در شمار سنن اربعه می‌داند؛ چرا که او معتقد است که رجال ضعیف در سنن دارمی کمتر است. (به نقل از ابن حجر عسقلانی. ر.ک: النکت، ج ۱، ص ۴۸۶).

۴۷. از شهرهای فلسطین.

۴۸. نسایی در پاسخ گفت: «در این کتاب احادیث صحیح، حسن و نزدیک به آن وجود دارد.»

۴۹. تاریخ فنون الحدیث، ص ۱۰۷.

۵۰. جوامع حدیثی اهل سنت، ص ۱۵۵؛ اختصار علوم الحدیث، ص ۱۸.

کتابُ النَّسَایِ أَقْلُ الْکُتُبِ بَعْدَ الصَّحِیحَیْنِ حَدِیثاً ضَعِیفاً، وَرَجُلًا مَجْرُوحاً، وَیُقَارَبُهُ کِتَابُ
أَبِي دَاوُدَ وَکِتَابُ التِّرْمِذِي. وَیُقَابَلُهُ مِنَ الطَّرَفِ الْآخَرِ کِتَابُ ابْنِ مَاجَهَ فَإِنَّهُ تَفَرَّدَ فِيهِ بِإِخْرَاجِ
أَحَادِيثَ عَنْ رَجُلٍ مُتَّهِمٍ بِالْکِذْبِ وَسِرْقَةِ الْأَحَادِيثِ.^{٤٥١}

سُنَنِ مَتَفَاوُتْ بَا دِیْگَر سَنَنِ

رسالت اصلی کتابهای سنن، تدوین احادیث فقهی است. اما گاهی نویسندگان، بنا به ذوق و سلیقه شخصی و یا گرایشها و مصالحی که در نظر داشتند، احادیث غیرفقهی را نیز در لابه‌لای ابواب ذکر می‌کردند؛ برای مثال دارمی در ابتدای کتاب خود، ابوابی را درباره پیامبر و جهالت مردم پیش از بعثت آورده است. دو باب نخست کتاب سنن دارمی، بابهای «ما کان علیه الناس قبل مبعث النبی من الجهل و الضلالة» و «صفة النبی (صلی الله علیه و آله) فی الکتاب قبل مبعثه» است.

کتابهای سنن، ابواب غیرفقهی بسیار اندکی را در خود جای داده‌اند. تنها کتابی که ابواب غیرفقهی زیادی در آن آمده است، سنن ترمذی است که احادیث جلد اول، دوم و نیمه‌ای از جلد سوم این کتاب همه پیرامون مسائل فقهی است. ولی احادیث نیمه دوم جلد سوم تا پایان جلد پنجم، که نیمی از کتاب را دربرمی‌گیرد، کتاب پیرامون مسائل غیرفقهی است.^{٤٥٢}

پرداختن به احادیث غیرفقهی، آن هم در حجمی چنین گسترده، سبب برتری این کتاب نسبت به سایر کتابهای سنن شد تا آنجا که به آن لقب «الجامع الصحیح» دادند. در حقیقت این کتاب از کتابهای سنن فراتر و از کتابهای جامع پایین‌تر است؛ چرا که تمام ویژگیهای کتابهای جامع را ندارد.^{٤٥٣}

ج) جوامع

جامع، به کتابی حدیثی گفته می‌شود که تمام موضوعات دینی مورد نیاز [جامعه] را دربرداشته باشد. محدثان شمار اصلی ابواب جوامع را هشت باب، در هشت موضوع دانسته‌اند که این موضوعات عبارت‌اند از:

٤٥١. حاشیة السندی علی النسائی، ج ١، ص ٤؛ شرح السنن للنسائی، ج ١، ص ٤.

٤٥٢. بعضی از ابواب غیرفقهی سنن ترمذی عبارت‌اند از:

أبواب البر و الصلة عن رسول الله (شامل احادیث و موضوعات جزئی بسیاری در مباحث اخلاق پسندیده و ناپسند)، أبواب الطب عن رسول الله، أبواب الزهد، أبواب صفة القيامة، أبواب صفة الجنة، أبواب العلم، أبواب الأمثال، أبواب فضائل القرآن، أبواب المناقب عن رسول الله، أبواب مناقب الخلفاء، أبواب مناقب الصحابة و

٤٥٣. تعریف جوامع در همین درس خواهد آمد. به عنوان نمونه احادیث مربوط به عقاید در این کتاب ذکر نشده است، در حالی که ذکر احادیث مربوط به عقاید از لوازم کتابهای جامع است.

۱- السیر (تاریخ و سیره)؛

۲- الفتن؛

۳- الأشراف (یا أشراف الساعه)؛

۴- المناقب و المثالب؛

۵- الآداب (آداب خوردن و آشامیدن، مسافرت و ...)

۶- الأحكام؛

۷- العقائد؛

۸- التفسیر.^{۴۵۴}

اگرچه کتاب‌شناسانی همچون کتانی، این ابواب را برای جوامع تعریف کرده‌اند، اما کمتر کتاب جامعی را می‌توان یافت که احادیث مربوط به تمام این موضوعات را گرد آورده باشد. آنچه مسلم است، این است که کتابهای جوامع بایستی بیشتر مسائل مورد نیاز جامعه را دربرداشته باشند.

مهم‌ترین کتابهای جوامع اهل سنت به شرح زیر است:

۱- الجامع الصحیح از محمد بن اسماعیل بخاری (م ۲۵۶ هـ)؛

۲- الجامع الصحیح از مسلم بن حجاج نیشابوری (م ۲۶۱ هـ)؛

۳- الجامع از ترمذی (م ۲۷۹ هـ)؛

۴- جامع معمر بن راشد (م ۱۵۴ هـ)؛

۵- جامع ابن وهب الفهری (م ۱۹۷ هـ)؛

۶- جامع رزین بن معاویه السرقسطی (م ۵۳۵ هـ).

نکته

جوامع از کتابهای سنن بسیار کامل‌تر هستند و موضوعات متعددی را دربرمی‌گیرند که در کتابهای سنن دیده نمی‌شود؛ مانند: مباحث تاریخی، عقایدی و تفسیری. اما کتابهای سنن تنها وظیفه نقل احادیث فقهی را بر عهده دارند.^{۴۵۵}

چکیده

- ✓ سده سوم هجری، دوران شکوفایی تدوین حدیث نبوی در میان محدثان اهل سنت است. در این قرن کتابها و آثار حدیثی متعددی توسط دانشمندان به سبک‌هایی بسیار متفاوت با گذشته تدوین شد.
- ✓ در دانش سبک‌شناسی کتب حدیثی، به کتابی که بیشتر احادیث آن نزد محدثان صحیح باشد، «کتاب صحیح» گویند؛ مانند دو کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم.

۴۵۴. الرسالة المستطرفة، ص ۴۲.

۴۵۵. سلیمان مسلم الحرش و حسین اسماعیل الجمل، معجم مصطلحات الحديث، ص ۶۴.

- ✓ منظور نویسندگان از اصطلاح صحاح شش‌گانه کتابهای صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داود، سنن ترمذی، سنن نسایی و سنن ابن‌ماجه است.
- ✓ در اصطلاح سبک‌شناسی کتب حدیثی، سنن به کتاب احکامی گفته می‌شود که احادیث آن بر اساس ابواب فقهی تنظیم شده باشد.
- ✓ رسالت اصلی کتابهای سنن، تدوین احادیث فقهی است، اما در برخی موارد نویسندگان، بنا به ذوق و سلیقه شخصی و یا گرایشها و مصالحی که در نظر دارند، احادیث غیرفقهی را نیز در لابه‌لای ابواب یاد می‌کنند.
- ✓ جامع به کتابی حدیثی گفته می‌شود که تمام موضوعات دینی مورد نیاز [جامعه] را دربرداشته باشد.
- ✓ جوامع از کتابهای سنن بسیار کامل‌تر هستند و موضوعات متعددی را دربرمی‌گیرند که در کتابهای سنن دیده نمی‌شود.

جلسه دوازدهم

دوران پردازشهای تکمیلی و جانبی

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ دوران پردازشهای تکمیلی و جانبی؛
- ✓ سبکهای مستدرک و مستخرج؛
- ✓ برخی از کتب مستدرک؛
- ✓ کتاب المستدرک علی الصحیحین تألیف حاکم نیشابوری؛
- ✓ برخی از مستخرج نگاران.

فصل چهارم: دوره پردازشهای تکمیلی

اهل سنت چنان به دو کتاب جامع بخاری و مسلم به دیده قبول می‌نگریستند که تا مدت‌ها از سبک و شیوه آنان، در تألیف و خلق کتابهای حدیثی خود تقلید می‌کردند. پس از گذشت حدود یک قرن، دانشمندان اهل سنت سعی کردند تا آثاری جدید عرضه کنند. در ابتدا آنچه بیش از همه مورد توجه ایشان بود، ارائه فعالیت‌هایی نوین پیرامون دو کتاب صحیح بخاری و مسلم و با محوریت این دو کتاب بود. حوزه‌های علمی آن چنان به کتابهای صحیحین شیفته شده بودند که گویی هیچ حدیثی غیر از احادیث این دو کتاب ارزش و اعتباری ندارد. این‌گونه نگرشها سبب شد تا سبک‌هایی جدید همچون مستدرک و مستخرج در حاشیه این دو کتاب شکل بگیرد. این سبک‌ها در شمار سبک‌هایی هستند که در قرن چهارم و پنجم شکل گرفته‌اند.

الف) مستدرک نویسی

تعریف

معنای لغوی: استدراک مصدر متعدی از باب استفعال است و چنانچه با «عَلَى» بیاید به معنای جبران کردن، تلافی کردن و تکمیل کردن است.^{۵۶} و به طور معمول برای تکمیل کار ناتمام و ناقص به کار می‌رود.

۵۶. ر.ک: لسان العرب، مادة «درک».

معنای اصطلاحی: سبک مستدرک‌نویسی یکی از سبک‌های کتاب‌شناختی است. معنای اصطلاحی این واژه نیز از معنای لغوی آن گرفته شده است.

مستدرک کتابی است که به مثابه متممی بر کتاب دیگر، با همان شیوه و شروط نویسنده قبلی، تدوین شود.

نویسنده مستدرک سعی می‌کند احادیثی را که نویسنده اصلی ذکر نکرده است، در مستدرک بیاورد؛^{۴۵۷} مانند کتاب *المستدرک علی الصحیحین* اثر حاکم نیشابوری.

در تعریف فوق دو واژه «شیوه» و «شروط» به توضیح بیشتری نیازمند است. منظور از اینکه مستدرک‌نویس باید کتاب خود را با همان شیوه نویسنده اصلی تدوین کند، این است که مستدرک‌نویس باید ابواب کتاب، طریقه نقل (مسند یا مرسل) و ... را به طور دقیق همانند کتاب اصلی تنظیم کند.

اصطلاح شرط نیز، به طریق نقل و اسناد کتاب اصلی مربوط است. مستدرک‌نویس باید در اسناد احادیث دقت کند و تنها از راویان یا کتاب‌هایی روایت نقل کند، که صاحب کتاب اصلی از ایشان نقل کرده است و در واقع آن راویان یا کتابها، نزد مؤلف اصلی، ثقه و مورد تأیید بوده‌اند.^{۴۵۸}

تبصره: اگر نویسنده‌ای کتابی را به قصد استدراک دو کتاب صحیح تألیف کند، می‌باید احادیثی را گرد آورد که اسنادشان حداقل نزد یکی از دو مصنف، مورد تأیید باشد.

آشنایی با چند مستدرک

واژه «مستدرک» را نخستین بار حاکم نیشابوری برای کتاب خویش برگزید. این واژه در دوره‌های بعد در مقام اصطلاحی در سبک‌شناسی و منبع‌شناسی معروف شد؛ برای مثال در قرون چهارم و پنجم چند کتاب به سبک مستدرک بر صحیح بخاری و مسلم نگاشته شد که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱- *الایزومات علی الصحیحین*، اثر دارقطنی (م ۳۸۵ هـ)، در یک جلد؛^{۴۵۹}

۲- *المستدرک علی الصحیحین*، اثر حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ)، در چهار جلد؛

۳- *المستدرک علی الصحیحین*، اثر أبوذر الأنصاری الهروی (م ۴۳۴ هـ).^{۴۶۰}

در میان مستدرک‌های نوشته‌شده بر صحیحین، کار حاکم نیشابوری از دیگران مشهورتر است. در این بخش به صورت اجمالی با او و کتابش آشنا می‌شویم.

۴۵۷. دکتر محمد ضیاء الرحمان الاعظمی، *معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الأسانید*، ص ۴۰۴؛ *الحدیث و المحدثون*، ص ۴۰۷.

۴۵۸. مواردی که مستدرک‌نویس باید در شرط رعایت کند، متعدد است برای مثال نقل از ثقه، نقل از ضابط، اتصال سند، لقای راوی و شیخ و خالی بودن متن از شذوذ و کاستی و آفت. برای اطلاع بیشتر، ر.ک: مجید معارف، *جوامع حدیثی/اهل سنت*، ص ۷۴ - ۷۲؛ *الإمام الحاکم النیسابوری و کتابه*، ص ۲۳۹ - ۲۱۶. گفتنی است که شناخت شروط نویسنده اصلی و رعایت آن از مسائل بنیادی مستدرک‌نویسی است.

۴۵۹. محمد بن جعفر الکتانی، *الرسالة المستطرفة*، ص ۲۳ - ۲۱.

۴۶۰. همان.

معرفی کتاب المستدرک علی الصحیحین

مؤلف

ابوعبدالله محمد بن عبدالله از نوادگان محمد بن حَمْدُوبَةُ نیشابوری است. او در کتابهای روایی به «ابن البیع» و در میان محدثان با نام حاکم نیشابوری مشهور است. او در سال ۳۲۱ هجری در نیشابور متولد شد. پس از تحصیل مقدمات علوم اسلامی در حوزه نیشابور، در سنین جوانی (۳۴۱ هـ) راهی عراق شد و از محضر بسیاری از اساتید آن دیار بهره جست و سپس به زادگاهش بازگشت.

وی در سال ۳۵۹ هجری از جانب دولت سامانیان به منصب قضاوت شهر نسا، از شهرهای بزرگ خراسان در آن روزگار، منصوب^{۴۶۱} و از آن پس به لقب «حاکم» مشهور شد. پس از آن قضاوت گرگان نیز به او پیشنهاد شد که نپذیرفت. او در سال ۳۶۰ هجری سفر دوم خود را به سوی عراق و حجاز آغاز کرد. وی در این سفر از مصاحبت با دارقطنی بهره برد و بسیاری از دانشجویان علوم دینی را در عراق و حجاز از درسهای خود بهره‌مند ساخت. به طور کلی او در این دوران امام اهل حدیث شده بود.

حاکم در سالهای پایانی عمرش به نیشابور بازگشت و در سال ۴۰۵ هجری در همان شهر دار فانی را وداع گفت. مورخان بر این باورند که حاکم از هزار نفر حدیث شنیده و نزدیک به ۱۵۰۰ رساله و کتاب تدوین کرده است.^{۴۶۲}

برخی از آثار حدیثی او عبارت‌اند از: کتاب الأربعین^{۴۶۳}، الإکلیل فی دلائل النبوه^{۴۶۴}، أمالی العشیات^{۴۶۵}، تاریخ نیشابور^{۴۶۶}، سؤالات الحاکم للدارقطنی فی الجرح و التعديل^{۴۶۷}، علل الحدیث^{۴۶۸}، فضائل فاطمه^{۴۶۹}، المستدرک علی الصحیحین^{۴۷۰} و معرفة علوم الحدیث.^{۴۷۱}

مذهب: بعضی از دانشمندان اهل سنت حاکم را شیعه و بعضی رافضی معرفی کرده‌اند^{۴۷۲} و عده‌ای دیگر او را

۴۶۱. طبقات الشافعیه، ج ۴، ص ۱۵۸؛ وفيات الأعیان، ج ۴، ص ۲۸۱. ابن خلکان و یا کاتبان نسخه‌های مورد استناد استاد احسان عباس، «نسا» را به نیشابور تصحیف کرده و نوشته‌اند که او مدتی متصدی امور قضاوت نیشابور بوده است. تاریخ نیشابور، مقدمه دکتر شفیعی کدکنی، ص ۳۴.

۴۶۲. الخولی، تاریخ فنون الحدیث، ص ۹۷.

۴۶۳. محمد بن جعفر الکتانی، پیشین، ص ۱۵۹.

۴۶۴. کشف الظنون، ج ۱، ص ۱۴۳.

۴۶۵. محمد بن جعفر الکتانی، پیشین.

۴۶۶. همان.

۴۶۷. همان.

۴۶۸. کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۱۶۰.

۴۶۹. همان، ج ۲، ص ۱۲۷۷.

۴۷۰. محمد بن جعفر الکتانی، پیشین، ص ۲۱.

۴۷۱. الحدیث و المحدثون، ص ۴۲۴.

۴۷۲. قال ابواسماعيل عبدالله بن محمد الهروي: «أنه ثقة في الحديث، رافضي خبيث». سير أعلام النبلاء، ج ۱۷، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

سني متمایل به تشیع دانسته‌اند.^{۴۷۳} جمعی از دانشمندان شیعی نیز او را در شمار عالمان شیعی ذکر کرده‌اند.^{۴۷۴} در این میان نظرات افراطی و نادرستی در مورد او مطرح شده است. آنچه باعث چنین قضاوت‌هایی در مورد او شده است، این است که حاکم در کتاب *المستدرک علی الصحیحین* خود روایات بسیاری را در فضایل امام علی (علیه السلام) آورده است. مشهورترین روایاتی که او در این زمینه ذکر کرده و خشم اهل سنت را برانگیخته است، حدیث الطیر و روایت صحیح «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» است.^{۴۷۵} طرفداران او بر این باورند که پیش از او نیز بزرگانی همچون ترمذی در *المناقب و نسای* در *خصائص علی (علیه السلام)* حدیث طیر را روایت کرده‌اند و ابن حنبل و دیگران نیز روایت صحیح «من کنت مولاہ فعلی مولاہ» را گزارش کرده‌اند، اما هیچ کس این محدثان بزرگ را متهم نکرده است.

از سویی دیگر کسانی همچون ابن طاهر مقدسی و شیخ الاسلام هروی، که او را شیعه و رافضی می‌خوانند، خود از حنابلۀ بسیار متعصب‌اند که با حاکم، که شافعی است، هیچ‌گونه همزیستی ندارند. بنابراین، طبیعی است که چنین حملاتی را بر حاکم روا دارند.^{۴۷۶} فارغ از تمام این اختلافات، باید توجه داشت که شخصیت حدیثی حاکم نیشابوری نزد محدثان اهل سنت چندان خوشایند نیست و در مجموع او را «متساهل در حدیث» و راوی روایات ضعیف و جعلی می‌دانند.^{۴۷۷}

دلیل دیگری که عامل این خرده‌گیری‌ها بر حاکم و اتهام او به تشیع شده است، این است که حاکم، مسئولیت‌هایی را از جانب دولت سامانی می‌پذیرفت و حتی سفیر میان سامانیان و آل بویه بود که در مراسلات میان آن دو دولت، از وجود او استفاده می‌شد. سزگین در این باره می‌گوید: «چندین بار به عنوان سفیر آل بویه به کار پرداخته است».^{۴۷۸} دشمنان حاکم که از اهل سنت و طرفدار حکومت عباسی بودند، این‌گونه تمایلات سیاسی او را تحمل نمی‌کردند؛ زیرا او در حقیقت برای آشتی میان دو دولت شیعی و متمایل به شیعی (سامانیان) ایرانی می‌کوشید. بنابراین اهل سنت آن روزگار کوشش‌های او را نپسندیدند و از این رو، او را به تشیع متهم کردند و محققان دوره‌های بعد نیز دلیل تشیع او را در نقل این‌گونه احادیث جستجو کرده‌اند.^{۴۷۹}

۴۷۳. *تاریخ بغداد*، ج ۵، ص ۴۷۴؛ سمعانی، *الأنساب*، ج ۲، ص ۳۷۱؛ *سیر أعلام النبلاء*، ج ۱۷، ص ۱۷۴؛ *میزان الاعتدال*، ج ۳، ص ۶۰۸. ذهبی در *تذکرۃ الحفاظ* از ابن طاهر نقل می‌کند که او حاکم را رافضی خبیث می‌داند ولی خود ذهبی بر این باور است که حاکم نیشابوری شیعه بوده نه رافضی. ر.ک: *الذریعه*، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴۷۴. علامه آقا بزرگ تهرانی در *الذریعه* او را از مؤلفان شیعه می‌داند و می‌نویسد که شیخ حرّ عاملی کتاب او را از کتابهای مورد اعتماد شیعه می‌داند. ر.ک: *الذریعه*، ج ۲، ص ۱۹۹.

۴۷۵. *تاریخ بغداد*، ج ۵، ص ۴۷۴.

۴۷۶. برای اطلاع بیشتر، ر. ک: *المستدرک علی الصحیحین*، بیروت، دار الکتب العلمیه، مقدمه، ص ۱۷ - ۱۲؛ ن.ک: *طبقات الشافعیه*، ج ۴، ص ۱۶۷ - ۱۶۸؛ دکتر عادل حسن علی، *الإمام الحاکم النیشابوری و کتابه*، ص ۹۵ - ۶۸.

۴۷۷. ر. ک: *لسان المیزان*، ج ۵، ص ۲۳۳. البته نگاهی معتدlane به او وجود دارد و آن اینکه اگرچه حاکم از جهت مذهبی متهم است اما از جهت صداقت در نقل حدیث مورد تأیید است. این مطلب را عبدالله بن محمد هروی گفته است؛ *سیر أعلام الانبیاء*، ج ۱۷، ص ۱۷۵ - ۱۷۴.

۴۷۸. *تاریخ التراث العربی*، ج ۱، ص ۴۵۴.

۴۷۹. *تاریخ نیشابور*، مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ص ۳۵ و ۳۶، با اندکی تغییر و تلخیص، انتشارات دفتر نشر آگه.

کتاب

نام کتاب

مؤلف در متن کتاب هنگام توضیح یکی از روایات، از کتابش با نام *المستدرک علی الشیخین* یاد کرده است،^{۴۸۰} اما در دوره‌های بعد این کتاب با عنوان *المستدرک علی الصحیحین* مشهور شد که علی‌الظاهر از همان سخن مصنف برگرفته شده است.

انگیزه نگارش

حاکم این کتاب را، روز دوشنبه هفتم محرم سال ۳۷۳ هجری برای شاگردانش املا کرده است. او در دیباچه کتاب می‌نویسد:

بخاری و مسلم دو کتاب صحیح نگاشته‌اند که اکنون شهره آفاق شده است. آن دو هیچ‌گاه ادعا نکردند که تمام احادیث صحیح، فقط در همین کتاب است و احادیث کتابهای دیگر صحیح نیست، در حالی که در عصر حاضر، جماعتی خرده‌گیر بر رویان خرده می‌گیرند که تمام روایات صحیح نزد شما کمتر از ده هزار حدیث است و هزاران کتاب و رساله حدیثی دیگری که شما دارید، روایاتش همگی مشکل‌دار و ضعیف است. از سوی دیگر گروهی از دانشمندان این شهر و دیگر شهرها از من درخواست کرده‌اند تا کتابی حدیثی با همان اسناد بخاری و مسلم تدوین کنم؛ چرا که هیچ عذری برای نوشتن روایات غیرضعیف پذیرفته نیست.^{۴۸۱}

سبک کتاب

حاکم تلاش کرده است تا بابهای کتابش را به ترتیب کتابهای فقهی و جوامع، مرتب کند. بنابراین، جلد اول را با کتابهای *الایمان، العلم، الطهاره، الصلاه ...* آغاز کرده و در جلد چهارم، پس از ذکر کتابهای *تعبیر الرؤیا، الطب، الرقی و التمام، الفتن و الملاحم و الأحوال* کتاب خود را به پایان رسانده است. گفتنی است که ترتیب ابواب مستدرک بیشتر با کتاب *صحیح بخاری* سازگار است.

دسته‌بندی روایات

روایات موجود در مستدرک بر سه دسته است:

- ۱- احادیثی که مطابق شرط شیخین صحیح است حاکم ذیل این‌گونه روایات می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط الشیخین، ولم یخرجاه».
- ۲- احادیثی که مطابق با شرط یکی از دو کتاب بخاری یا مسلم صحیح است. او ذیل این‌گونه روایات می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح علی شرط مسلم ولم یخرجاه» (و یا برعکس).
- ۳- احادیثی که به اجتهاد حاکم صحیح است. او در ذیل این دسته روایات می‌نویسد: «هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه».

۴۸۰. *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۴، ص ۴۸۹، ح ۸۳۶۴.

۴۸۱. همان، ج ۱، ص ۴۱ و ۴۲.

اعتبار احادیث کتاب

مؤلف در دیباچه کتاب ادعا می‌کند که تمامی احادیث کتابش صحیح است.^{۴۸۲} همچنین ذیل تمام روایات مدعی است که آن حدیث معتبر و صحیح است، ولی بخاری و مسلم آن را روایت نکرده‌اند. این ادعا سبب شده است که بعضی، همچون کتانی، این کتاب را در شمار کتابهای صحاح معرفی کنند.^{۴۸۳} از سوی دیگر، بیشتر محدثان اهل سنت هنگام مواجهه با این کتاب احتیاط را ترجیح می‌دهند. ابوسعید مالینی شافعی^{۴۸۴} (م ۴۱۲ هـ) گفته است که از اول تا آخر مستدرک را مطالعه کرده و هیچ حدیثی را بر شرط شیخین نیافته است با این حال ذهبی (م ۷۴۸ هـ) می‌گوید: «این کلام مالینی غلوآمیز و زیاده‌روی است.»^{۴۸۵} آن‌گاه حافظ ذهبی، که خود نیز کل کتاب را خوانده است، احادیث آن به شرح زیر تقسیم‌بندی می‌کند:

یک دوم کل احادیث: با شرط شیخین یا یکی از آن دو مطابق است.
یک چهارم احادیث: سند آنها صحیح است ولی با شرط شیخین مطابق نیست.
یک چهارم باقی‌مانده: احادیثی است که نه تنها صحیح نیست، بلکه بعضی از آنها موضوع و جعلی است.^{۴۸۶}

نتیجه: بنابراین، حدود سه چهارم احادیث کتاب از دیدگاه اهل سنت و مطابق با معیارهای آنان صحیح است، دو حدیث غدیر و طبر مشوی از آن جمله‌اند.

اکنون که این سؤال پیش می‌آید که چرا اهل سنت روایات مستدرک حاکم را غیر صحیح یا حتی جعلی می‌دانند؟

دو پاسخ به این سؤال داده شده است:

الف) حاکم نیشابوری تمام یا بخشی از مستدرک را در اواخر عمرش نگاشته است که در این زمان غفلت و پیری بر او چیره شده و چنین اتفاقی رخ داده است.

ب) ابن حجر: تساهل حاکم سبب ترویج چنین روایاتی شده است؛ چرا که او ابتدا متن اولیه این کتاب را نگاشته بود و قصد داشت آن را پس از بهسازی و پاکسازی به صورتی مطلوب ارائه دهد، ولی مرگ او را امان نداد.

اما باید گفت که حقیقت چیزی دیگر است و این پاسخها همگی توجیهاتی قبول نکردنی است. عظمت علمی و فرهیختگی حدیثی حاکم بر احدی از عالمان اهل سنت پوشیده نیست. او تألیفاتی جاودان در علوم

۴۸۲. همان.

۴۸۳. الرسالة المستطرفة، ص ۲۱.

۴۸۴. احمد بن محمد اهصاری هروی، معروف به ابوسعید مالینی، از دانشمندان بزرگ خراسان است. این عالم شافعی مذهب، در علوم متعددی همچون حدیث و فقه متبحر بوده است. او سفرهای حدیثی بسیاری انجام داده است. زهد و تصوف مالینی سبب شد که او را «طاووس الفقرا» بنامند. سال وفات احمد بن محمد را ۴۰۹ یا ۴۱۲ هجری گفته‌اند. رک: طبقات المحدثین، ج ۱، ص ۹۲/الأعلام، ج ۱، ص ۲۱۱؛ معجم المؤلفین، ج ۲، ص ۷۱.

۴۸۵. ذهبی، تاریخ الإسلام، ج ۲۸، ص ۱۳۲.

۴۸۶. همان.

گوناگون مرتبط با حدیث داشته است. کتاب *معرفة علوم الحديث و المستدرک* او از کتابهای مشهور و معروفی هستند که بارها به چاپ رسیده‌اند. آثار روایی او نیز به خوبی نشان دهنده اعتقاد کامل وی به خلفا است.^{۴۸۷} او در هیچ جا به برتری امام علی (علیه السلام) و تقدم او بر دیگر خلفا اشاره نکرده است. او تنها معاویه را خلیفه رسول خدا نمی‌داند. آنچه سبب شده است تا او را فردی متساهل یا مقصر جلوه دهند، آن است که وی تنها قطره‌ای از فضایل امام علی (علیه السلام) را در کتاب *المستدرک* به تصویر کشیده است. او آشکارا محبت خود را به امام علی و خاندان او نشان داده و از معاویه و بنی‌امیه بیزاری جسته است. این کار، که نوعی رهایی از حصارهای اعتقادی اهل سنت و شکستن اجماعات نانوشته ایشان است، سبب شده تا نویسندگان متعصب اهل سنت همواره او را آماج حملات خود قرار دهند.^{۴۸۸}

گفتنی است که مشهور محدثان اهل سنت به منفردات حاکم، یعنی آن دسته از روایاتی که تنها حاکم آنها را در *المستدرک* ذکر کرده و دیگران آن را نقل نکرده‌اند، اعتماد نکنند.^{۴۸۹}

نمونه‌ای از احادیث مستدرک

۴۶۵۰- حَدَّثَنِي أَبُو عَلِيٍّ الْحَافِظُ، أَنَا أَبُو عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ أَيُّوبُ الصَّفَّارُ وَ حَمِيدُ بْنُ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ الزِّيَّاتِ قَالَا: ثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ عِيَّاضَ بْنِ أَبِي طَيْبَةَ، ثَنَا أَبِي، ثَنَا يَحْيَى بْنُ حِسانَ، عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ بِلَالٍ، عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ، عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: كُنْتُ أَخْدِمُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَدَّمَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرَخٌ مَشْوِيٌّ فَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَتَيْتَنِي بِأَحَبِّ خَلْقِكَ إِلَيْكَ يَا كُلُّ مَعِي مِنْ هَذَا الطَّيْرِ». قَالَ: فَقُلْتُ: اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ. فَجَاءَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى حَاجَةٍ، ثُمَّ جَاءَ فَقُلْتُ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ عَلَى حَاجَةٍ، ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «افْتَحْ» فَدَخَلَ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا حَبْسَكَ عَلِيٌّ»، فَقَالَ: «أَنَّ هَذِهِ آخِرَ ثَلَاثِ كِرَاتٍ يَرُدُّنِي أَنَسُ يَزْعَمُ أَنَّكَ عَلَى حَاجَةٍ». فَقَالَ: «مَا حَمْلُكَ عَلَى مَا صَنَعْتُ؟» فَقُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ سَمِعْتُ دُعَاكَ فَأَحْبَبْتُ أَنْ يَكُونَ رَجُلًا مِنْ قَوْمِي. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: «إِنَّ الرَّجُلَ قَدْ يُحِبُّ قَوْمَهُ». هذا حديثٌ صحيحٌ على شرطِ الشَّيْخَيْنِ وَلَمْ يَخْرُجَاهُ.^{۴۹۰}

۴۸۷. گذشته از احادیث موجود در *المستدرک* که همگی گویای تفکر ویژه و ارادت او به خلفاست، وی کتابی در فضایل عشره مبشره با نام *فضائل العشرة مبشرة و کتابی با نام مناقب الصديق رضى الله عنه نگاشته است*؛ ر. ک: *هدية العارفين*، ج ۲، ص ۵۹.

۴۸۸. *تاریخ نیشابور*، مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، ص ۳۵ و ۳۶، با اندکی تغییر و تلخیص.

۴۸۹. *الخولی، تاریخ فنون الحديث*، ص ۹۸.

۴۹۰. *المستدرک علی الصحیحین*، ج ۳، ص ۱۴۱، ح ۴۶۵۰.

ب) مستخرج‌نویسی

تعریف

معنای لغوی: استخراج مصدر باب استفعال به معنای خارج کردن و بیرون آوردن است و مُسْتَخَرَج اسم مفعول به معنی بیرون آورده شده است.

معنای اصطلاحی: در دانش سبک‌شناسی مستخرج به کتابی گفته می‌شود که مؤلف آن، احادیثی از یک کتاب را با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد، نقل کند. این سند باید با سند کتاب اصلی متفاوت باشد؛^{۴۹۱} مانند دو کتاب *مستخرج ابونعیم/صفهانی* (م ۴۳۰ هـ) نسبت به *صحیح بخاری* و *صحیح مسلم*.
توضیح: مستخرج‌نویسان در حقیقت می‌خواهند اسناد دیگری را از کتابهای معتبر و طرقهای دیگر به خوانندگان ارائه دهند تا مخاطبان آگاهی و اطمینان بیشتری به آن روایات پیدا کنند.

شرایط مستخرج

به طور معمول نکات زیر در مستخرج‌ها رعایت می‌شود:^{۴۹۲}

- ۱- ترتیب موضوعات، ابواب و متون احادیث مستخرج با کتاب مورد نظر مؤلف یکسان است؛
- ۲- سند مستخرج باید حداقل در یکی از افراد زنجیره سند با سند کتاب اصلی مشترک باشد. این فرد می‌تواند استاد مشترک مستخرج‌نگار و نویسنده کتاب اصلی و یا یکی از افراد طبقات بعدی باشد؛ مانند اشتراک دو سند در صحابی.
- ۳- اسناد کتابهای مستخرج از اسناد کتاب اصلی طولانی‌تر نیست، مگر اینکه طولانی شدن سند به دلیل عذر یا فایده‌ای مهم باشد.
- ۴- چنانچه مستخرج‌نگار برای حدیثی از کتاب اصلی سندی مستقل و متفاوت ندارد، می‌تواند آن حدیث را ذکر نکند و یا با همان سند صاحب کتاب اصلی بیاورد.

مستخرج‌نگاران

مستخرج‌های متعددی برای کتابهای اهل سنت، به ویژه صحیحین، تدوین شده است. محمد بن جعفر گتانی در *الرسالة المستطرفة*، چهل کتاب مستخرج را نام می‌برد که به ترتیب بر صحیحین، صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن ابی‌داود، صحیح ابن‌خزیمه و مستدرک حاکم نیشابوری نگاشته شده است.

۴۹۱. *الرسالة المستطرفة*، ص ۳۱؛ ابوزهو، *الحديث و المحدثون*، ص ۴۰۳.

۴۹۲. همان؛ الخولی، *تاریخ فنون الحديث*، ص ۱۰۵.

معرفی چند مستخرج‌نگار

مستخرج‌نگاران صحیح بخاری

- ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)
- ابوبکر احمد بن ابراهیم اسماعیلی (م ۳۷۱ هـ)
- ابوبکر احمد بن محمد برقانی شیخ الفقهاء (م ۴۲۵ هـ)

مستخرج‌نگاران صحیح مسلم

- احمد بن حمدان نیشابوری (م ۳۱۱ هـ)
- ابوعوفه اسفراینی (م ۳۱۶ هـ)
- ابونصر طوسی (م ۳۴۴ هـ)
- ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ)

فواید استخراج

بعضی از محققین شانزده فایده برای مستخرج‌ها آورده‌اند که^{۹۳} ما در اینجا تنها به سه فایده مهم آن اشاره می‌کنیم:

- ۱- علوّ و برتری اسناد: مستخرج‌نگاران سعی می‌کنند تا روایت را با واسطه‌هایی کمتر نقل کنند، این امر سبب می‌شود که سند متصل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) کوتاه‌تر شود و بدین ترتیب بر اعتبار خبر افزوده شود.
- ۲- کامل شدن متن احادیث: گاهی متن احادیث در نقل کتاب اصلی تقطیع و یا به گونه‌ای هنگام نقل به معنا مختصر می‌شوند، از این رو، می‌توان فضای صدور روایات و متون کامل‌تر حدیث را در مستخرج‌ها مشاهده کرد.
- ۳- تقویت حدیث: هنگامی که یک حدیث از چند طریق گزارش شود، اعتماد مخاطب به آن بیشتر خواهد شد. بنابراین، تعدد اسناد یک روایت سبب تقویت آن روایت می‌شود. این گونه روایات به هنگام تعارض با دسته‌ای دیگر، همواره مقدم می‌شوند.

چکیده

✓ جوامع علمی اهل سنت آن‌چنان به تقلید از کتابهای صحیحین مشغول بودند که گویی هیچ حدیثی غیر از احادیث این دو کتاب ارزش و اعتباری ندارد.

۹۳. مختصر الأحكام، مستخرج الطوسی علی جامع الترمذی، تحقیق انیس بن احمد بن طاهر الأندونوسی، ج ۱، ص ۶۹ - ۷۰. ر.ک: الحدیث و المحدثون، ص ۴۰۶ - ۴۰۵. ابوزهو در این کتاب نه فایده برای مستخرج بیان کرده است.

- ✓ مستدرک کتابی است که به مثابه متممی بر کتاب دیگر و با همان شیوه و شروط نویسنده قبلی تدوین می‌شود و نویسنده سعی می‌کند احادیثی را که از نویسنده اصلی فوت شده است، در مستدرک بیاورد؛ مانند کتاب المستدرک علی الصحیحین اثر حاکم نیشابوری.
- ✓ اصطلاح شرط به نوع سند کتاب اصلی مربوط است. مستدرکنویس باید در اسناد احادیث دقت کند و تنها از راویان و یا کتابهایی روایت نقل کند، که صاحب کتاب اصلی از ایشان روایت کرده است.
- ✓ حاکم از هزار نفر حدیث شنیده و نزدیک به ۱۵۰۰ رساله و کتاب تدوین کرده است.
- ✓ بعضی از اهل سنت، حاکم را شیعه و رافضی معرفی کرده‌اند و عده‌ای دیگر او را سنی متمایل به تشیع دانسته‌اند.
- ✓ حاکم سعی کرده است تا بابهای مستدرک را به ترتیب کتابهای فقهی و جوامع مرتب کند.
- ✓ روایات موجود در مستدرک حاکم سه دسته است: الف) احادیثی که مطابق شرط شیخین صحیح است؛ ب) احادیث مطابق شرط یکی از دو کتاب بخاری یا مسلم صحیح است؛ ج) احادیثی که به اجتهاد حاکم صحیح است.
- ✓ آنچه سبب شد تا حاکم را فردی متساهل یا مقصر جلوه دهند، آن است که وی تنها قطره‌ای از فضایل امام علی (علیه السلام) را در کتاب المستدرک به تصویر کشیده است.
- ✓ مشهور محدثان اهل سنت به منفردات حاکم، یعنی آن دسته از روایاتی که تنها حاکم آنها را در المستدرک ذکر کرده و دیگران آن را نقل نکرده‌اند، اعتماد نمی‌کنند.
- ✓ در دانش سبک‌شناسی مستخرج به کتابی گفته می‌شود که مؤلف آن، احادیثی از یک کتاب را با سندی که خود از طریق استادان خویش در اختیار دارد، نقل می‌کند.
- ✓ مستخرج‌نویسان در حقیقت می‌خواهند اسناد دیگری را از کتابهای معتبر و طریقه‌های دیگر به خوانندگان ارائه دهند تا مخاطبان آگاهی و اطمینان بیشتری به آن روایات پیدا کنند.
- ✓ سند مستخرج به طور حتم باید حداقل در یکی از افراد زنجیره سند با سند کتاب اصلی مشترک باشد.
- ✓ مستخرج‌نگاران سعی می‌کنند تا روایت را با واسطه‌هایی کمتر نقل کنند، این امر سبب می‌شود که سند متصل به پیامبر (صلی الله علیه و آله) کوتاه‌تر شود و بدین ترتیب بر اعتبار خبر افزوده شود.

ضمیمه

منابع

- ۱- دکتر عادل حسن علی، الإمام الحاکم النیشابوری و کتابه (المستدرک)، مؤسسة المختار؛
- ۲- رمضان احمد علی محمد، تنبیه الواهم علی ما جاء فی المستدرک الحاکم، مکتبة التوبة؛
- ۳- المستدرک علی الصحیحین، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطاء، مقدمه، دار الکتب العلمیه؛

- ۴- حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی (فارسی)، چاپ دفتر نشر آگه؛
- ۵- دکتر مجید معارف، جوامع حدیثی/اهل سنت، انتشارات سمت؛
- ۶- دایرة المعارف تشیع، ج ۶، مدخل «ابوعبدالله حاکم نیشابوری»؛
- ۷- مختصر الأحكام (مستخرج الطوسی علی جامع الترمذی)، ج ۱، ص ۱۲۸ - ۶۲.

جلسه سیزدهم

اطراف‌نگاری، زوائد و تخریج‌نویسی

هدف درس

آشنایی با:

✓ سبک‌های اطراف‌نگاری، زوائدنویسی و تخریج نویسی.

ج) اطراف‌نگاری

در اواخر قرن چهارم و اوایل قرن پنجم، نگارش بیشتر کتابهای حدیثی پایان یافته بود و مردم برای آشنایی با احادیث و پیدا کردن حدیث مورد نظر خویش با کمبود کتاب روبه‌رو نبودند، اما برای یافتن حدیث به فهرست راهنما یا فرهنگهای حدیث‌یاب نیازمند بودند.^{۹۴} بنابراین، گروهی از دانشمندان با هدف آسان‌یاب کردن احادیث، کتابهایی را با عنوان «اطراف الحدیث» تدوین کردند.

تعریف

معنای لغوی: «اطراف» جمع «طَرَف» به معنای لبه، تیزی، نوک، سر، کنار و کناره است.^{۹۵} «طرف البیت»، کنار خانه و «طرف الطريق» به معنی کناره راه است. مراد از «طرف حدیث» نیز همان عبارات اصلی یا واژه‌های آغازین حدیث است که نشان‌دهنده متن اصلی روایت است.

معنای اصطلاحی: در میان کتابهای حدیثی، کتابهایی با عنوان «اطراف الحدیث» به چشم می‌خورد. مؤلفان این کتابها تنها بخش اصلی حدیث (معروف‌ترین بخش متن حدیث) را می‌آورند و آن‌گاه مصادر و اسناد گوناگون آن روایت را در گستره‌هایی اختیاری بیان می‌کنند.

بیشتر اطراف‌نگاران، دامنه‌ای مشخص را برای تحقیق خویش انتخاب و سعی می‌کنند تا اطراف الحدیث یک یا چند کتاب معروف و معدود را تنظیم کنند. اینک با بعضی از کتابهای اطراف که در گستره‌هایی گوناگون نگاشته شده‌اند، آشنا می‌شویم:

موطأ مالک بن انس: دارقطنی (م ۳۸۵) و خطیب بغدادی (م ۴۶۳) هر یک کتابی با نام *اطراف الموطأ* نگاشته‌اند.

۹۴. دکتر سید محمدکاظم طباطبایی در کتاب *مسئدنویسی در تاریخ حدیث*، این دو اصطلاح را معادل «اطراف‌نگاری» دانسته‌اند.

۹۵. آذرتاش آذرنوش، *فرهنگ معاصر عربی - فارسی*، ص ۳۹۶، ماده «طرف».

مسند ابن حنبل: كتاب إطفاف المسند المعتبر بأطراف المسند الحنبلي، اثر ابن حجر عسقلاني (م ٨٥٢).

صحیح بخاری: أطراف البخاری، اثر عبدالهادی السندی (م بعد از ۱۱۳۸).
صحیحین: عبارت‌اند از:

۱- أطراف الصحیحین، اثر خلف بن محمد الواسطی (م بعد از ۴۰۰)؛

۲- أطراف الصحیحین، اثر خلف ابومسعود دمشقی (م ۴۰۱)؛

۳- أطراف الصحیحین، اثر ابونعیم اصفهانی (م ۵۱۷)؛

۴- أطراف الصحیحین، اثر ابن حجر عسقلانی.

السنن الأربعة: (سنن‌های چهارگانه ابوداود، ترمذی، نسایی و ابن ماجه)

- الاشراف علی معرفة الأطراف، اثر ابن عساکر (م ۵۷۱)

الکتب الستة: (سنن‌های چهارگانه به علاوه صحیح بخاری و صحیح مسلم)

۱- أطراف الکتب الستة، احمد بن طاهر مقدسی معروف به ابن قیسرانی (م ۵۰۷)؛

۲- تحفة الاشراف بمعرفة الأطراف، حافظ عبدالرحمن بن یوسف مزّی (م ۷۴۲).

در میان اطراف‌نگاران، ابن حجر عسقلانی گوی سبقت را از دیگران ربوده است. او در دامنه‌های مختلف کتاب اطراف نگاشته است. معروف‌ترین اثر او در این زمینه کتاب *تحاف المهره باطراف العشرة* است. این کتاب اطراف الحدیث ده کتاب معروف را برای خوانندگان بیان کرده است.^{۴۹۶}

انواع اطراف‌نگاری

اطراف‌نگاری به دو گونه متفاوت انجام شده است: شیوه متقدمان و شیوه معاصران.

الف) شیوه متقدمان

اطراف‌نگاران متقدم در ترتیب و چینش اسلوب اصلی از مسندنگاران پیروی می‌کردند؛ به این صورت که ایشان مسانید صحابه را به ترتیب حروف الفبا می‌آوردند و سپس اطراف احادیث هر یک از صحابه را بیان می‌کردند. آنان برای آسان‌یاب شدن احادیث، نام تابعین (راویانی را که از صحابه روایت نقل می‌کند) هم به ترتیب حروف الفبا ذیل سند هر صحابی می‌آوردند.

مثال: در حرف الفبا ← مسند البراء بن عازب (صحابی)

← مسند بسر بن أرطاة

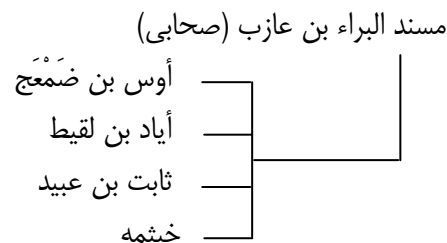
← مسند بشر بن عاصم

← مسند بشیر الأنصاری

← مسند بلال الحبشی

۴۹۶. در *تحاف المهره*، اطراف الحدیث این کتابها را می‌توان دید: *الموطأ*، *مسند الشافعی*، *مسند احمد*، *مسند الدارمی*، *صحیح ابن خزیمه*، *منتقى ابن الجارود*، *صحیح ابن حبان*، *مستدرک الحاکم*، *مستخرج أبي عوانه*، *شرح معانی الآثار*، *سنن الدارقطنی*. شمار این آثار یازده کتاب است. گفتنی است از آنجا که ابن حجر از *صحیح ابن خزیمه* تنها یک چهارم آن را یافته و اطرافش را نگاشته است، بنابراین نام این کتاب را در شمارگان اصلی ذکر نکرده و تنها به ذکر ده کتاب بسنده کرده است.

ذیل مسند هر صحابی نیز نام تابعینی که از او روایت نقل کرده‌اند، به ترتیب آمده است؛ برای مثال اسامی بعضی از تابعین که از براء بن عازب روایت نقل کرده‌اند، در اطراف الحدیث چنین است:



در این شیوه خوانندگان باید حداقل از نام راوی اصلی روایت اطلاع داشته باشند. خواننده‌ای که نام صحابی و تابعی و بخشی از روایت را بداند، می‌تواند به اطراف الحدیث مراجعه کند تا مکان (یا مکانهای) دقیق روایت را از کتاب اطراف الحدیث بیابد.

اطراف‌نگاران در این شیوه سعی می‌کنند تا اطلاعاتی همچون آدرسهای مختلف و سندهای گوناگون را در اختیار جستجوکننده حدیث قرار دهند. همچنین بعضی از این نویسندگان توضیحات و لطایفی از روایت را هم بیان می‌کنند.

یک مثال از کتاب إتحاف المهره بأطراف العشرة:^{۴۹۷} (در مسند براء بن عازب، نام تابعی: زاذان أبو عمرو)

مسند البراء بن عازب

۷- زاذان أبو عمرو، عنه.

۲۰۶۱- حدیث «حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ، فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ فِي الْقُرْآنِ حُسْنًا».

مسند الدارمی: فی فضائل القرآن: ثنا محمد بن بکر، ثنا صدقة بن أبي عمران، عن علقمة بن مرشد، عنه، به. مستدرک الحاكم: فيه (= في فضائل القرآن): ثنا أبو علي الحافظ، ثنا إبراهيم بن يوسف الهسنجاني، ثنا الحسن بن صباح، ثنا عبدالله بن عبدالرحمن السمرقندي - وهو الدارمي - به.

توضیح: گفتیم که در إتحاف المهره، اطراف الحدیث ده کتاب ذکر شده است، بنابراین، خواننده پس از آنکه روایت را چنین یافت که تنها دو مصدر دارد، درمی‌یابد که هشت کتاب دیگر این روایت را نیآورده‌اند.

فایده دیگر این گونه کتابها این است که نام باب روایات را بیان می‌کند (باب فضائل القرآن).

از فواید دیگر اطراف‌نگاری آشنایی با سندهای مختلف یک روایت است.

بزرگ‌ترین ایرادی که بر کتابهای اطراف متقدمین وارد است، تنظیم آنها به طریقه سندی است؛ چرا که در این شیوه جستجوکننده حدیث بایستی حداقل نام صحابی (راوی اول حدیث) را بداند تا بتواند به احادیث مورد نظر خود دست یابد. البته در روزگاران گذشته طالبان حدیث، به طور معمول هر حدیث را با نام راوی آن حفظ می‌کردند بنابراین، کتابهای اطراف به راحتی ایشان را به مقصودشان می‌رساند.

نکته: کتابهای اطراف اگرچه پژوهشهای حدیثی را سرعت بخشیدند اما در درازمدت از این سبک ضربه‌هایی نیز بر پیکره احادیث وارد کردند. چه اینکه تقطیع احادیث برای این سبک سبب شد تا خوانندگان قرنهای بعد از احادیث اصلی غافل شده و گمان کنند که کتابهای فهرس و اطراف همان متن اصلی حدیث را آورده‌اند و

۴۹۷. إتحاف المهره بأطراف العشرة، ج ۲، ص ۴۵۶، ح ۲۰۶۱. (چاپ وزارت اوقاف عربستان سعودی).

امروزه در جستجوهای رایانه‌ای درمی‌یابیم که گاهی اطراف‌نگاران تصرفاتی را در متن حدیث روا می‌داشتند. کتاب *الجامع الصغیر* سیوطی نمونه‌ای از این‌گونه موارد است. این کتاب با سبک اطراف هم‌افق است.

ب) شیوه معاصرین

چنانچه گذشت، مراجعه به اطراف الحدیث‌های پیشین برای نسل امروز که با راویان و صحابی آشنا نیستند، مشکل است. دانشمندان علوم حدیث در عصر حاضر به این نتیجه رسیدند که بایستی فرهنگ‌هایی تنظیم شود که جویندگان حدیث، در هر سطحی، به آسانی بتوانند با استفاده از آنها به مصادر حدیثی دست یابند. از این رو، تصمیم گرفتند تا اطراف الحدیث‌های جدید تنظیم کنند. در این شیوه فقط کلمات آغازین هر حدیث به ترتیب حروف الفبایی لیست می‌شود. بنابراین، جستجوکننده حدیث اگر چند کلمه اصلی روایت را بداند، به آسانی می‌تواند آن را در منابع اصلی بیابد. امروزه تنظیم الفبایی متون آغازین روایات به راحتی با کمک رایانه انجام می‌شود. از این رو، محققان کتابهای مهم «اطراف الحدیث‌هایی» را برای این کتابها تنظیم کرده‌اند تا خوانندگان به گاه نیاز به راحتی بتوانند به آن مراجعه کنند. امروزه حتی برای اطراف حدیث‌هایی که متقدمان نگاشته‌اند نیز فهرست‌هایی به این شیوه تنظیم شده است.^{۴۹۸}

معرفی کتاب تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف

این کتاب اثر محدث پرکار قرن هشتم حافظ ابوالحجاج یوسف بن عبدالرحمن مزّی (م ۷۴۲ هـ) است. حافظ مزّی در این کتاب اطراف احادیث کتابهای شش‌گانه و برخی دیگر از کتابهای اهل سنت از قبیل مقدمه کتاب مسلم، *مراسیل ابی‌داود*، *علل ترمذی*، *شمائل ترمذی* و *عمل الیوم و اللیل* نسایی را ذکر کرده است.^{۴۹۹} او در این کتاب به برخی از کتب اطراف الحدیثی پیش از خود اعتماد و به آنها توجه کرده است. مزّی در این کتاب از روش ابن‌عساکر (م ۵۷۱) در کتاب *أطراف السنن الأربعة* پیروی کرده است. چنانچه خود می‌گوید: «وَرَبَّيْتُ عَلَى نَحْوِ تَرْتِيبِ كِتَابِ أَبِي الْقَاسِمِ، فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْكُلِّ تَرْتِيبًا.»^{۵۰۰} البته وی در ادامه بر ابن‌عساکر خرده می‌گیرد که بعضی از احادیث را نیاورده و به گونه‌ای غفلت کرده است.

نگارش *تحفة الأشراف*، ۲۶ سال به طول انجامیده است. مطابق بیان مؤلف، تألیف این کتاب از عاشورای سال ۶۹۶ آغاز و در ربیع الآخر ۷۲۲ به پایان رسیده است.

حافظ مزّی در این کتاب از شیوه متقدمان پیروی و همانند تمام اطراف‌نگاران چند کلمه اصلی روایت را ذکر کرده است. کتاب او در چهارده جلد و با حاشیه ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) بارها به چاپ رسیده است.^{۵۰۱} نکته: اطراف‌نگاران برای آسان‌تر شدن نگارش از آوردن نام کامل کتابهای مصادر خودداری و علائم اختصاری ویژه‌ای را برای کتابهای منبع انتخاب می‌کنند؛ به عنوان مثال از رموز زیر استفاده می‌کنند: البخاری: خ، مسلم: م، أبوداود: د، الترمذی: ت، ابن‌ماجه: ق، نسایی: س.

۴۹۸. همان.

۴۹۹. تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف، ج ۱، ص ۳ و ۴.

۵۰۰. همان، ص ۵.

۵۰۱. برای نمونه ر. ک: *فهارس تحفة الأشراف بمعرفة الأطراف* که توسط محمد عبدالقادر عطا در دو جلد تنظیم شده است.

بزرگ‌ترین و مشهورترین اطراف الحديث

دانشمند معاصر جناب محمد سعید بسیونی کتابی را در یازده جلد با عنوان *موسوعة أطراف الحديث النبوی الشریف* تدوین کرده است. او در این کتاب اطراف الحديث ۱۵۰ کتاب حدیث را ذکر کرده است. بسیونی برای هر کتاب علامتی اختصاری قرار داده است. اینک روایت «حَسَّنُوا الْقُرْآنَ» را در این کتاب جستجو می‌کنیم تا از مصادر آن آگاه شویم:

در جلد چهارم، حرف الحاء؛ عباراتی مانند «حَسَّنُوا أَخْلَاقَكُمْ»، «حَسَّنُوا أَسْمَاءَكُمْ»، «حَسَّنُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالْقُرْآنِ» را از نظر می‌گذرانیم تا به این عبارت می‌رسیم: «حَسَّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا».^{۵۰۲}

- می [= سنن الدارمی]، ج ۲، ص ۴۷۴.

- کنز [= کنز العمال]، ج ۲۷۶۵؛ إتحاف [إتحاف السادة المتقين، الزبيدي]، ج ۴، ص ۴۹۷.

- خفا [= كشف الخفاء عجلونی]، ج ۱، ص ۴۲۳ و ۵۳۵.

چند نکته

- ۱- اطراف‌نگاران معاصر، در این شیوه فقط به دنبال هدف اصلی اطراف‌نگاری، یعنی معرفی منابع و مصادر روایت هستند. بنابراین، در این کتابها اثری از نام صحابی، تابعی و یا اسناد روایت دیده نمی‌شود.
 - ۲- در دو دهه اخیر (سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی) در مجامع علمی شیعه نیز اطراف‌نگاریهای گوناگونی انجام شده است. پیشتاز این شیوه، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی است. این بنیاد اطراف الحديثهایی برای بیشتر کتابهای شیخ صدوق و کتابهای اصلی شیعه تنظیم و منتشر کرده است.
 - ۳- نرم‌افزار معجم مداخل احادیث الشیعه تنها نرم‌افزار مربوط به اطراف الحديث است که در گستره بیش از هشتصد کتاب طراحی شده است.
 - ۴- ظهور نرم‌افزارهای متعدد حدیثی سبب کم‌رنگ شدن مراجعه به اطراف الحديثها شده است؛ چه اینکه کاربران رایانه به راحتی و با سرعت بیشتر می‌توانند منابع و مصادر متعددی را بیابند.^{۵۰۳}
- مراجعه به اطراف الحديث و یافتن منابع، مهم‌ترین مرحله فن تخریج‌نویسی یا مصدریابی است.

۵۰۲. موسوعة أطراف الحديث النبوی الشریف، ج ۴، ص ۵۴۴.

۵۰۳. برای نمونه حدیث «حسنوا القرآن...» در نرم‌افزار کتابخانه اهل بیت جستجو و دهها آدرس آن در کمتر از سی ثانیه یافت شد. بعضی از این آدرسها عبارت‌اند از: عیون أخبار الرضا، ج ۱، ص ۷۴، ج ۳۲۲؛ بحار الأنوار، ج ۷۶، ص ۲۵۵ و ج ۸۹، ص ۱۹۴؛ سنن دارمی، ج ۲، ص ۴۷۴؛ الجامع الصغیر (سیوطی)، ج ۱، ص ۵۷۵، ج ۳۷۲۶؛ فیض‌القدیر، ج ۳، ص ۵۱۲ و ...

د) زوائدنویسی

تعریف

روشن است که محدثان نمی‌توانند تمام احادیث را در کتابهایشان گرد آورند، چرا که دامنه احادیث آن قدر گسترده است که کسی را یارای آن نیست که از این دریای بی‌کران بیش از توان خود بهره برد. از این‌رو، با گذشت زمان، عده‌ای از نویسندگان سبک جدیدی را با عنوان «زوائدنویسی» ابداع کردند. در این شیوه نویسنده، دو کتاب یا دو مجموعه از کتابهای حدیثی را با یکدیگر مقایسه می‌کند و سپس احادیث زائد یکی از آن دو بر دیگری را در کتابی مستقل با عنوان زوائد جمع‌آوری می‌کند. به طور معمول بیشتر زوائد با محوریت اصول سته و کتب صحاح تهیه شده است.

برای مثال کتاب *زوائد ابن ماجه علی اصول الخمسه* حاوی احادیثی است که ابن‌ماجه در سنن خویش آورده است، ولی نویسندگان کتب *خمسه* آنها را نیاورده‌اند؛ به عبارت دیگر، در این کتاب احادیث مشترک ابن‌ماجه و کتب *خمسه* ذکر نشده است.

اعتبار زوائد

به نظر می‌رسد که زوائدنویسی نه تنها فایده‌ای ویژه ندارد، بلکه محققان بر این باورند که روایات کتابهای زوائد چندان قابل توجه نیست.^{۵۰۴}

نکته مهم پیرامون کتب زوائد آن است که گرچه در این کتب احادیث صحیح نیز وارد شده است، اما این کتب از نظر کیفیت اعتبار، در شمار منابع درجه دوم به شمار می‌رود. یکی از محققان معاصر به نام دکتر خلدون أهدب در این زمینه می‌نویسد:

از خلال تدبر در بیشتر کتب زوائد برایم مشخص شد که در این‌گونه کتب روایات مرسل، موقوف و مقطوع به اندازه‌ای وارد شده است که در کتب اصلی حدیثی، اثری از این روایات، آن هم در این شمار، نیست.^{۵۰۵}

پیشینه زوائدنویسی

نویسندگان بسیاری به این شیوه کتاب نگاشته‌اند که بیشتر ایشان در قرن نهم زندگی می‌کردند. نخستین کسی که زوائد نوشت، حافظ مغلطای بن قلیج (م ۷۶۲) است که البته آثار او به دست ما نرسیده است. پس از او نورالدین هیثمی (م ۸۰۷)، شهاب‌الدین بوصیری (م ۸۴۰) و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲)

۵۰۴. اما این گمانه مطرح است که زوائد را برای جوامع فراگیر بزرگی مانند جمع الجوامع سیوطی و جامع المسانید ابن کثیر و ... هموار کرده‌اند.

۵۰۵. معارف، تاریخ عمومی حدیث، ص ۱۷۵، نقل از دکتر خلدون أهدب، *زوائد تاریخ بغداد علی الکتب الستة*، ج ۱، مقدمه.

کتابهایی در این زمینه نگاشته‌اند. در میان زوائدنویسان، تلاش نورالدین هیثمی ستودنی است. او بیش از دیگران زوائد نوشته است. او با معیار قرار دادن کتب سته، زوائدهای کتابهای متعدد را جستجو کرد و آثار زیر را آفرید:

۱- البدر المنير في زوائد المعجم الكبير؛

۲- بغية الباحث عن زوائد مسند الحارث؛

۳- غاية المقصد في زوائد المسند؛

۴- كشف الأستار عن زوائد البزاز؛

۵- مجمع البحرين في زوائد المعجمين الأوسط و الصغير؛

۶- مجمع الزوائد و منبع الفوائد؛

۷- المقصد العلي في زوائد أبي يعلى الموصلي.

پس از هیثمی چند کتاب در این زمینه نگاشته شد که نام معروف‌ترین آنها به شرح زیر است:

- مصباح الزجاجة في زوائد ابن ماجه (زوائد ابن ماجه بر کتب خمس)، إتحاف الخيرة المهرة بزوائد المسانيد

العشرة على الكتب الخمسة، هر دو کتاب اثر شهاب‌الدین بوسیری است؛

- المطالب العالیة بزوائد المسانيد الثمانية، نیز اثر ابن حجر عسقلانی است.^{۵۰۶}

معرفی کتاب مجمع الزوائد و منبع الفوائد

مؤلف

نورالدین أبوالحسن علی بن أبی‌بکر الهیثمی القاهری، مؤلف این کتاب، در سال ۷۳۵ هجری چشم به جهان گشود. مذهب او شافعی بود و در گردآوری متون حدیثی و حفظ آنها به درجه «حافظ» رسیده بود. از مهم‌ترین ویژگیهای زندگی او ملازمت وی با دانشمند بزرگ آن دوران، زین‌الدین عراقی (م ۸۰۶)، است. او از همان سنین جوانی در سفر و حضر همراه استاد خویش بود و به همراه او بارها به حج مشرف شد و در سفرهای مصر، قاهره، حجاز، بیت المقدس، دمشق، بعلبک، حلب، طرابلس و ... او را همراهی کرد. ملازمت چندین ساله با استادی چون عراقی، از هیثمی استادی بزرگ ساخت، چنانچه یکی از عالمان اهل سنت می‌گوید:

چهار دانشمند با یکدیگر معاصرند: سراج‌الدین بن الملن، سراج‌الدین البلقینی، زین‌الدین

عراقی و نورالدین هیثمی که فقیه‌ترین ایشان بلقینی؛ محدث‌ترین ایشان عراقی؛

مصنف‌ترین ایشان ابن‌الملن و حافظ‌ترین ایشان هیثمی است.^{۵۰۷}

زین‌الدین عراقی، هیثمی را در بسیاری از تألیفاتش راهنمایی کرده و در حقیقت استاد راهنمای هیثمی بوده

است؛ چنانچه برخی گفته‌اند: «وأعانه الزین العراقي بکته ثم بالمرور علیها و تحریرها و عمل خطبها و نحو ذلك».^{۵۰۸}

۵۰۶. الرسالة المستطرفة، ص ۱۷۲ - ۱۷۱.

۵۰۷. این کلام حافظ یوسف بن شاهین است. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱، ص ۳۷، مقدمه محقق معاصر عبدالله محمد الدرویش.

۵۰۸. همان، ص ۳۶.

ابن حجر عسقلانی، برجسته‌ترین شاگرد هیثمی در علم حدیث است. ابن حجر در یک سفر حج که همراه هیثمی بود، کتاب مجمع الزوائد را بر او قرائت کرد. او مطالب زیبایی را در مورد استادش در کتاب معجم الشیوخ ذکر کرده است.

کتاب

نام کتاب مجمع الزوائد و منبع الفوائد است. نام‌گذاری این کتاب به پیشنهاد عراقی انجام شده است. هیثمی در این کتاب احادیث زائد بر کتب سته (کتابهای شش‌گانه صحیح بخاری و مسلم، سنن‌های ترمذی، نسایی، ابن ماجه و ابی داود) را از سه مسند و سه معجم زیر گرد آورده است: مسانید: مسند احمد بن حنبل، مسند ابوبکر البزار و مسند ابی یعلی موصلی. معاجم: المعجم الکبیر، المعجم الأوسط و المعجم الصغیر (هر سه از طبرانی).

سبک مجمع الزوائد و منبع الفوائد

مجمع الزوائد از ۴۴ کتاب به معنای فصل تشکیل شده است. هر کتاب نیز دارای ابواب متعدد است. این کتابها به صورت سلسله‌ای و به طور تقریبی با یکدیگر مرتبط است. چینش کتابها شبیه کتب فقهی است. این کتابها، با کتاب الایمان آغاز می‌شود و با کتاب الجنه به پایان می‌رسد که این خود اشاره‌ای است لطیف به این مطلب که «إِنَّ الْإِيمَانَ يورث دخول الجنة».

از مهم‌ترین ویژگیهای این کتاب به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- هیثمی به پیشنهاد استادش (عراقی) اسناد تمام روایات را حذف و تنها نام راوی آخر را بیان کرده است.
 - ۲- در هر کتاب سعی شده است تمام معلومات مرتبط با موضوع کتاب گردآوری شود.
 - ۳- اگر حدیثی به چند موضوع مختلف مربوط بوده، حتی اگر طولانی هم باشد، آن را در تمام موضوعات ذکر کرده است. البته گاهی نیز از این شیوه عدول و تنها به ارجاع به آن بسنده کرده است.
 - ۴- او ذیل هر حدیث کتابهایی را که آن حدیث در آنها آمده است، نام برده است. (البته در همان گستره مسانید و معاجم).
 - ۵- اگر در سند حدیثی فردی مذموم وجود داشته باشد و یا مشکلی در حدیث باشد، هیثمی در ذیل حدیث با کلامی مختصر به آن اشاره می‌کند.
- دو نمونه: از جلد اول، کتاب العلم (دومین کتاب مجموعه)، باب ۳۹، باب کتابة العلم. این باب سیزده حدیث دارد.

حدیث ۶۷۳: وعن أبي هريرة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا تكتبوا عني إلّا

القرآن فمن كتب عني غير القرآن فليمحُ وحدثوا عن بني إسرائيل ولا حرج».

- رواه البزار، وفيه: عبدالرحمن بن زيد بن أسلم وهو ضعيف.^{۵۰۹}

۵۰۹. مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱، ص ۳۷۹، ح ۶۷۳.

٦٧٧: وعن رافع بن خديج قال: خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: «تَحَدَّثُوا وَلِيَتَّبِعُوا مَنْ كَذَبَ عَلَيَّ مَقْعَدَهُ مِنَ جَهَنَّمَ»، قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّا نَسْمَعُ مِنْكَ أَشْيَاءَ فَنَكْتُبُهَا؟ قَالَ: «اَكْتُبُوا وَلَا حَرَجَ».

– رواه الطبراني في الكبير، وفيه أبو مدرک، روى عن دفاعة بن رافع ولم أر من ذكره.^{٥١٠}

هـ) تخریج نویسی

حدیث، مادر بسیاری از علوم اسلامی است. از این رو، دانشمندان مسلمان در علوم گوناگون، از آیات قرآن و احادیث برای استدلال یا استناد و شاهد مثال بهره می‌جویند. با نگاهی گذرا به کتابهای فقهی، تفسیری، اخلاقی، عقایدی و ... به نقش حدیث در هر یک از این متون پی می‌بریم. ناگفته نماند که در گذشته، بیشتر نویسندگانی که در متون خویش از احادیث بهره می‌جستند، منابع و مصادر حدیث خویش را بیان نمی‌کردند؛ به عبارت دیگر، شیوه پاورقی‌نویسی و دادن نشانی، در میان نویسندگان پیشین وجود نداشت. این امر سبب می‌شد که خواننده از درستی و نادرستی حدیث بی‌خبر باشد. این‌گونه امور سبب پیدایش سبک تخریج‌نویسی در قرن هشتم شد.

تعریف

تخریج به کتابی گفته می‌شود که منابع و مصادر احادیث کتاب دیگری را گردآورده باشد.^{٥١١} کتابهای تخریج به طور معمول برای مصدربی احادیث کتابهای تفسیر، عقاید، اخلاق، اصول، فقه، شرح الحدیث و لغت به کار می‌رود؛ مانند کتاب *تخریج احادیث تفسیر الکشاف*، اثر جمال‌الدین ابی‌محمد عبدالله بن یوسف (م ۷۶۲ هـ).

نکته‌ها

- ۱- عناوین «خَرَجَ» و «أَخْرَجَ» که پیش از اسامی محققین کتابهای حدیثی می‌آید، بیانگر آن است که تخریج احادیث کتاب توسط چه کسی انجام شده است.
- ۲- تخریج احادیث، در گذشته در کتابهایی مستقل انجام می‌شد، اما امروزه تخریج احادیث در پاورقی کتابها انجام می‌شود.
- ۳- منبع‌شناسی و آشنایی با رتبه هر کتاب در تنظیم تخریجات ضروری است.
- ۴- تخریج‌نویسان پیشین، زحمات بسیاری را برای انجام تخریج متحمل می‌شدند. آنان گذشته از اینکه از کتابهای اطراف الحدیث استفاده می‌کردند، خود نیز به خوبی با کتابهای حدیثی آشنا بودند و به طور معمول از حافظان حدیث به شمار می‌رفتند.

٥١٠. همان، ص ٣٨٠، ح ٦٧٧.

٥١١. الرسالة المستطرفة، ص ١٨٥.

۵- در دوره معاصر به یاری رایانه تخریج‌نگاری امر آسانی شده است، اما توانایی تخریج‌نگاران امروزی در دو عنصر نهفته است: نخست پیدا کردن مصادر بیشتر و سپس چینش صحیح مصادر به ترتیب رتبه‌های علمی هر کتاب.

۶- بعضی از کتابهای تخریج، احادیثی را که در بین مردم مشهور است، گردآوری و نشانی آنها را معلوم کرده‌اند؛ مانند کشف الخفایا و مزیل الالباس اثر حافظ اسماعیل بن محمد عجلونی (م ۱۱۶۲).^{۵۱۲}

نمونه‌ها

- ۱- تخریج أحادیث تفسیر الکشاف، از حافظ جمال‌الدین ابی‌محمد عبدالله بن یوسف (م ۷۶۲).
- ۲- الکافی الشاف فی تخریج أحادیث الکشاف، از حافظ ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲).
- ۳- مناهل الصفا فی تخریج أحادیث الشفا،^{۵۱۳} از حافظ سیوطی (م ۹۱۱).
- ۴- المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار،^{۵۱۴} از حافظ عبدالرحیم بن حسین عراقی (م ۸۰۶).^{۵۱۵}

معرفی کتاب المغنی عن حمل الأسفار

مؤلف

حافظ زین‌الدین عبدالرحیم بن حسین عراقی (م ۸۰۶)، مؤلف این کتاب، در سال ۷۲۵ در مصر به دنیا آمد. او از همان سنین کودکی به علم‌آموزی روی آورد. حافظه قوی او بسیار مشهور بود به گونه‌ای که گفته‌اند که عراقی در هر روز چهارصد خط از احادیث و متون را حفظ می‌کرد. او از اساتید بزرگ زمان خود بهره برد و سپس برای تحصیلات راهی بیت المقدس، مکه و شام شد. او در مکانهایی معتبر همچون جامع ابن طولون ظاهریه و مدینه به تدریس اشتغال داشت. وی در سال ۷۸۷، هم‌زمان با پذیرش مقام امامت مسجد النبی، پست قضاوت این شهر را نیز عهده‌دار شد. او پس از سه سال به قاهره بازگشت و به فعالیت‌های علمی خویش ادامه داد. مجالس املای حدیث او از سال ۷۹۵ آغاز شد. در این دوران او چهارصد مجلس املای حدیث برپا کرد.

سرانجام وی پس از عمری تلاش در سال ۸۰۶ در قاهره درگذشت.^{۵۱۶} سیوطی، دانشمند پرتلاش قرن هشتم و نهم، کلامی درباره او بیان کرده است که نشان‌دهنده شخصیت ویژه عراقی است؛ او می‌گوید:

۵۱۲. برای اطلاع از این گونه کتابها، ر.ک: الحدیث و المحدثون، ص ۴۵۱ - ۴۵۰.

۵۱۳. کتاب الشفاء، اثر قاضی عیاض است.

۵۱۴. این کتاب تخریج احادیث/حیاء علوم الدین غزالی است.

۵۱۵. همان، ص ۴۵۰ - ۴۴۸.

۵۱۶. المغنی عن حمل الأسفار، مقدمه. ر.ک: البدر الطالع، ج ۱، ص ۳۵۶ - ۳۵۴؛ انباء الغمر بانباء العمر (ابن حجر)، ج ۵، ص ۱۷۱ - ۱۷۰؛ غایة النهایه فی طبقات القراء، ج ۱، ص ۳۸۲.

إن المحدثين عيال الآن في الرجال وغيرها من فنون الحديث على أربعة: المزي والذهبي والعراقي وابن حجر.^{٥١٧}

محدثان عصر حاضر در علم رجال و دیگر علوم حدیث، فرزندان و خوشه‌چینان چهار تن هستند: مزی، ذهبی، عراقی و ابن حجر.

گفتنی است که این چهار تن تألیفات بسیار زیادی را در قرن هشتم و نهم از خود به یادگار گذاشته‌اند.

کتاب

نام کتاب: نام کامل کتاب، خود بیانگر سبک و محتوای کتاب است: المغني عن حمل الأسفار في الأسفار في تخریج ما في الاحياء من الأخبار.

عراقی سه تخریج بر کتاب *إحياء العلوم غزالی* نگاشته است: *التخریج الكبير، التخریج الوسيط و التخریج الصغير*. او کتاب *التخریج الكبير* را در سال ۷۵۱ نگاشته است. این کتاب به دست ما نرسیده است. *التخریج الوسيط* نیز ناتمام ماند، ولی کتاب *التخریج الصغير* او همین کتاب *المغني عن حمل الأسفار* است. این اثر در عصر خود عراقی بسیار مشهور و در شهرهای اسلامی منتشر شد. این انتشار سبب پایداری و ماندگاری آن شد. زبیدی در شرح *إحياء* می‌گوید:

من دو کتاب *التخریج الكبير و التخریج الصغير* عراقی را دیده و مقایسه کرده‌ام. تنها فرق این دو کتاب این است که توضیحات کتاب اول بسیار مفصل‌تر از کتاب دوم است و مبنای وی در *التخریج الصغير* اختصار و گزیده‌گویی است.^{٥١٨} کتاب حاضر در دو جلد به چاپ رسیده است.

سبک کتاب

نویسنده روایت هر بخش را مطابق با بخشهای کتاب *إحياء العلوم غزالی* آورده است. او در بیان روایات تنها به ذکر طرف الحدیث اکتفا کرده و از آوردن صورت کامل احادیث خودداری کرده است.^{٥١٩}

عراقی پس از بیان هر حدیث، روایت را ارزیابی می‌کند و صحیح یا حسن یا جعلی بودن آن را بیان می‌کند. او احادیث تکراری را فقط یک بار نقل کرده است.

یک نمونه

روایتی از کتاب *آداب تلاوة القرآن*، باب دوم: في ظاهر آداب التلاوة، حدیث ۸۸۴:

٥١٧. علی محمد عمر، طبقات الحفاظ، ص ٥٤٧.

٥١٨. إتحاف السادة المتقين، ج ١، ص ٣١٢؛ ر.ک: همان، ج ١، ص ١٢٣.

٥١٩. برای اطلاع کامل از سبک عراقی به کتاب *المغني عن حمل الأسفار*، تحقیق ابومحمد اشرف بن عبدالمقصود، ج ١، مقدمه، صفحه «س»، بخش منهج العراقي، مراجعه کنید.

- حدیث: «خیر الرِّزْقُ ما یُکفی، وَخَیْرُ الذِّکْرِ الخَفِی».^{۵۲۰}

- أحمد و ابن حبان: من حدیث سعد بن أبی وقاص.

کلام عراقی بیانگر آن است که روایت در مسند/احمد و صحیح/ابن حبان آمده است و راوی آن سعد بن ابی وقاص است.

توجه: خوشبختانه در سه دهه اخیر بسیاری از کتابهای معتبر حدیثی شیعه نیز مصدربابی و به بازار عرضه شده است. بیشتر این تخریجها در پانوشتهای کتابها انجام شده است و بعضی از کتابها نیز به صورت مستقل چاپ شده‌اند؛ به عنوان نمونه تخریج احادیث کتاب سلیم بن قیس هلالی توسط محقق معاصر جناب آقای انصاری خوئینی در یک جلد مستقل به چاپ رسیده است.

گفتنی است کتابهای تخریج و تخریجهای کتابهای حدیثی، در فهم و ارزیابی احادیث فواید بسیاری دارند که در این نوشتار مجال بیان آنها نیست.

چکیده

✓ مؤلفان در کتابهای اطراف الحدیث سعی می‌کنند تنها بخش اصلی حدیث (معروف‌ترین بخش متن حدیث) را بیاورند. و آن‌گاه به مصادر و اسناد گوناگون آن روایت را در گستره‌هایی اختیاری بیان می‌کنند.

✓ در میان اطراف‌نگاران، ابن حجر عسقلانی گوی سبقت را از دیگران ربوده است. او در دامنه‌های مختلف کتابهای اطراف نگاشته است.

✓ اطراف‌نگاران متقدم در ترتیب و چینش اسلوب اصلی از مسندنگاران پیروی کرده‌اند؛ به این صورت که ایشان مسانید صحابه را به ترتیب حروف الفبا می‌آورند و سپس اطراف احادیث هر یک از صحابه را بیان می‌کنند.

✓ بزرگ‌ترین ایرادی که بر کتابهای اطراف متقدمان وارد است، این است که جستجوکننده حدیث بایستی حداقل نام صحابی (راوی اول) حدیث را بداند تا بتواند به احادیث مورد نظرش دست یابد.

✓ دانشمندان علوم حدیث در عصر حاضر به این نتیجه رسیدند که بایستی فرهنگی برای حدیث‌یابی تنظیم شود که جویندگان حدیث، در هر سطحی، به آسانی بتوانند با استفاده از آنها به مصادر حدیثی دست یابند. به همین خاطر شیوه جدیدی را در اطراف‌نگاری ابداع کردند. در این شیوه فقط کلمات آغازین هر حدیث به صورت حروف الفبایی لیست می‌شود.

✓ محمد سعید بسیونی توانست کتابی را در یازده جلد با عنوان موسوعة أطراف الحديث النبوي الشريف تدوین کند. او در این کتاب اطراف الحدیث ۱۵۰ کتاب حدیث را آورده است.

- ✓ در مجامع علمی شیعه نیز اطراف‌نگاریهای گوناگونی انجام شده است. پیش‌تاز این شیوه، دانشمند محترم جناب آقای مصطفی برازش است.
- ✓ مراجعه به اطراف‌الحديث و یافتن منابع، مهم‌ترین مرحله از فن تخریج‌نویسی یا مصدریابی است.
- ✓ نکته مهم پیرامون کتب زوائد این است که گرچه در این کتب احادیث صحیح نیز وارد شده است، اما این کتب از نظر کیفیت اعتبار در شمار منابع درجه دوم به شمار می‌رود.
- ✓ نویسندگان بسیاری به این شیوه کتاب نگاشته‌اند که بیشتر ایشان در قرن نهم زندگی می‌کردند.
- ✓ به کتابی که منابع و مصادر احادیث کتاب دیگری را گردآوری کرده باشد، تخریج گفته می‌شود.

جلسه چهاردهم

کتابهای فراگیر، ترتیب کتب، احادیث قدسی و احادیث مسلسل

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ سبک جوامع فراگیر؛
- ✓ شیوه‌های مرتب سازی کتابهای پیشینیان؛
- ✓ کتابهای احادیث قدسی و احادیث مسلسل.

و) کتابهای فراگیر

نویسندگان تا قرن هفتم با ابداع شیوه‌هایی گوناگون، احادیث نبوی و آثار صحابه را ساماندهی کردند به طوری که دانشمندان دوره‌های بعد بیشتر خوشه‌چین تلاشهای پیشینیان بودند و سعی می‌کردند تا در امتداد همان شیوه‌ها پژوهش کنند.

در این دوران برخی به این فکر افتادند که مجموعه‌ای از آثار مهم پیشینیان را با محوریت همان ابواب در مجموعه‌ای جدید گرد آورند. هدف این نویسندگان این بود که خوانندگان با مطالعه یک کتاب، از کتابهای گذشتگان آگاه و از مراجعه به چند کتاب بی‌نیاز شوند.

این هدف سبب شد تا شیوه‌ای به نام جوامع فراگیر یا جمع الجوامع ظهور کند.

تعریف: کتابهایی را که به گردآوری جوامع مهم حدیثی پیشینیان اقدام کنند، جوامع فراگیر یا جمع الجوامع گویند. أبوالحسن رزین (م ۵۳۵)، ابن اثیر (م ۶۰۶) و ابن کثیر (م ۷۷۴) از پیشتازان این سبک نگارشی هستند و سیوطی (م ۹۱۱) از کسانی است که این سبک را در گونه‌های مختلف به کار بسته است.

این شیوه در قرن پنجم و ششم در گستره‌ای محدودتر آغاز شد،^{۵۲۱} اما در قرن هفتم تا دهم به تکامل چشم‌گیری رسید. نخستین فردی که کتابهای سنن أبی‌داود، ترمذی، نسایی و صحیح بخاری و مسلم و موطأ را در یک مجموعه گرد آورد، أبوالحسن رزین بن معاویه اندلسی بود. او کتاب خویش را *التجديد للصالح السنن* نامید.^{۵۲۲}

۵۲۱. صاغانی، کتاب *مشارق الأنوار النبویة من صحاح الأخبار المصطفویة*، أبو عبدالله محمد بن نصر الأزدی الحمیدی (م ۴۸۸)، أبو عبدالله محمد بن حسین بن احمد الأنصاری (م ۵۸۲) و أبو محمد عبدالحق بن عبد الرحمن الأزدی الاشیبلی (م ۵۸۲) از نخستین کسانی بودند که به جمع‌نویسی روی آوردند. این چهار نفر احادیث دو کتاب صحیح بخاری و مسلم را جمع‌آوری کردند.

۵۲۲. *الرسالة المستطرفة*، ص ۱۷۴.

پس از رزین دانشمندان بسیاری به این شیوه روی آوردند. هر نویسنده‌ای ابتدا گستره کار خویش را معین و سپس کتاب جامعی را تدوین می‌کرد. ارکان تمامی جوامع فراگیر «صحیحین» بود، البته کتب سته نیز در بسیاری از جوامع دیده می‌شد.

مشهورترین جامع

کتاب جامع *الأصول من أحادیث الرسول*، اثر أبوالسعادات مجدالدین المبارک بن أبی‌الکرم محمد بن عبدالواحد شیبانی، معروف به «ابن‌اثیر»، از معروف‌ترین کتابهایی است که به این سبک نگاشته شده است.^{۵۲۳} جامع *الأصول* از همان سالهای اول نگارش مورد استقبال عالمان و دانشمندان اهل سنت قرار گرفت. از این رو، بعضی از نویسندگان این اثر را تلخیص کردند و یا نگاشته‌هایی را بر محور آن پدید آوردند.^{۵۲۴}

حافظ ابن‌اثیر در کتاب خویش به پیروی از رزین بن معاویه، *أصول سته*، یعنی صحیحین، سنن أبی‌داود، سنن ترمذی، سنن نسایی و موطأ مالک را گرد آورده است. او احادیث کتاب *سنن ابن‌ماجه* را به خاطر ضعیف بودن بخشی از آنها نیاورده است. در چاپهای اخیر، بعضی از معاصران احادیث *سنن ابن‌ماجه* را نیز به جامع *الأصول* افزوده‌اند.

شیوه ابن‌اثیر: او سند تمام روایات را حذف کرد. و کتاب را به صورت موضوعی و بر اساس محتوای احادیث تنظیم کرده است. موضوعات کتاب بر اساس حروف الفبا مرتب شده است؛ برای مثال در ذیل حرف «تاء» این بابها دیده می‌شود: کتاب التفسیر، کتاب تلاوة القرآن، کتاب ترتیب القرآن، کتاب التوبه، کتاب التعبير، کتاب تمنی الموت.

مؤلف احادیث هر عنوان را همراه با فروعاتش از کتب شش‌گانه بیان کرده است. او به اختلاف روایات، مشکلات احادیث، بررسی رجالی و شرح غرایب احادیث نیز پرداخته است. عمق دانش ابن‌اثیر در بخش «شرح الغریب» به طور کامل آشکار شده است.

جامع *الأصول* بارها به چاپ رسیده و در سالهای اخیر در چهارده مجلد منتشر شده است.

معرفی چند کتاب جامع

۱- *التجريد للصالح و السنن*، أبوالحسن رزین (م ۵۳۵) دربردارنده صحیحین، موطأ، سنن أبی‌داود، ترمذی و نسایی.

۲- جامع *الأصول فی أحادیث الرسول*، از ابن‌اثیر (م ۶۰۶) دربردارنده صحیحین، موطأ، سنن أبی‌داود، ترمذی و نسایی.

^{۵۲۳} از مشهورترین آثار ابن‌اثیر، کتاب *النهاية فی غریب الحديث و الآثار* است. با توجه به دانش غریب‌شناسی او، در کتاب جامع *الأصول* نیز بسیاری از غرایب احادیث را شرح داده است.

^{۵۲۴} ر. ک: *الرسالة المستطرفة*، ص ۱۷۵ - ۱۷۳.

- ۳- أنوار المصباح في الجمع بين الكتب الصحاح، محمد بن عتيق (م ٦٤٦) دربردارنده صحیحین، سنن اربعه و سنن دارمی.
- ۴- جامع المسانید و السنن الهادی لا قوم السنن، ابن کثیر دمشقی (م ۷۷۴) دربردارنده کتب سته، مسانید احمد، بزار و أبویعلی، معاجم سه گانه.
- ۵- جامع المسانید بالحصی الأسانید، أبوالفرج ابن جوزی (م ۵۹۷) دربردارنده صحیحین، سنن ترمذی و مسند احمد.
- ۶- جمع الجوامع (الجامع الكبير)، سیوطی (م ۹۱۱) گزینشی از ۲۸ کتاب حدیثی مهم.
- ۷- کنز العمال في سنن الأقوال و الأفعال، متقی هندی (م ۹۵۷ یا ۹۷۷): تبویب جوامع سه گانه سیوطی و در میان جامع نویسان متأخر، سیوطی پرکارترین ایشان است که در اینجا با تلاشهای او در این زمینه آشنا می شویم.

جوامع سه گانه سیوطی

- مؤلف: کتاب جلال الدین عبدالرحمن سیوطی است. او از دانشمندان بزرگ قرنهای نهم و دهم هجری است. تلاش علمی او در رشته های مختلف از همت بلند و علاقه وافرش به دانش حکایت می کند. او در طول شصت سال زندگانی پرنمرش (۹۱۱ - ۸۴۹) توانست کلاس درس بیش از ۱۵۰ استاد را درک و افزون بر پانصد عنوان کتاب تحریر کند.^{۵۲۵}
- سیوطی زندگی نامه خود را در کتاب حسن المحاضره نوشته است.^{۵۲۶} در بخشی از این کتاب آمده است:
- ۱- تا هشت سالگی در حالی که یتیم بوده قرآن را حفظ کرده و پس از حفظ قرآن چندین اثر مهم در فقه و اصول و ادبیات را نیز حفظ کرده است.
 - ۲- شروع نویسندگی سیوطی در هفده سالگی (سال ۸۶۶) بوده است.
 - ۳- او سفرهای زیادی را به شهرهای شام، حجاز، یمن، هند، مغرب و ... برای کسب دانش انجام داده است.
 - ۴- اساتید وی، او را در ۲۷ سالگی شایسته تدریس و افتاء دیده و این افتخار را به وی ارزانی کرده اند.^{۵۲۷}
 - ۵- او به هنگام حج و شرب آب مبارک زمزم، از خدا خواست تا در فقه و حدیث به مقام شامخ دو تن از اساتید این فن دست یابد.^{۵۲۸}
 - ۶- سیوطی معتقد است که پس از عمری تلاش در هفت علم تفسیر، حدیث، فقه، نحو، معانی، بیان و بدیع متبحر شده است.

۵۲۵. سیوطی در زندگی نامه خودنوشت خود، در حسن المحاضره، آورده است: «بلغت مؤلفاتي ثلاثمائة كتاب سوى ما غسسته ورجعت عنه». البته تراجم نویسان تعداد آثار او را تا پایان عمرش بیش از این می دانند.

۵۲۶. لما حججت شربت من ماء زمزم لامور: منها أن أصل في الفقه إلى رتب الشيخ سراج الدين البلقيني، وفي الحديث إلى رتبة الحافظ ابن حجر. سیوطی در فقه آن قدر تحت تأثیر بلقینی بود، که از نوجوانی تا هنگام مرگ بلقینی، او را رها نکرد و در همه جا ملازمش بود.

۵۲۷. حسن المحاضره، ج ۱، ص ۳۳۹ - ۳۳۵.

۵۲۸. به نظر می رسد مرادش تدریس در فقه است؛ چرا که او پیش تر در هفده سالگی (سال ۸۶۶) تدریس ادبیات عرب را آغاز کرده بود.

- تنوع، تعدد و دقت از مهم‌ترین ویژگی‌های آثار به جا مانده از سیوطی است. بخشی از آثار حدیثی سیوطی عبارت‌اند از:
- ۱- جمع الجوامع یا الجامع الكبير؛
 - ۲- الجامع الصغير؛
 - ۳- زوائد الجامع الصغير؛
 - ۴- الدر المنثور؛
 - ۵- تدريب الرواي في تقريب النووي؛
 - ۶- طبقات الحفاظ؛
 - ۷- اللآلي المصنوعة في الأحاديث الموضوعة؛
 - ۸- الديباج على صحيح مسلم بن الحجاج؛
 - ۹- القول الحسن في الذب عن السنن.

سیوطی و جمع‌نویسی

سیوطی سه اثر در جمع‌نویسی تدوین کرده است که عبارت‌اند از: *الجامع الكبير* (جمع الجوامع)، *الجامع الصغير* و *زوائد الجامع الصغير* (زیادة الجامع).

الجامع الكبير (جمع الجوامع)

او نخست این کتاب را تألیف کرد. انگیزه وی گردآوری تمام احادیث نبوی بود، چنانچه خود در دیباجه کتاب می‌نویسد: «قصدت فيه إلى استيفاء الأحاديث النبوية، وأرصدته مفتاحاً لأبواب المسانيد العلية.» مؤلف کتاب خویش را در دو بخش بزرگ تنظیم کرده است:

القسم الأول: قسم الأقوال

بخش نخست این کتاب به سخنان نبوی اختصاص دارد. در این قسمت احادیث بر اساس حروف آغازین هر حدیث به ترتیب حروف ابجد تنظیم شده است. بنابراین، خواننده باید کلمه نخست حدیث نبوی را بداند تا آن حدیث را به صورت کامل در این کتاب بیابد. مؤلف اطلاعاتی اندک پیرامون هر حدیث ارائه کرده است. مجموع احادیث این بخش نزدیک به ۲۹ هزار حدیث است.

القسم الثاني: قسم الأفعال

در بخش دوم مجموعه‌ای از گزارشها پیرامون رفتار و کردار نبوی است. گزارشگران این روایات، جمعی از صحابه پیامبر هستند. بنابراین، مؤلف این بخش را به ترتیب مسانید تنظیم کرده است. مراجعه‌کننده به بخش دوم کتاب بایستی از نام صحابی گزارش‌کننده آگاه باشد تا بتواند به حدیث مورد نظر دست یابد. در این بخش ۱۶۵۰۰ حدیث به چشم می‌خورد. در مجموع کتاب *الجامع الکبیر* دربردارنده ۴۵ هزار حدیث نبوی است.^{۵۲۹}

مؤلف در دیباچه کتاب حدود سی کتاب را نام برده و بر این باور است که کل احادیث آنها را برای این اثر بزرگ استخراج کرده است.

الجامع الصغير من حديث البشير النذير

سیوطی پس از تألیف کتاب *جامع کبیر*، تصمیم می‌گیرد تا احادیث کوتاه و زیبای نبوی را از آن استخراج نموده و به صورت مستقل تدوین کند. او در این پژوهش جدید سعی می‌کرد تا احادیث موضوعه و ضعیف را روایت نکند.^{۵۳۰}

احادیث *الجامع الصغير* برگرفته از ۲۸ کتاب مهم حدیثی است. این کتاب حاوی ۱۰۹۳۴ حدیث است که بر طبق حروف اول حدیث تنظیم شده‌اند. در دوران معاصر مرحوم ابوالقاسم پاینده بخشی از احادیث این کتاب را گزینش و با نام *نهج الفصاحه* منتشر کرده است. کتاب *نهج الفصاحه* نزد ایرانیان بسیار مشهورتر از کتاب اصلی (*الجامع الصغير*) است.

زوائد الجامع الصغير

این کتاب با همان انگیزه، ترتیب و شیوه *جامع الصغير* شکل گرفته است. سیوطی این اثر را زیاده *الجامع* نامید، اما از این کتاب به *الفتح الکبیر فی ضم الزیادة إلی الجامع الصغير* نیز یاد می‌شود.

چند نکته

- ۱- *الجامع الصغير* و *زوائد آن*، گلچینی از «قسم الأقوال» کتاب *الجامع الکبیر* است.
- ۲- در *الجامع الصغير* احادیثی دیده می‌شود که در *الجامع الکبیر* نیامده است. بنابراین، دو کتاب مکمل یکدیگرند.

^{۵۲۹}. این تعداد، شمارگان احادیث غیر تکراری است. اما با احتساب احادیث تکراری، حدود پنجاه هزار حدیث خواهد شد.
^{۵۳۰}. با توجه به اینکه در کتاب *جوامع الجامع* او سعی داشت تا تمامی احادیث نبوی را گرد آورد، بدیهی است که بخشی از احادیث ضعیف و یا موضوعه در آن راه یابد. بنابراین، در اثر جدیدش از آنها چشم‌پوشی کرده است.

- ۳- سیوطی در تألیف این آثار از بیش از هفتاد منبع استفاده کرده است. و تنها نام سی کتاب مهم را در دیباچه آورده است.
- ۴- بنای مؤلف در این کتابها، حذف اسانید است. هرچند او اسناد بعضی از روایات را در «قسم الأفعال» یاد کرده است.
- ۵- سیوطی معتقد است که احادیث الجامع الصغیر از هر جهت پیراسته است و روایات جعل کنندگان و دروغ پردازان در آن ذکر نشده است.
- ۶- کتاب الجامع الکبیر بزرگترین موسوعه حدیث نبوی است.
- ۷- کتابهای جوامع سیوطی فاقد موضوع بندی است و خواننده باید اطراف الحدیث روایت دلخواه را بداند تا بتواند از آن استفاده کند.
- ۸- در تمام سه اثر یادشده، مؤلف علائم اختصاری ویژه‌ای را برای کتابهای منبع قرار داده است.
- ۹- احمد محمد شاکر، محقق شهیر معاصر، می‌گوید: «کتابهای جوامع سیوطی در حکم فهرستهایی بر کتابهای حدیث اهل سنت است؛ چرا که خواننده با توجه به علائم اختصاری در پایان هر روایت می‌تواند منبع اصلی حدیث را بیابد.»
- ۱۰- تقطیع سیوطی گاهی سبب وارد شدن صدمات بر احادیث نبوی شده است. به همین جهت الفاظ بخشی از احادیث ذکرشده در جوامع سیوطی اکنون در دیگر کتب اصلی حدیث یافت نمی‌شود.

تلاشهای پیرامونی

این آثار چنان برای علاقه‌مندان حدیث جذاب بود که دانشمندان تا مدت‌ها تلاشهایی را پیرامون این آثار به انجام رساندند. در این میان، کتاب الجامع الصغیر بیشتر مورد استقبال حدیث‌پژوهان قرار گرفته و تا کنون بارها به چاپ رسیده است.

الف) کنز العمال

جوامع یادشده چند سال پس از وفات سیوطی نظر عالمان را به خود جلب کرد. نخستین تلاش بزرگ توسط متقی هندی (م ۹۷۵ یا ۹۷۷) انجام شد.

مؤلف

أبو الحسن علاءالدین علی متقی بن حسام‌الدین، معروف به ابن‌هندی و متقی در سال ۸۸۸ (یا ۸۸۵) متولد شد و به سال ۹۷۵ (یا ۹۷۷) درگذشت. متقی هندی از همان سنین کودکی به تشویق پدر به علم‌آموزی روی

آورد. او برای تحصیل به شهرهای هند و سپس مکه مسافرت کرد و تفسیر، حدیث، فقه و اخلاق را از استادان گران قدر آن زمان آموخت. او کتابهای بسیاری تألیف کرده است که بیشتر آنها در موضوعات اخلاقی است. شهرت او مرهون تلاش سترگش در کتاب *کنز العمال* است.

ابن هندی بیشتر از آنکه محدث باشد، مردی خداترس و ربانی بود. بزرگانی که او را ستوده‌اند، همگی در تقوا و پرهیزگاری‌اش هم‌داستان‌اند. او سالهایی طولانی در مجاورت کعبه زیست و سرانجام در مکه به دیار باقی شتافت.^{۵۳۱}

چگونگی نگارش

مهم‌ترین ویژگی تلاش متقی هندی باب‌بندی و موضوعی نمودن احادیث کتابهای جوامع سیوطی است. او این کار را در چهار مرحله انجام داد:

در مرحله نخست وی احادیث دو کتاب *الجامع الصغير* و *زوائد الجامع الصغير* را بر اساس ابواب فقهی تنظیم کرد و کتابی با عنوان *منهج العمال في سنن الأَقوال* خلق کرد. در مرحله دوم او بقیه بخش اقوال کتاب *الجامع الكبير* را هم باب‌بندی کرد و آن را *الإكمال لمنهج العمال* نامید.

در مرحله سوم دو اثر پیشین را، با یکدیگر ادغام کرد و از آنجا که احادیث *جامع الصغير* و *زوائد آن* از صحت و اختصار برخوردار بودند، بنابراین، جوامع *الصغير* و *زوائد آن* را بر احادیث *الجامع الكبير* مقدم کرد. مؤلف این اثر خویش را *غایة العمال في سنن الأَقوال* نامید.

او در مرحله چهارم تمام پژوهشهای پیشین خود را بر «قسم الأَقوال» متمرکز کرد. در این مرحله او در رویکردی جدید احادیث «قسم الأفعال» کتاب *الجامع الكبير* را نیز باب‌بندی کرد. و برای تحریر کتاب جدیدش ابتدا احادیث *منهج العمال* و بعد احادیث کتاب *الإكمال* و به دنبال آن احادیث بخش افعال را آورد. او این اثر خویش را *کنز العمال في سنن الأَقوال و الأفعال* نامید. بنابراین، دارنده *کنز العمال*، در حقیقت یک دوره باب‌بندی‌شده از جوامع سیوطی را در اختیار دارد. ناگفته نماند که متقی هندی احادیث بسیاری را نیز از نسخ نایاب به احادیث سیوطی افزوده است.^{۵۳۲}

کتاب *کنز العمال* در شانزده جلد و دارای ۷۲ کتاب و ۶۶۲۲۴ حدیث است و در شمار بزرگ‌ترین جوامع فراگیر اهل سنت است.

۵۳۱. شیخ عبدالحق دهلوی در مقصد اول کتاب *زاد المتقین في سلوك طريق اليقين*، شیخ عبدالوهاب متقی در *تحاف المتقي في فضل الشيخ علي المتقي* و علامه عبدالقادر بن احمد فاکهی می‌کند که کتاب *القول النقي في مناقب المتقي* زندگی او را نگاشته‌اند.
۵۳۲. برگرفته از توضیحات مؤلف در مقدمه کتاب *کنز العمال*. ر.ک: ج ۱، ص ۳۲.

سَبَكِ شِنَاسَتِ كَنْزِ الْعَمَالِ

کنز العمال در شمار جوامع فراگیر اهل سنت است. این کتاب از دو بخش اصلی اقوال و افعال تشکیل شده است که در هر بخش احادیث در موضوعات مرتبط تنظیم شده‌اند. عناوین موضوعات نیز به ترتیب حروف الفبا مرتب شده است. این تنظیم فقط شامل نخستین حرف عناوین موضوعات است. نخستین عنوان «کتاب الایمان» و آخرین عنوان «کتاب الیمین» است.

گفتنی است که هر عنوانی هم در بخش اقوال و هم در بخش افعال ذکر شده است. بنابراین، پژوهشگری که در موضوع ویژه‌ای پژوهش می‌کند، باید به هر دو بخش کتاب مراجعه کند؛ برای مثال در موضوع «حج» باید هم به کتاب الحج و العمره در «حرف الحاء از قسم الأقوال»^{۵۳۳} و هم به کتاب الحج، «حرف الحاء از قسم الأفعال»^{۵۳۴} را مشاهده نماید.

متقی هندی احادیث را بدون سند آورده و چون تمامی احادیث از پیامبر است، بنابراین در صدر روایات نام گوینده ذکر نشده است، اما در پایان روایت، منبع حدیث را به صورت اختصاری و نام راوی را مشخص کرده است.

مثال (۱): از کتاب الحج، بخش الأقوال:^{۵۳۵}

۱۲۰۷۴- إِنَّ اللَّهَ يَبَاهِي بِأَهْلِ عِرْفَاتٍ أَهْلَ السَّمَاءِ فَيَقُولُ لَهُمْ: انظروا إلى عبادي جاؤني شُعْتًا غُبْرًا. (حم ك هق عن أبي هريرة).^{۵۳۶}

۱۲۰۷۷- من أحياء ليلة الفطر، وليلة الأضحى لم يمت قلبه يوم تموت القلوب. (طب عن عبادة).^{۵۳۷}

مثال (۲): از کتاب الحج، بخش الأفعال.^{۵۳۸}

۱۲۰۶۴- عن علي قال: أكثر ما دعا به رسول الله صلى الله عليه وآله عشية عرفة في الموقف: اللهم لك الحمد كالذي تقول وخيراً مما نقول، اللهم لك صلاتي ونسكي ومحياي ومماتي وإليك مآبي ولك رب تراثي، اللهم إني أعود بك من عذاب القبر ووسوسة الصدر وشتاب الأمر ... (ت وقال: غريب من هذا الوجه وليس اسناده بالقوي وابن خزيمة والمحاملي في الدعاء هب).^{۵۳۹}

نکته: برای دستیابی به این احادیث در جوامع السیوطی (مثلاً الجامع الصغیر) باید بدانیم که حدیث مثال دو تنها در الجامع الکبیر یافت می‌شود؛ چرا که به بخش افعال مربوط است، ولی احادیث مثال یک در الجامع الصغیر یافت می‌شود؛ به عنوان نمونه برای دستیابی به حدیث نخست که با «إن» آغاز شده است، باید به باب «حرف الهمزة» در الجامع الصغیر مراجعه کنیم که در آنجا نظیر این حدیث آمده است:

۵۳۳. همان، ج ۵، ص ۳.

۵۳۴. همان، ص ۱۳۷.

۵۳۵. همان، ص ۶۵ و ۶۶.

۵۳۶. حم: مخفف: احمد بن حنبل در مسند؛ ك: مخفف: المستدرک حاكم؛ هق: مخفف: بیهقی در سنن.

۵۳۷. طب: مخفف: طبرانی در المعجم الکبیر.

۵۳۸. کنز العمال، ج ۵، ص ۱۸۹.

۵۳۹. ت: مخفف: ترمذی در السنن؛ هب: مخفف: بیهقی در شعب الایمان.

۱۸۴- إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُبَاهِي مَلَائِكَتَهُ عَشِيَّةَ عَرَفَةَ بِأَهْلِ غَرْفَةٍ، يَقُولُ: أَنْظُرُوا إِلَى عِبَادِي، أَتَوْنِي شُعْتًا غَبْرًا - (حم طب) عن ابن عمرو - (ح).

«حم» علامت اختصاری احمد بن حنبل در مسند و «طب» مَبْنِ طبرانی در معجم الکبیر است و «ح» نوع ارزیابی سیوطی از حدیث است که او این حدیث را صحیح دانسته است. گفتنی است که در میان جوامع سیوطی، معتبرترین اثر، الجامع الصغیر و کم اعتبارترین آنها الجامع الکبیر است و چون منبع کنز العمال مجموعه‌ای از سه اثر سیوطی و دیگر کتب حدیثی گمنام و در برخی موارد ضعیف اهل سنت است. بنابراین، همه احادیث این کتاب اعتبار یکسانی ندارد. همچنین بخشی از منابع کنز العمال در گذر زمان از بین رفته است.

ب) شروح الجامع الصغیر

بعضی از شارحان به شرح کتاب الجامع الصغیر سیوطی روی آورده‌اند. نام‌آورترین این شروح فیض القدير اثر علامه محمد عبدالرئوف مناوی است. او احادیث این کتاب را در چهار جلد شرح کرده است. او برای شرح کلمات نبوی به آیات قرآن، احادیث، مطالب نحوی و حکایات آموزنده روی آورده است. در لابه‌لای شرح مناوی، احادیثی یافت می‌شود که در هیچ منبع معروف دیگر نیامده است. مناوی در شرح خویش از کلمات امام محمد غزالی در احیاء العلوم تأثیر پذیرفته است.

السراج المنیر نام شرحی است که شیخ علی بن احمد عزیزی شافعی (م ۱۰۷۰ هـ) بر الجامع الصغیر نگاشته است. عزیزی، بر خلاف مناوی، تنها با توضیحی اندک سعی می‌کند تا مفاد حدیث را برای خواننده آشکار کند. او در تبیین بسیاری از احادیث، خوشه‌چین تلاش مناوی در فیض القدير است. بنابراین، در اکثر صفحات این کتاب، نام مناوی به چشم می‌خورد.

السراج المنیر در چهار جلد در قطع رحلی چاپ شده است. گفتنی است که پژوهشهای دیگری نیز پیرامون الجامع الصغیر و زوائد آن انجام شده است که به عنوان نمونه می‌توان به ترتیب احادیث صحیح الجامع الصغیر و زیاده^{۵۴۰} و صحیح الجامع الصحیح و زیاده^{۵۴۱} اشاره نمود.

ج) جامع الأحادیث

در دوران معاصر دو تن از عالمان کاوشی جدید را با انگیزه گردآوری جوامع سیوطی، آغاز کردند. آنها مجموعه احادیث الجامع الصغیر، زوائد الجامع الصغیر و الجامع الکبیر را در یک مجموعه گرد آوردند.

۵۴۰. این کتاب حاصل تلاش شیخ یوسف النبهانی است. او این کتاب را بر اساس ابواب فقهی تنظیم کرده است. انتشارات مکتبة المعارف در ریاض.

۵۴۱. این کتاب تألیف محمد ناصرالدین الالبانی است. انتشارات المکتب الاسلامی در بیروت.

عباس احمد صقر و احمد عبدالجواد در این پژوهش به طور دقیق به همان شیوه سیوطی در ترتیب الفبایی احادیث گام برداشته‌اند. آنان احادیث را به دو بخش الأقوال و الأفعال تقسیم کرده و در هر بخش به ترتیب حروف الفبا ابتدا احادیث کتاب الجامع الصغیر و زوائد آن و سپس احادیث الجامع الکبیر را تحت عنوان الإكمال آورده‌اند. احادیث تکراری هر بخش نیز حذف شده است.

این اثر به جامع الأحادیث سیوطی شهرت یافته و در ۲۱ جلد بارها به چاپ رسیده است.^{۵۴۲}

ز) مرتب‌سازی کتابهای پیشینیان

گفتیم که نخستین نگارشهای اهل سنت، فاقد نظم و ترتیب ویژه‌ای بود. بعدها نیز شیوه‌هایی بی‌نظیر مسندنویسی، معجم‌نگاری، اطراف‌نویسی و ... تا حدودی خواننده را در دستیابی به حدیث یاری می‌کرد، اما این تلاشها کافی نبود. از این رو، برخی از نویسندگان با هدف آسان‌یاب نمودن احادیث، تلاش جدیدی را آغاز کردند. آنان بعضی از کتابهای معروف و مورد مراجعه را انتخاب و با موضوع‌بندی و دسته‌بندی مناسب، آن را در اختیار خوانندگان قرار می‌دادند.

به عنوان نمونه، کتاب مشهور مسند ابن‌حنبل در تمام دورانها مرجع محدثان بوده است. از این رو، برخی از دانشمندان به مرتب ساختن این اثر رو آوردند. گفتنی است که ترتیبهای ارائه‌شده، هر کدام به شیوه‌ای انجام می‌شد، اما بهترین نوع ترتیب، موضوع‌بندی کتابهای فاقد موضوع بود، با این همه گاهی شیوه‌های دیگری نیز ارائه می‌شد.

برای مثال ترتیبهای زیادی برای مسند احمد بن حنبل نگاشته شد، که مهم‌ترین آنها به شرح زیر است:

۱- ترتیب مسند احمد، اثر حافظ أبوبکر بن المحب که اسامی گویندگان را بر اساس حروف الفبا مرتب کرده است.

۲- الکواکب الدراری فی ترتیب مسند الإمام أحمد علی أبواب البخاری، اثر علی بن حسین بن عروه، معروف به ابن‌زکون (م ۸۳۷)، که احادیث کتاب را بر اساس موضوع مرتب کرده است.

۳- ترتیب مسند احمد، اثر ناصرالدین بن دزیق، که احادیث را مطابق حروف الفبا مرتب کرده است.

۴- ترتیب مسند احمد، اثر محمد بن عبدالله المقدسی، که احادیث را مطابق حروف الفبا مرتب کرده است.^{۵۴۳}

در زیر به چند کتاب دیگر که در این زمینه نگاشته شده است، اشاره می‌کنیم:

۱- ترتیب أحادیث الکامل، اثر ابن طاهر، او احادیث کتاب الکامل فی ضعف الرجال ابن عدی (از معتبرترین

^{۵۴۲}. توسط دار الفکر بیروت.

^{۵۴۳}. الرسالة المستطرفة، ص ۱۹.

- منابع در جرح) را بر اساس حروف معجم مرتب کرده است؛^{۵۴۴}
- ۲- تقریب البغیة فی ترتیب احادیث الحلیه، اثر نورالدین هیثمی؛ این کتاب ترتیب احادیث حلیة الأولیاء، اثر أبونعیم اصفهانی است؛
- ۳- ترتیب جامع المسانید، از محب طبری؛^{۵۴۵}
- ۴- الإحسان فی تقریب صحیح ابن حبان، از علاءالدین علی بن بلبان فارسی (م ۷۳۹)؛ این کتاب ترتیب احادیث ابن حبان بر اساس ابواب است.^{۵۴۶}
- ۵- ترتیب کتاب الثقات، اثر نورالدین هیثمی؛ هیثمی به پیشنهاد استاد و دوست گرامی اش زین‌الدین عراقی، کتاب ابن حبان را مرتب کرده است.

ح) کتابهای احادیث قدسی

- سخنی که از جانب خداوند متعال صادر و توسط پیامبران به مردم رسیده باشد، حدیث قدسی نامیده می شود. احادیث قدسی با کلمات قرآن تفاوت دارند و حالت اعجاز در آنها وجود ندارد.^{۵۴۷}
- دسته‌ای از حدیث‌پژوهان، این گروه از احادیث را در کتابهایی جمع‌آوری کرده‌اند تا علاقه‌مندان به احادیث قدسی به آسانی به این احادیث دست یابند. در ادامه با چند اثر از این دست آشنا می‌شویم:
- ۱- الأربعین/الآلهیه، از علی بن مفضل مقدسی؛
- ۲- مشکاة الأنوار فی ما روی عن الله سبحانه و تعالی من الأخبار، اثر محی‌الدین ابن عربی مکی دمشقی (م ۶۳۸). شامل ۱۰۱ حدیث؛
- ۳- الإتحافات السنیه بالأحادیث القدسیه، از شیخ عبدالرئوف مناوی حاوی احادیث قدسی نویسنده احادیث قدسی روایت شده از پیامبران.^{۵۴۸}
- گفتنی است که دو تن از دانشمندان شیعه نیز کتابهایی را به همین شیوه نگاشته‌اند:
- ۱- البلاغ المبین فی الأحادیث القدسیه، از سید خلف بن عبدالمطلب المشعشی الحویزی (م ۱۰۷۴)؛^{۵۴۹}

۵۴۴. همان، ص ۱۴۵.

۵۴۵. همان، ص ۱۷۶.

۵۴۶. همان، ص ۲۰.

۵۴۷. الرسالة المستطرفة، ص ۸۱.

۵۴۸. همان، ص ۸۴ - ۸۱.

۵۴۹. الذریعه، ج ۳، ص ۱۴۱.

۲- الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه، از شیخ محمد حرّ عاملی (م ۱۱۰۴).^{۵۵۰} این کتاب به *أنح القرآن* نیز شهرت دارد.

ط) کتابهای احادیث مسلسل

حدیثی را که راویان سلسله سند آن بر یک صفت یا حالتی اشتراک داشته باشند، حدیث مسلسل گویند.^{۵۵۱}

جمعی از محدثان در کتابهای مستقلی چنین احادیثی را جمع‌آوری کرده‌اند، که مهم‌ترین این آثار عبارت‌اند از:

۱- *المسلسل بالاولیه*، از عمادالدین احمد بن محمد السلفی الإصبهانی (م ۵۷۶)؛

۲- *العذب السلسل فی الحدیث المسلسل*، از حافظ ذهبی؛

۳- *المسلسلات*، از تقی‌الدین علی بن عبدالکافی سُبکی (م ۷۵۶)؛

۴- *المسلسلات*، از احمد بن أبی‌الفضل العراقی (م ۸۲۶)؛

۵- *المسلسلات*، اثر جعفر بن محمد مستغفری؛

۶- *المسلسلات*، از احمد بن ابراهیم بن شاذان (م ۳۸۳)؛

۷- *الجواهر المفصلات فی الأحادیث المسلسلات*، اثر قاسم بن محمد بن طلیسان (م ۶۴۲)؛

۸- *الجواهر المکملّة فی الأخبار المسلسله*، از علی بن محمد السّخاوی (م ۶۴۳)؛

۹- *نفحات الأخبار من مسلسلات الأخبار*، از محمد بن أبی‌بکر بن ناصرالدین (م ۸۴۲)؛

۱۰- *المسلسلات الکبری*، اثر جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی (م ۹۱۱).^{۵۵۲}

کتانی در *الرسالة المستطرفة* نام بیست نفر از نویسندگانی را که هر کدام اثری در این سبک نگاشته‌اند، نام برده است.

بنا بر آنچه گذشت، تسلسل از ویژگیهای اسناد است که گاهی یک حالت و صفت راوی در تمام زنجیره

سند تکرار می‌شود و گاهی نیز نوع تحمل روایت تکرار می‌شود؛ مانند واژگان سمعت، حدثنا، أخبرنا و ...^{۵۵۳}

۵۵۰. همان، ج ۵، ص ۲۷۱.

۵۵۱. همان.

۵۵۲. همان، ص ۸۴ - ۸۱.

۵۵۳. معجم مصطلحات الحدیث و لطائف الأسانید، ص ۴۰۸.

چکیده

- ✓ دانشمندان در دوره‌های بعد بیشتر خوشه‌چین تلاش‌های پیشینیان بودند و سعی می‌کردند تا در امتداد همان شیوه‌ها قلم‌فرسایی کنند. در این دوران برخی به این فکر افتادند که مجموعه‌ای از آثار مهم پیشینیان را بر محور همان ابواب در مجموعه‌ای جدید گرد آوردند.
- ✓ نخستین فردی که کتابهای سنن اُبی‌داود، ترمذی و نسایی و صحیح بخاری و مسلم و موطأ را در یک مجموعه گرد آورد، ابوالحسن رزین بن معاویه اندلسی بود.
- ✓ سیوطی سه اثر در جمع‌نویسی تدوین کرده است که عبارت‌اند از: *الجامع الکبیر (جمع الجوامع)*، *الجامع الصغیر* و *زوائد الجامع الصغیر (زیادة الجامع)*.
- ✓ مهم‌ترین ویژگی تلاش متقی هندی در کتاب *کنز العمال* باب‌بندی و موضوعی نمودن احادیث کتابهای جوامع سیوطی است.
- ✓ برخی از نویسندگان با هدف آسان‌یاب نمودن احادیث، تلاشی جدید را آغاز کردند. آنان بعضی از کتابهای معروف و مورد مراجعه را انتخاب و با موضوع‌بندی و باب‌بندی مناسب به خوانندگان ارائه کردند.
- ✓ سخنی که از جانب خداوند متعال صادر و توسط پیامبران به مردم رسیده باشد، حدیث قدسی نامیده می‌شود.
- دسته‌ای از حدیث‌پژوهان، احادیث قدسی را در کتابی جمع‌آوری و به خوانندگان ارائه کرده‌اند.

جلسه پانزدهم

سبکهای حدیثی معاصر

هدف درس

✓ آشنایی با سبکهای حدیثی معاصر.

سبکهای حدیثی معاصر

عصر در لغت عبارت است از: زمان، دوره، عهد، روزگار و دوران.^{۵۵۴} واژه‌شناسان به کسانی معاصر می‌گویند که در زمانی واحد یا در یک روزگار زندگی می‌کنند.^{۵۵۵}

اما در اصطلاح، تاریخ‌نگاران واژه معاصر بیشتر به صد سال اخیر اطلاق می‌شود. در مباحث تدوینهای مختلف، معمولاً ظهور صنعت چاپ در تبدیل نسخ خطی به چاپی، مبدأ دوران معاصر قلمداد می‌شود. گاهی نیز آغاز حضور مستشرقان در کشورهای اسلامی، که پدیده مهمی در عرصه حدیث است، مبدأ عصر حاضر و دوران معاصر به شما می‌رود.

منظور ما در این درس از واژه معاصر، همان تعریف اول، یعنی صد سال اخیر، است. با این تفاوت که عمده نگاه ما بیشتر به دهه‌های اخیر است.

نمودار مطالب و فهرست سبکهای عصر حاضر به شرح زیر است:

الف) احیای سبکهای پیشین:

۱- مسند

۲- مستدرک

۳- جوامع فراگیر

۴- چهل حدیث نویسی

۵- احادیث قدسی

۶- ادعیه و اعمال

۷- تکنگاری

ب) ابتکارهای جدید:

حوزه معارف حدیثی

۵۵۴. فرهنگ معاصر عربی - فارسی، آذرتاش آذرنوش، ص ۴۴۰.

۵۵۵. الهادی /إلى لغة العرب، ج ۳، ص ۲۱۹، حسن کرمی، دار لبنان للطباعة والنشر، بیروت، ۱۹۹۲، چاپ اول.

- ۱- موسوعه (تبویب و تنظیم موضوعی)
- ۲- تلخیص و گزیده‌نویسی
- ۳- پژوهشهایی پیرامون احادیث اهل سنت
تلاشهای پیرامونی
- ۱- تصحیح و تخریج
- ۲- معجم‌نویسی

الف) احیای سبکهای پیشین

۱- مسند

اگر در معنای اصطلاحی مسند، قدری تسامح کنیم، می‌توانیم گردآوری کلمات هر معصوم را نیز «مسند» بنامیم. در سالهای اخیر تلاشهای زیادی در این زمینه انجام شده است.

آقای عزیرالله عطاردی سخنان بیشتر معصومان (علیهم السلام) را در کتابهایی به نام «مسند» جمع‌آوری کرده است که بخشی از آثار ایشان عبارت‌اند از: *مسند فاطمة الزهراء، مسند امام المجتبی، مسند الإمام الشهدید (سه جلد)، مسند الإمام الباقر (شش جلد)، مسند الإمام الكاظم (سه جلد)، مسند الإمام الرضا، مسند الإمام الجواد، مسند الإمام الهادی و مسند الإمام العسکری*.

گذشته از سیوطی که در قرن نهم سخنان حضرت زهرا را در *مسند فاطمه* گرد آورد، در عصر حاضر نیز آقایان سید حسین اسلامی و مهدی جعفری هر کدام کتابی جداگانه با عنوان *مسند فاطمه* نگاشته‌اند. مرحوم محمد دشتی نیز با همین انگیزه کتاب *نهج الحیة* یا *فرهنگ سخنان فاطمه* را تدوین کرده است. از دیگر کتابهایی که در دوران معاصر، به سبک مسانید، در میان شیعیان نگاشته شده است، کتابهای زیر را می‌توان برشمرد:

- *مکاتیب الرسول*، علی احمدی میانجی، چهار جلد؛
- *مسند الإمام علی*، سید حسن قپانچی، یازده جلد؛
- *الألفین فی أحادیث الحسن والحسین*، علی حیدر مؤید، چهار جلد؛
- *موسوعة کلمات الإمام الحسین*، پژوهشکده باقر العلوم، یک جلد؛
- *حکمت‌نامه امام حسین*، محمدی ری‌شهری و همکاران، دو جلد؛
- *موسوعة الإمام الصادق*، سید کاظم قزوینی، نه جلد؛
- *مسند الرسول الأعظم*، یحیی فلسفی شیرازی، دوازده جلد؛
- *موسوعة الإمام الجواد*، موسسه ولی عصر (علیه السلام)، دو جلد؛
- *معجم أحادیث الإمام المهدي*، علی کورانی، پنج جلد.

بعضی از پژوهشها نیز به نوعی در شمار مسانید هستند؛ برای نمونه آقای شیخ محمد غروی دو کتاب با عناوین *أمثال و حکم الإمام الکاظم و کلماته المختارة* (در دو جلد) و *المختار من کلمات الإمام المهدی* (را در سه جلد) تدوین نموده است.^{۵۵۶}

توجه به روایات نقل شده از برخی از یاران معصومان، جمعی را بر آن داشته تا مسند احادیث ایشان را نیز گردآوری کنند، که برای نمونه به کتابهای زیر می‌توان اشاره کرد:

- مسند زرارة بن أعین، بشیر محمدی مازندرانی، یک جلد؛
- مسند محمد بن مسلم ثقفی، بشیر محمدی مازندرانی، یک جلد؛
- مسند محمد بن قیس بجلي حول قضایا أمير المؤمنين وغيرها، بشیر محمدی مازندرانی، یک جلد؛
- مسند ابی بصیر، بشیر محمدی مازندرانی، سه جلد؛
- مسند ابی حمزة الثمالي، عبدالرزاق محمدحسین حرزالدین، یک جلد؛
- مسند محمد بن قیس بجلي فی قضایا أمير المؤمنين، کاظم ابراهیم رکابی، یک جلد؛
- مسند علی بن سوید سنایی، فاضل مالکی، یک جلد؛
- مسند عبدالعظیم الحسنی، عزیزالله عطاردی، یک جلد.

مسندنگاری در میان اهل سنت

اهل سنت در دوره‌ای که نیاز مبرمی به مسانید داشتند، آثار متعددی را در این حوزه خلق کردند، به گونه‌ای که امروز به نگارش جدید و بازسازی مسانید نیازی ندارند. در دوران معاصر تحقیقها و تصحیح‌های بسیار خوبی بر روی مسانید گذشتگان انجام شده است که در بخش تحقیق و تصحیح به آن اشاره خواهیم کرد. در اینجا به چند اثر اهل سنت در سبک مسندنگاری در قرن حاضر اشاره می‌کنیم:

- ۱- مسند علی بن ابی‌طالب، یوسف اوزبک، هفت جلد؛
- ۲- *الصحيح المسند مما ليس فی الصحيحین*، مقبل بن هادی الوادعی، دو جلد.

همچنین در تحقیقی به سرپرستی بشار عواد معروف، مجموعه‌ای از مسانید گذشتگان گردآوری و به نام *المسند الجامع* در بیست جلد منتشر شده است.

گفتنی است که با توجه به دشواریاب بودن احادیث در کتابهای مسانید، بعضی از عالمان دینی مسانید مهم را به شیوه‌ای جدید منظم و بر اساس ابواب فقهی مرتب کرده‌اند.

پژوهشگر معاصر، آقای احمد عبدالرحمن ساعتی، چند مسند را به این شیوه احیا نموده و آثارش را چنین نامیده است:

- الفتح الربانی بترتیب مسند أحمد بن حنبل الشیبانی؛
- منحة المعبود بترتیب مسند الطیالسی ابی‌داود؛
- بدایع المنن بترتیب مسند الشافعی والسنن.^{۵۵۷}

۵۵۶. البته آثاری هم خلق شده‌اند که فقط سخنان یک امام را مورد توجه قرار داده‌اند؛ مانند کتاب *گنجینه نور* اثر آقای قاضی زاهدی در دو جلد. مؤلف در این کتاب، پرسش‌ها و پاسخهای امام صادق (علیه السلام) را گردآوری نموده است.

۵۵۷. محمد عبدالله أبو صَیْلِیک، *جهود المعاصرين*، ص ۳۰.

۲- مستدرک نویسی

در دوران معاصر نویسندگانی چند، کتابهایی را به سبک مستدرک نگاشته‌اند. معروف‌ترین مستدرک عصر حاضر تلاشی ارزشمند از محدث بزرگوار میرزا حسین نوری طبرسی (م ۱۳۲۰) است. که کتاب *مستدرک الوسائل* و *مستنبط المسائل* را در هجده جلد تدوین کرده است. هرچند هدف مؤلف از تدوین این کتاب، تکمیل و جبران احادیث فرومانده در کتاب *وسائل الشیعه* شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴) است، ولی نمی‌توان آن را دقیقاً پیرو سبک مستدرک‌نویسی دانست؛ چه اینکه نگاشتن استدرک کتابها منوط به پیروی از شیوه و مبانی نویسنده اصلی است، اما این تقید در *مستدرک الوسائل* دیده نمی‌شود.

محدث نوری شش جلد کتاب نیز با عنوان *خاتمة المستدرک الوسائل* نگاشته است که از جهت مباحث علمی کتاب‌شناسی و ... بسیار مهم و همواره مرجع نویسندگان است. چند مستدرک دیگر:

- *مستدرک سفینه البحار*، شیخ علی نمازی (م ۱۴۰۵)، ده جلد؛
- *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*، شیخ محمدباقر محمودی (م ۱۴۲۵)، هشت جلد؛
- *مستدرک عوالم*، سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی؛
- *مستدرک بحار الأنوار*، میرزا محمد بن رجب علی طهرانی عسکری (م ۱۳۷۱ هـ)؛^{۵۵۸}
- *مستدرک مزار البحار*، میرزا حسین نوری (م ۱۳۲۰ هـ)؛^{۵۵۹}
- *مستدرک نهج البلاغه*، شیخ هادی کاشف الغطاء. (م ۱۳۶۱ هـ).^{۵۶۰}

۳- جوامع فراگیر

کتابهای جوامع از ادغام کتابهای متعدد و پراکنده به وجود می‌آید. نگارش جوامع از عصر امام رضا (علیه السلام) در سطح ساده آغاز و در قرون چهارم و پنجم به طور جدی پی‌گیری شد و سرانجام بالندگی خویش را در قرن دهم و یازدهم تجربه کرد. ره‌آورد این تلاشها آثاری همچون کتب ثلاثین حسین بن سعید، کتابهای چهارگانه شیعه، *بحار الأنوار*، *وسائل الشیعه*، *الوافی*، *نور الثقلین* و ... است.

آثار بزرگ باقی‌مانده از دوران صفویه همچنان کامل‌ترین مجموعه‌های فراگیر حدیثی هستند. اما با گذشت زمان و با ظهور پیشرفتهایی در زمینه گسترش علوم و صنعت چاپ و ... ایده‌ای جدید در زمینه ارائه آثار گذشتگان به صورتی کامل‌تر و بدون کاستی‌های پیشین در بیان اندیشمندان مسلمان شکل گرفت. آیت الله بروجردی، طرح کتاب جامع *الأحادیث الشیعه* را با همین ایده، برای رفع نواقص کتاب *وسائل الشیعه*، بنیان گذاشت. این کتاب در ۳۶ جلد به چاپ رسیده است. بخشی از این کتاب در زمان حیات مؤلف و بیشتر آن پس از درگذشت ایشان به دست شاگردانش تکمیل شد.

در دهه اول انقلاب اسلامی ایده جمع‌آوری احادیث کتابهای متعدد در موضوعات گوناگون تقویت یافت. در سال ۱۳۶۷ شمسی آقای علی‌رضا برازش، در معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی را احادیث به شیوه

۵۵۸. *النبریه*، ج ۲۱، ص ۴، شماره ۳۶۷۵.

۵۵۹. همان، ص ۵، شماره ۳۶۸۳.

۵۶۰. همان، ص ۶، شماره ۳۶۸۵.

امروزی جمع‌آوری کرد. ایشان نام مجموعه جدید خود را مجمع‌الأنوار نامید. متأسفانه از این اثر تنها یک جلد در دو موضوع صبر و شکر به چاپ رسید.

مؤلف مدعی است که تعداد احادیث جمع‌آوری شده چند برابر جوامع قبلی است. او می‌نویسد: «در بخش نخست این مجموعه ماده «شکر» و در بخش دوم ماده «صبر» جستجو شد و در مورد نخست هفتاد آیه و نهصد حدیث و در مورد دوم نود آیه و ۱۲۰۰ حدیث گردآوری شد. البته بعد از حذف مشترکات لفظی احادیث، این ارقام به ۵۵۰ و ۸۸۰ تقلیل یافت».^{۵۶۱}

از ویژگیهای این کتاب نقل بیانات حدیثی ضروری است.^{۵۶۲}

بعضی از معاصران اهل سنت نیز به تشکیل کتابهای جوامع پرداختند:

- ۱- التاج الجامع للأصول، شیخ منصور ناصیف در پنج جلد؛ این کتاب دربردارنده احادیث کتابهای صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ابی‌داود، سنن ترمذی و سنن نسایی است. (پنج جلد)
- ۲- الأساس فی السنة والسيره، شیخ سعید حوی در هفت جلد؛ مؤلف در این کتاب مجموعه احادیث وارد شده در حوزه عقاید، سیره و عبادات را در یک دسته‌بندی گرد آورده است.
- ۳- الجامع فی احادیث العبادات، عبدالسلام بن محمد بن عمر علّوش در سه جلد؛
- ۴- الجامع الصحیح مما لیس فی الصحیحین، مقبل بن هادی الوادعی در شش جلد.

۴- چهل حدیث‌نویسی

نگارش اربعینیات در میان شیعه و سنی همواره رو به فزونی است. در عصر حاضر دهها نفر از عالمان و نویسندگان به گردآوری چهل حدیث یا شرح چهل حدیث پرداخته‌اند.

۵۶۱. مجمع‌الأنوار، ج ۱، ص ۳.

۵۶۲. برای نمونه در موضوع دوم، یعنی «الصبر والاستقامه»، ۹۴ آیه، ۸۸۷ حدیث و ۳۴۹ بیان و توضیح حدیثی را گرد آمده است. مجمع‌الأنوار فاقد ریزموضوعات و دسته‌بندی موضوعی در متن کتاب است. نویسنده در پایان کتاب موضوعات جزئی صبر و استقامت و شماره‌های حدیث را در نمایه‌ای کلی ارائه داده است. مؤلف پس از بیان هر آیه احادیث هم‌افق با آیه را به ترتیب قدمت آثار بیان کرده است. در اینجا حدیثی را که ذیل آیات ۵۳ و ۵۴ سوره قصص از کتاب اصول کافی بیان شده است و همچنین بیان علامه مجلسی در مرآة العقول پیرامون آن را از بخش «الصبر والاستقامه» می‌خوانیم:

الحدیث ۹۱

- اصول الکافی، کتاب الإیمان والکفر، باب الصبر، ح ۲۵.

أبوعلی الأشعری، عن معلى بن محمد، عن الوشاء، عن بعض أصحابه عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إنا صبرّ وشيعتنا أصبر منّا»، قلت جعلت فداك كيف صار شيعتكم أصبر منكم؟ قال: «لأنّا نصبر على ما نعلم وشيعتنا يصبرون على ما لا يعلمون».

البيان ۱۴۴:

- مرآة العقول، ج ۸، ص ۱۴۳ و ۱۴۴، ح ۲۵.

والصبر بضم الصاد وتشديد الباء المفتوحة جمع الصابر. «أصبر منّا» أى الصبر عليهم أشقّ وأشدّ «لأنّا نصبر على ما نعلم».

اربعمین حسینیہ از میرزا محمد ارباب (م ۱۳۴۱)، ریاض العلماء فی شرح الأربعمین از شیخ علی بحرانی قطیفی (م ۱۳۴۰) در دو جلد، اربعمین حدیث از امام خمینی، الأربعمین حدیثاً عن کُلِّ معصوم از آیت الله شیخ علی پناه اشتہاردی، الأربعمین فی فضائل مولانا/أمیر المؤمنین از شیخ محمدرضا بانی کاشانی و ...^{۵۶۳}

علاقہ مندی شیعیان به حفظ و قرائت چهل حدیث، سبب شده است تا مراکز نشری همچون سازمان تبلیغات اسلامی، نشر معروف و ... دهها چهل حدیث جیبی را تدوین کنند.

در میان اهل سنت نیز گرایش به چهل حدیث نویسی آشکارا دیده می شود. دهها نویسنده و عالم سنی سعی کرده اند تا چهل حدیث را در موضوعات و نگاههای مختلف تدوین نمایند؛ برای نمونه نویسنده معاصر، «محمد عبدالرحیم» مجموعه های متنوعی را با عنوان اربعمین حدیث گردآورده است:

- اربعمین حدیث فی فضل الشہید والشہادہ؛

- اربعمین حدیث فی فضل الصلاة علی النبی (صلی الله علیہ وآلہ)؛

- اربعمین حدیث فی فضل الوالدین؛

- اربعمین حدیث فی فضل أذکار الحبيب المصطفى؛

- اربعمین حدیث فی فضل التداوی بالأعشاب والنباتات الطیبہ؛

- اربعمین حدیث فی فضل الصحابة؛

- اربعمین حدیث فی فضل الشام؛

- و

یکی از نویسندگان معاصر به نام «سهل العود» در کتاب المعین علی معرفة کتب الأربعمین، اسامی کتابها و نویسندگان چهل حدیث را از قرن دوم تا عصر حاضر جمع آوری کرده است. او در این اثر، که به ترتیب حروف الفبای اسامی کتابها مرتب شده است، ۵۴۹ کتاب چهل حدیث را نام برده است که تعداد قابل توجهی از این کتابها در عصر حاضر نگاشته شده است.

در میان کتب شیعی نیز اثری با عنوان الأربعمین فی القرآن والحديث والتاریخ والأدب به چشم می خورد. این اثر توسط آقای شیخ محمود اکبرزاده خراسانی تدوین شده است. مؤلف در این کتاب واژه های اربعمین را در دامنه تحقیق پیش گفته ساماندهی کرده است.

۵- احادیث قدسی

کلمات خداوند را که پیامبران به واسطه ملائک و ... از خدا نقل می کنند، حدیث قدسی گویند. یکی از تفاوت های حدیث قدسی با قرآن این است که بر خلاف قرآن در این احادیث اعجاز یا تحدی وجود ندارد.^{۵۶۴}

زیبایی سخنان خداوند متعال در کتابهای حدیثی، بسیاری را به گردآوری این گفتارهای نورانی ترغیب کرده است. در عصر حاضر نیز گروهی به کارهای گسترده تر در این زمینه دست زده اند. با توجه به اینکه شمار احادیث قدسی در کتابهای اهل سنت بیشتر از کتابهای شیعیان است، توجه به این گونه احادیث نیز در آثار اهل

۵۶۳. الأربعمین حدیثاً للإمام الرضا، زیر نظر دکتر محمدمهدی رکنی و الأربعمین حدیثاً فی فضائل أمیر المؤمنین و سیدة نساء العالمین بروایة عایشه، اثر شیخ احمد محمودی و

۵۶۴. ابوالفضل حافظیان بابلی، رسائل فی درایة الحديث، ج ۱، ص ۵۳۵.

سنت بیشتر دیده می‌شود؛ برای نمونه در عصر حاضر دهها عنوان کتاب احادیث قدسی توسط عالمان سنی تدوین شده است که از آن میان به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

- جامع الأحادیث القدسیه، ابوعبدالرحمن عصام‌الدین الصَّبَّاطی در سه جلد؛^{۵۶۵}
- صحیح الأحادیث القدسیه، ابوعبدالرحمن عصام‌الدین الصَّبَّاطی در یک جلد؛
- الأحادیث القدسیه، یوسف الحاج احمد؛
- الأحادیث القدسیه، محمود توفیق الحکیم؛
- الأحادیث القدسیه، یوسف علی بدیوی؛
- الأحادیث القدسیه، ومنزلتها فی التشریع، دکتر شعبان محمد اسماعیل؛
- الأحادیث القدسیه، چاپ دار الفکر عمان و دیگر انتشاراتهای عربی؛ در این اثر چهارصد حدیث قدسی از کتب سته و موطناً مالک جمع‌آوری شده است.

شروح متعددی از احادیث قدسی نیز در کتابخانه‌های حدیثی به چشم می‌خورد. شیخ محمد متولی الشعرای تعدادی از احادیث قدسی را در هفت جلد کوچک برای شاگردانش شرح کرده است. گردآوری احادیث قدسی در میان شیعیان پس از قرن یازدهم متداول شد. شیخ حرّ عاملی (م ۱۱۰۴) با تألیف کتاب الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیه مهم‌ترین اثر شیعی را در این سبک آفرید. او این کتاب را «أخ القرآن» نامید.^{۵۶۶} نسخه‌ای از این اثر موجود است که در سال ۱۰۸۳، یعنی در عصر مؤلف، نگاشته شده است. شیخ حرّ عاملی در ابتدای این کتاب خود را نخستین نویسنده [شیعی] احادیث قدسی معرفی کرده است. اما این تصور درست نیست؛ چرا که پیش از او سید خلف حویزی (م ۱۰۷۱) احادیث قدسی را در کتابی به نام البلاغ المبین گرد آورده بود.^{۵۶۷}

نمونه‌هایی از کتب احادیث قدسی شیعیان عبارت‌اند از:

- الفرقان فی الأحادیث القدسیه، سید محمد کاظم کفایی (متولد ۱۳۴۵)؛^{۵۶۸}
- الکلمات الربانیه من الأحادیث القدسیه والخطابات الإلهیه؛^{۵۶۹}
- أحادیث القدسیه، زید بکری؛
- کلمة الله، از شهید سید حسن شیرازی؛
- الأحادیث القدسیه المشتركة بین السنة والشیعه از سید محسن حسینی امینی (زیر نظر آیت الله محمدعلی تسخیری).

علاوه بر این، مجموعه احادیث قدسی شیخ حرّ عاملی نیز در سالهای اخیر به فارسی ترجمه شده است.

۵۶۵. این اثر دارای ۱۱۵۰ حدیث قدسی است. نویسنده هر حدیث را با کلماتی همچون ضعیف، صحیح و قوی ارزیابی کرده است.

۵۶۶. او همچنین کتاب الصحیفة الثانیه را نیز که همانند صحیفة سجادیه است، «أخت الصحیفة» نامیده است.

۵۶۷. الذریعه، ج ۵، ص ۲۷۱، شماره ۱۲۷۹.

۵۶۸. همان، ج ۱۶، ص ۱۷۵، شماره ۵۳۰.

۵۶۹. همان، ج ۱۸، ص ۱۱۴، شماره ۹۶۵.

۶- ادعیه، اعمال و مزارنویسی

پیش از این با سبکهای ادعیه‌نگاری و مزارنویسی آشنا شدیم. عالمان شیعی در طول چهارده قرن کتابهایی را با عناوینی همچون کتاب الأدعية، الأدعية والأحراز، الأدعية والأذکار، الأدعية والأخبار، الأدعية والزيارات، أدعية الأئمة، أدعية أيام الأسبوع، أدعية الساعات، أدعية السفر، أدعية الصباح، أدعية صلاة الليل، الأدعية المأثورة، الأدعية المروية و... تألیف کرده‌اند.

علامه آقا بزرگ تهرانی بیش از ۸۵ اثر دعایی، شیعه را در کتاب *النریعه* معرفی کرده است که ^{۷۰} بخش قابل توجهی از این آثار در دوران معاصر نگاشته شده است. علاوه بر این، تعدادی از کتابهای دعایی نیز در سالهای اخیر و پس از نگارش *النریعه* نگاشته شده است.

۷- تکنگاری

مطالعه گفتارهای موضوعی گوینده ما را به مقاصد اصلی او در موضوعات گوناگون رهنمون می‌شود. فهم درست احادیث گهربار معصومین نیز مستلزم مطالعه موضوعی و مجموعی فرمایشات ایشان در محور یک موضوع است. تکنگاریهای موضوعی معصومان از صدها سال پیش گردآوری می‌شد. در دوران معاصر نیز توجه به تدوین تکنگاریهای موضوعی در میان مسلمانان، به ویژه شیعیان، دیده می‌شود.

سنن النبی از علامه طباطبائی، *ألف حدیث فی المؤمن*، از هادی نجفی، *أدب الضیافه* از جعفر بیاتی، *الحج و العمرة فی الکتاب و السنة*، *الصلاة فی الکتاب و السنة*، *أهل البيت فی الکتاب و السنة*، *العلم فی الکتاب و السنة* جملگی از محمد محمدی ری‌شهری از مهم‌ترین تکنگاریهای موضوعی معاصر هستند. گفتنی است که تکنگاریهای حدیثی در حوزه‌های مختلف اخلاق، عقاید، فقه، تفسیر و ... نگاشته شده است.

ب) ابتکارهای جدید

حوزه معارف حدیثی

۱- موسوعه (تبویب و تنظیم موضوعی)

دسته‌ای از نگارشهای معاصر با سبک ویژه‌ای آفریده شده‌اند. این آثار با نگرشی ویژه برای مخاطبان مختلف تدوین شده‌اند. بعضی از مؤلفان این کتابها برای تلاش خویش عنوان «موسوعه یا دانش‌نامه» را برگزیده‌اند.

۵۷۰. همان، ج ۱، ص ۳۸۹ شماره ۲۰۰۴ تا ص ۴۰۱ شماره ۲۰۹۱؛ گفتنی است که در این کتاب تنها به مواردی اشاره شده است که واژه ادعیه را دربردارند.

این آثار از جهاتی (دسته‌بندی موضوعی و ترتیب الفبایی موضوعات) با یکدیگر شبیه هستند، اما اختلافات عدیده‌ای نیز دارند. با این همه وجه مشترک تمام موسوعه‌ها این است که نویسندگان آنها بر این باورند که تمام مطالب مورد نیاز خواننده را در آن موضوع گرد آورده‌اند.

اینک با عناوین برخی از این آثار آشنا می‌شویم:

- ۱- موسوعة میزان/الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری؛
 - ۲- موسوعة/أحادیث أهل البيت، شیخ هادی نجفی، در دوازده جلد؛
 - ۳- موسوعة أهل البيت/الکونیه، زیر نظر شیخ فاضل صفار، در یازده جلد؛
 - ۴- موسوعة النبی/الأعظم، محمدهادی امینی، در دو جلد؛
 - ۵- کلام نور، نادر مهربان، در چهار جلد همراه با ترجمه؛
 - ۶- مجمع الأحادیث، محمدباقر آخوندی، در پنج جلد؛
 - ۷- آثار الصادقین، احسان‌بخش، در ۳۱ جلد؛
 - ۸- الحیة، اخوان (محمدرضا، محمد و علی) حکیمی، در شش جلد؛
 - ۹- نمونه معارف اسلام، علی فصیحی، در نه جلد؛
 - ۱۰- أقوال الأئمة، محب الاسلام موسوی، در چهارده جلد؛
 - ۱۱- سنن النبی، بنیاد پژوهشهای اسلامی (زیر نظر استاد کاظم شانه‌چی)، در ده جلد.
- در میان اهل سنت نیز چنین آثاری به چشم می‌خورد که همگی نظیر موسوعه‌های حدیثی شیعه هستند که برای نمونه می‌توان به نصره النعیم، از صالح بن حمید و عبدالرحمن بن ملّوح، در دوازده جلد اشاره کرد.^{۵۷۱}

۲- خلاصه‌نویسی (تلخیص)

نویسندگان با اهدافی ویژه دست به قلم می‌برند و اثرشان را در ساختار پیش‌بینی شده‌ای خلق می‌کنند. اگر همان نویسندگان یا دیگران با نگاهی دیگر به این آثار نظر کنند، کتابهای جدیدی را پدید خواهند آورد. بعضی از کتابها به خاطر طولانی بودن، دشوار بودن متون و ... مخاطبان کمتری را جذب می‌کنند. مسائلی از این قبیل سبب می‌شود که افرادی به گزینش و تلخیص این‌گونه کتابها بپردازند. خلاصه‌نویسی معمولاً به علت طولانی بودن، مخاطب ویژه داشتن، جداسازی سره از ناسره و ... انجام می‌شود. البته گاهی هم تلخیص آثار گذشتگان خوشایند مجامع علمی، عالمان دینی یا عموم مردم نیست.^{۵۷۲}

۵۷۱. برای آشنایی با این کتاب می‌توانید به فصلنامه تخصصی علوم حدیث، شماره ۱۵، مقاله دانش‌نامه حدیثی «نصره النعیم» مراجعه کنید.

۵۷۲. اگر خلاصه‌نویسی برای تفکیک احادیث صحیح از غیرصحیح انجام گیرد، از آنجا که معمولاً با مبانی برخی از دانشمندان سازگار نیست، همیشه مورد انتقاد است؛ مانند صحیح الکافی اثر جناب آقای محمدباقر بهبودی. علاوه بر این، اگر خلاصه‌نویسی برای ساده‌سازی یا گزیده‌نویسی نیز انجام شود، چون سلیقه‌ای است معمولاً گروهی آن را برنمی‌تابند.

پیشینه این فن به قرنهای چهارم و پنجم هجری بازمی‌گردد. بنا به گزارش نجاشی افرادی نظیر محمد بن مسعود عیاشی (م ۳۲۰)،^{۵۷۳} حسین بن موسی نوبختی،^{۵۷۴} حسین بن عبیدالله غضائری (م ۴۱۱)^{۵۷۵} و شیخ مفید (م ۴۱۳)^{۵۷۶} خود تصمیم به تلخیص بعضی از آثارشان گرفتند.

بعضی نیز همچون علی بن محمد شمشاطی^{۵۷۷} به تلخیص آثار دیگران پرداختند. شیخ طوسی (م ۴۶۰) نیز هم اثر دیگران و هم آثار خویش را تلخیص کرده است. او بخشی از مطالب کتاب *الشافی فی الإمامه*،^{۵۷۸} اثر سید مرتضی علم‌الهدی (م ۴۳۶)، را گزینش و آن را *تلخیص الشافی فی الإمامه* نامید.^{۵۷۹} از سوی دیگر وقتی کتاب *مصباح المتهجد فی عمل السنه* شیخ با استقبال عمومی رو به رو شد، ایشان آن را با عنوان *مختصر المصباح فی عمل السنه*^{۵۸۰} تلخیص و عرضه کرد.

از آن زمان تا کنون بسیاری از آثار روایی و غیرروایی توسط دانشمندان تلخیص شده است. در عصر کنونی نیاز به خلاصه‌نویسی به جهات گوناگون برای مخاطبان مختلف ضروری است. از این رو، بسیاری از آثار حدیثی مهم خلاصه شده است.

آشنایی با تلخیصها

تلخیص کتب اربعه

کافی: *صحیح الکافی*، در سه جلد با ترجمه فارسی با عنوان *گزیده کافی* در شش جلد، از محمدباقر بهبودی؛ *مختصر اصول کافی* از عبدالصمد اسلامی؛ *برگزیده‌ای از اصول کافی* از سید جواد رضوی؛ *گزیده اصول کافی* از محمدکاظم بهنیا، *احادیث منتخبه از اصول کافی و روضه کافی* از محمدامین رضوی.

دیگر کتب اربعه: *صحیح [کتاب] من لا یحضره الفقیه و صحیح تهذیب الأحکام و صحیح الاستبصار و ترجمه فارسی این آثار با عناوین گزیده [کتاب] من لا یحضره الفقیه، گزیده تهذیب الأحکام و گزیده استبصار* همگی از محمدباقر بهبودی، *تلخیص الاستبصار* از سید محسن بن حسن مقدس اعرجی (م ۱۲۲۷).^{۵۸۱}

بحار الأنوار: تلخیص البحار بحذف المکررات والأخبار از میرزا محمدصادق شیرازی (م ۱۳۴۹)،^{۵۸۲} *حدیقه الأزهار فی تلخیص البحار* از میرزا محمد بن عبدالنبی نیشابوری مشهور به اخباری (مقتول به ۱۲۳۲)،^{۵۸۳} *مناهل الأبرار فی تلخیص البحار* از حسین درگاهی، *درر الأخبار من بحار الأنوار* از مهدی حجازی شه‌رضایی، *تلخیص بحار الأنوار*، ج ۱۰ - ۶ از محمدباقر شریعتی اصفهانی، *بنادر البحار* از علی‌نقی فیض الاسلام اصفهانی، *جواهر البحار* از حبیب کاظمینی.

۵۷۳. عیاشی سه کتاب *الصلاة، الصوم و الجنائز الکبیر* را که به صورت مفصل نگاشته بود، تلخیص و آنها را به ترتیب *مختصر الصلاة، مختصر الصوم و مختصر الجنائز* نامیده است؛ رجال نجاشی، ص ۳۵۱.

۵۷۴. وی کتاب *کبیر فی الجبر* خویش را تلخیص و آن را *مختصر الکلام فی الجبر* نامید؛ رجال نجاشی، ص ۶۳.

۵۷۵. وی کتاب *مناسک الحج* خود را تلخیص و آن را *مختصر مناسک الحج* نامید؛ رجال نجاشی، ص ۶۹.

۵۷۶. در فهرست آثار شیخ مفید نیز چند تلخیص از آثار خود وی دیده می‌شود؛ رجال نجاشی، ص ۳۹۹.

۵۷۷. او کتاب اسانید و موارد تکراری تاریخ طبری را حذف کرد و آن را *مختصر تاریخ الطبری* نامید؛ رجال نجاشی، ص ۲۶۴.

۵۷۸. طوسی، *الفهرست*، ص ۱۶۴.

۵۷۹. همان، ص ۲۴۰.

۵۸۰. همان، ص ۲۴۲.

۵۸۱. *الذریعه*، ج ۴، ص ۴۱۹، شماره ۱۸۵۰.

۵۸۲. همان، ص ۴۲۱، شماره ۱۸۵۴.

۵۸۳. همان، ج ۶، ص ۳۸۰، شماره ۳۳۸۸.

گفتنی است که تعدادی دیگر از کتابهای حدیثی شیعه در دوران معاصر تلخیص شده است. نهج البلاغه، غرر الحکم، آثار شیخ صدوق، میزان الحکمه و ... در شمار آثاری هستند که بارها تلخیص شده‌اند.

۳- پژوهشهایی پیرامون احادیث اهل سنت

صنعت چاپ و رایانه سبب شد تا اندیشمندان شیعه و سنی از آثار علمی یکدیگر بیشتر و راحت‌تر استفاده کنند. یکی از برکات این صنایع بررسی و پژوهش در حوزه احادیث اهل سنت است. شیعیان نیز از فرصت به عمل آمده برای مطالعه احادیث نبوی و آثار صحابه موجود در کتب اهل سنت سود جسته و آثاری را در این زمینه خلق کرده‌اند که از آن میان به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱- منتخب فضائل النبی و اهل بینه علیهم السلام من الصحاح الستة و غیرها من الکتب المعتمره؛

۲- احادیث المهدی من مسند احمد بن حنبل از سید محمدجواد حسینی جلالی؛

۳- آیه التطهیر فی احادیث الفریقین از سید علی موحد ابطاحی؛

۴- سیری در احادیث صحیحین از شیخ صادق نجمی.

تلاشهای پیرامونی

۱- تصحیح و تخریج

حفظ میراث گذشتگان، پیرایش کاستی‌ها و انتقال صحیح آن به نسل آینده وظیفه‌ای خطیر بر دوش علاقه‌مندان فرهنگ است.

فرهنگ‌دوستان در سراسر دنیا بر حفظ آثار فرهنگی خویش اهتمام می‌ورزند. گذشته از سازمانهای میراث فرهنگی کشورها، مؤسسات بین‌المللی بزرگی نیز با همین هدف در دنیا فعال‌اند. جالب اینجاست که حفظ آثاری که تنها صد سال از قدمت آن گذشته باشد، در تمام کشورها ضروری شمرده می‌شود. در این میان کتابهای حدیثی و دست‌نوشته‌های روایی از ارزشمندترین آثار فرهنگی مسلمانان است. عمر بعضی از این آثار به صدها سال پیش بازمی‌گردد. متأسفانه پاره‌ای از این آثار بر اثر بی‌مهریهای روزگار و حافظان آنها به صفحات تاریخ پیوسته است، اما هنوز نیز گنجینه‌های نسخه‌های خطی کتابخانه‌های بزرگ جهان درخشان‌ترین بخش در مراکز فرهنگی است. از این رو، دانشمندان فرهیخته علاوه بر حفاظت فیزیکی این آثار، در تصحیح و احیای آنها نیز تلاش فراوانی از خود نشان داده‌اند. تصحیح یک یا چند نسخه روایی معمولاً به صورت اجتهادی یا روایی انجام می‌شود.^{۵۸۴}

دو رکن اساسی در تصحیح نسخ خطی روایی عبارت‌اند از:

۱- استوارسازی متن؛ تصحیح قرائت درست مصحح از نسخه‌های خطی و انطباق آن با روایات مشابه؛

۲- تخریج مصادر روایات؛ قرائت آشکار ساختن سرچشمه‌های احادیث در متون کهن.

۵۸۴. برای اطلاع بیشتر ر. ک: مهدی مهریزی، حدیث پژوهی، جلد ۱، بخش ۵.

در دوران معاصر چند مؤسسه و جمعی از پژوهشگران، بسیاری از کتابهای حدیثی را از گردِ غربت مخازن کتابخانه‌ها رهایی بخشیده و آنان را برای استفادهٔ عموم تصحیح^{۵۸۵} کرده‌اند. آیه الله بروجردی با تشویق پژوهشگران بر تصحیح کتب خطی کهن و تأکید بر احیای این میراث ارزشمند، نقش مهمی در احیای متون حدیث و علوم آن داشتند. افرادی همچون مرحوم مصطفوی، استاد علی‌اکبر غفاری و آیه الله شبیری زنجانی با تصحیحهای عالمانهٔ خویش در زنده نگه داشتن آثار حدیثی و انتقال آن زحمات بسیاری را به جان خریده‌اند.

تلاشهای اهل سنت

شاید بتوان گفت که بیشترین تلاش حدیثی اهل سنت در دوران معاصر به تصحیح و تخریج متون کهن حدیثی اختصاص دارد. در این دوران بسیاری از کتابهای کوچک و بزرگ اهل سنت توسط حدیث‌پژوهان ایشان تحقیق و با متونی اصلاح‌شده همراه با فهرس و تخریج عرضه شده است. در میان مصححین کتابهای حدیثی نام دو تن از ایشان شهرت بسیار دارد. که عبارت‌اند از: احمد محمد شاکر (۱۹۵۸ - ۱۸۹۲ م) و بشار عوَّاد.

احمد محمد شاکر، اهل مصر و شغلش قضاوت بوده است. علاقه‌مندی وی به تصحیح متون سبب شد تا کتابهای بسیاری را در حوزهٔ حدیث، تفسیر، اصول فقه و ... تصحیح کند.^{۵۸۶} مسند ابن‌حنبل مهم‌ترین تصحیح او در حوزهٔ کتابهای حدیثی است. احمد محمد شاکر کتابهای سنن ترمذی، صحیح ابن‌حبان، مختصر و شرح سنن ابی‌داود و ... را نیز تصحیح کرده است.

بشار عوَّاد متولد ۱۹۴۰ میلادی در بغداد، سالهای زیادی در عراق و دانشگاه بغداد به تدریس و پژوهش اشتغال داشت. او سپس به اردن عزیمت کرد و در حال حاضر نیز در آن کشور زندگی می‌کند. وی کتابهای معروفی همچون *الموطاء مالک*، *سیر أعلام النبلاء*، *تاریخ الإسلام*، *تهذیب الکمال*، *تذکره الحفاظ*، *تاریخ طبری* و ... را تصحیح کرده است.

در زمینهٔ تخریج احادیث کتابها، ناصرالدین البانی (م ۱۹۹۷ م) گوی سبقت را از دیگران ربوده است.^{۵۸۷} بعضی از کتابهای تخریج وی عبارت‌اند از:

- إرواء الغلیل فی تخریج أحادیث منار السبیل؛
- غایة المرام فی تخریج أحادیث کتاب الحلال والحرام؛
- تخریج أحادیث کتاب مشکلة الفقر.^{۵۸۸}

۵۸۵. تصحیح در نگاه دانشمندان عرب‌زبان «تحقیق» نامیده می‌شود.

۵۸۶. مجموعه آثار او اعم از تألیفات و تصحیحات بالغ بر ۳۷ عنوان است.

۵۸۷. البانی در زمینهٔ تحقیق نیز کتابهای *مشکاة المصابیح تبریزی*، *السنة ابن عاصم* و *اقتضاء العلم والعمل* خطیب بغدادی را تحقیق کرده است.

۵۸۸. از جمله کسانی که در عصر حاضر در حدیث کوشا بودند، احمد بن صدیق الغماری و برادرش عبدالله بن صدیق الغماری، از دانشمندان مغرب، هستند. احمد، کتاب *فتح الوهاب بتخریج مسند الشهاب* و *الهدایة فی تخریج البدایة* را نگاشته است و عبدالله نیز *تخریج أحادیث الممع* و ... را تدوین کرده است.

محمد فؤاد عبدالباقي (م ۱۳۸۸ هـ) نیز از جمله حدیث‌پژوهان مصری است که خدمات شایانی را در حوزه حدیث نبوی انجام داده است. او سه کتاب *الموطأ* مالک، *صحیح مسلم* و *سنن ابن‌ماجه* را تصحیح کرده است.^{۵۸۹}

در پایان این بخش بایسته است که از کتابهای تحقیق‌شده توسط دکتر مصطفی الاعظمی نیز یاد شود. او کتابهای متعددی را تصحیح کرده است که معروف‌ترین آنها *صحیح ابن‌خزیمه* و *سنن ابن‌ماجه* است.

۲- معجم کتابهای حدیثی

فهرست‌نویسی

گسترده‌ی کتابهای احادیث و دشواری دست‌یابی به احادیث دلخواه سبب شده بود که پژوهشگران از بسیاری از احادیث موجود در کتابها کمتر استفاده کنند؛ برای نمونه پیدا کردن چند حدیث مختلف در *بحار الأنوار* نیازمند صرف ساعتها مطالعه بود. از این رو، بعضی از دانشمندان فهرستهایی برای کتابهای پیشینیان تدوین کردند؛ برای مثال تنها برای دست‌یابی آسان به احادیث *بحار الأنوار* سه فهرست زیر تدوین شده است:

۱- مصابیح الأنوار فی فهرست بحار الأنوار؛

۲- مفتاح الأبواب فی فهرست بحار الأنوار؛

۳- سفینه البحار فی فهرست بحار الأنوار.

در سالهای بعد همین شیوه در مورد بعضی از کتب مهم، همچون کتابهای چهارگانه شیعه نیز پی گرفته شد.^{۵۹۰} این تلاشها سبب شد که حدیث‌پژوهان دشواری کمتری را در استفاده از کتابهای معتبر تجربه کنند. با گذشت زمان ضعف بزرگ کتابهای فهراس رخ نمود؛ چرا که مراجعه به فهراس، پژوهشگر را تنها به موضوعات دلخواه رهنمون می‌شود و چه بسیار احادیثی که در لابه‌لای موضوعات دیگر آمده‌اند و فهراس از ارائه این احادیث ناتوان‌اند.

معجم الفاظ احادیث

یکی از تلاشهای بسیار ارزشمندی که در سده اخیر انجام شده است، نگارش کتابهای معجم الفاظ است. این کتابها به گونه‌ای طراحی شده است که پژوهشگر با مراجعه به این کتابها به آسانی می‌تواند به احادیث دلخواه خود در کتابهای مختلف دست یابد. بدین ترتیب که پژوهشگر پس از انتخاب کلیدواژه‌های مرتبط با موضوع تحقیق و دانستن ریشه آن واژه‌ها به راحتی احادیث مورد نظر را از لابه‌لای کتب معجم می‌یابد.

معجم‌نویسی در ابتدا توسط مستشرقان ابداع شد.^{۵۹۱} پس از آنکه بخشی از کتابهای حدیثی اهل سنت به مغرب‌زمین انتقال یافت، گروهی از مستشرقان، برای آسان شدن دست‌یابی به احادیث معجم‌نویسی را آغاز کردند. آنها در ابتدا کتاب *مفتاح كنوز السنه* یا *کلید گنجینه‌های حدیث* را در سال ۱۹۲۷ تدوین کردند. در این اثر مطالب و موضوعات چهارده کتاب مهم اهل سنت فهرست شده است.

۵۸۹. جهود المعاصرين، ص ۳۴.

۵۹۰. آقای محمود ده‌سرخی اصفهانی کتاب *مفتاح الكتب الأربعة* را در ۳۸ جلد تدوین کرده است.

۵۹۱. برای آگاهی از تلاشهای مستشرقان در زمینه حدیث ر. ک: مقاله «درآمدی بر مطالعات حدیثی خاورشناسان»، *مجله علوم حدیث*، شماره ۲۸.

مستشرقان در همان سالها پژوهش بزرگ *المعجم المفهرس لألفاظ الأحاديث النبوی* را آغاز کردند و تلاش ۶۵ ساله ایشان (۱۹۸۷ - ۱۹۲۲) به بار نشست و به بهترین شیوه و کمترین غلط در هشت جلد پایان یافت. در این کتاب احادیث نه کتاب مهم (کتب سته + سنن دارمی + موطأ مالک + مسند احمد) ریشه‌یابی و تنظیم شده‌اند. دقت، اتقان و انسجام از مهم‌ترین ویژگیهای این اثر است.

تلاشهای مستشرقان به سرعت مورد استقبال مسلمانان قرار گرفت. رشید رضا و احمد محمد شاکر از کتاب *مفتاح كنوز السنه* بسیار سود جستند. و محمد فؤاد عبدالباقي نیز آن را به عربی ترجمه کرد. در میان شیعیان نیز ابتدا آقای مصطفوی *المعجم المفهرس* را برای کتاب *نهج البلاغه* تنظیم کرد که نگاشت. این اثر مورد استقبال بزرگان و فرهیختگان قرار گرفت.

در دهه‌های اخیر نیز چندین گروه به معجم‌نگاری پرداخته‌اند: گروهی به سرپرستی آقای علی‌رضا برارزش معجم‌هایی را برای کتابهای *بحار الأنوار* (در سی جلد)، *وسائل الشیعه* (در هفت جلد)، کتب *الأربعه* (در ده جلد) و *مستدرک وسائل الشیعه* (در شش جلد) تدوین کرده‌اند.

پژوهشگران دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم نیز کتاب *المعجم المفهرس فی ألفاظ أحادیث بحار الأنوار* را در چهارده جلد نگاشته این اثر از جهات متعددی (اعراب‌گذاری، دقت و ...) از تلاشهای مشابه پیشین برتر است.

در دوره‌های اخیر برای کتابهای مختلف حدیثی، مانند *نهج البلاغه*، *غرر الحکم* و ... معجم الفاظ نگاشته شده است.

در دو دهه اخیر، با فراگیر شدن رایانه و نرم‌افزارهای علوم اسلامی مراجعه به کتابهای معجم بسیار کم‌رنگ شده است و این کتابها تنها برای پژوهشهایی ویژه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چکیده

✓ با تسامح در معنای اصطلاحی مسند، می‌توان گردآوری کلمات هر معصوم را «مسند» نامید، سیوطی در قرن نهم سخنان حضرت زهرا (سلام الله علیها) را در *مسند فاطمه* گرد آورد، در عصر حاضر نیز عزیز الله عطاردی سعی کرده است گفته‌های بیشتر معصومان (علیهم السلام) را جمع‌آوری کند.

✓ اهل سنت در دوره‌ای که به مسانید نیاز مبرم بود، آثار متعددی خلق کردند به گونه‌ای که امروز نیازی به نگارش جدید و بازسازی مسانید نیست. در دوران معاصر تحقیقها و تصحیحهای بسیار خوبی بر مسانید گذشتگان انجام شده است.

✓ معروف‌ترین مستدرک عصر حاضر تلاشی ارزشمند از میرزا حسین نوری طبرسی صاحب کتاب *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل* است.

✓ پیشرفت در زمینه گسترش علوم، صنعت چاپ و ... این ایده را پروراند که می‌شود آثار گذشته را کامل‌تر و بدون کاستی‌های پیشین عرضه داشت، آیه الله بروجردی با همین ایده و برای رفع نواقص کتاب *وسائل الشیعه*، طرح کتاب جامع *الأحادیث الشیعه* را بنیان گذاشت.

✓ نگارش اربعینیات در میان شیعه و سنی همواره رو به فزونی است، در عصر حاضر دهها نفر از عالمان و نویسندگان به گردآوری چهل حدیث یا شرح چهل حدیث پرداخته‌اند.

- ✓ با توجه به اینکه شمار احادیث قدسی در کتابهای سنیان بیش از کتابهای شیعیان است، توجه به این گونه احادیث نیز در آثار سنیان بیشتر دیده می‌شود و در عصر حاضر دهها عنوان کتاب احادیث قدسی از سوی عالمان سنی تدوین شده است.
- ✓ در طول چهارده قرن عالمان شیعی کتابهایی را با عناوینی همچون «کتاب الادعیة، الادعیة والاحراز، الادعیة والاذکار، الادعیة والزاریات، ادعیة الائمة، ادعیة آیام الاسبوع، ادعیة الساعات، ادعیة السفر و...» تألیف کرده‌اند.
- ✓ وجه مشترک تمام موسوعه‌ها نگاه نویسندگان آن است که بر این باوراند که تمام مطالب مورد نیاز خواننده را در یک موضوع گرد آورده‌اند.
- ✓ خلاصه‌نویسی بیشتر به دلیل «طولانی بودن یک متن، مخاطب ویژه داشتن، جداسازی سره از ناسره و...» انجام می‌شود. البته گاهی تلخیص آثار گذشتگان خوشایند مجامع علمی، عالمان دینی و یا عموم مردم نیست.
- ✓ صنعت چاپ و رایانه سبب شد تا اندیشمندان شیعه و سنی از آثار علمی یکدیگر بیشتر و راحت‌تر بهره‌برند. از برکات این صنایع بررسی و پژوهش در حوزه احادیث سنیان است.
- ✓ کتابهای حدیثی و دست‌نوشته‌های روایی از ارزشمندترین آثار فرهنگی مسلمانان‌اند که عمر برخی از آنها به صدها سال پیش باز می‌گردد. در عصر حاضر، عالمان فرهیخته سعی کردند تا نسخ خطی را تصحیح و به نوعی احیا کنند.
- ✓ در دوران معاصر بسیاری از کتابهای کوچک و بزرگ اهل سنت، از سوی حدیث پژوهان ایشان تحقیق و با متونی اصلاح شده، همراه با فهرس و تخریج، عرضه شده است.
- ✓ از تلاشهای بسیار ارزشمندی که در سده اخیر انجام شد، نگارش کتابهای معجم الفاظ بود. با مراجعه به این کتابها به آسانی می‌توان به احادیث دلخواه در کتابهای مختلف دست یافت.